

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران
(بارویکرد افزایش توان صادرات)

سعادت طباطبائی
علی اصغر آردری

دفتر مطالعات زیربنایی
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

طباطبایی، سعادت

سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران: (با رویکرد افزایش توان صادرات)/
سعادت طباطبایی، علی اصغر اژدری. -- تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها،
۱۳۸۷.

۲۹۸ ص. - (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۸۷/۵۱)

ISBN: 978-964-8427-37-0: ریال ۴۵۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۲۹۳]-۲۹۸؛ همچنین به‌صورت زیرنویس.

۱. صنایع کوچک- ایران. ۲. حمایت‌گرایی- ایران. ۳. سیاست صنعتی- ایران. الف.
اژدری، علی اصغر، نویسنده همکار. ب. مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش‌ها. دفتر
مطالعات زیربنایی. ج. عنوان.

HD ۲۳۴۶ / الف ۹ط۲

۱۳۷۸

عنوان: *سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران* (با رویکرد افزایش توان صادرات)

مؤلفان: سعادت طباطبایی و علی اصغر اژدری

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر نشر: عبدالرضا فاضلی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: نگاران شهر

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است.

کلیه حقوق برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

پیشگفتار ناشر	۱
پیشگفتار	۳
مقدمه	۵
فصل اول کلیات تحقیق	۷
۱-۱ شرح و بیان مسئله	۱۰
۱-۲ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق	۱۵
۱-۳ اهداف تحقیق	۱۸
۱-۴ فرضیه‌های تحقیق	۱۸
۱-۵ پیشینه پژوهش (سابقه علمی طرح)	۱۹
۱-۵-۱ پژوهش‌های انجام شده در ایران و سایر کشورها	۱۹
۱-۵-۲ وجوه تمایز و نوآوری‌های این تحقیق	۲۳
۱-۶ روش تحقیق (الگوی تحقیق)	۲۳
۱-۶-۱ جامعه آماری	۲۵
۱-۶-۲ روش جمع‌آوری داده‌ها و ابزار جمع‌آوری اطلاعات	۲۶
۱-۶-۳ روش آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات	۲۶
۱-۷ محدوده زمانی تحقیق	۲۶
۱-۸ محدودیت تحقیق	۲۶
۱-۹ کلیدواژه‌های مورد استفاده در تحقیق	۲۷
فصل دوم نقش صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران	۲۹
۲-۱ تعداد بنگاه‌ها و سهم اشتغال در آنها	۳۱
۲-۲ سهم ارزش افزوده و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار به تفکیک صنایع کوچک، متوسط و بزرگ	۳۷
۲-۳ میزان سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ	۴۹
۲-۴ میزان سرمایه‌گذاری و نسبت اضافی سرمایه به تولید در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ	۵۵
۲-۵ نقش صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در تجارت خارجی ایران	۶۲
فصل سوم مروری بر روند تجارت جهانی و بررسی نقش صنایع کوچک و متوسط در	
تجارت خارجی	۷۱

- ۳-۱ مبانی نظری ارتباط بین صادرات و مقیاس بنگاه ۷۴
- ۳-۲ روند تجارت جهانی و رشد تولید ۷۶
- ۳-۳ ساختار توزیع تولید صنعتی جهان ۷۸
- ۳-۴ ساختار توزیع ارزش افزوده صنعتی جهان ۸۱
- ۳-۵ بررسی ساختار تجارت جهانی ۸۵
- ۳-۶ ساختار فناوری فعالیت‌های صنعتی در جهان ۹۰
- ۳-۶-۱ منبع‌گرا ۹۱
- ۳-۶-۲ فناوری سطح پایین ۹۱
- ۳-۶-۳ فناوری سطح متوسط ۹۱
- ۳-۶-۴ فناوری سطح بالا ۹۲
- ۳-۷ بررسی عملکرد صنعتی کشورهای در حال توسعه و صنعتی ۹۷
- ۳-۸ نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۰۱
- ۳-۸-۱ سرمایه ۱۰۱
- ۳-۸-۲ فناوری ۱۰۱
- ۳-۸-۳ دسترسی به بازار ۱۰۲
- ۳-۸-۴ بهنگام شدن فنون مدیریتی ۱۰۲
- ۳-۹ شاخص درجه آزادی اقتصادی ۱۰۷
- ۳-۱۰ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در تجارت خارجی و نقش سیاست‌های کلان و استراتژی‌های تجاری ۱۱۰
- ۳-۱۰-۱ نقش سیاست‌های کلان باثبات بر صنایع کوچک و متوسط ۱۱۴
- ۳-۱۰-۲ استراتژی تجاری بنگاه‌های کوچک و متوسط رقابتی ۱۱۶
- ۳-۱۱ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی کره جنوبی ۱۱۸
- ۳-۱۲ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی تایوان ۱۲۲
- ۳-۱۳ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی ژاپن ۱۲۶
- ۳-۱۴ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی اندونزی ۱۳۰

فصل چهارم بررسی سیاست‌های حمایتی و نقش عوامل مؤثر بر حمایت از صنایع کوچک

- در ایران ۱۳۵
- ۴-۱ بررسی عملکرد بانک صنعت و معدن با رویکرد تسهیلات پرداختی به صنایع کوچک ۱۳۷
- ۴-۲ صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در ایران ۱۴۶
- ۴-۳ نهادهای حمایتی برای صنایع کوچک و متوسط در ایران ۱۴۷
- ۴-۳-۱ سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران (متولی اصلی) ۱۴۷

- ۴-۳-۲ مرکز توسعه صادرات ایران ۱۴۹
- ۴-۳-۳ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ۱۵۱
- ۴-۴ خط‌مشی دولت و سیاست‌های تجاری تأثیرگذار بر بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران ۱۵۳
- ۴-۴-۱ مشوق‌های مالیاتی ۱۵۳
- ۴-۴-۲ مشوق‌های گمرکی ۱۵۳
- ۴-۴-۳ مشوق‌های مالی ۱۵۴
- ۴-۴-۴ مشوق‌های سرمایه‌گذاری خارجی ۱۵۴
- ۴-۵ جهت‌گیری کلی سیاست‌های دولت در زمینه بنگاه‌های کوچک و متوسط از ابتدا تا سال ۱۳۷۹ ۱۵۵
- ۴-۶ جهت‌گیری‌های اصلی بخش صنعت و معدن در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) ۱۵۶
- در زمینه صنایع کوچک ۱۵۶
- ۴-۷ مسائل و مشکلات پیش روی صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف جهان ۱۵۸
- ۴-۷-۱ تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط و مشکلات فراروی ۱۵۹
- ۴-۷-۲ مشکلات بازاریابی ۱۵۹
- ۴-۷-۲-۱ ضعف بازاریابی و تحقیقات ۱۶۰
- ۴-۷-۲-۲ دسترسی به بازار ۱۶۰
- ۴-۷-۲-۳ یک‌طرفه بودن بازار ۱۶۱
- ۴-۷-۲-۴ مشکل عدم شناخت کامل نیازها و الزامات بازار ۱۶۱
- ۴-۷-۳ مشکلات همکاری بین صنایع کوچک و متوسط و مؤسسات پشتیبان ۱۶۲
- ۴-۷-۴ مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط در کسب‌وکارهای بین‌المللی ۱۶۲
- ۴-۷-۴-۱ موانع روان‌شناختی ۱۶۳
- ۴-۷-۴-۲ موانع عملیاتی ۱۶۳
- ۴-۷-۴-۳ موانع سازمانی ۱۶۳
- ۴-۷-۴-۴ موانع مربوط به محصول و بازار ۱۶۳
- ۴-۷-۵ مشکلات پیش‌روی صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط ۱۶۳
- ۴-۸ استراتژی توسعه صنایع کوچک و متوسط در سایر کشورها ۱۶۶
- ۴-۸-۱ ایجاد محیط مناسب برای فعالیت صنایع کوچک و متوسط (اصلاحات زیرساختی) ۱۶۷
- ۴-۸-۱-۱ ایجاد مراکزی برای سیاست‌گذاری در مورد صنایع کوچک و متوسط ۱۶۷
- ۴-۸-۱-۲ ایجاد مؤسسات و سازمان‌های پشتیبان برای صنایع کوچک و متوسط ۱۶۸
- ۴-۸-۱-۳ اصلاح بازارهای سرمایه ۱۶۹
- ۴-۸-۱-۴ اصلاح قوانین و تصویب قوانین جدید ۱۶۹

- ۱۷۰-۴-۸-۱-۵ ایجاد سیستم آماری مناسب ۱۷۰
- ۱۷۰-۴-۸-۲ ظرفیت‌سازی و تقویت صنایع کوچک و متوسط ۱۷۰
- ۱۷۰-۴-۹ بررسی سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در چند کشور منتخب ۱۷۰
- ۱۷۱-۴-۹-۱ جهت‌گیری سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کره جنوبی ۱۷۱
- ۱۷۲-۴-۹-۱-۱ بهبود ساختار و جایگاه رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط ۱۷۲
- ۱۷۴-۴-۹-۱-۲ کمک به ایجاد ثبات اقتصادی ۱۷۴
- ۱۷۵-۴-۹-۱-۳ کمک به تأسیس بنگاه‌های کوچک و متوسط جدید ۱۷۵
- ۱۷۶-۴-۹-۱-۴ حمایت از نوآوری‌های تکنولوژیکی ۱۷۶
- ۱۷۷-۴-۹-۱-۵ حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای ورود به بازارهای جهانی ۱۷۷
- ۴-۹-۲ رویکرد برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در تایوان ۱۷۸
- ۱۷۸-۴-۹-۲-۱ حمایت‌های مالی و مالیاتی ۱۷۸
- ۱۷۹-۴-۹-۲-۲ حمایت‌ها و تسهیلات فنی، تخصصی و مشاوره‌ای ۱۷۹
- ۱۸۰-۴-۹-۲-۳ حمایت‌های آموزشی و ترویجی ۱۸۰
- ۱۸۲-۴-۹-۳ سیاست‌های کلی و استراتژی‌های حمایتی برای صنایع کوچک و متوسط در مالزی ۱۸۲
- ۱۸۳-۴-۹-۳-۱ ایجاد فضای مناسب برای رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط ۱۸۳
- ۱۸۴-۴-۹-۳-۲ افزایش قدرت رقابت بنگاه‌های کوچک و متوسط ۱۸۴
- ۱۸۴-۴-۹-۳-۳ برنامه‌های جامع برای همکاری بنگاه‌های کوچک و متوسط با صنایع بزرگ ۱۸۴
- ۱۸۵-۴-۹-۳-۴ حمایت از صادراتی شدن بنگاه‌های کوچک و متوسط ۱۸۵
- ۴-۹-۴ جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ساختار اقتصادی ژاپن ۱۸۶
- ۱۸۶-۴-۹-۴-۱ بررسی روند حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ژاپن ۱۸۶
- ۱۸۷-۴-۹-۴-۲ بسته‌های حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ژاپن ۱۸۷
- ۴-۹-۵ جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد اندونزی ۱۸۹
- ۱۸۹-۴-۹-۵-۱ گسترش پیمانکاری فرعی در سطح صنایع کوچک اندونزی ۱۸۹
- ۱۹۰-۴-۹-۵-۲ مدل‌های همکاری صنایع کوچک با صنایع بزرگ ۱۹۰
- ۱۹۱-۴-۹-۵-۳ نحوه حمایت دولت اندونزی از صنایع کوچک خوداشتغالی ۱۹۱
- ۴-۹-۶ رویکرد سیاست‌های حمایتی و نقش سازمان‌های حمایت‌کننده از صنایع کوچک و متوسط در کانادا ۱۹۳
- ۴-۹-۶-۱ سازمان‌ها و مؤسسات حمایت‌کننده از بنگاه‌های کوچک و متوسط در کانادا ۱۹۳

- ۴-۹-۶-۲ برنامه‌های عمده حمایتی از صنایع کوچک و متوسط در کانادا ۱۹۶
- ۴-۹-۷ رویکرد سیاست‌ها و نهادهای حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در آلمان ۱۹۸
- ۴-۹-۷-۱ نقش نهادها در اجرای سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط
در آلمان ۱۹۹
- ۴-۱۰ وجوه اشتراک جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی کشورهای مورد مطالعه در قبال صنایع
کوچک و متوسط ۲۰۳
- ۴-۱۰-۱ حمایت مالی و مالیاتی ۲۰۳
- ۴-۱۰-۲ افزایش قدرت رقابت‌پذیری ۲۰۴
- ۴-۱۰-۳ تقویت بازاریابی و صادرات ۲۰۴
- ۴-۱۰-۴ بسترسازی برای توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط جدید ۲۰۶
- ۴-۱۰-۵ ایجاد همکاری بین صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ و گسترش پیمانکاری فرعی ۲۰۶
- ۴-۱۰-۶ ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی به صنایع کوچک و متوسط ۲۰۷

فصل پنجم برآورد مدل صادرات و تحلیل عوامل مؤثر بر صادرات صنایع کوچک

- در ایران ۲۰۹
- ۵-۱ اهمیت مقوله صادرات ۲۱۱
- ۵-۲ تصریح مدل تقاضای صادرات صنایع کوچک ۲۱۳
- ۵-۳ برآورد مدل صادرات صنایع کوچک در ایران و تحلیل ضرایب ۲۱۸
- ۵-۴ آزمون فرضیات ۲۲۹
- ۵-۵ تجزیه و تحلیل نتایج به‌دست آمده ۲۳۰

فصل ششم جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌ها و راهکارهای حمایتی

- ۶-۱ جمع‌بندی ۲۳۷
- ۶-۱-۱ نگاهی گذرا بر کلیات و فرضیه‌های تحقیق ۲۳۷
- ۶-۱-۲ عملکرد صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در اقتصاد ایران ۲۳۹
- ۶-۱-۳ روند تجارت جهانی و نقش صنایع کوچک و متوسط در تجارت خارجی ۲۴۳
- ۶-۱-۳-۱ مبانی نظری صادرات در صنایع کوچک ۲۴۳
- ۶-۱-۳-۲ روند تجارت جهانی و رشد تولید ۲۴۳
- ۶-۱-۳-۳ ساختار توزیع تولید صنعتی جهان ۲۴۴
- ۶-۱-۳-۴ ساختار توزیع ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) جهان ۲۴۴
- ۶-۱-۳-۵ بررسی ساختار تجارت جهانی ۲۴۵
- ۶-۱-۳-۶ ساختار فناوری فعالیت‌های صنعتی در جهان ۲۴۶

۲۴۷.....	۶-۱-۳-۷ عملکرد صنعتی کشورهای در حال توسعه و صنعتی
۲۴۸.....	۶-۱-۳-۸ نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۲۴۹.....	۶-۱-۳-۹ شاخص درجه آزادی اقتصادی
۲۵۰.....	۶-۱-۳-۱۰ مطالعه تطبیقی در زمینه نقش و سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در تجارت خارجی
۲۵۴.....	۶-۱-۴ بررسی سیاست‌های حمایتی و نقش عوامل مؤثر بر حمایت از صنایع کوچک در ایران
۲۵۴.....	۶-۱-۴-۱ عملکرد بانک صنعت و معدن در زمینه پرداخت تسهیلات به صنایع کوچک
۲۵۶.....	۶-۱-۴-۲ صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک
۲۵۷.....	۶-۱-۴-۳ سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران
۲۵۸.....	۶-۱-۴-۴ مرکز توسعه صادرات ایران و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن
۲۵۹.....	۶-۱-۴-۵ جهت‌گیری سیاست‌های دولت در زمینه صنایع کوچک
۲۶۰.....	۶-۱-۴-۶ مشکلات پیش‌روی صادرات صنایع کوچک و متوسط و راهکارهای یونیدو
۲۶۱.....	۶-۱-۴-۷ استراتژی توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف
۲۶۲.....	۶-۱-۴-۸ وجوه اشتراک جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی در کشورهای مورد مطالعه در قبال صنایع کوچک و متوسط
۲۶۸.....	۶-۱-۵ برآورد مدل صادرات و تحلیل عوامل مؤثر بر صادرات صنایع کوچک در ایران
۲۶۸.....	۶-۱-۵-۱ اهمیت مقوله صادرات
۲۶۸.....	۶-۱-۵-۲ تصریح مدل تقاضای صادرات صنایع کوچک
۲۶۹.....	۶-۱-۵-۳ برآورد مدل صادرات صنایع کوچک در ایران و بررسی نتایج به‌دست آمده
۲۷۳.....	۶-۲ نتیجه‌گیری
۲۷۷.....	۶-۳ ارائه توصیه‌ها و راهکارهای حمایتی
۲۸۱.....	پیوست‌ها
۲۹۳.....	منابع و مأخذ

پیشگفتار ناشر

صنایع کوچک و متوسط با توجه به نقش و سهمی که در اقتصاد ایران دارند، از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات صنعتی به‌خصوص تقویت حلقه‌های ارتباطی پیشین و پسین فیما بین صنایع کوچک و متوسط و بزرگ برخوردارند؛ به‌طوری‌که با نگاهی پویا و دینامیک به این موضوع می‌توان روند تبدیل صنایع کوچک و متوسط به صنایع بزرگ را ایجاد و یا تقویت کرد تا هم از مزایای کارآفرینی و نوآوری در صنایع کوچک و متوسط و هم از مزایای هم‌افزایی و صرفه‌های ناشی از مقیاس و توان صادراتی صنایع بزرگ بهره‌مند شد.

بدیهی است نگاه ایستا و حمایت‌های مقطعی و نامنسجم از صنایع کوچک محکوم به شکست است. بنابراین برای اجتناب از این امر باید با اتخاذ سیاست‌های حمایتی بلندمدت و ایجاد و گسترش خوشه‌های صنعتی در صنایع کوچک به ظرفیت‌های جدیدی در صنایع متوسط و بزرگ رسید.

به نظر می‌رسد اساسی‌ترین مشکل در صنایع کوچک ایران وجود حلقه‌های مفقوده میان بین این صنایع و صنایع بزرگ و به‌عبارت‌دیگر نقش ضعیف و کم‌رنگ صنایع متوسط در اقتصاد کشور است. به‌رغم بهبود نسبی عملکرد صنایع متوسط طی سال‌های اخیر به‌خصوص دوره زمانی پنج‌ساله برنامه سوم توسعه، هنوز نقش این صنایع در خروجی صنعت در مقایسه با دیگر کشورهای موفق جهان در زمینه صنایع کوچک و متوسط بسیار ضعیف است.

یافته‌های این مطالعه گویای این حقیقت است که اولاً کالاهای صادراتی صنایع کوچک کشور در بازارهای خارجی (هدف) از کشش‌پذیری بالایی برخوردار است و در

صورت بی‌توجهی به قیمت تمام شده و کیفیت کالاهای صادراتی به سهولت توسط کالاهای رقیب و مشابه خارجی از چرخه رقابت کنار خواهند رفت؛ ثانیاً دلیل اصلی پایین بودن سهم صنایع کوچک در صادرات صنعتی کشور، تمایل ذاتی این صنایع به درون‌گرایی و توجه صرف به بازارهای داخلی و نبود تولید، مازاد بر تقاضای داخلی است. کتاب حاضر در راستای رسالت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و با هدف آسیب‌شناسی بخش صنایع کوچک و متوسط (با به‌کارگیری مدل صادرات) و ارائه راهکارهای کاربردی جهت افزایش توان صادراتی در چارچوب بسته‌های سیاستی و تصمیم‌سازی تهیه شده است تا در امر تصمیم‌گیری در زمینه صنایع کوچک و متوسط مفید فایده واقع گردد.

امید است این مطالعه راهنمای خوبی برای مدیران اجرایی، کارشناسان و دانش‌پژوهان در امر سیاست‌گذاری در بخش صنعت کشور به‌شمار آید.

معاون پژوهشی مرکز

پیشگفتار

طرح تدوین سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران با رویکرد افزایش توان صادرات با صرف مدت شش ماه و با تلاش وافر و دقیق همکاران در قالب شش فصل به انجام رسید. یکی از مزیت‌های این طرح در مقایسه با طرح‌های انجام‌شده در زمینه صنایع کوچک کشور، به‌کارگیری مدل صادرات گلدشتاین و خان (۱۹۷۸ و ۱۹۸۵) و دیگران و تعمیم آن برای صنایع کوچک کشور است. برآورد این مدل به‌صورت لگاریتمی و با هدف محاسبه ضرایب کشش‌های صادراتی درآمد جهانی، قیمت‌های نسبی، نرخ ارز بازار آزاد و میزان تولید صنایع کوچک ایران صورت گرفته است. با انجام مطالعه تطبیقی در زمینه بررسی تجارت خارجی جهان و نقش صنایع کوچک در آن سعی شده است عمدتاً از جدیدترین آمار و ارقام مربوط به سال‌های منتهی به ۲۰۰۷ و مراکز و سازمان‌های معتبر بین‌المللی استفاده گردد. گفتنی است که در زمینه بررسی شاخص‌های عملکردی صنایع کوچک و به‌خصوص برآورد مدل صادرات صنایع کوچک از آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران به‌صورت سری زمانی ده‌ساله (۱۳۷۴-۱۳۸۳)، با پوشش آماری دو برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران استفاده شد که مبانی تطبیقی خوبی را در اختیار کارشناسان و پژوهشگران قرار خواهد داد. امید است مجموعه حاضر راهنمای خوبی برای تمامی کارشناسان علی‌الخصوص مدیران و کارشناسان سازمان‌های اجرایی ذی‌ربط به‌حساب آمده و بتواند این نکته کلیدی را تبیین سازد که مهم‌ترین راهکار برای افزایش توان صادرات در صنایع کوچک ایران، تقویت ظرفیت‌ها و افزایش تولید، مزاد بر تقاضای داخلی است.

ذکر این نکته الزامی است که گزارش مذکور همانند هر کار پژوهشی، خالی از

اشکال نخواهد بود لذا مزید امتنان است که رهنمودهای اصلاحی را مبذول فرمایید. در پایان از زحمات بی‌شائبه آقایان مهندس محمدرضا محمدخانی، ناظر علمی طرح و مهندس محمدحسن معادی رودسری، مشاور طرح، که با دقت و نکته‌سنجی خودشان بر غنای کار افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌گردد. در نهایت از زحمات جناب آقای منصور عسگری و سرکار خانم هاجر رنجبر (همکاران پژوهشی) و سرکار خانم بهناز عباسی که مسئولیت تایپ و تنظیم گزارش را به عهده داشتند، تشکر و قدردانی به‌عمل می‌آید.

مقدمه

هرچند نظریه پردازان کلاسیک بیش از یکصد سال پیش نظریه‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک را مطرح کردند؛ اما در سه دهه اخیر، هم‌زمان با گسترش نفوذ نظریه پردازان نئوکلاسیک این نظریه در قالب کارآفرینی از رونق زیادی برخوردار شده است. با توجه به مزیت صنایع کوچک و متوسط در زمینه ایجاد ارزش افزوده، اشتغال‌زایی، صادرات و به‌خصوص نوآوری در فناوری‌های تولید و تجارت و غیره، مطالعه و اتخاذ شیوه‌های رقابتی کردن صنایع کوچک و متوسط با فناوری بالا به‌منظور افزایش توان صادراتی آنها دارای اهمیت فراوانی است.

هدف اصلی از انجام این تحقیق تدوین بسته‌های سیاستی-حمایتی برای صنایع کوچک ایران با رویکرد خاص به ارتقای توان صادراتی این صنایع است. به همین دلیل به‌منظور بررسی کمی و دقیق‌تر موضوع مورد مطالعه، مدل صادرات برای صنایع کوچک ایران براساس رابطه گلدشتاین و خان (۱۹۷۸ و ۱۹۸۵)، جیورجیانی و میلیسی فراتی (۱۹۹۷) و آلبرتو بهار و لاورنس ادواردز (۲۰۰۴) به‌صورت فرم تبعی لگاریتمی تصریح گردید. در برآورد مدل صادرات از آمار صادرات مستقیم صنایع کوچک کشور (مرکز آمار ایران) براساس کد آیسیک^۱ سه‌رقمی، شامل ۵۶ فعالیت صنعتی، طی سال‌های برنامه سوم توسعه یا دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ استفاده شد.

نتایج حاصل از برآورد مدل صادرات برای صنایع کوچک ایران، نشان‌دهنده این است که کشش صادراتی صنایع کوچک نسبت به شاخص‌های درآمد جهانی، قیمت‌های

1. International Standard of Industrial Classification of all Economic Activities (ISIC).

نسبی، نرخ ارز بازار آزاد و میزان تولید صنایع کوچک ایران به ترتیب مساوی با ارقام ۴/۸۱، ۱/۴۴، ۱/۶۷ و ۰/۹۵ درصد است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً کالاهای صادراتی صنایع کوچک کشور در بازارهای خارجی (هدف) از کشش‌پذیری بالایی برخوردار بوده و به همین دلیل بدیهی است که در صورت توجه نکردن به قیمت تمام‌شده و کیفیت کالاهای صادراتی، به سهولت توسط کالاهای رقیب و مشابه خارجی جایگزین خواهند شد؛ ثانیاً عملکرد صادراتی صنایع کوچک کشور نسبت به سیاست‌های حمایتی در قالب سیاست‌های ارزی واکنش مثبت می‌دهد، به طوری که به ازای هر یک درصد افزایش در قیمت نرخ ارز، میزان صادرات حدود ۱/۶۷ درصد افزایش می‌یابد؛ ثالثاً با توجه به نزدیکی مقدار کشش صادرات به تولید صنایع کوچک به عدد یک درصد (۰/۹۵ درصد)، می‌توان انتظار داشت که به ازای هر درصد افزایش در تولید صنایع کوچک ایران، به همان نسبت میزان صادرات نیز افزایش پیدا کند.

بنابراین در نتیجه‌گیری نهایی باید گفت که دلیل اصلی پایین بودن سهم صنایع کوچک در امر صادرات صنعتی کشور، تمایل ذاتی این صنایع به درون‌گرایی و توجه صرف به بازارهای مصرف داخلی و فقدان تولید مازاد بر تقاضای داخلی است.

فصل اول

کلیات تحقیق

در سال‌های اخیر اهمیت و نقش صنایع کوچک و متوسط در کشورهای صنعتی و در حال توسعه رو به افزایش بوده است. در دو دهه گذشته با ظهور فناوری‌های جدید در تولید و ارتباطات، تحولاتی در قابلیت واحدهای صنعتی، روش‌های تولید، توزیع و ساختار تشکیلاتی بنگاه‌ها پدید آمده که عموماً بر اهمیت واحدهای کوچک و متوسط افزوده است. امروزه در اکثر کشورهای جهان، صنایع کوچک و متوسط از جنبه‌های مختلف اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش‌آفرینی هستند. در بسیاری از کشورها این صنایع تأمین‌کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری‌های جدید هستند. این صنایع با صادرات قابل توجه نقش مؤثری در توسعه اقتصادی کشورهای خود ایفا می‌کنند.

هرچند موضوع صنایع کوچک و متوسط در جهان سابقه زیادی دارد؛ اما متأسفانه در ایران در حوزه‌های علمی و سیاست‌گذاری و تدوین سیاست‌های حمایتی چندان به اهمیت و جایگاه این بخش پرداخته نشده و این در شرایطی است که بیش از ۹۹ درصد بنگاه‌های اقتصادی کشور را واحدهای کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند. بدیهی است هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه صنعتی و اقتصادی کشور، اشتغال‌زایی، توسعه صادرات غیرنفتی و نوآوری بدون حمایت و پشتیبانی از صنایع کوچک و متوسط میسر نخواهد شد. با توجه به مباحث بالا، در این تحقیق به موضوع تدوین سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران با رویکرد افزایش توان صادرات پرداخته شده و با تخمین مدل صادرات به صورت سری زمانی ۱۳۷۴-۱۳۸۳ و بررسی شاخص‌های کمی محاسبه شده، راهکارهای لازم در زمینه تدوین سیاست‌های حمایتی صنایع کوچک به‌منظور افزایش توان صادرات و در نهایت افزایش رقابت‌پذیری محصولات صنعتی ارائه می‌گردد.

۱-۱ شرح و بیان مسئله

استراتژی «کوچک، زیباست» ابتدا توسط شوماخر، اقتصاددان آلمانی، در ادبیات اقتصادی مطرح گردید.^۱ در این استراتژی، به‌طور خلاصه بر این امر تأکید می‌شود که مهم‌ترین مسئله کشورهای جهان سوم، بیکاری و افزایش مهاجرت روستاییان به شهرهاست، لذا برنامه‌ها و سیاست‌های صنعتی باید در راستای کاهش بیکاری و بهبود وضع اکثریت مردم باشد. با توجه به این هدف، وی معتقد است که اولاً فرصت‌های اشتغال باید در مناطق روستایی و شهرهای کوچک به‌وجود آید؛ ثانیاً به‌طور متوسط این فرصت‌ها باید به اندازه کافی ارزان باشند؛ ثالثاً با توجه به اینکه جمعیت کشورهای در حال توسعه از آموزش کافی برخوردار نیست و نرخ بی‌سوادی بالاست، روش‌های تولید باید نسبتاً ساده باشد؛ رابعاً روش‌های تولید باید به‌صورتی باشد که از منابع محلی استفاده کند و در نهایت، وی معتقد است که اهداف فوق از رهگذر ایجاد صنایع کوچک، قابل تحقق است.

بررسی روند تاریخی گسترش صنایع کوچک و متوسط نشان می‌دهد که از آغاز انقلاب صنعتی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی، تغییرات در فناوری تولید صنعتی به تشکیل کسب‌وکارهای بزرگ^۲ منتهی شد. اما از این تاریخ به بعد و بنابه تغییر در نظام اقتصادی و فرایندهای تولید، تولید انبوه^۳ به سمت تولید مبتنی بر تخصص‌گرایی انعطاف‌پذیر^۴ پیش رفت و نتیجه چنین تغییراتی، انتقال فعالیت‌های اقتصادی از صنایع بزرگ به صنایع کوچک و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط یا صنایع کوچک و متوسط در عرصه اقتصاد صنعتی بود.^۵

بسیاری از کشورهای جهان حمایت قابل توجهی از صنایع کوچک به‌عمل آورده و در جهت گسترش و تقویت آنها، سیاست‌های اقتصادی متعددی را تدوین نموده‌اند و در این بین کمتر کشوری را می‌توان یافت که در آن قانون یا قوانینی برای حمایت از صنایع کوچک وجود نداشته باشد. اخیراً بسیاری از کشورها به این امر پی بردند که واحدهای تولیدی کوچک قادرند نقش عمده‌ای در اقتصاد ملی ایفا کنند و در برخی از این کشورها

1. E. F. Schumacher, Small is Beautiful, 1973.

2. Big Business.

3. Mass Production.

4. Flexible Specialization.

۵. فرید کی‌مرام و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۲.

چنین به نظر می‌رسد که اقتصاد ملی بر پایه واحدهای کوچک بنا شده است. در کشور تایوان، بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در نظام اقتصادی-اجتماعی محسوب می‌شوند. این کشور از نظر دارا بودن تعداد شرکت‌های کوچک و متوسط صنعتی (از مجموع شرکت‌های صنعتی) در بین کشورهای جهان در جایگاه بالایی قرار دارد و نزدیک به ۹۸ درصد از کل شرکت‌های صنعتی تایوان را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند به طوری که نزدیک به ۷۸ درصد از مجموع افرادی که سالانه جذب بازار کار می‌شوند به استخدام بنگاه‌های کوچک و متوسط درمی‌آیند. نگاهی به آمارهای منتشر شده در مورد وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در تایوان نشان می‌دهد که این بنگاه‌ها نه تنها از نظر تعداد و ایجاد اشتغال مهم هستند، بلکه نقش بسیار مهمی در امر تولید و صادرات این کشور دارند. در سال‌های اخیر بنگاه‌های کوچک و متوسط نزدیک به سی درصد از کل فروش شرکت‌ها و بیست درصد از مجموع صادرات مستقیم این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۲۰۰۲، سهم فروش بنگاه‌های کوچک و متوسط از کل فروش بنگاه‌های تایوان در حدود ۲۱۵/۷ میلیارد دلار و ارزش صادرات مستقیم این بنگاه‌ها به بیش از ۳۸/۹ میلیارد دلار رسیده است.^۱

در ایران بر پایه نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۸۱، اکثر واحدهای صنعتی (تولیدی) جزء صنایع کوچک و متوسط بوده و حدود ۹۹/۲ درصد آنها کسب‌وکارهای کوچک (۱ تا ۴۹ نفر کارکن) هستند، بیش از ۶۳ درصد کل نیروی کار بخش صنعت در این واحدها کار می‌کنند و سهم آنها در ارزش افزوده بخش صنعت کشور بالغ بر ۲۸ درصد می‌شود در حالی که سهم صنایع متوسط و بزرگ (پنجاه نفر کارکن و بیشتر) که فقط ۰/۸ درصد کل بنگاه‌های صنعتی را تشکیل می‌دهند، ۷۲ درصد ارزش افزوده است.^۲

مهم‌ترین مزیت صنایع کوچک^۳ عبارت‌اند از:

۱. غالباً دارای فناوری ملی بوده و وابستگی آنها به خارج از کشور کمتر است.
۲. روش تولید آنها نسبتاً ساده و امور فنی و اداری آنها توسط یک نفر و یا چند نفر

۱. تدبیر، ۱۳۸۲، شماره ۱۳۹، ص ۵۲.

۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.

۳. غلامرضا خاکی، ۱۳۷۲.

قابل اداره شدن است.

۳. این واحدها دارای انعطاف‌پذیری زیاد می‌باشند که به‌واسطه آن می‌توان تصمیمات لازم را به‌سرعت اتخاذ و اجرا نمود.

تعریف صنایع کوچک و متوسط به‌طور گسترده‌ای در میان کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت می‌باشد و شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر آن کشورها معرف صنایع کوچک و متوسط در آنهاست. برخی از شاخص‌هایی که معمولاً در تعریف صنایع کوچک و متوسط به‌کار می‌روند عبارت‌اند از: تعداد کارکنان، سرمایه، دارایی کل، حجم فروش و ظرفیت‌های تولیدی. اما رایج‌ترین شاخص برای تعریف صنایع کوچک و متوسط، استفاده از تعداد کارکنان است. جدول ۱-۱ تعدادی از کشورهای عضو همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک)^۱ را نشان می‌دهد که در آنها صنایع کوچک و متوسط با استفاده از معیارهای مختلف تعریف شده‌اند.

جدول ۱-۱ تعریف صنایع کوچک و متوسط در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک)

ردیف	کشور	تعریف صنایع کوچک و متوسط		معیار
۱	استرالیا	صنایع کوچک صنایع متوسط	کمتر از ۱۰۰ نفر کارکن بین ۱۰۰ تا ۴۹۹ نفر کارکن	تعداد کارکنان
۲	کانادا	صنایع کوچک صنایع متوسط	کمتر از ۱۰۰ نفر کارکن و فروش کمتر از ۵ میلیون دلار کانادا بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفر کارکن و فروش بین ۵ تا ۲۰ میلیون دلار کانادا	تعداد کارکنان و فروش
۳	چین	صنایع کوچک صنایع متوسط	بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر کارکن بین ۱۰۱ تا ۵۰۰ نفر کارکن	تعداد کارکنان
۴	اندونزی	صنایع کوچک و متوسط	کمتر از ۱۰۰ نفر کارکن	تعداد کارکنان
۵	ژاپن	صنایع کوچک صنایع متوسط	کمتر از ۲۰ نفر کارکن بین ۲۰ تا ۳۰۰ نفر کارکن یا کمتر از ۱۰۰ میلیون ین سرمایه	تعداد کارکنان و دارایی

جدول ۱-۱ تعریف صنایع کوچک و متوسط در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (آپک)

ردیف	کشور	تعریف صنایع کوچک و متوسط	معیار
۶	کره جنوبی	صنایع کوچک و متوسط کمتر از ۳۰۰ نفر کارکن و دارایی (سرمایه) بین ۲۰ تا ۸۰ بیلیون وون کره	تعداد کارکنان و دارایی
۷	مالزی	صنایع کوچک و متوسط کمتر از ۱۵۰ نفر کارکن و گردش فروش سالانه کمتر از ۲۵ میلیون رینگیت (واحد پول مالزی)	تعداد کارکنان و فروش
۸	نیوزیلند	صنایع کوچک و متوسط تا ۵۰ نفر کارکن	تعداد کارکنان
۹	فیلیپین	صنایع کوچک بین ۱۰ تا ۹۹ نفر کارکن و دارایی بین ۱/۵ تا ۱۵ میلیون پزو	تعداد کارکنان و دارایی
		صنایع متوسط بین ۱۰۰ تا ۱۹۹ نفر کارکن و دارایی بین ۱۵ تا ۶۰ میلیون P پزو	
۱۰	سنگاپور	صنایع کوچک و متوسط دارایی ثابت کمتر از ۱۵ میلیون دلار سنگاپور	دارایی ثابت
۱۱	تایوان	صنایع کوچک و متوسط کمتر از ۲۰۰ نفر کارکن و سرمایه* کمتر از ۶۰ میلیون دلار تایوان	تعداد کارکنان و سرمایه
۱۲	آمریکا	صنایع کوچک و متوسط کمتر از ۵۰۰ نفر کارکن	تعداد کارکنان

مأخذ: فرید کی مرام و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۴.

* Invested Capital

براساس تعریف اتحادیه اروپا، صنایع کوچک و متوسط، کسب و کارهای تولیدی و خدماتی هستند که کارکنان آنها کمتر از ۲۵۰ نفر باشد. تقسیم‌بندی بنگاه‌های کوچک و متوسط بدین قرار است:

- بنگاه‌های خرد (۱-۹ نفر کارگر)،

- بنگاه‌های کوچک (۱۰-۴۹ نفر کارگر)،

- بنگاه‌های متوسط (۵۰-۲۴۹ نفر کارگر).

به‌علاوه گردش مالی سالانه آنها بایستی کمتر از چهل میلیون یورو بوده و این گزارش مالی در ترازنامه باید کمتر از ۲۷ میلیون یورو باشد و در نهایت از نظر اقتصادی

باید مستقل باشند و بیش از ۵۰ درصد آن متعلق به بخش خصوصی باشد.^۱ در ایران تعاریف متعددی از صنایع کوچک و متوسط وجود دارد. وزارتخانه‌های مختلف، مؤسسات و سازمان‌های مرتبط با این صنایع، هر کدام به روشی، توصیف، طبقه‌بندی و تعریف خاص خود را از بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه می‌دهند. معیار تعریف صنایع کوچک و متوسط در ایران، همانند تعریف رایج در کشورهای مختلف جهان، شاخص تعداد کارکنان است.

براساس تعریف وزارت صنایع و معادن در سند راهبردی توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۵-۱۴۰۴)، اندازه بنگاه‌های با تعداد کارکنان کمتر از پنجاه نفر را صنایع کوچک (تبصره ذیل ماده واحده قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک)، از ۵۰ تا ۱۵۰ نفر را صنایع متوسط و از ۱۵۰ نفر به بالا را بنگاه‌های بزرگ صنعتی می‌نامند. در تعریف وزارت جهاد کشاورزی نیز بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهایی هستند که کمتر از پنجاه نفر کارگر دارند. وزارت تعاون نیز برحسب مورد از تعاریف وزارت صنایع و معادن و مرکز آمار ایران در مورد این صنایع استفاده می‌کند. مرکز آمار ایران مطابق نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی، کسب‌وکارها را به چهار گروه طبقه‌بندی کرده است: کسب‌وکارهای ۱-۹ نفر کارگر، ۱۰-۴۹ نفر کارگر، ۵۰-۹۹ نفر کارگر و بیش از صد نفر کارگر. هرچند این طبقه‌بندی ظاهراً شباهتی با تعاریف اتحادیه اروپا از بنگاه‌های کوچک و متوسط دارد ولی مرکز آمار ایران فقط کسب‌وکارهای کمتر از ده نفر نیروی کار را بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌کند و کسب‌وکارهای بیشتر از ده نفر کارکن را کارگاه‌های بزرگ صنعتی قلمداد می‌کند. بانک مرکزی ایران نیز کسب‌وکارهای زیر صد نفر نیروی کار را به‌عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی می‌کند.

در این پژوهش منظور از «صنایع کوچک» همان تعریف وزارت صنایع و معادن در سند راهبردی توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۵-۱۴۰۴) و موضوع تبصره ذیل ماده واحده «قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک» است که می‌گوید: «صنایع کوچک در این قانون به صنایعی اطلاق می‌شود که شاغلین در آن صنعت کمتر از پنجاه

(۵۰) نفر نیروی انسانی باشد». در تعریف صنایع متوسط و بزرگ نیز تعریف وزارت صنایع و معادن ملاک عمل قرار می‌گیرد.

با توجه به مزیت صنایع کوچک و متوسط در زمینه ارزش افزوده، اشتغال‌زایی و به‌خصوص نوآوری در فناوری‌های تولید و تجارت، سیاست‌های افزایش قدرت رقابت صنایع کوچک و متوسط باید بر پایه شناسایی حوزه‌های تجارت و شناسایی ظرفیت‌های صادراتی صنایع کوچک و متوسط صورت گیرد، به همین دلیل بررسی شیوه‌های رقابتی کردن بنگاه‌های کوچک و متوسط با فناوری بالا در جهت افزایش توان صادراتی آنها، دارای اهمیت فراوانی است. در این پژوهش با توجه به حجم بالای صنایع کوچک در کشور و توان بالقوه این صنایع در ایجاد ارزش افزوده و صادرات محصولات صنعتی تلاش می‌شود اثرات سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک بر عملکرد سرمایه‌گذاری، قدرت رقابتی و در نهایت افزایش توان صادرات در قالب برآورد مدل صادرات براساس رابطه گلدشتاین و خان^۱ (۱۹۷۸ و ۱۹۸۵)، آلبرتو بهار و لاورنس ادواردز^۲ (۲۰۰۴) و جیورجیانی و میلسی فراتی^۳ (۱۹۹۷) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲ اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نظریه پردازان کلاسیک بیش از یکصد سال پیش نظریه‌های مربوطه به بنگاه‌های کوچک را مطرح کردند؛ اما در سه دهه اخیر، هم‌زمان با گسترش نفوذ نظریه‌پردازان نئوکلاسیک، این نظریه در قالب کارآفرینی از رونق زیادی برخوردار شده است. در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، سیاست‌گذاری‌ها در جهت حمایت هرچه بیشتر از صنایع کوچک است و این بنگاه‌های کوچک به‌شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند، تا جایی که به‌عنوان مثال در قانون اساسی کره جنوبی بر حمایت و پشتیبانی هرچه بیشتر از این صنایع تأکید شده است و یا در ژاپن، صنایع کوچک با سامان‌دهی بسیار قوی، نقش مهمی در تحولات صنعتی و تکنولوژیک این کشور ایفا می‌کنند.^۴ براساس مطالعات و

1. Morris Goldstein and Mohsin S. Khan, 1978, 1985.

2. Alberto Behar and Edwards Lawrence, 2004.

3. L. Giorgianni and G. M. Milesi-Ferratei, 1997.

۴. حسن خسروی، ۱۳۷۲.

بررسی‌های انجام شده در سطح جهان توسط سازمان بین‌المللی کار،^۱ حدود هفتاد درصد از نوآوری‌ها و اختراعات در صنعت توسط کارآفرینانی به‌وجود آمد که در واحدهای کوچک و متوسط مشغول بوده‌اند.

نظریه‌های مستند و محکمی وجود دارد که معتقد است منبع ایجاد نوآوری، تفکر خلاق افرادی است که در یک بنگاه فعالیت می‌کنند (نوآوری رادیکال). یکی از این نظریه‌ها، تفاوت ساختار مدیریتی بنگاه‌های کوچک را عامل برتری این صنایع در نوآوری نسبت به هم‌تایان بزرگ‌تر خود می‌داند. به‌عبارت‌دیگر وجود دیوان‌سالاری تشکیلاتی در بنگاه‌های بزرگ، مانع از پذیرش طرح‌های تحقیقاتی با ریسک بالا می‌شود. برخلاف نظریاتی که پیشتر گفته می‌شد، صنایع کوچک به‌دلیل نبود امکانات مالی، از نوآوری حاصل از تحقیق و توسعه محروم‌اند، اما امروزه استفاده از سرریزهای^۲ علمی و تحقیقاتی (فعالیت در انکوباتورها) راهکاری است که در کشورهای پیشرفته برای جبران این نقطه‌ضعف به‌کار می‌رود.^۳ به‌عبارت‌دیگر صنایع کوچک می‌توانند با صرف سرمایه‌گذاری اندک و با به‌کارگیری سرریزهای تحقیقاتی دانشگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ به تولید محصولات نوآورانه بپردازند، یعنی نهادهایی را که از دیگران به‌دست آورده‌اند، تبدیل به درون‌داده‌هایی برای تولید دانش کنند.

با توجه به نقش حیاتی که بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند در توسعه اقتصادی کشورها ایفا کنند و همچنین مزایایی که آنها نسبت به صنایع بزرگ دارند، لزوم توجه به تقویت و توسعه این بنگاه‌ها از جهت رقابت‌پذیر کردن آنها را ضروری می‌نماید. براساس مطالعه‌ای^۴ که توسط وزارت صنایع و معادن در زمینه نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در صادرات غیرنفتی ایران صورت گرفته است، کل صادرات کالا و خدمات کشور تا سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) می‌تواند بالغ بر ۱۰۸ میلیارد دلار گردد که سهم بخش صنعت از این صادرات کالا و خدمات بیش از ۵۶ میلیارد دلار یا ۵۲ درصد خواهد

1. International Labour Organization (ILO).

2. Spillovers

۳. فرید کی‌مرام و همکاران، ۱۳۸۳، صص ۴۷-۴۸.

۴. مرتضی ایمانی‌راد، ۱۳۷۶، صص ۲۷۲.

بود. برای تحقق این پیش‌بینی، ضرورت خواهد داشت برخی از اقدامات در جهت گشودن اقتصاد ایران و توسعه صادرات صورت گیرد.

یونیدو در گزارش سال ۲۰۰۳ با توجه به تجربیات سایر اقتصادهای در حال ظهور و در حال توسعه و با لحاظ محاسباتی در مورد ظرفیت بالقوه ایران، اعلام می‌دارد ایران بایستی تلاش جدی برای تحقق سیاست‌ها و ابزارهای اجرایی مورد نیاز برای توسعه صادرات غیرنفتی بنگاه‌های کوچک و متوسط صورت دهد. این امر موجب گسترش اشتغال‌زایی، رفاه عمومی و مشارکت بین‌المللی در بازارهای جهانی خواهد شد.

بنابراین با توجه به اهمیت و نقش حیاتی صنایع کوچک در اقتصاد ایران می‌توان گفت، حمایت و تقویت بنگاه‌های کوچک از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فردی باعث تحول در جامعه می‌شود، به همین دلیل در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز این موضوع در ماده (۳۹) مطرح شده و به‌موجب آن دولت موظف شده است از طریق حمایت و ایجاد پیوند مناسب بین بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ به اصلاح ساختار بنگاه‌های اقتصادی به روش‌های ذیل اقدام نماید:

۱. حمایت از ایجاد پیوند مناسب بین بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ (اعطای کمک‌های هدفمند)، توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌ها و انجام تمهیدات لازم برای تقویت توان فنی-مهندسی-تخصصی، تحقیق و توسعه و بازاریابی در بنگاه‌های کوچک و متوسط و توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها.

۲. رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاه‌های بزرگ و رقابت‌پذیر و اصلاح ساختار قطبی کنونی.

در سال‌های اخیر و در راستای قانون برنامه چهارم توسعه به‌دلیل اهمیت بالای صنایع کوچک و حمایت از آنها، اعتبارات و تسهیلات هنگفتی در قالب «قانون گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین» به این واحدها اختصاص یافته است که به‌دلیل وجود مشکلات متعدد و عدم استفاده از سیاست‌های مطلوب و بهینه، در پنج ماه

اول سال ۱۳۸۵، فقط حدود ۴/۶۸ درصد^۱ از منابع تخصیصی، توسط این بخش جذب شده است که این امر می‌تواند سبب شود صنایع کوچک نتوانند به رشد قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌های اشتغال، ارزش افزوده و به‌خصوص صادرات دست یابند.

بنابراین مطالعه حاضر در زمینه بررسی مشکلات سیاستی صنایع کوچک در ایران و تدوین سیاست‌های حمایتی بهینه به منظور افزایش عملکرد سرمایه‌گذاری و ترقی توان رقابتی آنها با رویکرد افزایش توان صادرات و ارائه راهکارهای لازم در جهت افزایش ظرفیت جذب سرمایه و تسهیلات در بخش صنایع کوچک (و متوسط) کشور، می‌تواند از اهمیت و جایگاه فوق‌العاده بالایی برخوردار باشد.

۱-۳ اهداف تحقیق

هدف اصلی از انجام این تحقیق، تدوین سیاست‌های حمایتی برای صنایع کوچک ایران با رویکرد خاص به ارتقای توان صادرات این بخش از صنعت کشور است که در قالب محورهای زیر تحقق خواهد یافت:

الف) بررسی عملکرد گذشته و وضعیت موجود سیاست‌های حمایتی صنایع کوچک در ایران،

ب) بررسی تجربه سایر کشورها و نقش نهادهای حمایتی آنها در زمینه حمایت از صنایع کوچک،

ج) بررسی نقش نهادهای حمایتی و ارائه راهکارهای حمایتی برای صنایع کوچک ایران.

۱-۴ فرضیه‌های تحقیق

الف) در سال‌های اخیر حمایت از صنایع کوچک در ایران هدفمند بوده است.

ب) حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش عملکرد سرمایه‌گذاری آنها شده است.

ج) حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش توان رقابتی و قدرت صادراتی آنها شده است.

۱-۵ پیشینه پژوهش (سابقه علمی طرح)

۱-۵-۱ پژوهش‌های انجام شده در ایران و سایر کشورها

اصولاً در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته جهان، اتخاذ سیاست‌های مربوط به حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در راستای کاهش فقر و ایجاد اشتغال، از مهم‌ترین اولویت‌های دولت در امر توسعه محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر مطالعات مختلفی در کشور در زمینه جایگاه و نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی ایران، بررسی وضعیت این بنگاه‌ها در ایران، برنامه‌های توسعه کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک، روش‌های ارتقای بهره‌وری در این بنگاه‌ها، آسیب‌شناسی بنگاه‌های کوچک و متوسط (مطالعات مشترک انجام شده توسط شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و دفتر نمایندگی یونیدو در ایران) و همچنین انجام مطالعات موردی توسط سایر نهادهای کشور مانند سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، نهاد ریاست جمهوری و وزارتخانه‌های ذی‌ربط، بخشی از بررسی‌های نسبتاً گسترده‌ای است که در این زمینه توسط محققان ایرانی در داخل کشور صورت گرفت.

مطالعات و بررسی‌های انجام شده در عرصه جهانی از غنا و گستردگی بیشتری برخوردار است. دولت ژاپن در راستای حمایت از صنایع کوچک و متوسط در مقابل بروز تغییرات و تحولات اقتصادی در جهان، سیاست‌های مدونی را به کار گرفته است.^۱ در کشور چین، صنایع کوچک بخش بسیار بزرگی از اقتصاد آن کشور را تشکیل می‌دهد و بخش عظیمی از اشتغال موجود در بخش‌های تولیدی مانند صنایع غذایی، پوشاک و صنایع سبک به بنگاه‌های کوچک و متوسط، اختصاص دارد. در برنامه‌های علوم و فناوری چین، حمایت از صنایع کوچک و متوسط از طریق تأسیس «صندوق حمایت از نوآوری‌های صنایع کوچک و متوسط» مورد توجه قرار گرفته است. گفتنی است که در سال ۱۹۹۶، صنایع کوچک چین ۶۵/۵۹ درصد از تولید و ۷۵ درصد از اشتغال جدید را به خود اختصاص داده‌اند و به‌رغم مشکلات فراروی این صنایع، تعداد این واحدها در چین در طول ۲۲ سال گذشته، ۲۱ برابر افزایش یافته است.^۲

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲.

۲. سمینار مشترک شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و دفتر نمایندگی یونیدو در ایران، ۱۳۸۲.

کشور تایلند از طریق آژانس ملی توسعه علوم و فناوری به‌منظور بهبود وضعیت تعداد ۱۳۰ هزار واحد بنگاه‌های کوچک و متوسط خود که برای حدود سه میلیون نفر اشتغال ایجاد کرده است، پروژه‌ای با عنوان «خدمات مشورتی صنایع» در سطح ملی به اجرا درآورده است. در سال ۱۹۹۴ فدراسیون صنایع کشور کره جنوبی با تأسیس «بنیاد همکاری‌های فنی و صنعتی کره و آمریکا» از برنامه انتقال فناوری از طریق ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط حمایت کرده است.

در این قسمت به‌طور خلاصه به چندین مطالعه‌ای که در ارتباط با موضوع صادرات صنعتی در داخل و خارج کشور صورت گرفته است، اشاره می‌شود:

۱. **بیدآباد، بیژن (۱۳۷۵):**^۱ توابع صادرات و واردات برای ۹ زیربخش صنعتی در سطح داده‌ها (نه لگاریتم داده‌ها) برازش شده و شبیه‌سازی‌هایی برای عملکرد تجاری این ۹ زیربخش در صورت الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت صورت گرفته است.

۲. **یوسفی، محمدقلی (۱۳۷۵):** توابع واردات برای ۹ زیربخش در چند مدل مختلف، با وقفه صادرات، تولیدات صنعتی، صادرات نفت با وقفه یک‌ساله و قیمت‌های نسبی به‌عنوان متغیرهای توضیحی برآورد شده است.

۳. **صنایعی و معلم (۱۳۷۹):** در این مطالعه به رتبه‌بندی فعالیت‌های صنعتی استان اصفهان در زمینه تولید و صادرات بخش‌های مختلف پرداخته شد. صنایع مختلف در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ براساس مزیت‌های نسبی و رقابتی بر مبنای کدهای آیسیک دورقمی و براساس درجه مزیت رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد طی دوره مورد بررسی بیشترین درجه برخورداری به صنایع تولید فلزات اساسی، تولید زغال کک، پالایشگاه نفت و سوخت‌های هسته‌ای، تولید مواد و محصولات شیمیایی و تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی اختصاص یافته است. علاوه بر آن در مجموعه صنایع همگن استان اصفهان، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده، دباغی و عمل آوردن چرم، ساخت زین و یراق و کیف و چمدان، تولید کفش و صنایع تولید پوشاک، عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار، در زمره صنایع

۱. این مطالعه در سازمان مدیریت صنعتی در سال ۱۳۷۵ با مسئولیت دکتر اکبر کمیجانی انجام شده است.

مزیت‌دار استان اصفهان در دوره مورد بررسی بوده‌اند.

۴. **پیراسته و صامتی (۱۳۸۰):** با استفاده از مدل پانل آماری سهم صادرات هر زیربخش براساس ۸۱۸ مشاهده برای متغیرهای مختلف در هر معادله از جمله درصد کالاهای دارای مهر استاندارد، سهم مواد اولیه و لوازم بسته‌بندی خارجی، هزینه تحقیق و توسعه، بهره‌وری نیروی کار، ستانده صنعت، نرخ ارز، مزیت نسبی آشکار شده، نسبت کارگران غیرماهر به کل شاغلان و درصد کارگاه‌های صنعت با مدیریت بخش خصوصی برآزش شده است. نتایج نشان می‌دهد هزینه‌های تحقیق و توسعه تأثیر مثبت بر سهم صادرات در هر بخش داشته، در حالی که بهره‌وری نیروی کار دارای تأثیر منفی بود. علاوه بر این هرچه سهم بنگاه‌ها با مدیریت خصوصی افزایش می‌یابد، سهم صادرات کاهش پیدا می‌کند.

۵. **اشرفی، یکتا (۱۳۸۱):** در این مطالعه ۹ صنعت به صورت مجزا و با تصریح مجزای متغیرهای توضیحی بر روی تولید ناخالص به تفکیک صنایع ۹ گانه، حاشیه نرخ ارز، واردات واسطه‌ای و نرخ ارز بازار آزاد برآزش شده و واکنش هر بخش به نرخ ارز بازار آزاد به صورت متفاوت و بعضاً با فاصله بسیار زیاد از یکدیگر برآورد شده است. نرخ تعرفه نیز در مدل وارد شد؛ اما به دلیل اینکه تأثیر تعرفه بر صادرات معنادار نبوده لذا این متغیر از مدل حذف گردید.

۶. **عسگری، منصور (۱۳۸۴):** در این تحقیق به بررسی آثار سیاست‌های تجاری و ارزی بر صادرات، واردات، بهره‌وری، ارزش واحد صادرات، ارزش واحد واردات و تابع تولید در سطح کدهای آیسیک دورقمی پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد کشش قیمتی تقاضای صادرات ایران بیش از حد تخمین زده شد. این در حالی است که کشش قیمتی عرضه صادرات کوچک بوده و نشان داده شد که محدودیت اصلی رشد صادرات از طرف عرضه نشئت گرفته است، یا کالایی برای صادرات وجود ندارد و یا صادرکنندگان انگیزه کافی برای صادرات ندارند.

۷. **محسن‌خان (۱۹۷۴):**^۱ در این مطالعه توابع عرضه صادرات و تقاضای واردات برای کشورهای در حال توسعه برآورد شده و تقاضای واردات تابعی از قیمت‌های نسبی و درآمد واقعی در داخل و عرضه صادرات نیز تابعی از قیمت‌های نسبی و درآمد واقعی در خارج در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که تقاضای واردات نسبت به قیمت‌های نسبی اثر منفی و نسبت به درآمد اثر مثبت دارد.

1. Mohsin S. Khan.

۸. گلدشتاین و خان (۱۹۷۶): گلدشتاین و خان نشان دادند که توابع عرضه صادرات و تقاضای واردات همانند مطالعه خان (۱۹۷۴) به متغیرهای دیگری نیز نیاز دارند که بعدها به این متغیرهای اضافه شده جهت توضیح روابط عرضه صادرات و تقاضای واردات، ایراداتی وارد شد که در مطالعه موران (۱۹۸۹)^۱ تشریح شد.

۹. بهمنی اسکویی و تاگرت (۲۰۰۲):^۲ در این مطالعه کشش‌های قیمتی و درآمدی تجارت آمریکا با کشورهای کانادا، ژاپن، آلمان، فرانسه و ایتالیا تخمین زده شد. مدل تقاضای واردات آمریکا از سایر کشورها به صورت زیر تصریح شده است:
معادله (۱-۱):

$$\ln(M_{it}^{U.S.}) = \alpha + \beta_1 \ln(y_{it}^{U.S.}) + \beta_2 \ln(REX_{it}) + \varepsilon_t$$

$\ln(M_{it}^{U.S.})$: لگاریتم واردات واقعی آمریکا از کشور i ام در زمان t ام.

$\ln(y_{it}^{U.S.})$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی آمریکا در زمان t ام.

$\ln(REX_{it})$: لگاریتم نرخ واقعی ارز بین آمریکا و کشور i ام در زمان t ام.

مدل عرضه صادرات نیز به صورت ذیل تصریح شده است:

معادله (۱-۲):

$$\ln(X_{it}^{U.S.}) = \beta_0 + \beta_3 \ln(y_{it}) + \beta_4 \ln(REX_{it}) + \varepsilon_t$$

$\ln(X_{it}^{U.S.})$: صادرات واقعی آمریکا به کشور i ام در زمان t ام.

$\ln(y_{it})$: تولید ناخالص داخلی کشور i ام در زمان t ام.

$\ln(REX_{it})$: لگاریتم نرخ واقعی ارز بین آمریکا و کشور i ام در زمان t ام.

این مطالعه با استفاده از آمار (۱) ۱۹۷۳ - (۲) ۱۹۹۶ و تکنیک هم‌گرایی یوهانسن برآورده شده است. نتایج برآورد مدل صادرات نشان می‌دهد که بیشترین کشش درآمدی به مقدار ۲/۰۲ متعلق به کانادا و کمترین آن به مقدار ۰/۰۶ متعلق به ایتالیا بوده است. در مورد کشش قیمتی، بیشترین مقدار مربوط به انگلستان (۱/۰۸-) و کمترین مقدار مربوط

1. C. Moran.

2. M. Bahmani-oskooee and J. B. Taggart.

به کانادا (۰/۴۵-) بود. نتایج برآورد مدل تقاضای واردات نیز نشان می‌دهد که بیشترین کشش درآمدی مربوط به ایتالیا (۴/۶۲) و کمترین مقدار مربوط به انگلستان (۲/۳۷) بوده و بیشترین مقدار کشش قیمتی به ایتالیا (۲/۷۷) و کمترین مقدار آن، به فرانسه (۰/۲۱) اختصاص داشته است.

۱۰. کزار (۲۰۰۲):^۱ کزار در مطالعه‌ای به تخمین کشش‌های درآمدی و قیمتی صادرات ترکیه با استفاده داده‌های تلفیقی یا پانل‌دیتا پرداخت. این مطالعه به‌صورت بخشی برمبنای کدهای آیسیک دورقمی صورت گرفته و کشورهای طرف تجاری ترکیه در این مطالعه شامل آمریکا، آلمان، فرانسه، هلند، ایتالیا و انگلستان بوده‌اند. پایه آماری در این مطالعه دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۰ است. نتایج نشان می‌دهد که در بلندمدت کشش‌های درآمدی و قیمتی صادرات ترکیه به‌ترتیب معادل با ۴/۵۳ و ۰/۴۲- و در کوتاه‌مدت به‌ترتیب معادل با ۳/۸۴ و ۰/۵۸- است.

۱-۵-۲ وجوه تمایز و نوآوری‌های این تحقیق

عمده پژوهش‌های انجام شده در ایران در زمینه صادرات صنعتی بوده و مطالعه‌ای کمی، در زمینه صادرات صنایع کوچک دیده نمی‌شود.

۱-۶ روش تحقیق (الگوی تحقیق)

در ابتدا به ادبیات نظری تحقیق و در مرحله دوم با انجام مطالعه تطبیقی به اقدامات کشورهای پیشرو در زمینه تقویت و توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط پرداخته می‌شود. در مرحله سوم عملکرد گذشته و وضعیت فعلی صنایع کوچک ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در مرحله چهارم پس از تصریح مدل، عوامل مؤثر بر افزایش توان صادرات و در نهایت قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک ایران مورد بررسی قرار گرفته و در پایان این پژوهش جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و راهکارها و توصیه‌های سیاستی در زمینه حمایت بهینه از صنایع کوچک ایران ارائه می‌گردد.

به‌منظور بررسی کمی و دقیق‌تر موضوع، مدل صادرات صنایع کوچک برآورد می‌گردد.

مدل صادرات براساس رابطه گلدشتاین و خان (۱۹۷۸ و ۱۹۸۵)، آلبرتو بهار و لاورنس ادواردز (۲۰۰۴) و جیورجیانی و میلیس فراتی (۱۹۹۷) به صورت زیر تصریح می‌گردد:
معادله (۱-۳):

$$x_{it} = a_0 + \alpha_1 \tau_{it} + \alpha_2 k_{it} + \alpha_3 reer_t + \alpha_4 p_t + \alpha_5 wgdpt + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه x_{it} صادرات زیربخش‌ها براساس کد آیسیک سه‌رقمی ($i = 1, \dots, 56$)، τ_{it} نرخ تعرفه موزون وارداتی، k_{it} نسبت سرمایه به نیروی کار، $reer_t$ نرخ ارز مؤثر حقیقی (برآورد بانک مرکزی)، p_t قیمت صادراتی (شاخص عمده فروش صادراتی داخلی تقسیم بر نرخ ارز) و $wgdpt$ شاخص تولید ناخالص داخلی جهانی و ε_{it} جزء اخلال است. نرخ ارز مؤثر حقیقی را می‌توان به صورت زیر بسط داد:

$$Px_{jt} = reer_{jt} = \sum_{i=1}^n a_{ij} \left[\frac{(p_j r_{ij} / p_j)_t}{(p_j r_{ji} / p_i)_{1995}} \times 100 \right]$$

$reer = P_x$: نرخ ارز مؤثر واقعی^۱

n : تعداد شرکای تجاری کشور j ام.

P_j : قیمت در کشور j ام.

P_i : قیمت در کشور i ام.

r_{ij} : نرخ ارز کشور i ام بر حسب واحد پول کشور j ام.

a_{ij} : سهم کشور j ام در تجارت با کشور i ام به طوری که $\sum_{j=1}^n a_{ij} = 1$

متغیرهای $reer$ ، $wgdpt$ و p_t برای کلیه زیربخش‌ها مشترک است و تمامی متغیرها بر حسب لگاریتم تعریف شده‌اند که این امر می‌تواند مهم‌ترین مزیت این مدل به منظور تفسیر آسان ضرایب و متغیرهای مرتبط باشد زیرا در این مدل هر یک از ضرایب به منزله کشش آن متغیر نسبت به صادرات محسوب می‌شود که از ابعاد تحلیلی و تدوین سیاست‌های حمایتی دارای اهمیت کلیدی است. ضریب نرخ تعرفه و سرانه موجودی سرمایه برای همه مقاطع زمانی به طور مشترک برآورد می‌شود (α_2, α_1) و

بقیه ضرایب $\alpha_5, \alpha_4, \alpha_3$ به طور مجزا محاسبه می‌گردند. گفتنی است که سری زمانی برای برآورد شاخص‌های عملکردی و مدل مذکور، دوره ۱۳۷۴-۱۳۸۳ است که برنامه‌های دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را از ابعاد آماری پوشش داده و فرصتی به دست می‌دهد تا عملکرد صنایع کوچک در دو برنامه دوم و سوم توسعه کشور مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

۱-۶-۱ جامعه آماری

به طور کلی انتخاب جامعه آماری و شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات مرتبط با آن یکی از مباحث اصلی در تحقیق است زیرا شناسایی این ویژگی‌ها و خصوصیات موجب خواهد شد که دامنه تحقیق در انتخاب جامعه آماری مشخص و معین گردد. در هر سال آمار کارگاه‌های صنعتی (کوچک، متوسط و بزرگ) کشور از سوی مرکز آمار ایران منتشر می‌شود و به طور کلی آمارهای تولید، سرمایه‌گذاری، نیروی کار، جبران خدمات کارکنان یا حقوق و دستمزد، ارزش افزوده، تعداد بنگاه‌ها، نهاده‌ها و هزینه‌های واسطه و درصد مواد اولیه مصرفی خارجی در دسترس بوده اما آمار مربوط به صادرات صنایع کوچک، متوسط و بزرگ فقط از سال ۱۳۷۸ به بعد در ایران جمع‌آوری شده است. بنابراین با توجه به اهداف این مطالعه، آمار و ارقام مربوط به صنایع کوچک (۱۰-۴۹ نفر کارکن) برحسب کدهای آیسیک از آمار کارگاه‌های صنعتی مرکز آمار ایران استخراج و مورد استفاده قرار گرفت. آمار نرخ ارز و شاخص‌های قیمت از حساب‌های ملی ایران (بانک مرکزی) و آمار تولید ناخالص داخلی جهانی (شاخص تولید ناخالص داخلی جهانی)^۱ شاخص‌های قیمت صادرات جهانی از آمار صندوق بین‌المللی پول استخراج شده است.

اطلاعات آماری مورد استفاده در این مطالعه به صورت سالانه بوده و دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ یا برنامه پنج‌ساله سوم توسعه را پوشش می‌دهد. اطلاعات آماری به دو بخش اطلاعات اولیه و پردازش شده تقسیم شده‌اند. اطلاعات اولیه آماری هستند که توسط بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و منابع بین‌المللی که به طور رسمی منتشر شده‌اند. اطلاعات پردازش شده، آماری هستند که توسط مراکز مذکور به طور رسمی منتشر نشده

1. Gross Demestic Product (GDP)

بلکه جزو محاسبات تحقیق محسوب می‌شوند. گفتنی است که اطلاعات اولیه در این مطالعه شامل تولید ناخالص داخلی جهانی، شاخص قیمت، ارزش صادرات و شاخص قیمت‌های خارجی است.

۲-۶-۱ روش جمع‌آوری داده‌ها و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش آمار و داده‌های مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. آمار و اطلاعات مورد نیاز از طریق مکاتبه با مرکز آمار ایران، وزارت صنایع و معادن، بانک مرکزی و سازمان‌های ذی‌ربط تهیه گردید.

۳-۶-۱ روش آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات

این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است و آمار و اطلاعات مربوط به صنایع کوچک ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۸۳ به صورت سری زمانی^۱ در قالب مدل صادرات گلدشتاین و خان و دیگران به صورت log-log مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۷-۱ محدوده زمانی تحقیق

طرح اولیه پژوهش حاضر در قالب پروپوزال در اواخر سال ۱۳۸۵ به دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تسلیم شد. پس از مطالعه و بررسی اولیه و تأیید از سوی دفتر مذکور به معاونت پژوهشی مرکز ارجاع شد که در نهایت پس از بررسی نهایی و تکمیلی سرانجام در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۳ به تصویب رسید. به موجب قرارداد منعقد شده، محدوده زمانی تحقیق از تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۰ لغایت ۱۳۸۶/۸/۱۰ است.

۸-۱ محدودیت تحقیق

مهم‌ترین محدودیت تحقیق حاضر فقدان آمار و اطلاعات مورد نیاز کارگاه‌های صنعتی کوچک زیر ده نفر کارکن (۱-۹ نفر کارکن) به صورت سری زمانی در کشور است. این امر باعث می‌شود که مجری طرح ضمن رعایت تعریف وزارت صنایع و معادن از صنایع

کوچک (۱-۴۹ نفر کارکن) که پیشتر بیان شد عملاً به دلیل تنگنای آماری، برآورد مدل و تجزیه و تحلیل‌های متعاقب آن را بر پایه آمار کارگاه‌های صنعتی کوچک (۱۰-۴۹ نفر کارکن) کشور استوار کند. البته گفتنی است که آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور استثنائاً در سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱ آمار بنگاه‌های ۱-۹ نفر کارکن را نیز مورد محاسبه قرار داده است که در قسمت بررسی عملکرد صنایع کوچک کشور و محاسبه شاخص‌های عملکردی در سال‌های مختلف ملاک عمل قرار می‌گیرد.

گفتنی است، بر مبنای سالنامه آماری سال ۱۳۸۴، توزیع کارگاه‌های صنعتی دارای ده نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد سهم تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰-۴۹ نفر کارکن از کل کارگاه‌های صنعتی کشور، ۷۵/۹ درصد است. بنابراین با توجه به سهم بالای کارگاه‌های صنعتی ۱۰-۴۹ نفر کارکن از کل کارگاه‌های صنعتی کشور و سهم عمدتاً پایین و ذاتی کارگاه‌های ۱-۹ نفر کارکن از ابعاد ارزش افزوده و صادرات محصولات صنعتی، بدیهی است محدودیت آماری مورد اشاره نمی‌تواند مشکلی جدی در این مطالعه محسوب شود.

۱-۹ کلیدواژه‌های مورد استفاده در تحقیق

۱. صنایع کوچک،^۱

۲. سیاست‌های حمایتی،^۲

۳. صادرات،^۳

۴. ایران.^۴

1. Small-sized Enter Prises
2. Protective Policies
3. Export
4. Iran

فصل دوم

نقش صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران

نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که اکثر واحدهای صنعتی (تولیدی) در ایران صنایع کوچک و متوسط بوده و حدود ۷۶ درصد آنها، صنایع کوچک دارای ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن هستند و سهم صنایع متوسط دارای ۵۰ تا ۱۴۹ نفر کارکن نیز حدود ۱۵/۸ درصد است. بیش از ۲۴ درصد کل نیروی کار بخش صنعت در صنایع کوچک و بیش از ۱۹ درصد نیروی کار در صنایع متوسط اشتغال دارند و سهم آنها در ارزش افزوده بخش صنعت کشور به ترتیب حدود ۹/۷ و ۸/۹ درصد است. در حالی که سهم صنایع بزرگ (۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر) که حدود هشت درصد از کل بنگاه‌های صنعتی را تشکیل می‌دهند، بیش از ۸۱ درصد ارزش افزوده است. در این فصل به بررسی شاخص‌های عملکردی صنایع کوچک، متوسط و بزرگ کشور طی دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۸۳ پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در فصل قبلی تشریح شد در نظام آماري کشور، آمار کارگاه‌های صنعتی زیر ده نفر کارکن به‌استثنای سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱ برای بقیه سال‌های مورد مطالعه برآورد نشده است. به همین دلیل در مبانی محاسباتی شاخص‌های عملکردی صنایع کوچک، از آمار و ارقام بنگاه‌های صنعتی ۱۰-۴۹ نفر کارکن استفاده می‌شود. گفتنی است بر مبنای سالنامه آماری سال ۱۳۸۴، ساختار توزیع کارگاه‌های صنعتی دارای ده نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که سهم صنایع کوچک یا تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰-۴۹ نفر کارکن از کل کارگاه‌های صنعتی کشور نزدیک به ۷۶ درصد است. در این فصل نقش صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد و تجارت خارجی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱ تعداد بنگاه‌ها و سهم اشتغال در آنها

همان‌گونه که در فصل قبلی تشریح شد؛ بر مبنای تعریف وزارت صنایع و معادن در سند

راهبردی توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۵-۱۴۰۴)، بنگاه‌های صنعتی دارای کمتر از ۵۰ نفر کارکن به‌عنوان صنایع کوچک، بین ۵۰ تا ۱۵۰ نفر کارکن صنایع متوسط و بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر صنایع بزرگ قلمداد می‌شوند.

جدول ۱-۲ تعداد بنگاه و سهم اشتغال در آنها طی برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	سال	
					شاخص	
۸۳۶۲ (۷۶)	۱۱۷۳۹ (۸۲/۳۰)	۱۱۴۰۳ (۸۲/۰۱)	۱۰۹۳۸ (۸۱/۸۰)	۱۰۷۵۰ (۸۲/۷۷)	۴۹-۱۰ نفر کارکن	تعداد بنگاه
۱۶۰۴ (۱۴/۵۷)	۱۵۴۹ (۱۰/۸۶)	۱۵۲۶ (۱۰/۹۷)	۱۴۹۳ (۱۱/۱۶)	۱۳۶۴ (۱۰/۵۰)	۱۴۹-۵۰ نفر کارکن	
۱۰۳۶ (۹/۴۱)	۹۷۵ (۶/۸۳)	۹۷۵ (۷/۰۱)	۹۴۰ (۷/۰۳)	۸۷۳ (۶/۷۲)	۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر	
۱۱۰۰۲	۱۴۲۶۳	۱۳۹۰۴	۱۳۳۷۱	۱۲۹۸۷	جمع	
۱۸۲۹۸۰ (۲۰/۷۲)	۲۰۴۶۶۳ (۲۳/۱۹)	۲۰۴۳۹۱ (۲۳/۳۴)	۱۹۷۸۷۳ (۲۳/۴۰)	۱۹۱۷۰۵ (۲۳/۷۶)	۴۹-۱۰ نفر کارکن	اشتغال (نفر)
۱۳۳۲۱۷ (۱۵/۰۹)	۱۲۸۲۱۵ (۱۴/۵۳)	۱۲۳۶۶۷ (۱۴/۱۲)	۱۲۱۶۴۰ (۱۴/۳۸)	۱۱۰۱۴۹ (۱۳/۶۵)	۱۴۹-۵۰ نفر کارکن	
۵۶۶۵۶۶ (۶۴/۱۸)	۵۴۹۳۱۸ (۶۲/۲۶)	۵۴۷۴۷۰ (۶۲/۵۳)	۵۲۶۰۲۱ (۶۲/۲۱)	۵۰۴۸۳۵ (۶۲/۵۸)	۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر	
۸۸۲۷۶۳	۸۸۲۱۹۶	۸۷۵۵۲۸	۸۴۵۵۳۴	۸۰۶۶۸۹	جمع	

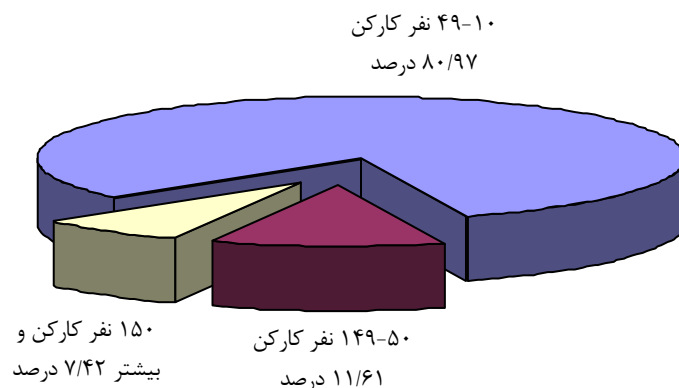
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶.

- اعداد داخل پرانتز بیانگر سهم (درصد) از کل است.

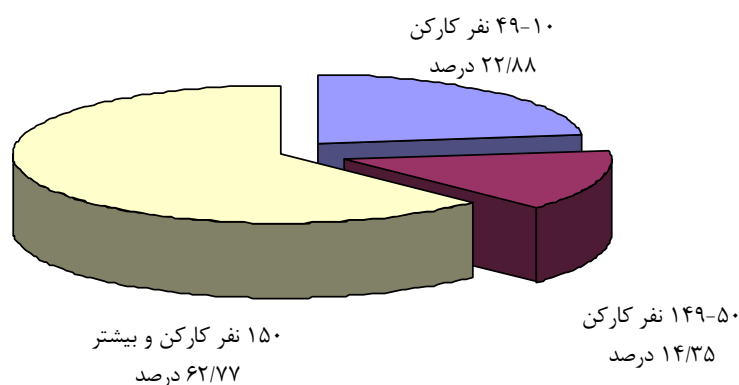
نکته قابل تأمل در زمینه صنایع کوچک ایران در مقایسه با دیگر کشورها به‌خصوص کشورهای پیشرفته صنعتی و در حال توسعه (تازه توسعه‌یافته) این است که به‌رغم اینکه صنایع کوچک در ایران بیش از ۸۰ درصد از کل تعداد بنگاه‌های صنعتی را به خود اختصاص می‌دهند، سهم آنها از اشتغال صنعتی بسیار کم است (به‌طور متوسط کمتر از ۲۳ درصد) در حالی که صنایع بزرگ با دارا بودن سهم ۷/۴ درصدی از نظر تعداد

بنگاه، بیش از ۶۲ درصد اشتغال صنعتی را به خود اختصاص داده است. در کشورهای پیشرفته و تازه صنعتی شده، وجود تعداد زیاد بنگاه و بالا بودن سهم در اشتغال از ویژگی‌های بارز و اصلی صنایع کوچک و متوسط^۱ محسوب می‌شود.

ساختار توزیع بنگاه‌ها و میزان اشتغال در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه پنج‌ساله دوم توسعه کشور در نمودارهای توزیعی ۲-۱ و ۲-۲ به خوبی تشریح شده است.



نمودار ۲-۱ متوسط سهم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ از تعداد کل بنگاه‌های صنعتی در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)



نمودار ۲-۲ متوسط سهم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ از اشتغال کل بنگاه‌های صنعتی در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) با ایجاد اصلاحات و تغییرات ساختاری در بخش صنعت کشور و به‌خصوص حمایت از توسعه سیاست‌های اشتغال‌زایی، تعداد بنگاه‌ها و میزان اشتغال صنعتی در هر سه گروه از بنگاه‌های صنعتی کوچک، متوسط و بزرگ دارای روند افزایشی بوده به‌طوری‌که طی این دوره زمانی، تعداد بنگاه‌های صنعتی از ۱۱۲۰۰ به ۱۶۲۸۳ واحد و میزان اشتغال صنعتی نیز از ۹۰۵,۶۱۰ نفر در سال ۱۳۷۹ به ۱,۰۷۶,۶۹۳ نفر در سال ۱۳۸۳ رسید (جدول ۲-۲).

جدول ۲-۲ تعداد بنگاه و سهم اشتغال در آنها طی برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

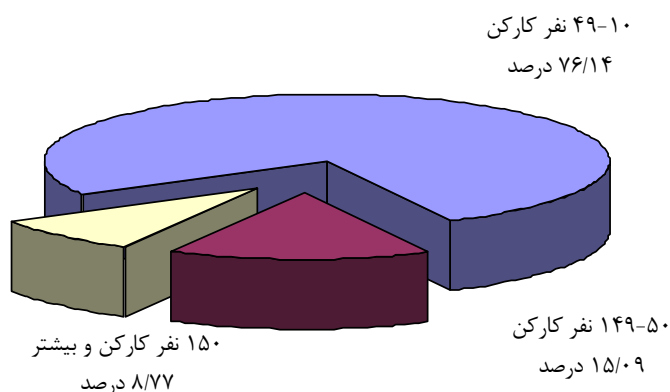
سال	شاخص				
	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹
تعداد بنگاه	۱۲۳۶۵ (۷۵/۹۳)	۱۲۸۲۶ (۷۷/۰۹)	۱۲۸۲۲ (۷۸/۶۳)	۸۱۰۹ (۷۳/۸۰)	۸۴۲۹ (۷۵/۲۵)
	۲۵۸۳ (۱۵/۸۶)	۲۵۱۱ (۱۵/۰۸)	۲۲۴۰ (۱۳/۷۳)	۱۷۳۴ (۱۵/۷۸)	۱۶۸۵ (۱۵/۰۴)
	۱۳۳۵ (۸/۱۹)	۱۳۰۲ (۷/۸۲)	۱۲۴۳ (۷/۶۲)	۱۱۴۴ (۱۰/۴۱)	۱۰۸۶ (۹/۶۹)
جمع					
اشتغال (نفر)	۲۶۷۷۷۱ (۳۴/۸۶)	۲۷۶۶۹۳ (۲۵/۴۹)	۲۶۵۳۵۶ (۲۴/۸۲)	۱۸۳۳۳۹ (۱۹/۹۰)	۱۸۸۰۵۹ (۲۰/۷۶)
	۲۰۸۹۰۹ (۱۹/۴۰)	۲۰۲۰۶۷ (۱۸/۶۱)	۱۸۰۴۴۱ (۱۶/۸۸)	۱۴۴۲۷۶ (۱۵/۶۶)	۱۴۱۳۱۵ (۱۵/۶۰)
	۶۰۰۰۱۳ (۵۵/۷۲)	۶۰۶۶۰۳ (۵۵/۸۸)	۶۰۶۷۴۴ (۵۶/۷۶)	۵۹۳۴۹۱ (۶۴/۴۳)	۵۷۶۲۳۶ (۶۳/۶۲)
جمع					
	۱۰۷۶۶۹۳	۱۰۸۵۳۶۳	۱۰۶۸۸۴۶	۹۲۱۱۰۶	۹۰۵۶۱۰

مأخذ: همان

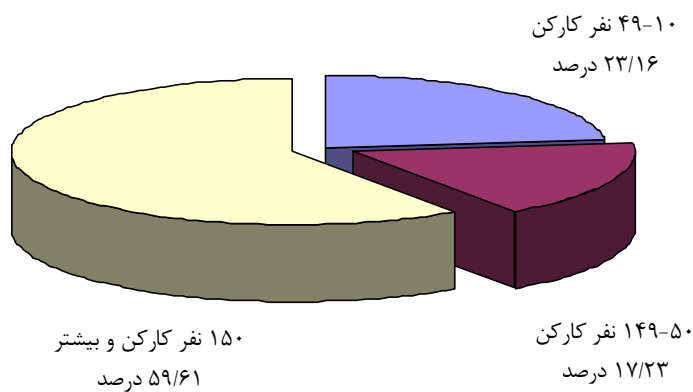
- اعداد داخل پرانتز بیانگر سهم (درصد) از کل است.

آمار و ارقام جدول بالا نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳، سهم صنایع کوچک از نظر تعداد بنگاه به‌طور متوسط ۷۶/۱ درصد و متوسط اشتغال ایجاد شده معادل

۲۳/۱ درصد بوده است. در همین دوره زمانی، صنایع متوسط ۱۵ درصد از نظر تعداد بنگاه و ۱۷/۲ درصد از اشتغال را به خود اختصاص داده و متوسط سهم صنایع بزرگ نیز از بعد تعداد بنگاه، ۸/۷ درصد و از بعد ایجاد اشتغال حدود ۵۹/۶ درصد بوده است. نمودار توزیعی برای شاخص‌های تعداد بنگاه و اشتغال به تفکیک اندازه بنگاه در نمودارهای ۲-۳ و ۲-۴ ارائه شده است.



نمودار ۲-۳ متوسط سهم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ از تعداد کل بنگاه‌های صنعتی در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)



نمودار ۲-۴ متوسط سهم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ از اشتغال کل بنگاه‌های صنعتی در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

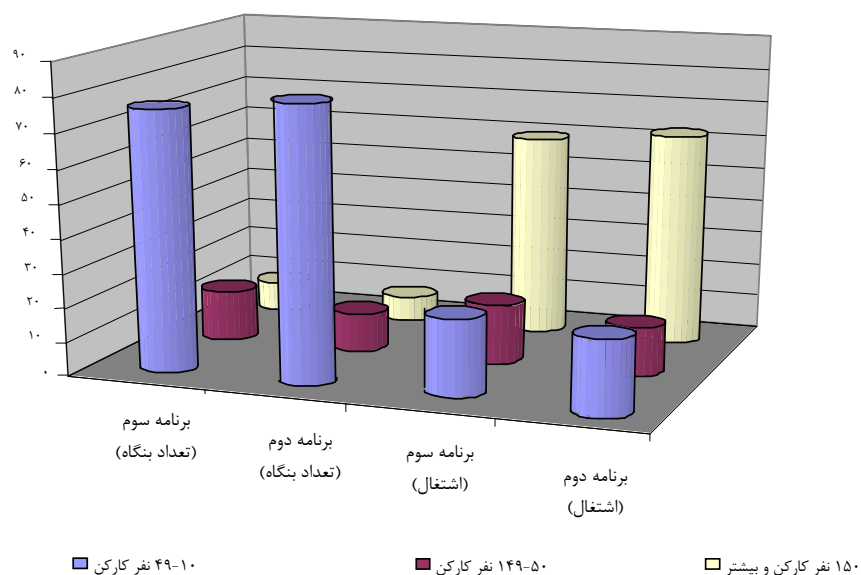
در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این قسمت باید گفت که طی برنامه پنج‌ساله سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) در مقایسه با برنامه دوم، از تعداد صنایع کوچک کاسته و بر سهم صنایع متوسط و بزرگ از نظر تعداد بنگاه افزوده شد، در مقابل از ابعاد اشتغال، سهم صنایع بزرگ کاهش و بر سهم صنایع کوچک به‌خصوص صنایع متوسط اضافه گردید (جدول ۲-۳).

جدول ۲-۳ مقایسه متوسط سهم بنگاه و اشتغال در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه دوم و سوم توسعه

ردیف	شاخص	برنامه پنج‌ساله دوم	برنامه پنج‌ساله سوم	درصد تغییر
		توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	
۱	متوسط سهم در تعداد بنگاه (درصد)	۸۰/۹۷	۷۶/۱۴	-۵/۹۶
	صنایع متوسط	۱۱/۶۱	۱۵/۰۹	۲۹/۹۷
	صنایع بزرگ	۷/۴۲	۸/۷۷	۱۸/۱۹
۲	متوسط سهم در اشتغال (درصد)	۲۲/۸۸	۲۳/۱۶	۱/۲۲
	صنایع متوسط	۱۴/۳۵	۱۷/۲۳	۲۰/۰۷
	صنایع بزرگ	۶۲/۷۷	۵۹/۶۱	-۵/۰۳

مأخذ: محاسبات تحقیق

نکته حائز اهمیت در جدول بالا، رشد قابل ملاحظه صنایع متوسط از ابعاد تعداد بنگاه و میزان ایجاد اشتغال است که این امر می‌تواند بیانگر ترمیم ساختار صنعتی از نظر الگوی توزیع بنگاه‌ها و ایجاد پیامدهای مثبت در بخش صنعت کشور در سال‌های آتی باشد. نمودار توزیعی برای مقایسه صنایع کوچک، متوسط و بزرگ از نظر شاخص‌های تعداد بنگاه و اشتغال صنعتی طی برنامه دوم و سوم توسعه کشور به‌منظور جمع‌بندی نهایی مطالب ارائه شده در این قسمت ترسیم شده است (نمودار ۲-۵).



نمودار ۲-۵ مقایسه متوسط سهم تعداد بنگاه و اشتغال در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه دوم و سوم توسعه

۲-۲ سهم ارزش افزوده و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار به تفکیک صنایع کوچک، متوسط و بزرگ

از آنجا که رشد بهره‌وری منجر به افزایش رقابت‌پذیری و بازدهی بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها و سودآوری بنگاه‌ها می‌شود؛ نقش عمده‌ای در رشد اقتصادی و تولید ناخالص کشور ایفا می‌کند، لذا پرداختن به مؤلفه‌های اساسی بهره‌وری یعنی رشد بهره‌وری نیروی کار و سرمایه از اهمیت بالایی برخوردار است.

بررسی سهم ارزش افزوده بنگاه‌های صنعتی در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه پنج‌ساله دوم توسعه کشور) نشان می‌دهد که متوسط سهم صنایع کوچک در ارزش افزوده صنعتی کشور نزدیک به ۱۲ درصد بوده، درحالی‌که صنایع متوسط یا بنگاه‌های ۵۰ تا ۱۴۹ نفر کارکن با دارا بودن سهمی معادل ۹ درصد کمترین میزان سهم در ارزش افزوده صنعتی را به خود اختصاص داده است. این امر در مقایسه تطبیقی با سایر کشورها قابل تأمل‌تر به نظر می‌رسد زیرا آمار مذکور نشان می‌دهد، صنایع متوسط در ایران در این دوره

از سهم بسیار ناچیزی در خروجی‌های صنعت برخوردار بوده است. این در حالی است که بررسی آمار و ارقام کشورهای دیگر الگوی توزیع ارزش افزوده متفاوتی را نشان می‌دهد. در اکثر کشورها، سهم صنایع متوسط در ارزش افزوده به مراتب بیشتر از صنایع کوچک و یا حداقل برابر با آن و ارزش افزوده بنگاه‌های بزرگ از ارزش افزوده صنایع کوچک و متوسط بزرگ‌تر است. آمار و ارقام جدول زیر نشان می‌دهد، بنگاه‌های بزرگ صنعتی دارای ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر، همان‌گونه که انتظار می‌رفت با اختصاص سهمی نزدیک به ۷۹ درصد از بیشترین میزان سهم در ارزش افزوده صنعتی کشور برخوردار بوده است (جدول ۴-۲).

جدول ۴-۲ میزان ارزش افزوده و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

سال		۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	شاخص
ارزش افزوده به قیمت جاری (میلیارد ریال)	صنایع کوچک	۵۵۲۶/۶۹۷ (۹/۵۶)	۴۵۲۸/۰۰۸ (۱۰/۷۶)	۴۲۱۰/۹۴۵ (۱۱/۳۹)	۳۵۴۹/۱۱۵ (۱۲/۶۴)	۲۸۸۲/۸۲ (۱۴/۹۴)	
	صنایع متوسط	۵۰۶۹/۲۸۸ (۸/۷۷)	۳۹۹۳/۰۹۳ (۹/۴۹)	۳۲۹۹/۸۰۸ (۸/۹۲)	۲۵۲۱/۶۱۳ (۸/۹۸)	۱۹۱۱/۴۶۴ (۹/۹۰)	
	صنایع بزرگ	۴۷۱۶۶/۳۸۲ (۸۱/۶۵)	۳۳۵۳۸/۳۲۲ (۷۹/۷۴)	۲۹۴۵۰/۵۸۶ (۷۹/۶۷)	۲۲۰۰۴/۰۸۱ (۷۸/۳۷)	۱۴۴۹۸/۱۰۸ (۷۵/۱۵)	
جمع		۵۷۷۶۲/۳۶۷	۴۲۰۵۹/۴۲۳	۳۶۹۶۱/۳۳۹	۲۸۰۷۴/۸۰۹	۱۹۲۹۲/۳۹۲	
ارزش سرمایه (میلیارد ریال) ^(۱)	صنایع کوچک	۳۹۸۴/۲۵۸	۳۱۸۲/۹۵۴	۳۰۳۳/۴۲۷	۲۶۱۹/۹۳۲	۲۱۲۶/۰۷۹	
	صنایع متوسط	۳۶۰۴/۱۰۱	۲۷۶۱/۳۴۹	۲۳۳۴/۶۷۳	۱۷۵۱/۷۸۸	۱۳۴۱/۵۸۷	
	صنایع بزرگ	۳۶۰۸۳/۱۶۳	۲۴۲۷۹/۸۱۲	۲۱۹۲۳/۷۳۹	۱۶۵۴۶/۲۱۳	۱۰۴۸۶/۶۲	
شاخص تعدیل ارزش افزوده		۱/۳۳۹	۱/۱۱۶	۱	۰/۹۰۳	۰/۷۱۸	
بهره‌وری سرمایه ^(۲) (درصد)	صنایع کوچک	۱۳۸ (-۲/۸۱)	۱۴۲ (۲/۸۹)	۱۳۸ (۲/۳۲)	۱۳۵ (۰)	۱۳۵ (-)	
	صنایع متوسط	۱۴۰ (-۲/۷۷)	۱۴۴ (۲/۱۲)	۱۴۱ (-۲/۰۸)	۱۴۴ (۱/۴)	۱۴۲ (-)	
	صنایع بزرگ	۱۳۰ (-۵/۷۹)	۱۳۸ (۲/۹۸)	۱۳۴ (۰/۷۵)	۱۳۳ (۳/۶۲)	۱۳۸ (-)	

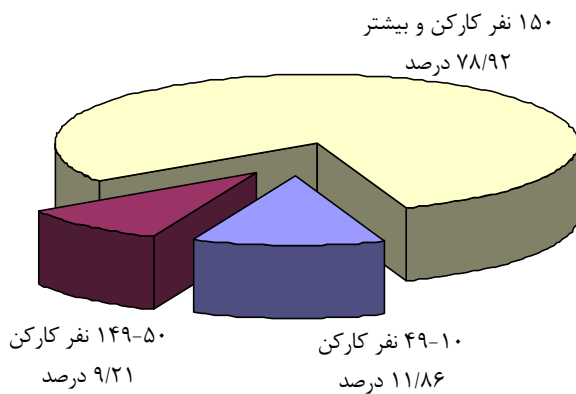
جدول ۲-۴ میزان ارزش افزوده و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

سال شاخص	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
	بهره‌وری نیروی کار به قیمت ثابت ۱۳۷۶ (هزار ریال بر نفر)	۲۰۹۳۳/۱ (—)	۱۹۸۵۶ (-۵/۱)	۲۰۶۰۰ (۳/۷)	۱۹۸۲۰/۷ (-۳/۸)
صنایع کوچک	۲۴۱۶۴/۳ (—)	۲۲۹۵۶/۸ (-۵)	۲۶۶۸۰ (۱۶/۲)	۲۷۹۰۳/۲ (۴/۶)	۲۸۴۱۶/۷ (۱/۸)
صنایع متوسط	۴۰۰۰۰ (—)	۴۶۳۲۳/۳ (۱۵/۸)	۵۳۷۹۰ (۱۶/۱)	۵۴۷۰۴/۳ (۱/۷)	۶۲۱۶۵/۸ (۱۳/۶)
صنایع بزرگ					

مأخذ: همان

- با توجه به اینکه میزان موجودی سرمایه در بنگاه‌های صنعتی در دسترس نمی‌باشد لذا در اینجا برای برآورد مقدار تقریبی سرمایه، پرداختی بابت جبران خدمات کارکنان از ارزش افزوده کسر شده است.
- در سطر بهره‌وری سرمایه و بهره‌وری نیروی کار، اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییر نسبت به سال قبل و اعداد داخل پرانتز در سطح ارزش افزوده بیانگر سهم (درصد) از کل است.

الگوی توزیع ارزش افزوده بنگاه‌های صنعتی در سال‌های برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) در نمودار توزیعی زیر ارائه شده و می‌تواند مبنای مقایسه قرار گیرد.



نمودار ۲-۶ متوسط سهم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ از ارزش افزوده کل بنگاه‌های صنعتی در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

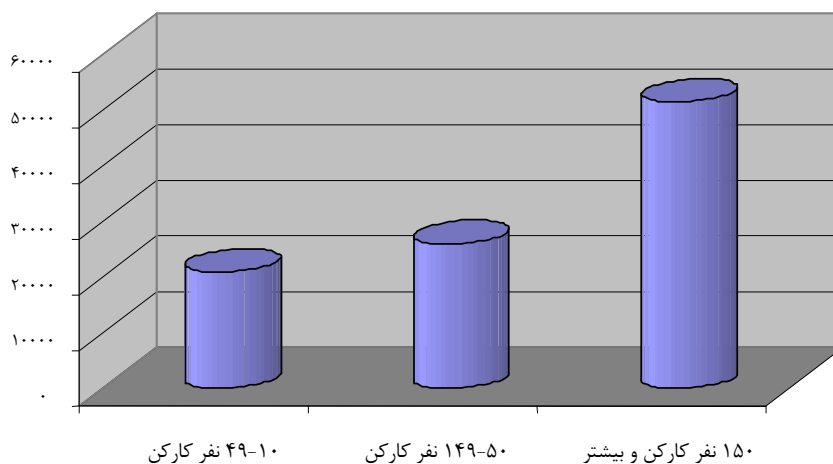
شاخص بهره‌وری نیروی کار درحقیقت مبین کارایی عامل کار است. افزایش مقدار این شاخص، نشان‌دهنده بهبود سطح تولید و کاهش هزینه‌هاست. از این رو می‌توان این شاخص را به‌عنوان معیاری برای نشان دادن افزایش سطح سود و افزایش توان رقابتی کالاهای تولیدی، مورد استفاده قرار داد، ضمن اینکه تغییر در ساختار فنی یا تکنیک تولید منجر به تغییر در این شاخص می‌شود.

آمار و ارقام بهره‌وری به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ در جدول ۴-۲ نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸ در بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۰-۴۹ نفر کارکن (صنایع کوچک)، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۳۷۴ به ترتیب معادل ۲۰۹۳۳/۱ هزار ریال بر نفر و ۱۳۵ درصد بوده که در سال ۱۳۷۸ به ترتیب برابر با ۲۲۵۵۴/۱ هزار ریال بر نفر و ۱۳۸ درصد شده است. به عبارت دیگر در دوره مذکور میانگین رشد بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک حدود ۲/۱ درصد بوده درحالی که میانگین رشد بهره‌وری سرمایه در این دوره به ۰/۵ درصد رسیده است.

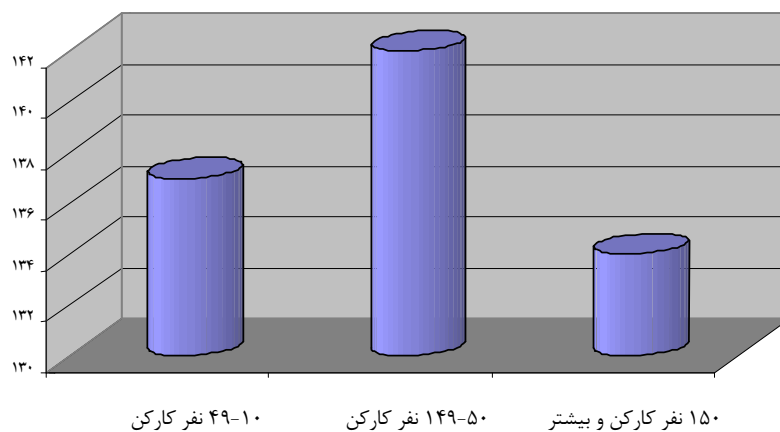
در صنایع متوسط یا بنگاه‌های صنعتی دارای ۵۰-۱۴۹ نفر کارکن، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۳۷۴ به ترتیب معادل ۲۴۱۶۴/۳ هزار ریال بر نفر و ۱۴۲ درصد بوده که در سال ۱۳۷۸، بهره‌وری نیروی کار با افزایش قابل ملاحظه‌ای به ۲۸۴۱۶/۷ هزار ریال بر نفر رسید (رشد ۱۷/۶ درصدی) و بهره‌وری سرمایه با کاهش ۱/۵ درصدی همراه بوده و به رقم ۱۴۰ درصد رسیده است.

در صنایع بزرگ یا بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۳۷۴ به ترتیب معادل چهل هزار ریال بر نفر و ۱۳۸ درصد بوده که در سال ۱۳۷۸ بهره‌وری نیروی کار با افزایش چشمگیری به رقم ۶۲۱۶۵/۸ هزار ریال بر نفر (رشد ۵۵/۴ درصدی) و بهره‌وری سرمایه نیز با کاهش ۵/۸ درصدی به رقم ۱۳۰ درصد رسید.

همان‌گونه که نمودار توزیعی زیر نشان می‌دهد در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸، میانگین بهره‌وری نیروی کار به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ برای بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۰-۴۹ نفر کارکن، ۵۰-۱۴۹ نفر کارکن و ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر به ترتیب معادل ۲۰۷۵۲/۷، ۲۶۰۲۴/۲ و ۵۱۳۹۶/۶ هزار ریال بر نفر و در همین دوره زمانی میانگین بهره‌وری سرمایه برای بنگاه‌های صنعتی به تفکیک فوق‌الذکر به ترتیب معادل ۱۳۷، ۱۴۲ و ۱۳۴ درصد بوده است (نمودارهای ۷-۲ و ۸-۲).



نمودار ۲-۷ متوسط بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶



نمودار ۲-۸ متوسط بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

به کمک نمودارهای توزیعی بالا و مقایسه بهره‌وری صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ می‌توان نتیجه گرفت: در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸، بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک کمتر از صنایع متوسط و میزان بهره‌وری نیروی کار در صنایع متوسط

تقریباً نصف صنایع بزرگ بوده است. اما این روند درزمینه شاخص بهره‌وری سرمایه صادق نبوده بلکه معکوس است، به طوری که بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک و به خصوص صنایع متوسط از صنایع بزرگ بیشتر بوده است.

در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (برنامه سوم توسعه کشور) متوسط سهم ارزش افزوده بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۰-۴۹ نفر کارکن (صنایع کوچک) معادل ۹/۷ درصد بوده در حالی که در همین دوره سهم ارزش افزوده بنگاه‌های صنعتی دارای ۵۰-۱۴۹ نفر کارکن (صنایع متوسط) برابر با ۹ درصد بوده است. متوسط سهم صنایع بزرگ (۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر) در ایجاد ارزش افزوده طی دوره مذکور بیش از ۸۱ درصد است که در مقایسه با سهم این گروه از صنایع در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه کشور) که معادل ۷۹ درصد بود، میزان سهم آن معادل دو درصد افزایش یافته است (جدول ۵-۲).

جدول ۵-۲ میزان ارزش افزوده و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

سال شاخص		۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
ارزش افزوده به قیمت جاری (میلیارد ریال)	۴۹-۱۰ نفر کارکن	۶۳۵۳/۴۶۷ (۸/۵۳)	۷۲۶۳/۳۲۸ (۸/۳۸)	۱۲۸۷۰/۷۴۴ (۱۱/۶۹)	۱۴۸۶۹/۵۸۸ (۱۰/۴۴)	۱۷۵۹۷/۵۹۸ (۹/۷۰)
	۱۴۹-۵۰ نفر کارکن	۶۳۹۵/۳۹۳ (۸/۵۸)	۷۱۱۷/۳۰۶ (۸/۲۱)	۱۰۹۵۶/۰۸۳ (۹/۹۵)	۱۳۵۳۹/۸۹۵ (۹/۵۰)	۱۶۲۶۱/۰۳۶ (۸/۹۷)
	۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر	۶۱۷۴۳/۱۰۹ (۸۲/۸۸)	۷۲۲۹۴/۹۳۰ (۸۳/۴۰)	۸۶۲۴۲/۸۷۴ (۷۸/۳۵)	۱۱۴۰۱۱/۳۹۵ (۸۰/۰۵)	۱۴۷۴۰۹/۵۳۷ (۸۱/۳۲)
جمع		۷۴۴۹۱/۹۶۹	۸۶۶۷۵/۵۶۴	۱۱۰۰۶۹/۷۰۱	۱۴۲۴۲۰/۸۷۸	۱۸۱۲۶۸/۱۷۱
ارزش سرمایه (میلیارد ریال)	۴۹-۱۰ نفر کارکن	۴۴۶۶/۴۴۶	۵۰۳۴/۵۸۶	۹۱۲۵/۵۶۴	۱۰۱۵۹/۳۱۲	۱۲۰۵۹/۵۴۶
	۱۴۹-۵۰ نفر کارکن	۳۴۷۲/۶۶۷	۴۸۰۰/۱۹۶	۷۶۳۱/۱۷۴	۹۱۷۳/۱۸۳	۱۰۸۷۲/۷۸۶
	۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر	۴۷۹۸۵/۸۴۲	۵۶۲۳۷/۲۱	۶۶۴۲۲/۰۴۳	۸۹۵۳۳/۹۱۹	۱۱۸۴۰۰/۶۴۱

جدول ۵-۲ میزان ارزش افزوده و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

سال شاخص	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
شاخص تعدیل ارزش افزوده	۱/۶۱۸	۱/۶۹۳	۱/۷۹۳	۱/۹۲۳	۲/۱۷۵
بهره‌وری سرمایه* (درصد)	۱۴۲ کارکن ۴۹-۱۰ نفر	۱۴۴ (۱/۴)	۱۴۱ (-۲/۰۸)	۱۴۶ (۳/۵۴)	۱۴۶ (۰)
	۱۴۳ کارکن ۱۴۹-۵۰ نفر	(-)	(-۳/۳۷)	(۲/۸۰)	(۲/۰۴)
	۱۲۸ کارکن و بیشتر ۱۵۰ نفر	(-)	(۱/۵۶)	(-۲/۳۰)	(-۲/۳۶)
بهره‌وری نیروی کار به قیمت ثابت ۱۳۷۶ (هزار ریال بر نفر)	۲۰۸۷۷/۶ کارکن ۴۹-۱۰ نفر	(-)	(۱۲)	(۳/۳)	(۸/۱)
	۲۷۹۶۶/۶ کارکن ۱۴۹-۵۰ نفر	(-)	(۴/۲)	(۲/۹)	(۲/۷)
	۶۶۲۲۳/۷ کارکن و بیشتر ۱۵۰ نفر	(-)	(۸/۶)	(۲۳/۳)	(۱۵/۵)

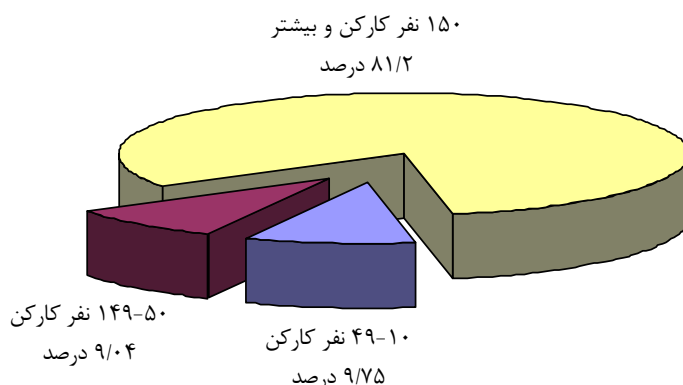
مأخذ: همان

* در سطر بهره‌وری سرمایه و نیروی کار، اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییر نسبت به سال قبل و اعداد داخل پرانتز در سطر ارزش افزوده بیانگر سهم (درصد) از کل است.

هرچند در سال‌های برنامه دوم توسعه، الگوی توزیع ارزش افزوده در سطح صنایع متوسط ایران در مقایسه با دیگر کشورها چندان سازگار به نظر نمی‌رسید اما در سال‌های برنامه سوم توسعه یا دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ این درجه ناسازگاری کاهش یافته و میزان سهم ارزش افزوده در صنایع کوچک و متوسط تقریباً به هم نزدیک و معادل ۹ درصد شده

است. البته این امر ناشی از افزایش سهم در صنایع متوسط نبوده بلکه بیشتر از کاهش سهم در صنایع کوچک نشئت گرفته است، به طوری که سهم این گروه از صنایع از حدود ۱۲ درصد در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸ به حدود ۹/۷ درصد در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ کاهش یافته است.

در نمودار توزیعی زیر نحوه توزیع ارزش افزوده در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ قابل مشاهده است.



نمودار ۹-۲ متوسط سهم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ از ارزش افزوده کل بنگاه‌های صنعتی در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

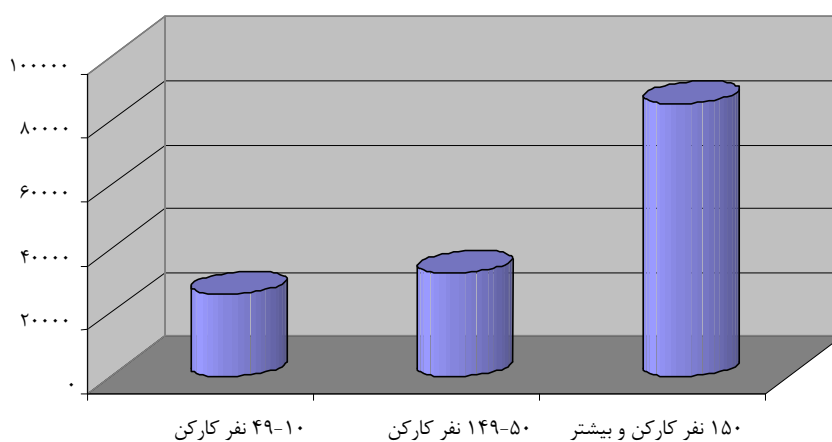
بررسی آمار و ارقام مربوط به شاخص بهره‌وری به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ در جدول (۵-۲) نشان می‌دهد که طی دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ در بنگاه‌های صنعتی دارای ۴۹-۱۰ نفر کارکن یا صنایع کوچک، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۳۷۹ به ترتیب معادل ۲۰۸۷۷/۶ هزار ریال بر نفر و ۱۴۲ درصد بود که در سال ۱۳۸۳ به ترتیب برابر با ۳۰۲۱۱/۵ هزار ریال بر نفر و ۱۴۶ درصد شد. به عبارت دیگر در این دوره زمانی، بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش (رشد ۴۴/۷ درصدی) اما بهره‌وری سرمایه با افزایش (رشد ۲/۸ درصدی) همراه بود.

در صنایع متوسط یا بنگاه‌های صنعتی دارای ۴۹-۱۰ نفر کارکن، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۳۷۹ به ترتیب معادل ۲۷۹۶۶/۶ هزار ریال بر نفر و ۱۴۳ درصد بود که در سال ۱۳۸۳ به ترتیب برابر ۳۵۷۸۴ هزار ریال بر نفر و ۱۵۰ درصد شد. در واقع

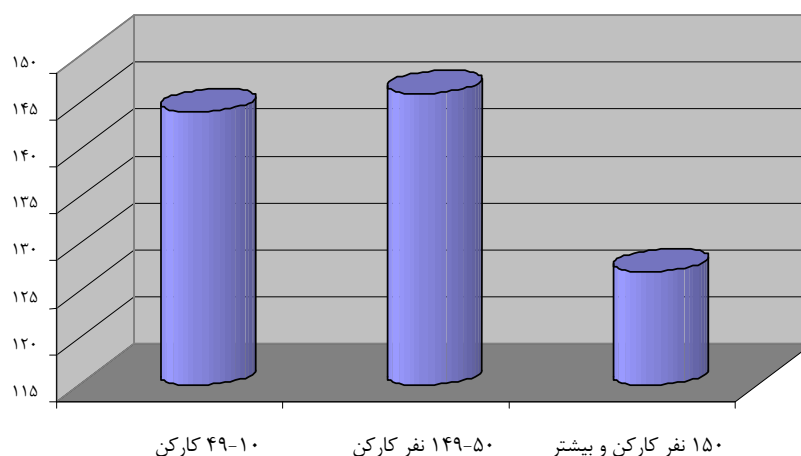
در این دوره بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در صنایع متوسط به ترتیب با رشد ۲۸ و ۴/۹ درصدی با افزایش قابل ملاحظه‌ای مواجه شد.

در صنایع بزرگ یا بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر، بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در سال ۱۳۷۹ به ترتیب معادل ۶۶۲۲۳/۷ هزار ریال بر نفر و ۱۲۸ درصد بود که در سال ۱۳۸۳ به ترتیب برابر با ۱۱۲۹۵۱/۷ هزار ریال بر نفر و ۱۲۴ درصد شد. به عبارت دیگر در این دوره زمانی، بهره‌وری نیروی کار در صنایع بزرگ با افزایش چشمگیری (رشد ۷۰/۶ درصدی) همراه بود، اما بهره‌وری سرمایه در این صنایع با کاهش سه درصدی مواجه شد.

نمودار توزیعی ۲-۱۰ و ۲-۱۱ نشان می‌دهد در طول سال‌های برنامه سوم توسعه کشور یا دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳، میانگین بهره‌وری نیروی کار برای بنگاه‌های صنعتی دارای ۴۹-۱۰ نفر کارکن، ۱۴۹-۵۰ نفر کارکن و ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر به ترتیب معادل ۲۵۸۹۶/۶، ۳۲۳۱۸ و ۸۵۶۲۷/۵ هزار ریال بر نفر بوده است و در همین دوره زمانی، میانگین بهره‌وری سرمایه در بنگاه‌های صنعتی به تفکیک فوق‌الذکر به ترتیب معادل ۱۴۴، ۱۴۶ و ۱۲۷ درصد بوده است.



نمودار ۲-۱۰ متوسط بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶



نمودار ۱۱-۲ متوسط بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

نمودارهای توزیعی بالا نشان می‌دهند، در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳، بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک و متوسط از نصف بهره‌وری نیروی کار در صنایع بزرگ نیز کمتر بوده است؛ اما این روند در زمینه شاخص بهره‌وری سرمایه حاکم نیست به‌طوری‌که بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک و به‌ویژه صنایع متوسط به مراتب از صنایع بزرگ بیشتر است. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطالب تشریح شده در این قسمت مبین این حقیقت است که در برنامه پنج‌ساله سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) در مقایسه با برنامه دوم توسعه، سهم صنایع کوچک و متوسط در ایجاد ارزش افزوده رو به افول بوده، البته این کاهش در صنایع کوچک به مراتب بیشتر بوده است در حالی که بر سهم صنایع بزرگ در ایجاد ارزش افزوده معادل ۲/۹ درصد افزوده شد. نرخ رشد بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک و متوسط با افزایش و در صنایع بزرگ با کاهش روبه‌رو بوده است. همچنین مقایسه شاخص بهره‌وری نیروی کار نشان می‌دهد که مقدار این شاخص در برنامه سوم توسعه کشور در مقایسه با برنامه دوم، در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ دارای رشد مثبت بوده به‌طوری‌که در صنایع کوچک و متوسط تقریباً بیش از ۲۴ درصد و در صنایع بزرگ نیز نزدیک به ۶۷ درصد رشد وجود داشته است (جدول ۶-۲).

جدول ۶-۲ مقایسه سهم ارزش افزوده، بهره‌وری سرمایه و نیروی کار صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در برنامه پنج‌ساله دوم و سوم توسعه

ردیف	شاخص	برنامه پنج‌ساله		درصد تغییر	
		دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)		
۱	متوسط سهم در ارزش افزوده (درصد)	صنایع کوچک	۱۱/۸۶	۹/۷۵	-۱۷/۸
		صنایع متوسط	۹/۲۱	۹/۰۴	-۱/۸
		صنایع بزرگ	۷۸/۹۲	۸۱/۲	۲/۹
۲	متوسط شاخص بهره‌وری سرمایه (درصد)	صنایع کوچک	۱۳۸	۱۴۴	۴/۳
		صنایع متوسط	۱۴۲	۱۴۶	۲/۸
		صنایع بزرگ	۱۳۵	۱۲۷	-۵/۹
۳	متوسط شاخص بهره‌وری نیروی کار به قیمت ثابت ۱۳۷۶ (هزار ریال بر نفر)	صنایع کوچک	۲۰۷۵۲/۷	۲۵۸۹۶/۶	۲۴/۷
		صنایع متوسط	۲۶۰۲۴/۲	۳۲۳۱۸	۲۴/۲
		صنایع بزرگ	۵۱۳۹۶/۶	۸۵۶۲۷/۵	۶۶/۶

مأخذ: همان

در فرایند صنعتی شدن، بهره‌وری نیروی کار به دلایل مختلف افزایش می‌یابد. بهبود درآمد سرانه در کشورهایی که به سرعت صنعتی می‌شوند، در گرو رشد بهره‌وری نیروی کار در همه شاخص‌های تولید اجتماعی به‌ویژه در صنایع ماشینی است. رشد بهره‌وری می‌تواند در پی تأثیر هم‌زمان یک یا چند عامل زیر تحقق یابد:

۱. افزایش سرمایه سرانه نیروی کار به دلیل روی آوردن به تکنولوژی سرمایه‌بر در یک شاخه معین صنعت یا رشد سریع‌تر صنایع سرمایه‌بر نسبت به صنایع کاربر در فرایند رشد صنعتی،

۲. بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس به دلیل رشد بازارهای داخلی و توسعه صادرات،

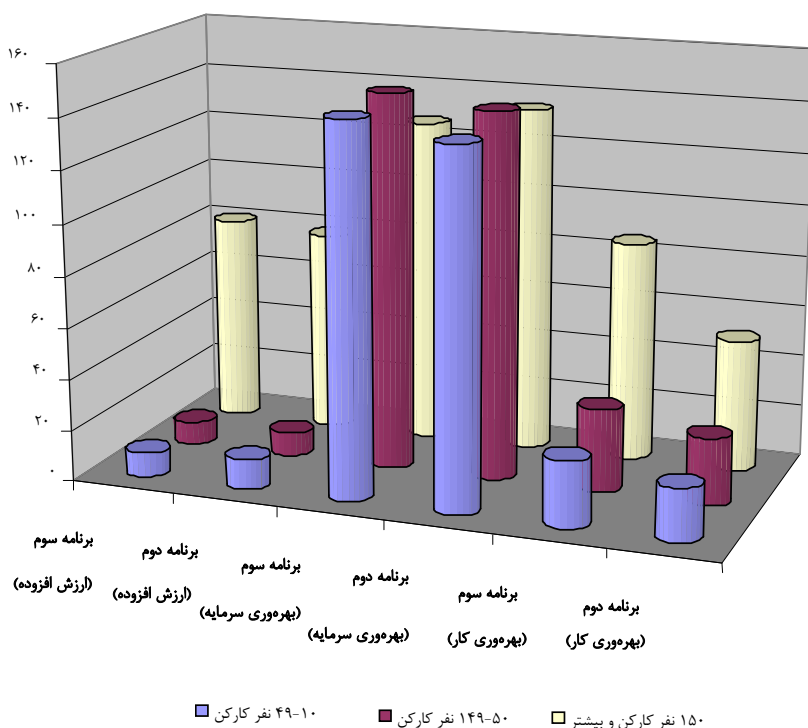
۳. یادگیری مهارت‌ها توسط نیروی کار در جریان انجام کار،^۱

۴. بهبود روش‌های انجام کار و سازمان‌دهی بهتر تولید،

۵. پیشرفت تکنولوژیک در اثر تحقیق و توسعه^۱ یا خرید مجوز تولید و حقوق مالکیت معنوی،

۶. بهبود نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود صنعتی.

نمودار زیر الگوی توزیع ارزش افزوده و بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در بنگاه‌های صنعتی ۱۰-۴۹ نفر کارکن، ۵۰-۱۴۹ نفر کارکن و ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر در سال‌های برنامه دوم و سوم توسعه کشور را نشان داده و مبنای مقایسه‌ای آسانی را فراهم می‌سازد.



نمودار ۱۲-۲ مقایسه متوسط سهم ارزش افزوده، بهره‌وری سرمایه و بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه دوم و سوم توسعه

۲-۳ میزان سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ

در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸، شاخص سودآوری صنایع کوچک از ۰/۵۶ در سال ۱۳۷۴، به ۰/۵۳ در سال ۱۳۷۸ کاهش و در صنایع متوسط از ۰/۵۳ به ۰/۵۵ افزایش یافت. در همین دوره، شاخص سودآوری در صنایع بزرگ دارای روند صعودی بوده به طوری که از ۰/۷۰ در سال ۱۳۷۴ به ۰/۸۵ در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت. بررسی شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ نشان می‌دهد که این شاخص در صنایع مذکور به ترتیب از ۳/۸۱، ۳/۳۵ و ۳/۶۱ در سال ۱۳۷۴ به ۳/۵۸، ۳/۴۶ و ۴/۲۵ در سال ۱۳۷۸ تغییر یافت (جدول ۷-۲).

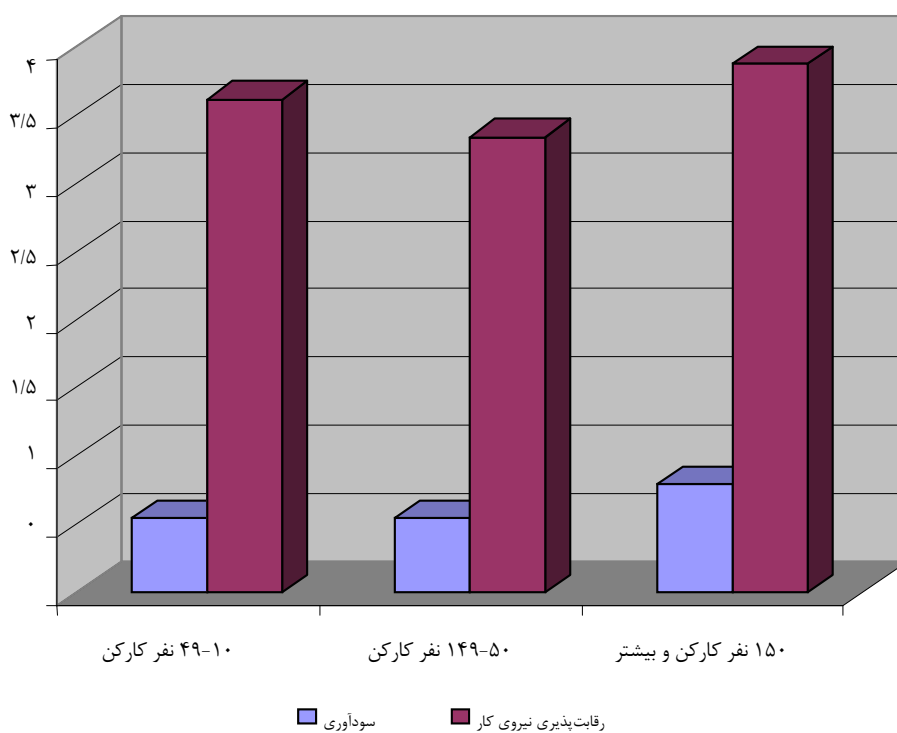
جدول ۷-۲ شاخص سودآوری و رقابت‌پذیری در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	سال		ردیف
					شاخص		
۰/۵۳ (-۱/۸)	۰/۵۴ (۰)	۰/۵۴ (-۱/۸)	۰/۵۵ (-۱/۷)	۰/۵۶ (۱۴/۳)	صنایع کوچک	سودآوری	۱
۰/۵۵ (۰)	۰/۵۵ (-۳/۵)	۰/۵۷ (۱۴)	۰/۵۰ (-۵/۶)	۰/۵۳ (-)	صنایع متوسط		
۰/۸۵ (۶/۲)	۰/۸۰ (-۳/۶)	۰/۸۳ (۵)	۰/۷۹ (۱۲/۸)	۰/۷۰ (-)	صنایع بزرگ		
۳/۵۸ (۶/۵)	۳/۳۶ (-۵/۸)	۳/۵۷ (-۶/۵)	۳/۸۲ (۰/۲)	۳/۸۱ (-۶/۸۴)	صنایع کوچک	رقابت‌پذیری نیروی کار	۲
۳/۴۶ (۶/۸)	۳/۲۴ (-۵/۲)	۳/۴۲ (۴/۶)	۳/۲۷ (-۲/۴)	۳/۳۵ (-)	صنایع متوسط		
۴/۲۵ (۱۷/۴)	۳/۶۲ (-۷/۴)	۳/۹۱ (-۲/۹)	۴/۰۳ (۱۱/۶)	۳/۶۱ (-)	صنایع بزرگ		

مأخذ: همان

- اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییرات نسبت به سال قبل است.

متوسط شاخص سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع مختلف در نمودار ۱۳-۲ نشان داده شده است و ملاحظه می‌شود که در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸، متوسط شاخص سودآوری در صنایع کوچک و متوسط معادل ۰/۵۴ و در صنایع بزرگ برابر با ۰/۷۹ است. در همین دوره متوسط شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب معادل ۳/۶۲، ۳/۳۴ و ۳/۸۸ است. مقایسه شاخص‌های سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار نشان می‌دهد که صنایع بزرگ در مقایسه با صنایع کوچک و متوسط از توانمندی به مراتب بیشتری در زمینه بقا و ادامه فعالیت و به‌خصوص رقابت‌پذیری و نفوذ در بازارهای ملی و بین‌المللی برخوردار هستند.



نمودار ۱۳-۲ متوسط شاخص سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

جدول ۸-۲ نتایج مطالعه میدانی انجام شده در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر سود صنایع کوچک در ایران را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مهم‌ترین عامل ورشکستگی و تعطیلی صنایع کوچک، عدم سودآوری آنها بوده که ناشی از عوامل مختلفی است که برخی از این عوامل درون‌زا و ناشی از محیط داخلی کارگاه‌های صنعتی بوده و برخی دیگر برون‌زا و نتیجه سیاستگذاری‌های دولت است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که در بین متغیرهای مورد مطالعه، مکان استقرار واحد تولیدی و برخورداری از حمایت‌های دولت، بیشتر از سایر متغیرها در سود صنایع کوچک در ایران مؤثر است.

جدول ۸-۲ رتبه‌بندی اثرگذاری عوامل مؤثر بر سود صنایع کوچک در ایران براساس ضریب همگنی عوامل

ردیف	صنعت / متغیر	مواد غذایی و آشامیدنی		نساجی و پوشاک		چوب، کاغذ و محصولات شیمیایی		کانی غیرفلزی، فلزات اساسی ماشین‌آلات و متفرقه	
		رتبه	ضریب همگنی	رتبه	ضریب همگنی	رتبه	ضریب همگنی	رتبه	ضریب همگنی
۱	نیروی کار	۴	۰/۱۸	۴	۰/۰۴	۴	۰/۲۶	۲	۰/۱۶
۲	موجودی سرمایه	۳	۰/۲۸	۲	۰/۰۵	۳	۰/۴۶	۱	۰/۲۳
۳	مدیریت	۵	۰/۱۶	۳	۰/۰۴	۵	۰/۱۷	۵	۰/۰۹
۴	مکان استقرار	۱	۰/۷۸	۱	۰/۳۶	۱	۱/۲	۳	۰/۱۲
۵	حمایت‌های دولت	۲	۰/۶۹	۵	۰/۰۳	۲	۰/۸۹	۴	۰/۱۲

مأخذ: محمد مولایی، ۱۳۸۳.

استقرار واحد تولیدی در مکانی نزدیک به بازار خرید مواد اولیه و فروش محصولات در کاهش هزینه حمل‌ونقل آن و در نتیجه قیمت تمام شده محصول بسیار حائز اهمیت است و این امر به افزایش فروش محصول و در نتیجه سود بیشتر منجر می‌شود. برخورداری از حمایت‌های مالی دولت به‌منظور رفع کمبود سرمایه جهت خرید تجهیزات

۵۲ سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران

و ماشین‌آلات و در نتیجه رشد و گسترش سطح تولید واحد تولیدی و افزایش سودآوری آن مؤثر است.

در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳، شاخص سودآوری صنایع کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب از ۰/۵۲، ۰/۵۴ و ۰/۸۰ در سال ۱۳۷۹ به ۰/۵۲، ۰/۴۹ و ۰/۶۱ در سال ۱۳۸۳ تغییر پیدا کرده است. به عبارت دیگر در این دوره شاخص سودآوری در صنایع کوچک ثابت و در صنایع متوسط و بزرگ کاهش یافته است. در همین دوره شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار به ترتیب از ۰/۰۴، ۳/۳۳ و ۴/۴۹ به ۳/۱۷، ۳/۰۱ و ۵/۰۸ تغییر یافته و بیانگر این است که در این دوره به غیر از صنایع متوسط بقیه صنایع از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده‌اند (جدول ۹-۲).

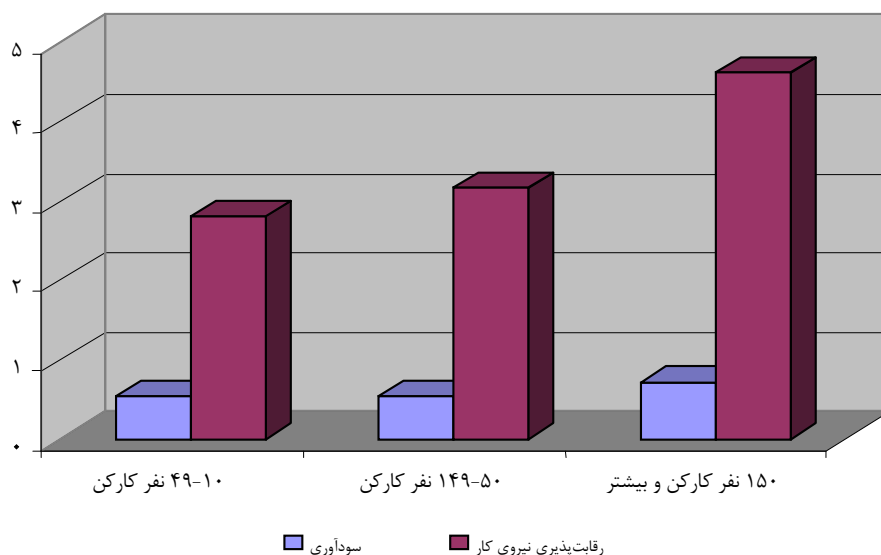
جدول ۹-۲ شاخص سودآوری و رقابت‌پذیری در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

ردیف	سال		۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
	شاخص						
۱	سودآوری	صنایع کوچک	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۵۷	۰/۵۳	۰/۵۲
		صنایع متوسط	۰/۵۴	۰/۵۹	۰/۵۹	۰/۵۲	۰/۴۹
		صنایع بزرگ	۰/۸۰	۰/۷۸	۰/۷۱	۰/۶۵	۰/۶۱
۲	رقابت‌پذیری نیروی کار	صنایع کوچک	۱/۰۴	۳/۲۶	۳/۴۴	۳/۱۶	۳/۱۷
		صنایع متوسط	۳/۳۳	۳/۰۷	۳/۳۰	۳/۱۰	۳/۰۱
		صنایع بزرگ	۴/۴۹	۴/۵۰	۴/۳۵	۴/۶۵	۵/۰۸

مأخذ: محاسبات تحقیق

- اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییرات نسبت به سال قبل است.

در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳، متوسط شاخص سودآوری در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب برابر با ۰/۵۴، ۰/۷۱ و ۰/۷۱ و متوسط شاخص رقابت پذیری نیروی کار نیز به ترتیب معادل ۲/۸۱، ۳/۱۶ و ۴/۶۱ بود (نمودار ۱۴-۲).



نمودار ۱۴-۲ متوسط شاخص سودآوری و رقابت پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

برای جمع بندی و نتیجه گیری این قسمت، متوسط شاخص های سودآوری و رقابت پذیری نیروی کار در دوره های زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (سال های برنامه دوم توسعه) و ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (سال های برنامه سوم توسعه) با هم مقایسه شده که نتایج آن در جدول ۱۰-۲ نشان داده شده است. مقایسه متوسط شاخص سودآوری در برنامه سوم با برنامه دوم توسعه کشور بیانگر این است که میزان سودآوری صنایع کوچک و متوسط در حد ۰/۵۴ ثابت مانده در حالی که میزان سودآوری در صنایع بزرگ دچار افول شده و از متوسط ۰/۷۹ به ۰/۷۱ کاهش یافت. با توجه به اینکه متوسط سهم ارزش افزوده صنایع بزرگ طی سال های برنامه سوم در مقایسه با برنامه دوم توسعه کشور افزایش و نزدیک

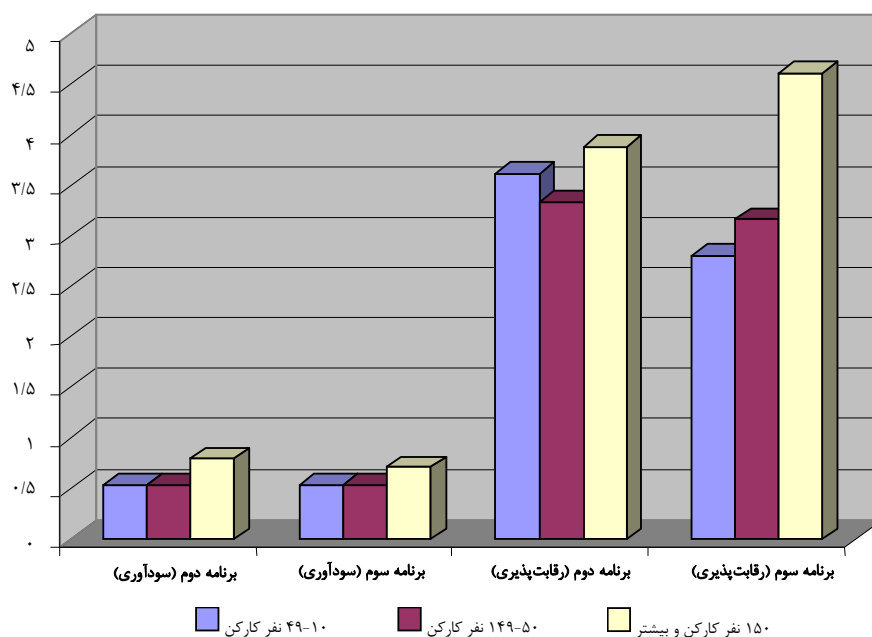
به سه درصد رشد داشت، می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که در طول سال‌های برنامه سوم توسعه، ممکن است به دلیل بالا بودن قیمت مواد اولیه، بالا بودن نرخ بهره (سود تسهیلات)، عدم دسترسی آسان به منابع بانکی، وجود مازاد نیروی انسانی و ... موضوع کاهش سودآوری در صنایع بزرگ اتفاق افتاده باشد. همچنین مقایسه شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع مختلف برخلاف شاخص سودآوری نشان می‌دهد که متوسط شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک و متوسط کاهش و بر میزان این شاخص در صنایع بزرگ افزوده شد. این امر نیز می‌تواند متأثر از افزایش سهم ارزش افزوده در صنایع بزرگ و وجود قراردادهای کاری بلندمدت و در نتیجه چسبندگی بیشتر دستمزدها (جبران خدمات) در مقایسه با صنایع کوچک و متوسط باشد.

جدول ۱۰-۲ مقایسه متوسط شاخص سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه پنج‌ساله دوم و سوم توسعه

ردیف	شاخص	برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	درصد تغییر
۱	صنایع کوچک	۰/۵۴	۰/۵۴	۰
	صنایع متوسط	۰/۵۴	۰/۵۴	۰
	صنایع بزرگ	۰/۷۹	۰/۷۱	-۱۰/۱
۲	صنایع کوچک	۳/۶۲	۲/۸۱	-۲۲/۴
	صنایع متوسط	۳/۳۴	۳/۱۶	-۵/۴
	صنایع بزرگ	۳/۸۸	۴/۶۱	۱۸/۸

مأخذ: همان

نمودار مقایسه‌ای متوسط شاخص‌های سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار در برنامه دوم و سوم توسعه در زیر آمده است (نمودار ۱۵-۲).



نمودار ۱۵-۲ مقایسه شاخص‌های سودآوری و رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک، و متوسط بزرگ طی سال‌های برنامه دوم و سوم توسعه

۲-۴ میزان سرمایه‌گذاری و نسبت اضافی سرمایه به تولید^۱ در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ

نسبت اضافی سرمایه به تولید، بیانگر مقیاسی از بهره‌وری سرمایه بوده و از نسبت سرمایه‌گذاری در یک دوره به تغییر تولید در دوره بعد به دست می‌آید. مقادیر بالاتر این شاخص نشان‌دهنده سطح پایین‌تر بهره‌وری سرمایه در یک اقتصاد است. براساس دستورالعمل بانک جهانی و با فرض وجود وقفه یک‌ساله بین سرمایه‌گذاری و تغییر تولید حاصل از آن برای محاسبه شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید کل اقتصاد از رابطه ذیل استفاده می‌شود:

1. Incremental Capital-Output Ratio (ICOR)

معادله (۲-۱):

$$ICOR_t = \frac{I_{t-1}}{GDP_t - GDP_{t-1}}$$

I : تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

GDP : تولید ناخالص داخلی

بخش صنعت و معدن در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصاد کشور از ضریب به نسبت کوچکی معادل ۱/۵۰ در زمینه شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید برخوردار است. این امر بیانگر بالاتر بودن بهره‌وری سرمایه بخش صنعت و معدن در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصاد است. گفتنی است در دوره مذکور بخش آب و برق با ضریب ۲۴/۵ دارای کمترین میزان بهره‌وری سرمایه در اقتصاد ایران بود (جدول ۲-۱۱).

جدول ۲-۱۱ برآورد متوسط شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید (ICOR) به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصاد در دوره ۱۳۴۵-۱۳۷۸

ردیف	بخش	ICOR
۱	کشاورزی	۱/۱۶
۲	نفت و گاز	۰/۷۱
۳	صنعت و معدن	۱/۵۰
۴	آب و برق	۲۴/۵۰
۵	ساختمان	۰/۲۷
۶	حمل‌ونقل و ارتباطات	۶/۷۰
۷	سایر خدمات	۵/۹۴
۸	میانگین اقتصاد	۵/۸۲

مأخذ: حسین پیراسته و فرزاد کریمی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵.

محاسبه شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید برای کل اقتصاد کشور طی سال‌های برنامه سوم توسعه و سال ۱۳۸۴ نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ بهره‌وری سرمایه از وضعیت مناسب‌تری برخوردار بوده است. گفتنی است میانگین

شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید در اقتصاد ایران طی سال‌های برنامه سوم توسعه کشور معادل ۶/۴ واحد بود که در سال ۱۳۸۴ به ۶/۷ واحد رسیده است (جدول ۱۲-۲).

جدول ۱۲-۲ برآورد شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید در اقتصاد ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۴

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	میانگین برنامه سوم توسعه	۱۳۸۴
نسبت اضافی سرمایه به تولید	۶	۹/۱	۴/۴	۵	۷/۳	۶/۴	۶/۷

مأخذ: بانک مرکزی، مردادماه ۱۳۸۶.

روند سرمایه‌گذاری و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید به تفکیک صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه دوم توسعه کشور (۱۳۷۴-۱۳۷۸) به شرح زیر است:

- در صنایع کوچک یا بنگاه‌های دارای ۱۰-۴۹ نفر کارکن، میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۴ معادل ۱۰۸۶/۹ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۷۸ به ۲۳۳۶/۴ میلیارد ریال رسید و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید از ۰/۵۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۰/۶۶ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت.

- در صنایع متوسط یا بنگاه‌های دارای ۵۰-۱۴۹ نفر کارکن، میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۴ معادل ۱۶۹۹/۵ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۷۸ به ۲۴۶۵ میلیارد ریال رسید و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید نیز از ۰/۸۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۰/۵۵ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافت.

- در صنایع بزرگ یا بنگاه‌های دارای ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر، میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۴ برابر با ۶۰۷۹/۳ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۷۸ به ۱۰۷۸۴/۵ میلیارد ریال رسید و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید نیز از ۰/۴۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۰/۳۱ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش یافت (جدول ۱۳-۲).

جدول ۱۳-۲ روند سرمایه‌گذاری و شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

سال					شاخص
۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	
۲۳۳۶/۴ (۱۵/۰۰)	۱۹۳۶/۲ (۱۵/۹۸)	۱۷۷۴ (۱۱/۷۵)	۶۵۷/۱ (۶/۵۵)	۱۰۸۶/۹ (-)	صنایع کوچک
۲۴۶۵ (۱۵/۸۱)	۱۶۶۹/۷ (۱۳/۷۸)	۱۵۲۱/۷ (۱۰/۰۸)	۵۱۱/۷ (۵/۱۰)	۱۶۹۹/۵ (-)	صنایع متوسط
۱۰۷۸۴/۵ (۶۹/۲۰)	۸۵۰۶ (۷۰/۲۲)	۱۱۷۹۶/۱ (۷۸/۱۶)	۸۸۶۵/۹ (۸۸/۳۵)	۶۰۷۹/۳ (-)	صنایع بزرگ
۱۵۵۸۶	۱۲۱۱۲	۱۵۰۹۱/۸	۱۰۰۳۴/۷	۸۸۶۵/۷	جمع
۰/۶۶	۱/۷۸	۰/۳۳	۰/۵۵	—	صنایع کوچک
۰/۵۵	۰/۶۸	۰/۳۴	۰/۸۴	—	صنایع متوسط
۰/۳۱	۱/۰۹	۰/۵۸	۰/۴۱	—	صنایع بزرگ

مأخذ: محاسبات تحقیق

- اعداد داخل پرانتز بیانگر سهم از کل است.

روند سرمایه‌گذاری و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید به تفکیک صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) به شرح زیر است:

- در صنایع کوچک یا بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۰-۴۹ نفر کارکن میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۹ معادل ۲۲۱۴ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۸۳ به بیش از دو برابر یعنی ۵۰۵۳/۱ میلیارد ریال رسید و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید از ۰/۸۹ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۰/۴۲ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش یافت.

- در صنایع متوسط یا بنگاه‌های صنعتی دارای ۵۰-۱۴۹ نفر کارکن میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۹ معادل ۲۵۷۲/۴ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۸۳ تقریباً دو برابر شده و به رقم ۵۳۳۴ میلیارد ریال رسید و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید نیز از ۰/۶۵ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۰/۴۸ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش یافت.

- در صنایع بزرگ یا بنگاه‌های صنعتی دارای ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر میزان سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۵۶۳۱/۲ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۳۸۳ به بیش از دو برابر یعنی ۳۶۸۱۵/۱ میلیارد ریال و شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید از ۰/۲۹ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۰/۳۳ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت (جدول ۱۴-۲).

جدول ۱۴-۲ روند سرمایه‌گذاری و شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

سال	شاخص					
	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
ارزش سرمایه‌گذاری به قیمت جاری (میلیارد ریال)	صنایع کوچک	۲۲۱۴	۲۳۹۴/۸	۲۷۹۲/۹	۳۵۳۲/۳	۵۰۵۳/۱
	صنایع متوسط	(۱۰/۸)	(۱۳/۸۳)	(۱۱/۶۰)	(۸/۶۱)	(۱۰/۷)
	صنایع بزرگ	۲۵۷۲/۴	۲۲۸۷/۱	۲۸۵۶/۸	۴۷۹۹/۳	۵۳۳۴
		(۱۲/۶)	(۱۳/۲۰)	(۱۱/۸۶)	(۱۱/۷۰)	(۱۱/۳)
		۱۵۶۳۱/۲	۱۲۶۳۳	۱۸۴۲۰/۳	۳۲۶۸۴	۳۶۸۱۵/۱
		(۷۶/۵۵)	(۷۳)	(۷۶/۵۲)	(۷۹/۶۸)	(۷۸)
جمع						
شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید	صنایع کوچک	۰/۸۹	۱/۴۵	۰/۱۵	۰/۳۷	۰/۴۲
	صنایع متوسط	۰/۶۵	۲/۷۲	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۴۸
	صنایع بزرگ	۰/۲۹	۰/۶۰	۰/۲۹	۰/۲۳	۰/۳۳

مأخذ: همان

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این قسمت باید گفت که متوسط سرمایه‌گذاری انجام شده در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه دوم به ترتیب معادل ۱۵۵۸/۱، ۱۵۷۳/۵ و ۹۲۰۶/۳ میلیارد ریال بود که در برنامه سوم به ۳۱۹۷/۴، ۳۵۷۰ و ۲۳۲۳۶/۷ میلیارد ریال افزایش یافت و مقدار شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید نیز از ۰/۸۳، ۰/۶۰ و ۰/۵۹ درصد در برنامه دوم به ۰/۶۵، ۰/۸۷ و ۰/۳۵ درصد در برنامه سوم تغییر کرده است (جدول ۱۵-۲).

جدول ۱۵-۲ مقایسه متوسط سرمایه‌گذاری و شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی برنامه پنج‌ساله دوم و سوم توسعه

ردیف	شاخص	برنامه پنج‌ساله		درصد تغییر
		دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	
۱	متوسط سرمایه‌گذاری	۱۵۵۸/۱	۳۱۹۷/۴	۱۰۵
	انجام شده به قیمت جاری (میلیارد ریال)	۱۵۷۳/۵	۳۵۷۰	۱۲۷
	صنایع بزرگ	۹۲۰۶/۳	۲۳۲۳۶/۷	۱۵۲
۲	متوسط شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید*	۰/۸۳	۰/۶۵	-۲۱
	صنایع متوسط	۰/۶۰	۰/۸۷	۴۵
	صنایع بزرگ	۰/۵۹	۰/۳۵	-۴۰

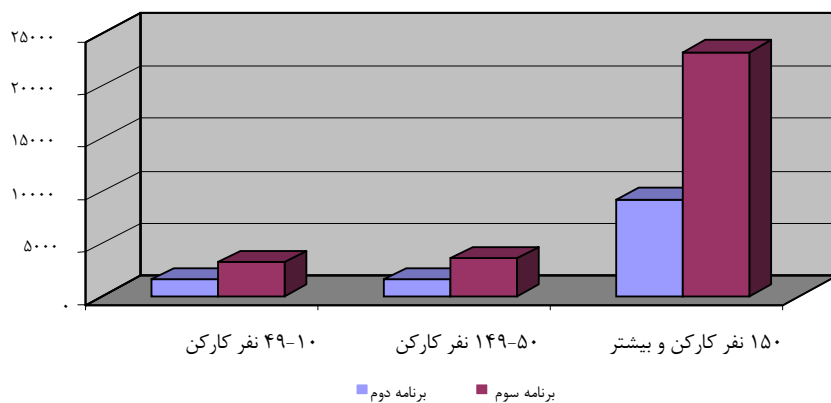
مأخذ: همان

* برآورد متوسط شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید در برنامه دوم توسعه کشور براساس دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۸ صورت گرفته است.

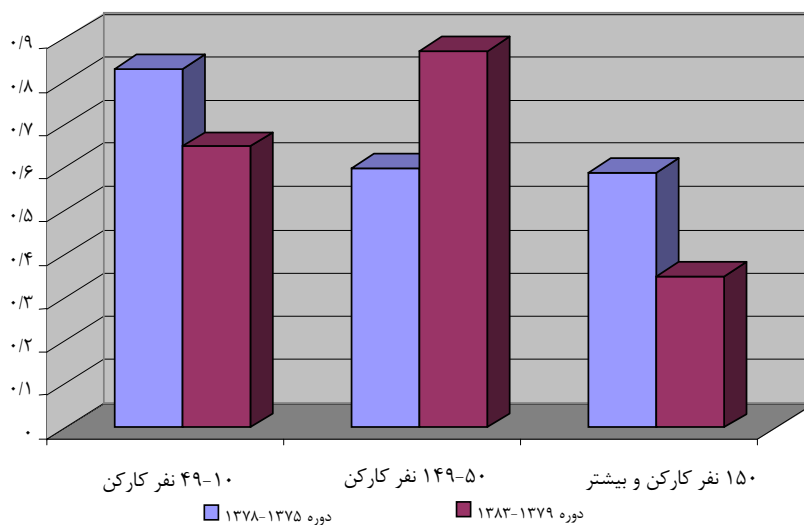
براساس آمار و ارقام جدول ۱۵-۲ می‌توان تحلیل کرد که به‌رغم رشد قابل ملاحظه سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و متوسط در برنامه سوم توسعه کشور، گرایش به سمت صنایع بزرگ بیشتر بوده است، که این امر می‌تواند هم ناشی از جهت‌گیری سیاست‌های دولت در زمینه حمایت و تقویت صنایع بزرگ باشد و هم به قدرت و توانمندی‌های این صنایع در جذب سرمایه‌گذاری‌ها برگردد.

در تحلیل مقادیر شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید با توجه به تعریف این شاخص، که از نسبت سرمایه‌گذاری در یک دوره به تغییر تولید در دوره بعد به‌دست می‌آید، باید گفت هرچه کمیت این شاخص بیشتر باشد نشان‌دهنده سطح پایین‌تر بهره‌وری سرمایه است. بنابراین بر مبنای مقادیر شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید می‌توان نتیجه گرفت که در طول سال‌های برنامه دوم توسعه، بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک از صنایع متوسط و بزرگ به مراتب کمتر بود اما این وضعیت طی سال‌های برنامه سوم توسعه تغییر کرد به طوری که در این دوره بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک و بزرگ بهبود (افزایش) یافت و در مقابل بهره‌وری سرمایه در صنایع متوسط دچار تنزل شد. در نمودارهای توزیعی زیر شاخص‌های سرمایه‌گذاری و نسبت اضافی سرمایه به

تولید به تفکیک فعالیت‌های صنعتی ۴۹-۱۰ نفر کارکن، ۱۴۹-۵۰ نفر کارکن و ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه کشور مقایسه شده‌اند.



نمودار ۲-۱۶ متوسط سرمایه‌گذاری انجام شده در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه دوم و سوم توسعه (ارقام به میلیارد ریال)



نمودار ۲-۱۷ متوسط شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در مقاطع زمانی (۱۳۷۸-۱۳۷۵) و (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

۲-۵ نقش صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در تجارت خارجی ایران

به موازات صنعتی شدن، مهارت‌ها و سرمایه فیزیکی انباشته می‌شود و دسترسی به نهاده‌های واسطه‌ای افزایش می‌یابد. تحول شرایط عرضه و صرفه‌های مقیاس که در اثر رشد بازار داخلی برای کالاهای صنعتی به وجود می‌آید، موجب تغییر مزیت نسبی کشور در بازار جهانی می‌شود. به این ترتیب کشورهای در حال توسعه از تخصص‌یابی در محصولات اولیه که وجه مشترک مراحل اولیه توسعه اقتصادی است فاصله می‌گیرند و به صدور کالاهای صنعتی رو می‌آورند. هرچند این فرایند در ایران نیز مشاهده می‌شود، لکن به دلایل متعدد که در فصول آتی تشریح خواهد شد، عملکرد اقتصاد کشور در زمینه صادرات غیرنفتی ضعیف بوده است. تحول صادرات صنعتی کشور در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه) نشان می‌دهد که صادرات صنعتی در این دوره، سالانه حدود ۹/۸ درصد رشد داشته و سهم صادرات صنعتی در صادرات غیرنفتی کشور از ۳۹/۳ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت (جدول ۱۶-۲).

جدول ۱۶-۲ تحول صادرات صنعتی کشور در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه)

ردیف	سال	شرح			
	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
۱	۱۲۷۶/۳	۱۴۱۳/۱	۱۵۷۹/۸	۱۵۸۸/۲	۱۸۴۷/۷
	(—)	(۱۰/۷)	(۱۱/۸)	(۰/۵)	(۱۶/۳)
۲	۳۹/۳	۴۵/۵	۵۴/۹	۵۲/۷	۵۵
۳	۷	۶/۳	۸/۶	۱۶	۹/۴

مأخذ: بهروز هادی‌زنوز، ۱۳۸۲، ص ۱۴.

— اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییرات نسبت به سال قبل است.

بررسی روند تحقق اهداف و پیش‌بینی‌های صادرات غیرنفتی در طول برنامه سوم توسعه کشور نشان می‌دهد که مطابق اهداف کمی برنامه سوم توسعه کشور، میزان صادرات غیرنفتی برای سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۳ به ترتیب ۵۳۰۹، ۵۹۷۳، ۷۱۸۸، ۸۰۷۰ و

۱۰۶۵۳ میلیون دلار پیش‌بینی شده بود. درحالی‌که عملکرد صادرات کشور در این خصوص طی این سال‌ها نشان می‌دهد که میزان صادرات غیرنفتی از ۶۱۹۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به ۸۰۵۳ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ و ۱۰۲۹۶ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ و سپس ۱۲۸۸۵ میلیون دلار در سال ۱۳۸۲ رسید. عملکرد صادرات غیرنفتی با ادامه روند صعودی خود در سال پایانی برنامه سوم به ۱۴۵۶۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. به عبارت دیگر درصد تحقق پیش‌بینی‌های برنامه سوم توسعه کشور در این سال‌ها به ترتیب ۱۱۶/۷، ۱۳۴/۸، ۱۴۳/۲، ۱۵۹/۷ و ۱۳۶/۷ درصد بود (جدول ۱۷-۲).

در برنامه سوم توسعه، بسیاری از مسائل و مشکلات بخش تجارت خارجی شناسایی شده و اقدامات مؤثر نظیر حذف پیمان‌سپاری ارزی، رفع بسیاری از موانع غیرتعرفه‌ای و یکسان‌سازی نرخ ارز با جهت‌گیری بهبود صادرات غیرنفتی و هدفمند کردن واردات انجام شد. جهت‌گیری کلی بخش تجارت خارجی در برنامه سوم توسعه بر مبنای فصل بازرگانی بر محورهای زیر استوار بود:

۱. جهش صادراتی (ماده ۱۱۳).
۲. مجاز بودن صدور کلیه کالاها و خدمات به‌استثنای اشیای عتیقه، ذخایر استراتژیک و کالاهای مشمول یارانه مستقیم (ماده ۱۱۴).
۳. حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی (ماده ۱۱۵).
۴. تقویت توان رقابت محصولات صادراتی (ماده ۱۱۶).
۵. تشکیل شورای عالی صادرات غیرنفتی (ماده ۱۱۷).

عملکرد صادرات صنعتی کشور در برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) نشان می‌دهد با ادامه روند صعودی، ارزش صادرات صنعتی از ۲۲۵۹/۲ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به ۴۸۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است. به‌طوری‌که صادرات صنعتی کشور در طول سال‌های برنامه سوم توسعه از رشد چشمگیر متوسط سالانه‌ای معادل ۲۱/۶ درصد برخوردار شد. اما نکته مثبتی که در آمار اطلاعات مربوط به صادرات صنعتی کشور در برنامه سوم توسعه و سال‌های اخیر به چشم می‌خورد، روند رو به رشد صادرات صنعتی و تداوم و استمرار آن است و به نوعی دستیابی کشور به رشدی پایدار در زمینه صادرات صنعتی کشور را در ذهن‌ها تداعی می‌کند.

جدول ۱۷-۲ عملکرد شاخص‌های کلیدی اهداف کمی بخش تجارت خارجی در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

ردیف	سال	۱۳۷۹		۱۳۸۰		۱۳۸۱		۱۳۸۲		۱۳۸۳						
		هدف	عملکرد	درصد تحقق	هدف	عملکرد	درصد تحقق	هدف	عملکرد	درصد تحقق	هدف	عملکرد				
۱	صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	۵۳۰۹	۶۱۹۳	۱۱۶/۷	۵۹۷۳	۸۰۵۳	۱۳۴/۸	۷۱۸۸	۱۰۲۹۶	۱۴۲/۲	۸۰۷۰	۱۲۸۸۵	۱۵۹/۷	۱۰۶۵۳	۱۴۵۶۷	۱۳۶/۷
۲	سهم صادرات غیرنفتی در کل صادرات (درصد)	۲۶/۸	۲۰/۳	—	۲۷/۴	۲۹/۴	—	۳۳/۸	۲۱	—	۲۵/۶	۲۲	—	۴۱/۴	۲۸/۳	—

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، ص ۵۵۵

نکته حائز اهمیت در زمینه صادرات صنعتی کشور، سهم آن از صادرات غیرنفتی کشور است به طوری که این سهم از ۵۴ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۶۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت (جدول ۱۸-۲).

جدول ۱۸-۲ تحول صادرات صنعتی کشور در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (برنامه سوم توسعه)

سال	شرح	۱۳۷۹*	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
صادرات صنعتی (میلیون دلار)	۲۲۵۹/۲ (۲۲/۳)	۲۵۴۵ (۱۲/۶)	۲۸۵۳ (۱۲/۱)	۳۸۵۱ (۳۵)	۴۸۶۰ (۲۶/۲)	
سهم صادرات صنعتی در صادرات غیرنفتی (درصد)	۵۴	۵۵/۷	۵۴/۱	۵۸	۶۴/۵	
سهم صادرات صنعتی در کل صادرات (درصد)	۷/۹	۱۰/۶	۱۰/۱	۱۱/۳	۱۱/۱	

مأخذ:

۱. بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۴.
 ۲. بانک مرکزی، نماگر شماره‌های ۳۶ و ۴۶.
- * رقم صادرات صنعتی مربوط به این سال از گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۳ بانک مرکزی استخراج شد.

بر اساس آمار قطعی صادرات کالاهای صنعتی در سال ۱۳۸۴ که معادل ۷۷۶۰ میلیون دلار است^۱ و با توجه به آمار مقدماتی صادرات غیرنفتی و کل صادرات کشور در این سال که به ترتیب معادل ۱۱۱۸۹ و ۶۰۰۱۲ میلیون دلار برآورد شد،^۲ می‌توان نتیجه گرفت که سهم صادرات صنعتی در صادرات غیرنفتی و کل صادرات کشور در سال ۱۳۸۴ به ترتیب معادل ۶۹/۳ و ۱۲/۹ درصد است که بیانگر تداوم و ادامه روند صعودی صادرات صنعتی در برنامه سوم توسعه کشور است. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که صادرات کالاهای صنعتی در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۳ نزدیک به شصت درصد (۵۹/۶۷) رشد داشته است.

در این قسمت به دلیل فقدان آمار و ارقام صادرات به تفکیک صنایع مختلف در طول سال‌های برنامه دوم توسعه کشور فقط به آمار صادرات مستقیم به تفکیک صنایع کوچک،

۱. بانک مرکزی، مردادماه ۱۳۸۶.

۲. بانک مرکزی، سه ماهه سوم سال ۱۳۸۵.

متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه کشور یا دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ بسنده شد. قبل از بررسی و تحلیل نقش صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در تجارت خارجی ایران طی دوره برنامه سوم توسعه کشور لازم است مطالعات انجام شده پیرامون موضوع مذکور، تشریح و تبیین شوند. براساس مطالعه‌ای که توسط وزارت صنایع و معادن در زمینه نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در صادرات غیرنفتی ایران صورت گرفته است^۱، سناریوهای احتمالی برای میزان سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در رشد صادرات غیرنفتی ایران ۱۳۸۹-۱۳۹۹ (۲۰۱۰-۲۰۲۰) نشان می‌دهند که با توجه به موقعیت اقتصاد کشور در سه وضعیت اقتصاد بسته، نیمه‌باز و اقتصاد باز پیش‌بینی مقادیر صادرات متفاوت خواهد بود (جدول ۱۹-۲).

جدول ۱۹-۲ سناریوهای احتمالی برای سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در رشد صادرات غیرنفتی ایران در دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۹ (۲۰۱۰-۲۰۲۰) (ارقام به میلیون دلار)

ردیف	سال شاخص	۱۳۸۹ (۲۰۱۰)	۱۳۹۹ (۲۰۲۰)
۱	صادرات نفت خام	۳۱۲۰۰	۳۷۵۰۰
۲	صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط - اقتصاد بسته	۱۶۶/۲	۱۶۹۹
	- حداقل - حداکثر	۲۷۸/۱	۲۸۳۱
۳	صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط - اقتصاد نیمه‌باز	۱۰۲۸	۵۶۹۱
	- حداقل - حداکثر	۱۷۱۴	۹۴۸۵
۴	صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط - اقتصاد باز	۱۷۳۶	۹۹۲۹
	- حداقل - حداکثر	۲۸۹۴	۱۶۵۴۹

مأخذ: مرتضی ایمانی‌راد، همان، ۱۳۷۶، ص ۲۷۲.

۱. مرتضی ایمانی‌راد، همان، ۱۳۷۶، ص ۲۷۲.

به دلیل فقدان آمارهای رسمی در زمینه عملکرد صادرات صنایع کوچک و متوسط در ایران، تحقیقاتی در این راستا توسط سازمان توسعه صنعتی ملل متحد یا یونیدو صورت گرفت^۱ تا ارزیابی تقریبی از صادرات گروه‌های صنایع کوچک و متوسط صورت گیرد. گفتنی است این تحقیق در گزارش سالانه یونیدو در فوریه سال ۲۰۰۳ منتشر شد. براساس جدول ذیل، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد از کل صادرات صنعتی کشور در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ م) به ارزش ۲۸۳۶ میلیون دلار، بنگاه‌های کوچک و متوسط حدود ۶/۲ درصد آن را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر بنابر یافته‌های این تحقیق ارزش صادرات صنایع کوچک و متوسط ایران در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۷۶/۳ میلیون دلار بوده است (جدول ۲-۲۰).

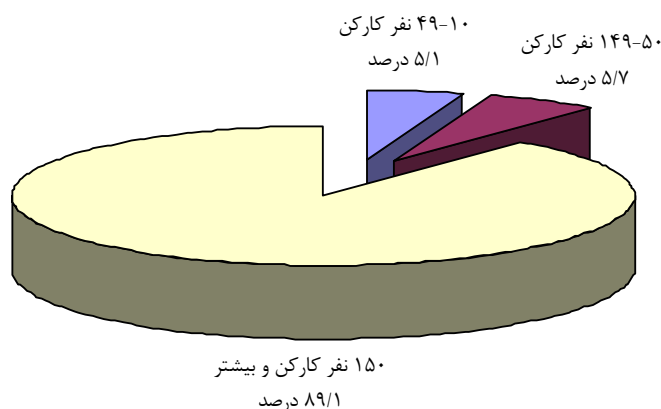
جدول ۲-۲۰ ارزش صادرات صنعتی به تفکیک اندازه بنگاه‌ها در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ م)
(ارقام به میلیون دلار)

ردیف	شاخص	ارزش صادرات
۱	کل صادرات صنعتی	۲۸۳۶/۲
۲	صادرات فرش	۶۸۶/۳
۳	صادرات شرکت‌های بزرگ (۲۰۰ شرکت بزرگ رتبه‌بندی شده توسط سازمان مدیریت صنعتی-۱۰۰ IMI)	۱۴۴۹/۲
۴	صادرات بقیه شرکت‌های بزرگ و صنایع کوچک و متوسط	۷۰۰/۷
۵	صادرات بقیه شرکت‌های بزرگ	۵۲۴/۴
۶	صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی	۱۷۶/۳
۷	سهم صادرات صنایع کوچک و متوسط از کل صادرات صنعتی (درصد)	۶/۲
۸	سهم صادرات صنایع کوچک و متوسط از کل صادرات غیرنفتی (درصد)	۴/۷

مأخذ: یونیدو، همان ۱۳۸۴.

۱. یونیدو، همان، ۱۳۸۴.

براساس آمار و ارقام جدول (۲-۲۱) در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ متوسط سهم ارزش صادرات مستقیم بنگاه‌های صنعتی ۱۰-۴۹ نفر کارکن، ۵۰-۱۴۹ نفر کارکن و ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر به ترتیب معادل ۵/۱، ۵/۷ و ۸۹/۱ درصد بود. نمودار توزیعی زیر، ساختار توزیع صادرات مستقیم به تفکیک اندازه بنگاه را به خوبی نشان می‌دهد.



نمودار ۱۸-۲ متوسط سهم صادرات مستقیم در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

جدول ۲۱-۲ روند تولید، فروش و صادرات در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

سال	شاخص					
	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
ارزش تولید به قیمت جاری (میلیارد ریال)	صنایع کوچک	۴۸۳۵۸/۴ (۱۰/۲۵)	۴۰۴۳۸/۴ (۱۱/۲۷)	۳۳۴۴۶/۹ (۱۲/۶۸)	۱۸۷۳۲/۹ (۹/۴۹)	۱۷۳۱۶/۴ (۱۰/۳۱)
	صنایع متوسط	۴۶۸۲۸/۳ (۹/۹۳)	۳۷۴۳۶/۵ (۱۰/۴۳)	۲۸۳۴۴/۶ (۱۰/۷۵)	۱۸۳۰۴/۱ (۹/۲۷)	۱۷۳۷۳/۳ (۱۰/۳۵)
	صنایع بزرگ	۳۷۶۳۲۹/۶ (۷۹/۸۱)	۲۸۰۸۹۱/۳ (۷۸/۳۰)	۲۰۱۸۱۹/۹ (۷۶/۵۶)	۱۶۰۳۳۳/۶ (۸۱/۲۳)	۱۳۳۱۹۱/۳ (۷۹/۳۳)
جمع	۴۷۱۵۱۶/۳	۳۵۸۷۶۶/۲	۲۶۳۶۱۱/۴	۱۹۷۳۷۰/۶	۱۶۷۸۸۱	

جدول ۲-۲۱ روند تولید، فروش و صادرات در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

سال		۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
شاخص						
ارزش فروش به قیمت جاری (میلیارد ریال)	صنایع کوچک	۱۶۴۷۳/۲ (۱۰/۱۰)	۱۸۰۲۹/۶ (۹/۳۶)	۳۲۵۸۰/۳ (۱۲/۶۵)	۳۹۶۸۰/۴ (۱۱/۴۱)	۴۶۹۵۱/۱ (۱۰/۰۸)
	صنایع متوسط	۱۶۷۴۲/۷ (۱۰/۲۶)	۱۷۶۷۹/۶ (۹/۱۸)	۲۷۶۵۰/۵ (۱۰/۷۳)	۳۶۳۶۵/۴ (۱۰/۴۶)	۴۵۹۲۹/۸ (۹/۸۶)
	صنایع بزرگ	۱۲۹۸۶۷/۲ (۷۹/۶۳)	۱۵۶۸۹۵/۶ (۸۱/۴۶)	۱۹۷۳۶۴/۶ (۷۶/۶۲)	۲۷۱۷۰۰/۸ (۷۸/۱۳)	۳۷۲۹۳۸/۹ (۸۰/۰۶)
جمع		۱۶۳۰۸۳/۱	۱۹۲۶۰۴/۸	۲۵۷۵۹۵/۴	۳۴۷۷۴۶/۶	۴۶۵۸۱۹/۸
ارزش صادرات مستقیم (میلیون دلار)	صنایع کوچک	۷۸/۴۴۵ (۴/۳۹)	۷۹/۰۹۸ (۴/۰۱)	۱۴۱/۲۵۱ (۶/۲۸)	۱۷۸/۶۳۹ (۶/۲۰)	۲۱۴/۵۳۳ (۴/۵۰)
	صنایع متوسط	۹۳/۲۸۳ (۵/۲۲)	۱۰۴/۲۵۷ (۵/۴۰)	۱۴۹/۱۴۸ (۶/۶۳)	۱۹۲/۶۵۴ (۶/۶۷)	۲۲۸/۷۴۴ (۴/۷۹)
	صنایع بزرگ	۱۶۱۴/۳۷۲ (۹۰/۳۸)	۱۷۴۶/۷۴۹ (۹۰/۵۰)	۱۹۵۸/۵۸۹ (۸۷/۰۸)	۲۵۱۳/۶۷۷ (۸۷/۱۳)	۴۳۳۱/۶ (۹۰/۷۲)
جمع		۱۷۸۶/۱	۱۹۳۰/۱	۲۲۴۸/۹۹۸	۲۸۸۴/۹۷	۴۷۷۴/۸۷۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، همان، ۱۳۸۶.

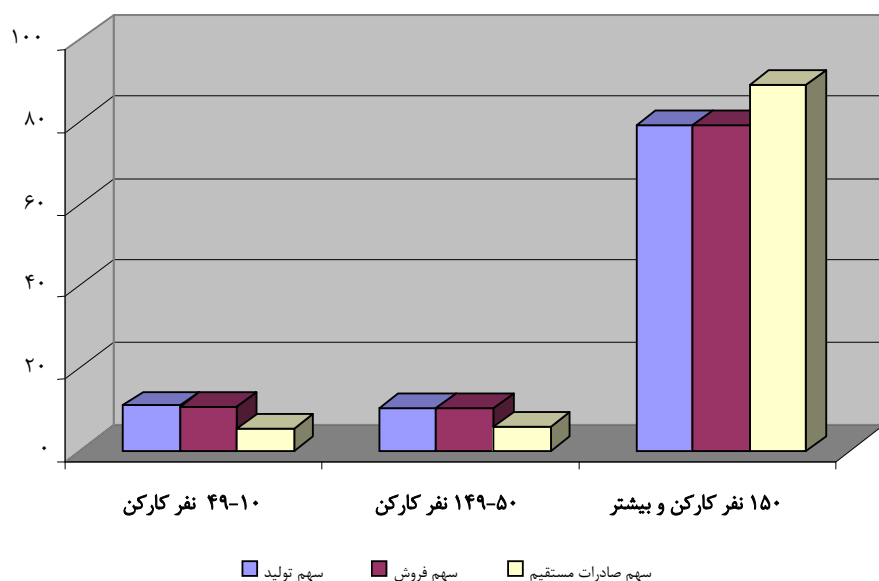
- اعداد داخل پرانتز بیانگر سهم از کل است.

جدول بالا نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳، متوسط سهم ارزش تولید بنگاه‌های صنعتی کوچک (۱۰-۴۹ نفر کارکن)، متوسط (۵۰-۱۴۹ نفر کارکن) و بزرگ (۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر) به ترتیب معادل ۱۰/۸، ۱۰/۱ و ۷۹ درصد و متوسط سهم ارزش فروش بنگاه‌های صنعتی به تفکیک فوق‌الذکر برابر با ۱۰/۷، ۱۰/۱ و ۷۹/۲ درصد بوده است.

بنابراین با مقایسه متوسط سهم شاخص‌های ارزش تولید، فروش و صادرات مستقیم که در مبحث قبلی تشریح شد می‌توان دریافت که دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ یا طی سال‌های برنامه سوم توسعه کشور، سهم صادرات مستقیم در صنایع کوچک (۱۰-۴۹ نفر

۷۰ سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران

کارکن) و صنایع متوسط (۵۰-۱۴۹ نفر کارکن) تقریباً معادل نصف مقادیر شاخص‌های سهم ارزش تولید و فروش در همین بنگاه‌ها بوده در حالی که میزان سهم صادرات مستقیم در بنگاه‌های با ۱۵۰ نفر کارکن و بیشتر حدود ده درصد از مقادیر شاخص‌های سهم ارزش تولید و فروش در همین بنگاه‌ها بیشتر بوده است. این بدان معناست که کالاهای تولیدی صنایع بزرگ آسان‌تر به بازارهای جهانی راه یافته و صادر شده‌اند.



نمودار ۱۹-۲ مقایسه سهم تولید، فروش و صادرات مستقیم در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ طی سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

فصل سوم

مروری بر روند تجارت
جهانی و بررسی نقش
صنایع کوچک و متوسط
در تجارت خارجی

توسعه صادرات یکی از عوامل کلیدی در رشد اقتصادی پایدار است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که هر یک درصد افزایش در رشد صادرات با ۰/۲ درصد افزایش در رشد اقتصادی همراه است. البته الگوهای تجارت جهانی و رشد تولید در مناطق مختلف یکسان نیستند. رشد تجارت در اقتصاد کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ و کشورهای جنوب شرقی آسیا بسیار سریع‌تر از موارد مشابه در آمریکای لاتین و آفریقا بوده است و کشورهای صادرکننده نفت دارای کمترین میزان رشد تجارت هم به‌طور مطلق و هم نسبت به رشد تولید آنها بوده‌اند. علت این امر تا حدودی آن است که رشد تجارت جهانی در حوزه محصولات اولیه، بسیار کندتر از حوزه کالاهای صنعتی بوده است. به‌عنوان نمونه میانگین میزان رشد صادرات کالاهای صنعتی با فناوری پایین و متوسط، ۶/۸ درصد در سال است، در حالی که میزان آن در مورد صادرات کالاهای اولیه ۳/۲ درصد در سال است.^۲

در دو دهه اخیر با ظهور فناوری‌های جدید و دستیابی همگان به شبکه ارتباطی اینترنت، تحولاتی در توانایی‌های واحدهای صنعتی، روش‌های تولید و توزیع و ساختار تشکیلاتی بنگاه‌ها ایجاد شده که عموماً بر اهمیت و نقش واحدهای کوچک و متوسط در ساختار صنعتی کشورها افزوده است. به‌طوری‌که واحدهای کوچک صنعتی و بازرگانی به‌عنوان بخش مکمل و اساسی اقتصاد هر کشوری شناخته شده‌اند. این واحدها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ضمن دستیابی به اهداف اصلی توسعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش و تنوع تولیدات صنعتی دارند و در اهتمام به یک‌سری اهداف بنیادین همچون

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

۲. هاشم پسران، ۱۳۸۴، ص ۴.

ایجاد اشتغال، ریشه‌کن کردن فقر، بهبود توزیع درآمد و برآوردن نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه دارای نقش مؤثری هستند. در بسیاری از کشورها این صنایع تأمین‌کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری‌های جدید بوده‌اند. ازسوی دیگر این صنایع با صادرات قابل توجه، نقش مؤثری در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند.

۳-۱ مبانی نظری ارتباط بین صادرات و مقیاس بنگاه^۱

با توجه به این واقعیت که از یک‌سو قابلیت‌های صادراتی عموماً با مزایای رقابتی و انگیزه‌های صادراتی کشورهای مقصد صادرات سنجیده می‌شود و ازسوی دیگر عملکرد صادرات شرکت‌ها نیز با معیارهایی چون میزان صادرات، سودآوری و رشد آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ همواره این پرسش مطرح بوده است که آیا اندازه بنگاه عاملی تعیین‌کننده در امر صادرات تلقی می‌شود یا اینکه مؤلفه‌های دیگری در افزایش صادرات نقش دارند؟ توافقی عمومی در متون مختلف وجود دارد که اندازه بنگاه ارتباط مستقیمی با احتمال انجام فعالیت‌های صادراتی دارد. مطالعات^۲ نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که در فعالیت‌های صادراتی دخالت می‌کنند، عموماً شرکت‌هایی با اندازه بزرگ‌تر می‌باشند. به عبارت دیگر اندازه بنگاه، احتمال صادرکننده بودن آن را افزایش می‌دهد. با این حال استثنائاتی نیز در زمینه رابطه اندازه بنگاه و صادرات وجود دارد. به عنوان مثال در صنایعی که بازارهای داخلی محدود دارند و یا ارائه‌کننده تجهیزاتی با فناوری‌های پیشرفته هستند، بنگاه‌های کوچک در سال‌های اولیه تأسیس خود اقدام به فعالیت‌های صادراتی می‌کنند. در نتیجه به نظر می‌رسد که مزایای رقابتی موجود در سازمان‌ها می‌توانند عامل مؤثری در این ارتباط باشند.^۳ در همین رابطه در سال ۱۹۹۹ مطالعه‌ای^۴ درباره شرکت‌های نروژی صورت گرفت که نتایج آن نشان می‌دهد صنایع کوچک و متوسط صادراتی در این کشور مزایای رقابتی قدرتمندی در زمینه فناوری

۱. فرید کی‌مرام و همکاران، ۱۳۸۳.

2. A. Bonccorsi, (1992).

3. J. L. Calof, (1994).

4. O. Moen, (1999).

دارند. به علاوه آنها از مزیت رقابتی بیشتری در زمینه قیمت (در مقایسه با شرکت‌های بازرگانی) برخوردارند، یعنی با توجه به اینکه شرکت‌های کوچک از مقیاس اقتصادی تولید استفاده نمی‌کنند اما قیمت تمام شده آنها کمتر از شرکت‌های بزرگ است.

بنابراین برای موفقیت شرکت‌های کوچک در امور صادراتی، متغیرهای واسطه‌ای متعددی وجود دارند که بر این مسئله تأثیر می‌گذارند؛ مسائلی چون انتخاب استراتژی صادراتی، امکان همکاری با شرکت‌های دیگر و دسترسی به منابع خارجی. به عبارت دیگر هرچند محدودیت در منابع شرکت‌های کوچک و متوسط (در مباحث مالی، انسانی، مدیریتی، تبلیغاتی و بازاریابی) باعث می‌شود که در زمینه صادرات از شرکت‌های بزرگ عقب بمانند، اما در صورتی که شرکت، استراتژی خود را مبتنی بر صادرات قرار دهد و یا اقدام به ادغام عمودی کند، می‌تواند مشکل منابع محدود خود را تا حدودی مرتفع سازد، زیرا هیچ دلیلی وجود ندارد که شرکت تمام فعالیت‌های صادراتی را به‌طور مستقیم و به‌تنهایی انجام دهد. در صورتی که شرکت توانایی کسب منابع خارجی را داشته باشد، دیگر محدودیت منابع نمی‌تواند به‌عنوان مانعی برای فعالیت‌های صادراتی قلمداد شود.^۱

افزون بر این همان‌طور که گفته شد، شرکت‌های کوچک می‌توانند قیمت تمام شده کمتری نسبت به شرکت‌های بزرگ داشته باشند. به عبارت دیگر مسئله بهره‌مندی و استفاده از مقیاس اقتصادی تولید همیشه مؤثر نیست. ضمن اینکه در بعضی از بازارها ممکن است قیمت کالا عامل تعیین‌کننده نباشد و عواملی چون تمایز محصول،^۲ نوآوری و انعطاف‌پذیری محصول اهمیت بیشتری داشته باشد.^۳

یکی دیگر از یافته‌های تحقیقاتی^۴ در زمینه ارتباط بین اندازه بنگاه و انگیزه صادرات نشان می‌دهد که دیدگاه منفی مدیران صنایع کوچک و متوسط در زمینه سود، هزینه و مخاطرات صادرات از عوامل مهم در مشارکت نکردن این صنایع در فعالیت‌های صادراتی است. نظریه‌های بین‌المللی شدن شرکت‌ها و تحقیقات صادراتی، بر این تحلیل استوارند که تصمیمات مربوط به اقدام در زمینه فعالیت‌های صادراتی را مدیران یا مالکان شرکت‌ها

1. A. Bonccorsi, (1992).
2. Product Differentiation.
3. O. Moen, (1999).
4. J. L. Calof, (1994).

اتخاذ می‌کنند. در نتیجه صادرات می‌تواند از عواملی همچون ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی تصمیم‌گیرنده تأثیر پذیرد. به عبارت دیگر آگاهی و ایجاد انگیزه در مدیران صنایع کوچک و متوسط عامل تعیین‌کننده در افزایش احتمال صادرات این صنایع است.

۳-۲ روند تجارت جهانی و رشد تولید

به‌رغم رشد شتابان تجارت و فعالیت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۵، متوسط تغییرات سالانه تولید جهانی و تجارت در این سال به مراتب کمتر از سال ۲۰۰۴ بوده است و با توجه به نوسانات رشد صادرات کالایی در سال‌های اخیر، میزان صادرات واقعی اقتصاد جهانی از ۳/۵ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۶ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است (جدول ۳-۱). همان‌گونه که در جدول زیر آمده است، تولید ناخالص داخلی اقتصاد جهانی از نرخ رشدی با روند صعودی ملایم و باثبات‌تری نسبت به سنجه‌های صادرات کالایی و تولید بر خوردار بوده است.

جدول ۳-۱ رشد تجارت و تولید جهانی طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۵

(ارقام به درصد)

ردیف	سال شاخص	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱	صادرات کالایی	۳/۵	۵	۹/۵	۶
۲	تولید کالا	۰/۸	۳/۵	۴	—
۳	تولید ناخالص داخلی بر مبنای نرخ بازاری ارز	۱/۷	۲/۶	۴	۳/۱
۴	تولید ناخالص داخلی بر مبنای تئوری برابری قدرت خرید*	۳	۴	۵/۱	۴/۳

مأخذ: سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۶.

* Purchasing Power Parity (PPP).

تمامی مناطق و کشورها در ایجاد رشد شتابان تجارت جهانی نقش داشته‌اند، حتی مناطق اصلی که در سال ۲۰۰۵ از رشد واقعی واردات کمتری نسبت به سال ۲۰۰۴

برخوردار بوده‌اند. میزان افزایش واردات کشورهای توسعه‌یافته و واردکننده نفت مانند ژاپن، اتحادیه اروپا (شامل ۲۵ کشور) و ایالات متحده در سال ۲۰۰۵ کمتر از نصف نرخ رشد ثبت شده در سال ۲۰۰۴ است (جدول ۲-۳).

جدول ۲-۳ رشد تجارت و تولید جهانی به تفکیک منطقه و کشور طی سال‌های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ (ارقام به درصد)

ردیف	شاخص مناطق / کشور	تولید ناخالص داخلی		صادرات کالایی		واردات کالایی	
		۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱	آمریکای شمالی	۴/۱	۳/۴	۸	۶	۱۰/۵	۶/۵
۲	ایالات متحده	۴/۲	۳/۵	۸/۵	۷	۱۱	۵/۵
۳	آفریقا و آمریکای مرکزی ^۱	۶/۸	۴/۹	۱۲/۵	۱۰	۱۸/۵	۱۴
۴	اروپا	۲/۳	۱/۷	۷	۳/۵	۷	۳
۵	اتحادیه اروپا (۲۵ کشور)	۲/۲	۱/۶	۷	۳/۵	۶	۲/۵
۶	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع	۸	۶/۶	۱۳	۴/۵	۱۶	۱۶/۵
۷	آفریقا و خاورمیانه	۵/۷	۴/۵	۷	۷/۵	۱۳/۵	۱۲
۸	آسیا	۴/۲	۴/۲	۱۴	۹/۵	۱۴	۷/۵
۹	چین	۱۰/۱	۹/۹	۲۴	۲۵	۲۱/۵	۱۱/۵
۱۰	ژاپن ^۲	۲/۳	۲/۸	۱۰/۵	۱	۷	۲/۵
	جهان	۳/۹	۳/۳	۹/۵	۶	—	—

مأخذ: همان

۱. کشورهای حوزه کارائیب.

۲. آمار حجم تجارت از آمارهای گمرک ژاپن استخراج شده است در حالی که در گزارش حساب‌های ملی ژاپن نرخ رشد صادرات و واردات در سال ۲۰۰۵ بزرگ‌تر از آمار ارائه شده در جدول بالاست.

مهم‌ترین دلیل کندی آهنگ تجارت جهانی در سال ۲۰۰۵ در مقایسه با سال ۲۰۰۴، می‌تواند افت شدید در نرخ رشد صادرات کشورهای اروپایی و ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و ژاپن باشد. به طوری که به میزان نصف سال قبل تقلیل یافته است. با وجود کاهش ارزش پول‌های یورو، پوند انگلیس و فرانک سوئیس در طول سال ۲۰۰۵ که تا اندازه‌ای به بهبود قیمت رقابتی صادرکنندگان اروپایی در بازارهای خارج از اروپا کمک نمود؛ اما رشد واقعی صادرات یا تجارت کشورهای اروپایی در این سال به ۳/۵ درصد محدود شد که دقیقاً معادل نصف نرخ رشد صادرات اروپا در سال ۲۰۰۴ است.

اختلاف فاحش بین نرخ رشد صادرات و واردات کشورهای خاورمیانه، آفریقا و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۲۰۰۵ بسیار معنادار است و به نظر می‌رسد کشورهای مذکور که از صادرکنندگان اصلی نفت خام می‌باشند با افزایش قیمت نفت خام در سال ۲۰۰۵ به حجم واردات خود بیش از پیش افزوده‌اند. با توجه به نرخ رشد چشمگیر ۲۵ درصدی صادرات کالایی چین در سال ۲۰۰۵ می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد نسبتاً مطلوب تجارت آسیا در این سال نسبت به سال گذشته، بیشتر تحت تأثیر تجارت چین قرار گرفته است؛ زیرا عملکرد تجارت آسیا بدون لحاظ چین در سال ۲۰۰۵ از افت شدیدی برخوردار خواهد شد.

۳-۳ ساختار توزیع تولید صنعتی جهان

کشورهای صنعتی بیش از هفتاد درصد تولید صنعتی جهان را به خود اختصاص داده‌اند و طی دهه‌های اخیر، این کشورها با کاهش اندکی در حد پنج درصد در مقایسه با سال ۱۹۹۰، همچنان سهم خود را از تولید صنعتی جهان حفظ کرده‌اند. در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ ساختار تولید صنعتی جهان به سمت اقتصادهای در حال توسعه و کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی گرایش پیدا کرد. به طوری که سهم این کشورها به ترتیب از ۱۵/۷۳ و ۷/۱۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۳/۵۸ و ۱۴/۴۲ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است. نکته قابل توجه رشد تقریباً ۲۰۰ درصدی کشور چین در امر تولیدات صنعتی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ است (جدول ۳-۳).

جدول ۳-۳ سهم مناطق و کشورهای مختلف از تولید صنعتی^۱ جهان
در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲

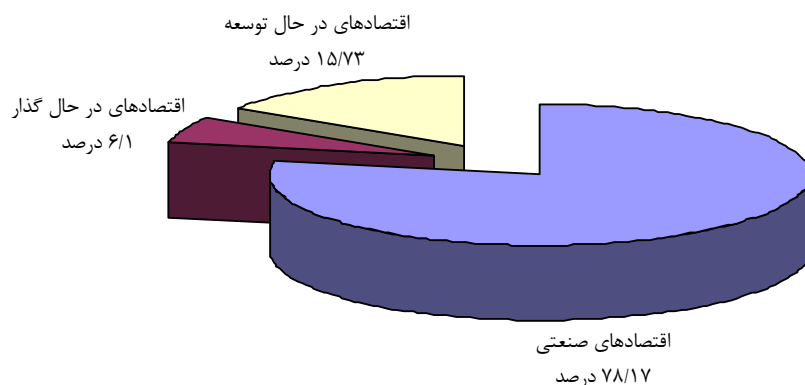
(ارقام به درصد)

ردیف	سال منطقه / کشور	۱۹۹۰	۲۰۰۲
۱	اقتصادهای صنعتی	۷۸/۱۷	۷۳/۲۵
۲	اقتصادهای در حال گذار	۶/۱	۳/۱۸
۳	اقتصادهای در حال توسعه	۱۵/۷۳	۲۳/۵۸
	- صحرای آفریقا (بدون آفریقای جنوبی)	۰/۷۹	۰/۷۴
	- آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (بدون مکزیک)	(۰/۲۴)	(۰/۲۵)
	- خاورمیانه و آفریقای شمالی (بدون ترکیه)	۵/۲۶	۴/۹۵
	- جنوب آسیا	(۴/۲۹)	(۳/۸۵)
	- آسیای شرقی و جنوب شرقی (بدون چین)	۱/۴۶	۱/۹۱
	(۱)	(۱/۳۷)	
۴	دیگر کشورها	۱/۰۱	۱/۵۱
۵	کشورهای کمتر توسعه یافته	۷/۱۷	۱۴/۴۲
	جهان	(۴/۹۹)	(۷/۸۴)
		۰/۰۵	۰/۰۵
		۰/۱۸	۰/۲۴
		۱۰۰	۱۰۰

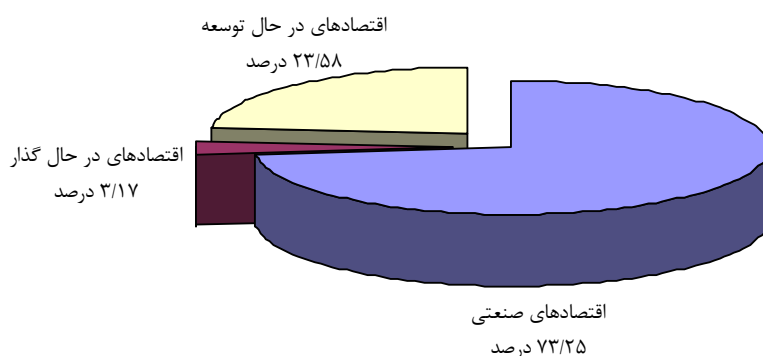
مأخذ: یونیدو، ۲۰۰۵.

نحوه توزیع تولید صنعتی بین مناطق مختلف جهان و میزان تمرکز آن در نمودارهای ذیل به خوبی تشریح شده است.

۱. تولید صنعتی براساس ارزش افزوده واقعی در بخش کارخانه‌ای و بر مبنای ارزش دلار آمریکا در سال ۱۹۹۵ میلادی محاسبه شده است.



نمودار ۱-۳ سهم مناطق مختلف از تولید صنعتی جهان در سال ۱۹۹۰



نمودار ۲-۳ سهم مناطق مختلف از تولید صنعتی جهان در سال ۲۰۰۲

آمار ده کشور برتر در امر تولید صنعتی، مبین تمرکز این شاخص در کشورهای برتر صنعتی و به خصوص کشورهای عضو گروه جی هشت^۱ است. براساس گزارش سالانه توسعه صنعتی یونیدو در سال ۲۰۰۵ میلادی طی سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ بیش از ۷۴ درصد تولیدات صنعتی جهان در اختیار ده کشور صدر جدول رتبه‌بندی است (جدول ۴-۳). نکته بارز در جدول زیر افزایش چشمگیر سهم کشورهای چین و کره جنوبی طی دوره مذکور

1. Group of Eight

کشورهای عضو گروه G8: کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، روسیه، آمریکا، انگلیس و ایتالیا.

است. به طوری که سهم چین از ۲/۲ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۶/۶ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است و کره جنوبی که در سال ۱۹۹۰ میلادی حتی جزو ده کشور برتر نیز نبوده در سایه تغییرات ساختاری در بخش صنعت توانسته در سال ۲۰۰۲ به سهم ۳/۳ درصد از تولید صنعتی جهان دست یابد که برای کشورهای در حال توسعه به خصوص ایران می تواند حاوی نکات ارزنده ای باشد.

جدول ۴-۳ سهم ده کشور برتر در امر تولید صنعتی در سال های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲

(ارقام به درصد)

ردیف	سال کشور	۱۹۹۰	درصد جمعی	ردیف	سال کشور	۲۰۰۲	درصد جمعی
۱	ژاپن	۲۲/۵	۲۲/۵	۱	ایالات متحده	۲۳/۳	۲۳/۳
۲	ایالات متحده	۲۰/۷	۴۳/۲	۲	ژاپن	۱۸/۱	۴۱/۴
۳	آلمان	۱۰/۲	۵۳/۴	۳	آلمان	۷/۹	۴۹/۳
۴	فرانسه	۴/۷	۵۸/۱	۴	چین	۶/۶	۵۵/۹
۵	انگلستان	۴/۱	۶۲/۲	۵	فرانسه	۴/۷	۶۰/۶
۶	ایتالیا	۴	۶۶/۲	۶	ایتالیا	۳/۵	۶۴/۱
۷	روسیه	۳/۲	۶۹/۴	۷	کره جنوبی	۳/۳	۶۷/۴
۸	برزیل	۲/۵	۷۱/۹	۸	انگلستان	۳/۲	۷۰/۶
۹	چین	۲/۲	۷۴/۱	۹	برزیل	۲/۲	۷۲/۸
۱۰	اسپانیا	۲	۷۶/۱	۱۰	کانادا	۱/۹	۷۴/۷

مأخذ: یونیدو، همان، ۲۰۰۵.

۴-۳ ساختار توزیع ارزش افزوده صنعتی جهان

بر مبنای آخرین آمار ارائه شده از سوی بانک جهانی و بررسی ساختار صنعت در سال ۲۰۰۵، کشورهای کمتر توسعه یافته و مناطق آسیای شرقی و پاسیفیک و کشورهای جنوب آسیا به ترتیب از بیشترین میزان رشد سالانه ارزش افزوده صنعتی برخوردار بوده اند. این در حالی است که کشورهای با درآمد بالا، که عموماً در زمره کشورهای پیشرفته صنعتی هستند، پایین ترین میزان رشد سالانه را به خود اختصاص داده اند. سهم بالای

ارزش افزوده صنعتی از تولید ناخالص داخلی کشورهای آسیای شرقی و پاسیفیک و کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی حکایت از ایجاد تغییرات ساختاری در بخش صنعت این مناطق داشته و از اهمیت فوق‌العاده زیادی برخوردار است (جدول ۵-۳).

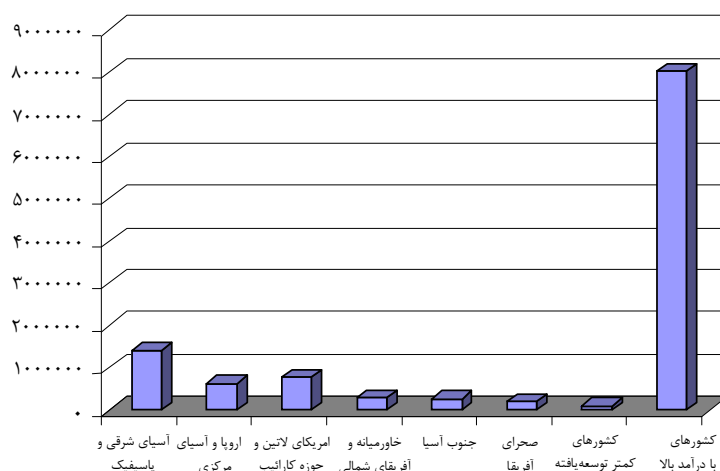
جدول ۵-۳ ساختار ارزش افزوده صنعتی جهان در سال ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار / درصد)

ردیف	شاخص منطقه	ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای)	رشد سالانه ارزش افزوده صنعتی	سهم ارزش افزوده صنعتی از تولید ناخالص داخلی	سهم اشتغال صنعتی از کل اشتغال
۱	آسیای شرقی و پاسیفیک	۱۴۰۵۵۴۶	۱۰/۱	۴۶/۳	۱۷/۸
۲	اروپا و آسیای مرکزی	۶۳۹۰۱۶	۶/۴	۳۲/۲	۲۷/۹
۳	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۷۷۲۸۰۴	۴/۳	۳۳/۷	۲۱/۹
۴	خاورمیانه و آفریقای شمالی	۲۷۷۴۶۸	۴/۶	۴۰/۲	—
۵	جنوب آسیا	۲۵۱۹۶۱	۹/۲	۲۷	—
۶	صحرای آفریقا	۲۰۷۷۳۹	۶/۳	۳۱/۸	—
۷	کشورهای کمتر توسعه‌یافته	۹۳۵۶۸	۱۰/۷	۲۶/۷	—
۸	کشورهای با درآمد بالا	۸۰۱۳۰۶۶	۳/۶	۲۵/۹	۲۴/۳
	جهان	۱۰۹۶۲۹۲۱	۴/۸	۲۷/۷	—

Source: World Bank, (2007).

نحوه توزیع ارزش افزوده صنعتی بین مناطق مختلف جهان در سال ۲۰۰۵ در نمودار ۳-۳ نشان می‌دهد که به‌رغم رشد پایین ارزش افزوده کشورهای با درآمد بالا در سال ۲۰۰۵، سهم این کشورها از کل ارزش افزوده صنعتی جهان به بیش از ۷۳ درصد می‌رسد این در حالی است که کشورهای با بالاترین نرخ رشد ارزش افزوده صنعتی به‌استثنای آسیای شرقی و پاسیفیک از کمترین سهم در ارزش افزوده صنعتی جهان برخوردار هستند. دلیل اصلی این موضوع وجود ظرفیت‌های خالی و فراوان در بخش صنعت مناطق کمتر صنعتی شده و کوچک بودن ارقام مطلق ارزش افزوده صنعتی در این کشورهاست.

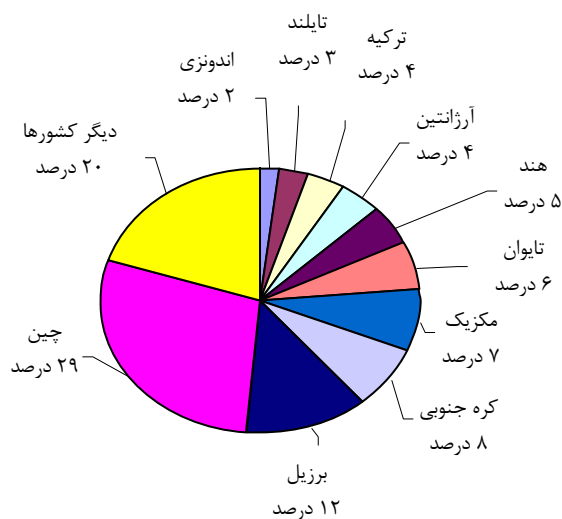


نمودار ۳-۳ سهم مناطق مختلف از ارزش افزوده جهان در سال ۲۰۰۵ (ارقام به میلیون دلار)

طبق گزارش یونیدو طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ در بین کشورهای در حال توسعه، کشورهای پیشتاز در زمینه ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) به صورت جغرافیایی در پنج کشور آسیای شرقی (چین، کره جنوبی، تایوان، تایلند و اندونزی)، سه کشور آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (برزیل، مکزیک و آرژانتین) و یک کشور از جنوب آسیا (هند) توزیع شده‌اند (نمودار ۳-۴).

ساختار ارزش افزوده صنعتی ایران طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ بهبود یافته و از رشدی شتابان برخوردار شد. به طوری که ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) ایران طی دوره مذکور از مقدار ۱۳۹۳۸ میلیون دلار به ۸۴۱۸۴ میلیون دلار افزایش یافته است. به عبارت دیگر در مجموع این دوره ارزش افزوده صنعتی ایران بیش از پانصد درصد و به طور میانگین سالانه بیش از ۱۲۵ درصد رشد کرده است. این امر می‌تواند بیانگر تغییرات ساختاری در بخش صنعت کشور و نرخ‌های رشد دورقمی طی سال‌های اخیر به خصوص سال‌های برنامه سوم توسعه کشور باشد. در بین کشورهای آسیایی، چین، کره جنوبی، هند و اندونزی رشد بالایی را به خود اختصاص داده و از نظر مقدار ارزش افزوده نیز بالاتر

از ایران قرار گرفته‌اند (جدول ۳-۶) سهم ایران از ساختار ارزش افزوده صنعتی جهان در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ به ترتیب ۰/۳۰، ۰/۲۵ و ۰/۷۶ درصد است.



Source: Unido, Report, 2002-2003.

نمودار ۳-۴ سهم کشورهای مختلف از کل ارزش افزوده صنعتی جهان در حال توسعه در سال ۱۹۹۸

جدول ۳-۶ توزیع ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) کشورهای مختلف در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار آمریکا)

ردیف	کشور	سال	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۲۰۰۵
۱	ایالات متحده		۱۰۴۰۶۰۰	۱۴۶۳۳۰۰	۲۳۹۰۳۰۰
۲	آلمان		۴۵۶۴۰۵	۴۱۰۶۴۴	۷۴۹۰۴۹
۳	انگلستان		۲۰۶۷۱۹	۲۲۰۴۲۹	۵۱۰۸۶۶
۴	ایتالیا		۲۴۷۹۱۷	۲۱۶۱۷۷	۴۲۵۰۷۸

جدول ۳-۶ توزیع ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) کشورهای مختلف در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار آمریکا)

ردیف	سال کشور	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۲۰۰۵
۵	فرانسه	—	۱۹۲۲۷۹	۳۹۸۴۷۳
۶	اسپانیا	—	۱۰۸۳۵۱	۲۹۶۹۴۱
۷	روسیه	—	—	۲۴۹۳۵۳
۸	کانادا	۹۱۶۷۱	۱۱۸۶۲۰	۲۱۰۴۵۹
۹	چین	۱۱۶۵۷۳	—	۱۰۶۲۲۸۷
۱۰	کره جنوبی	۶۴۶۰۵	۱۲۹۴۴۹	۲۸۲۷۸۷
۱۱	هند	۴۸۸۰۸	۷۲۶۸۱	۲۰۰۶۶۶
۱۲	اندونزی	۲۳۶۴۳	۵۹۴۷۱	۱۳۱۴۷۰
۱۳	تایوان	—	—	۸۶۴۹۸
۱۴	ایران	۱۴۵۰۳	۱۳۹۳۸	۸۴۱۸۴
۱۵	تایلند	۲۳۲۱۷	۴۲۷۳۹	۷۷۸۶۲
۱۶	امارات متحده عربی	۲۶۴۳	۱۰۲۶۸	۷۴۱۹۳
۱۷	ترکیه	۲۶۸۸۲	۲۱۹۱۲	۷۰۵۷۳
۱۸	مالزی	۱۰۶۶۵	۲۹۰۹۵	۶۷۴۵۰
۱۹	سنگاپور	—	۲۲۹۴۲	۳۷۲۵۸
۲۰	فیلیپین	۱۱۰۰۳	۱۷۷۳۵	۳۱۹۳۶
۲۱	ویتنام	۷۹۳	۷۲۱۸	۲۱۵۰۵
۲۲	هنگ کنگ	۱۲۶۳۹	۷۰۳۳	۱۶۰۰۳
	جهان	۴۵۲۸۷۰۵	۵۴۴۶۹۸۰	۱۰۹۶۲۹۲۱

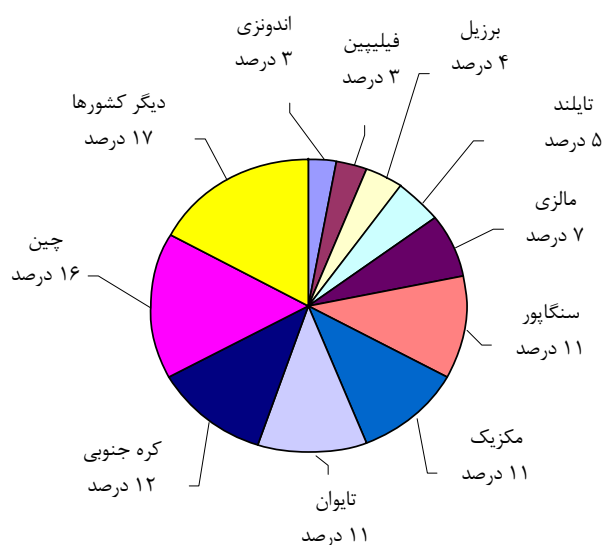
مأخذ: همان

۳-۵ بررسی ساختار تجارت جهانی

در میان کشورهای در حال توسعه، تمرکز صادرات در برخی از کشورهای خاص در حال افزایش است. به‌عنوان نمونه درزمینه صادرات صنعتی (کارخانه‌ای) پراکندگی جغرافیایی

صادرات، در هشت کشور آسیای شرقی، (چین، اندونزی، کره جنوبی، تایوان، تایلند، مالزی، فیلیپین و سنگاپور) و دو کشور آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (برزیل و مکزیک) متمرکز شده است (نمودار ۵-۳).

گفتنی است که سهم چین از صادرات صنعتی (کارخانه‌ای) کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۸، چهارده درصد نسبت به سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است.



Source: Unido, Report, 2002-2003.

نمودار ۳-۵ سهم کشورهای مختلف از کل صادرات صنعتی جهان در حال توسعه در سال ۱۹۹۸

بررسی منطقه‌ای ساختار صادرات کالایی جهان در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴ نشان‌دهنده این است که طی دوره مذکور تمرکز منطقه‌ای صادرات کالایی جهان بیشتر به سمت منطقه آسیای شرقی و پاسیفیک گرایش یافته است. به طوری که سهم این منطقه از صادرات کالایی جهان از ۴/۴۸ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش

یافت. این در حالی است که بیشترین کاهش سهم مربوط به کشورهای با درآمد بالاست که در این دوره بیش از ده درصد کاهش یافته است. اما در مورد سهم صادرات صنعتی کشورهای مختلف (مناطق مختلف) از کل صادرات کالایی جهان، روند به گونه دیگری است. به طوری که طی این دوره، سهم صادرات صنعتی همه مناطق از کل صادرات کالایی جهان افزایش پیدا کرده است. با این تفاوت که دو منطقه آسیای شرقی و پاسیفیک و آمریکای لاتین و حوزه کارائیب از رشد بیشتری برخوردار بوده‌اند (جدول ۷-۳).

جدول ۷-۳ ساختار منطقه‌ای صادرات کالایی جهان در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴

ردیف	سال منطقه	۱۹۹۰		۲۰۰۴	
		ارزش صادرات کالایی (میلیون دلار)	سهم صادرات صنعتی از صادرات کالایی (درصد)	ارزش صادرات کالایی (میلیون دلار)	سهم صادرات صنعتی از صادرات کالایی (درصد)
۱	آسیای شرقی و پاسیفیک	۱۵۵۹۲۸ (۴/۴۸)	۶۰	۹۶۶۸۴۱ (۱۰/۵)	۸۰
۲	اروپا و آسیای مرکزی	—	—	۶۲۳۳۶۰ (۶/۸)	۵۷
۳	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۱۴۳۲۹۶ (۴/۱۲)	۳۶	۴۶۳۳۲۶ (۵)	۵۶
۴	خاورمیانه و آفریقای شمالی	۸۱۱۰۳ (۲/۳۳)	—	۱۷۰۶۰۱ (۱/۸۶)	۲۰
۵	جنوب آسیا	۲۷۷۵۴ (۰/۸)	۷۱	۱۰۴۳۹۴ (۱/۱۴)	۷۶
۶	صحرای آفریقا	۶۸۳۶۸ (۲)	—	۱۴۳۸۶۶ (۱/۵۷)	۳۱
۷	کشورهای با درآمد بالا	۲۸۴۹۹۷۳ (۸۲)	۷۷	۶۶۷۲۶۴۸ (۷۳)	۸۱
	جهان	۳۴۷۵۰۸۹ (۱۰۰)	۷۳	۹۱۴۵۰۲۷ (۱۰۰)	۷۷

Source: World Bank, (2006).

— اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد سهم منطقه نسبت به جهان است.

براساس آخرین آمار و ارقام منتشر شده از سوی بانک جهانی، ساختار تجارت جهانی طی سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به شرح زیر است. (جدول ۸-۳).

جدول ۸-۳ ساختار واردات و صادرات کالایی و صنعتی جهان

(ارقام به میلیون دلار آمریکا)

ردیف	سال شاخص	۱۹۹۰	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱	ارزش صادرات کالایی	۳۴۷۵۰۸۹	۹۱۴۵۰۲۷	۱۰۴۳۳۹۷۱
۲	ارزش واردات کالایی	۳۵۵۰۳۱۵	۹۳۷۶۶۵۱	۱۰۶۸۴۹۳۰
۳	ارزش صادرات صنعتی (کارخانه‌ای)	۲۵۳۶۸۱۵	۷۰۴۱۶۷۱	۷۸۷۷۶۴۸
۴	ارزش واردات صنعتی (کارخانه‌ای)	۲۵۲۰۷۲۳	۶۹۳۸۷۲۱	۷۶۸۲۴۶۴

Source: World Bank, (2006-2007).

تمرکز ساختار منطقه‌ای تجارت جهانی در سال ۲۰۰۵ و مقایسه آن با سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴ (جدول ۷-۳) بیانگر این است که همچنان سهم صادرات کالایی منطقه آسیای شرق و پاسیفیک در حال افزایش و سهم کشورهای با درآمد بالا رو به کاهش است و این تغییر ساختاری در نسبت‌های سهم تجارت از تولید ناخالص داخلی نیز به خوبی دیده می‌شود (جدول ۹-۳).

جدول ۹-۳ ساختار منطقه‌ای تجارت جهانی در سال ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار آمریکا)

ردیف	شاخص منطقه	صادرات کالایی	واردات کالایی	سهم صادرات صنعتی (کارخانه‌ای) از صادرات کالایی	سهم واردات صنعتی (کارخانه‌ای) از واردات کالایی	سهم تجارت از تولید ناخالص داخلی
۱	آسیای شرقی و پاسیفیک	۱۱۸۵۵۷۲ (۱۱/۳)	۱۰۶۱۶۱۴	۸۰/۹	۷۳/۶	۸۷
۲	اروپا و آسیای مرکزی	۷۶۱۵۸۸ (۷/۳)	۷۴۷۴۹۷	۵۶	۷۱/۶	۸۲

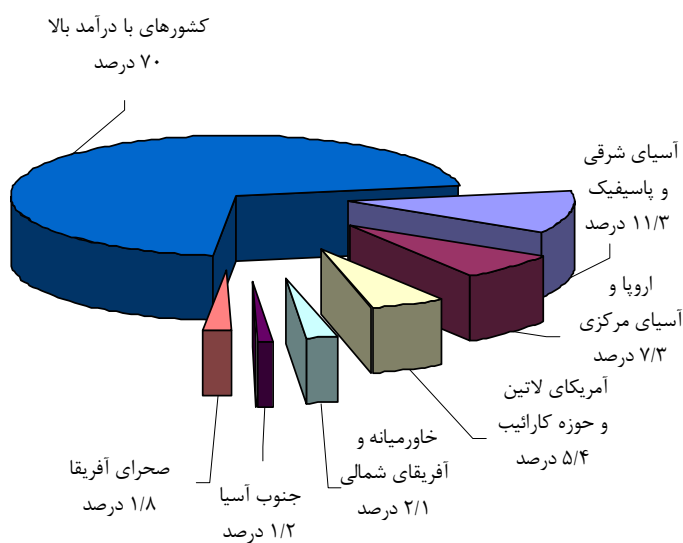
جدول ۹-۳ ساختار منطقه‌ای تجارت جهانی در سال ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار آمریکا)

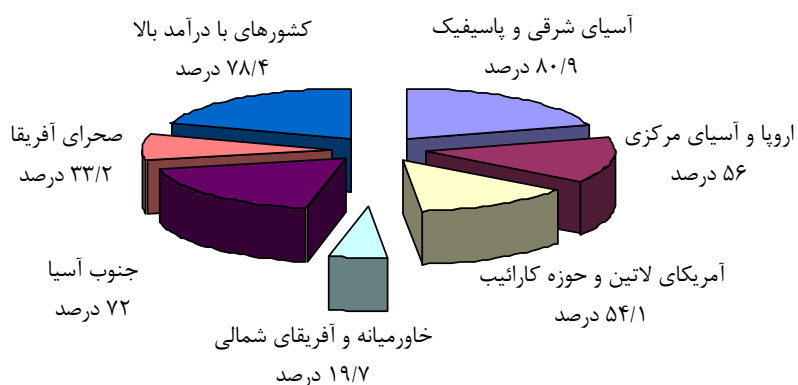
ردیف	شاخص منطقه	صادرات کالایی	واردات کالایی	سهم صادرات صنعتی (کارخانه‌ای) از صادرات کالایی	سهم واردات صنعتی (کارخانه‌ای) از واردات کالایی	سهم تجارت از تولید ناخالص داخلی
۳	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۵۶۵۸۹۶ (۵/۴)	۵۲۰۶۴۰	۵۴/۱	۷۹/۲	۴۹
۴	خاورمیانه و آفریقای شمالی	۲۲۵۷۵۹ (۲/۱)	۱۸۱۷۷۰	۱۹/۷	۶۶/۲	۷۳
۵	جنوب آسیا	۱۲۸۴۷۵ (۱/۲)	۱۸۸۹۹۴	۷۲	۵۵/۳	۴۵
۶	صحرای آفریقا	۱۸۹۷۴۵ (۱/۸)	۱۶۸۰۹۲	۳۳/۲	۶۶/۷	۶۷
۷	کشورهای با درآمد بالا	۷۳۷۶۹۹۰ (۷۰)	۷۸۱۶۲۹۷	۷۸/۴	۷۱/۶	۴۹
	جهان	۱۰۴۳۳۹۷۱ (۱۰۰)	۱۰۶۸۴۹۳۰	۷۵/۵	۷۱/۹	۵۲

Source: World Bank, (2007).

نحوه توزیع منطقه‌ای صادرات کالایی و صنعتی در سال ۲۰۰۵ و مقایسه مناطق مختلف به‌خوبی در نمودارهای ذیل نشان داده شده است.



نمودار ۳-۶ ساختار توزیع صادرات کالایی جهان در سال ۲۰۰۵



نمودار ۳-۷ سهم صادرات صنعتی مناطق مختلف از کل صادرات کالایی در سال ۲۰۰۵

۳-۶ ساختار فناوری فعالیت‌های صنعتی در جهان

مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته در قرن بیستم، رشد فناوری در فرایند تولیدات صنعتی آنها بوده است. ۷۸ درصد رشد اقتصادی آلمان و ۷۶ درصد رشد

اقتصادی فرانسه مرهون رشد فناوری آنها بوده است. این رقم برای ایالات متحده پنجاه درصد بوده است.^۱ از مهم‌ترین ویژگی‌های فناوری، بازده فزاینده آن نسبت به مقیاس است و اینکه انتقال آن هزینه اندکی دارد و پس از به‌وجود آمدن و کشف آن توسط یک بنگاه، سایر بنگاه‌ها نیز از سرریز دانش آن استفاده می‌کنند. به‌طور کلی با معیار فناوری می‌توان صنایع را به چهار گروه عمده زیر تقسیم کرد:

۳-۶-۱ منبع‌گرا^۲

این تولیدات عمدتاً دربرگیرنده محصولات ساده و کاربر هستند. مزیت در این نوع محصولات معمولاً از وجود منابع طبیعی در یک کشور ناشی می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان در این گروه از انواع محصولات کشاورزی و جنگلی، مواد غذایی، محصولات متکی به نفت و تولیداتی مانند سیمان و شیشه نام برد.

۳-۶-۲ فناوری سطح پایین^۳

محصولات این گروه به‌طور عمده در فرایند تولید به مهارت‌های کاری نسبتاً ساده نیاز دارند. بسیاری از محصولات آن یکسان بوده و رقابت عمدتاً روی قیمت است. گفتنی است که مقیاس این محصولات معمولاً بزرگ نیست. محصولات نساجی مانند پارچه، کفش و محصولات ساده فلزی در زمره این صنایع قرار می‌گیرند.

۳-۶-۳ فناوری سطح متوسط^۴

تولید محصولات این گروه نیازمند به فناوری‌های پیچیده، سطح نسبتاً بالای تحقیق و توسعه و مهارت‌های پیشرفته است. صنایع تولید خودرو و قطعات آن، تولیدات شیمیایی و پلاستیک و فرایندهای مهندسی مانند تولید موتور و ماشین‌آلات صنعتی در زمره تولیدات با فناوری متوسط قرار می‌گیرند.

۱. مسعود نیلی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۷۲.

2. Resource Based (RB).

3. Low-Tech (LT).

4. Medium-Tech (MT).

۳-۶-۴ فناوری سطح بالا^۱

این گروه از محصولات به هزینه‌های تحقیق و توسعه زیاد، فناوری‌های پیشرفته و سریع‌التغییر و تأکید فراوان بر طراحی محصول نیاز دارند. از جمله این محصولات می‌توان محصولات الکترونیکی را نام برد. البته گفتنی است که با استفاده از فناوری‌های نوین مانند نانو فناوری، می‌توان در صناعی که در سطح صنایع پایین و متوسط قرار می‌گیرند محصولات پیشرفته و نوینی تولید کرد (مانند پارچه ضدلک).

بررسی روند حرکت اقتصاد جهانی نشان‌دهنده این است که تجارت جهانی، به سمت محصولات برخوردار از فناوری‌های پیشرفته حرکت می‌کند و با توجه به اینکه این محصولات، ارزش افزوده بسیار بالایی به‌وجود می‌آورند و حاشیه سود زیادی دارند؛ کشورهایی که بتوانند این محصولات را تولید و صادر کنند؛ رشد بالایی در بخش صنعت خواهند داشت. رشد صادرات و واردات کالایی جهان برحسب سطوح مختلف فناوری این ادعا را تصدیق می‌کند که طی دو دهه اخیر، تجارت جهانی بیشتر به سمت محصولات دارای فناوری سطح بالا گرایش یافته است. به‌طوری‌که طی سال‌های ۱۹۸۰ - ۲۰۰۰، صادرات و واردات کالاهای با سطح فناوری بالا به‌ترتیب ۱۱/۳ و ۱۲/۳ درصد رشد داشته است (جداول ۳-۱۰ و ۳-۱۱).

جدول ۳-۱۰ رشد صادرات کالایی جهان برحسب سطح فناوری طی سال‌های

۱۹۸۰-۲۰۰۰

(ارقام به درصد)

ردیف	محصولات مناطق	محصولات اولیه	محصولات مبتنی بر منابع	محصولات دارای فناوری پایین	محصولات دارای فناوری متوسط	محصولات دارای فناوری بالا
۱	آمریکای شمالی	۲/۲	۵/۱	۸/۴	۷	۹/۱
۲	آمریکای لاتین	۵/۱	۵/۱	۱۱/۸	۱۴/۸	۲۱
۳	اروپای غربی	۳/۵	۴/۲	۴/۸	۵/۵	۹/۳

1. High-Tech (MT).

جدول ۱۰-۳ رشد صادرات کالایی جهان برحسب سطح فناوری طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰

(ارقام به درصد)

ردیف	مناطق	محصولات اولیه	محصولات مبتنی بر منابع	محصولات دارای فناوری پایین	محصولات دارای فناوری متوسط	محصولات دارای فناوری بالا
۴	اتحادیه اروپا (۱۵ کشور)	۲/۹	۴/۱	۴/۶	۵/۵	۹/۴
۵	اقتصادهای در حال گذار	۱۵	۱۷/۳	۱۳/۸	۱۲/۳	۱۲/۸
۶	آفریقا	۴/۲	۲/۵	۷/۷	۹	۱۲/۸
۷	خاورمیانه	-۰/۲	۹/۳	۱۳/۶	۱۳/۹	—
۸	آسیا	۳/۷	۶/۷	۸/۳	۸/۱	۱۵/۶
	متوسط جهان	۳/۲	۵/۲	۶/۷	۶/۸	۱۱/۳

مأخذ: سازمان تجارت جهانی، ۲۰۰۲.

جدول ۱۱-۳ رشد واردات کالایی جهان برحسب سطح فناوری طی سال‌های ۱۹۸۰ - ۲۰۰۰

(ارقام به درصد)

ردیف	مناطق	محصولات اولیه	محصولات مبتنی بر منابع	محصولات دارای فناوری پایین	محصولات دارای فناوری متوسط	محصولات دارای فناوری بالا
۱	آمریکای شمالی	۳	۶/۵	۱۰/۲	۹/۱	۱۳/۷
۲	آمریکای لاتین	۱۰/۵	۱۲/۴	۱۶	۱۳/۳	۱۷/۷
۳	اروپای غربی	۱	۳/۶	۵/۳	۶/۴	۹/۶
۴	اتحادیه اروپا (۱۵ کشور)	۰/۸	۳/۵	۵/۲	۶/۳	۹/۶

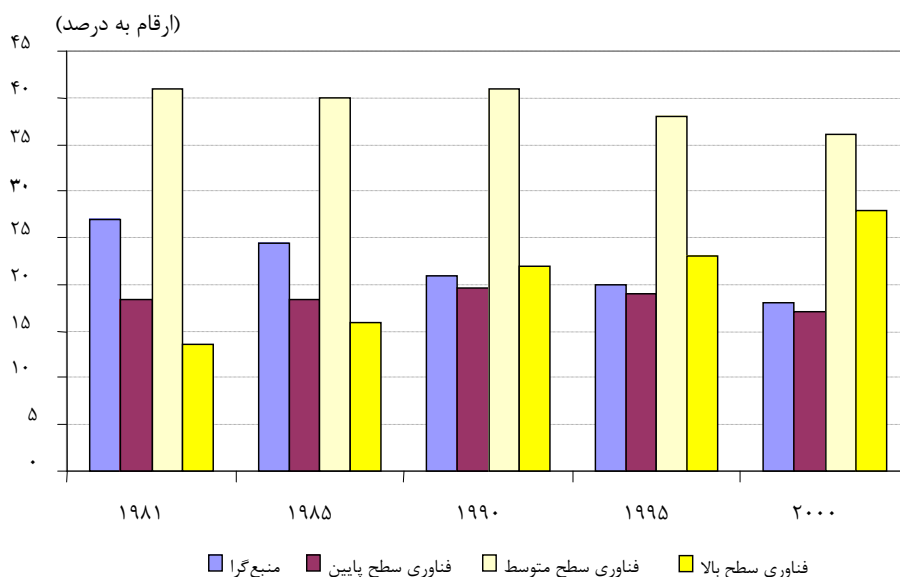
جدول ۱۱-۳ رشد واردات کالایی جهان بر حسب سطح فناوری طی سال‌های ۱۹۸۰ - ۲۰۰۰

(ارقام به درصد)

ردیف	محصولات مناطق	محصولات اولیه	محصولات مبتنی بر منابع	محصولات دارای فناوری پایین	محصولات دارای فناوری متوسط	محصولات دارای فناوری بالا
۵	اقتصادهای در حال گذار	۸/۳	۱۲/۴	۱۶	۱۲/۶	۱۸/۱
۶	آفریقا	۴/۱	۲/۵	۲/۸	۱/۶	۵/۴
۷	خاورمیانه	۶/۲	۶/۱	۲/۳	۴/۲	۸/۱
۸	آسیا	۳/۸	۶	۱۱	۹/۶	۱۵/۹
	متوسط جهان	۲/۷	۵/۱	۷/۷	۷/۹	۱۲/۳

مأخذ: همان

طبق گزارش توسعه صنعتی یونیدو در سال ۲۰۰۴، ساختار فناوری صادرات کارخانه‌ای جهان طی سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۰ به صورت زیر است. براساس نمودار ۸-۳ سهم صادرات محصولات صنعتی منبع‌گرا طی دوره مذکور دارای روند نزولی بوده به طوری که از حدود ۲۷ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. این در حالی است که طی همین دوره سهم محصولات دارای فناوری سطح بالا از ۱۳/۵ درصد به ۲۸ درصد افزایش یافته است. در این دوره محصولات با سطح فناوری متوسط بیشترین سهم از صادرات کارخانه‌ای را به خود اختصاص داده و طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ با حفظ سهم ۴۰ درصدی خود از ثبات نسبی بیشتری برخوردار بوده است و در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ به موازات افزایش سهم محصولات با سطح فناوری بالا از سهم محصولات با فناوری متوسط از صادرات کارخانه‌ای جهان کاسته شده به طوری که در سال ۲۰۰۰ به حدود ۳۶ درصد رسید.



مأخذ: همان

نمودار ۳-۸ ساختار فناوری صادرات صنعتی (کارخانه‌ای) جهان طی سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۰

ساختار صادرات کارخانه‌ای برحسب شدت فناوری در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی در چهار مقطع زمانی پنج‌ساله طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ بر مبنای صادرات محصولات صنعتی منبع‌گرا، دارای سطح فناوری پایین، متوسط و بالا در جدول (۳-۱۲) به خوبی تشریح شده و نشان‌دهنده این است که تمرکز کشورهای در حال توسعه در دوره میانی (۱۹۸۵-۱۹۹۵) بر تمام سطوح فناوری و به‌خصوص صنایع با سطح فناوری متوسط و بالا بوده است. به طوری که نرخ رشد این سطوح فناوری در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی در همین دوره پیشی گرفته و حتی در دوره ۱۹۹۵ - ۲۰۰۰ نیز نرخ رشد صادرات صنعتی کشورهای در حال توسعه برحسب تمام سطوح فناوری از کشورهای صنعتی بیشتر بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ساختار صادرات کارخانه‌ای جهان برحسب شدت فناوری بیشتر به سمت کشورهای در حال توسعه گرایش داشته است (جدول ۳-۱۲).

جدول ۱۲-۳ رشد سالانه صادرات کارخانه‌ای برحسب شدت فناوری طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰

(ارقام به درصد)

ردیف	سال و شدت فناوری	۱۹۸۵-۱۹۸۰				۱۹۹۰-۱۹۸۵				۱۹۹۵-۱۹۹۰				۲۰۰۰-۱۹۹۵			
		HT	MT	LT	RB	HT	MT	LT	RB	HT	MT	LT	RB	HT	MT	LT	RB
۱	کشورهای در حال توسعه	۲	۶	۹/۵	۱۰	۵/۵	۱۶/۵	۱۷/۵	۲۷	۱۱/۵	۱۱/۲	۱۷/۱	۲۵/۵	۵/۲۵	۴/۹	۶/۶	۱۳/۵
۲	کشورهای صنعتی	-۰/۵	-۰/۲۵	۱	۶	۱۳/۲	۱۵/۲۵	۱۴/۷	۱۶/۲	۶	۶	۶/۳	۹/۹	۱/۶	۰/۵	۲	۷

Source: Unido, Report, 2004.

در بین کشورهای در حال توسعه نیز بیشترین تمرکز صادرات کارخانه‌ای با سطح فناوری بالا مربوط به مناطقی خاص مانند دو منطقه آسیای شرقی و آمریکای لاتین و حوزه کارائیب است. براساس جدول ذیل، سهم منطقه آسیای شرقی از ۶/۷ درصد صادرات صنعتی با سطح فناوری بالا در سال ۱۹۸۱ پس از دو دهه چند برابر شده و در سال ۲۰۰۰ سهم این منطقه به ۲۷/۴ درصد رسیده است. این در حالی است که طی همین دوره سهم منطقه آمریکای لاتین و حوزه کارائیب از ۲/۱ درصد به ۴/۲ درصد افزایش یافته است. نکته جالب توجه در دو منطقه اصلی کشورهای در حال توسعه در زمینه فناوری این است که بیشترین سهم این مناطق در سطح فناوری بالا مربوط به دو کشور چین و مکزیک است (جدول ۱۳-۳).

گفتنی است که طی دو دهه از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، سهم کشورهای در حال توسعه از صادرات کارخانه‌ای جهان برحسب محصولات دارای سطوح فناوری متوسط و بالا به ترتیب از ۶/۲ و ۹/۲ درصد در ابتدای دوره به ۱۷/۵ و ۳۲/۳ درصد در انتهای این

دوره یعنی سال ۲۰۰۰ میلادی افزایش یافته که این امر شاهدهی بر تمرکز فناوری سطح متوسط و بالا در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های اخیر است.

جدول ۱۳-۳ سهم کشورهای در حال توسعه از بازار جهانی صادرات کارخانه‌ای برحسب شدت فناوری در سال‌های ۱۹۸۱ و ۲۰۰۰

(ارقام به درصد)

۲۰۰۰					۱۹۸۱					سال و شدت فناوری منطقه / کشور	ردیف
HT	MT	LT	RB	کل	HT	MT	LT	RB	کل		
۲۷/۴	۱۱	۲۶/۵	۱۱/۸	۱۸/۴	۶/۷	۳/۹	۱۷/۶	۸/۷	۶/۸	آسیای شرقی	۱
۵/۶	۳/۷	۱۶/۵	۳/۷	۶/۵	۰/۲	۰/۳	۲/۸	۱/۱	۱	چین	۲
۰/۲	۰/۳	۳/۸	۱/۴	۱/۱	۰/۱	۰/۲	۱/۹	۰/۵	۰/۶	جنوب آسیا	۳
۴/۲	۵	۵/۲	۶/۵	۵/۱	۲/۱	۱/۵	۲/۵	۶/۸	۳/۲	آمریکای لاتین و حوزه	۴
۳/۴	۳/۵	۳	۱/۱	۲/۹	۱/۲	۰/۳	۰/۴	۰/۵	۰/۵	مکزیک	۵
۰/۴	۰/۸	۲/۸	۴	۱/۶	۰/۲	۰/۴	۱/۶	۴/۷	۱/۸	خاورمیانه و آمریکای شمالی	۶
۰/۱	۰/۴	۰/۶	۱/۹	۰/۶	۰/۱	۰/۳	۰/۵	۱/۹	۰/۷	صحرای آفریقا	۷
۰/۱	۰/۴	۰/۳	۰/۹	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۰/۴	۰/۹	۰/۴	آفریقای جنوبی	۸
۳۲/۳	۱۷/۵	۳۸/۸	۲۵/۶	۲۶/۸	۹/۲	۶/۲	۲۴/۲	۲۲/۵	۱۳/۱	کل کشورهای در حال توسعه	

Source: Unido, Report, 2004.

۳-۷ بررسی عملکرد صنعتی کشورهای در حال توسعه و صنعتی

در تشریح و تبیین عملکرد کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، از شاخص‌های عملکردی مختلفی مانند سرانه ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای)، سرانه صادرات صنعتی، سهم تولید کارخانه‌ای از کل تولید، سهم صادرات کارخانه‌ای از کل صادرات، سهم فناوری متوسط و بالا در ارزش افزوده کارخانه‌ای و سهم فناوری متوسط و بالا در صادرات کارخانه‌ای برای سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول

شاخص‌های عملکرد صنعتی هشت کشور صنعتی آمده است از خصوصیات بارز این گروه از کشورها، بالا بودن سهم فناوری متوسط و بالا در ارزش افزوده و صادرات کارخانه‌ای است که به‌استثنای روسیه تقریباً بیش از پنجاه درصد است و سهم صادرات صنعتی آنها از کل صادرات به‌طور میانگین بین ۵۰ تا ۹۰ درصد است (جدول ۱۴-۳).

جدول ۱۴-۳ شاخص‌های عملکرد صنعتی هشت کشور صنعتی در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲

(ارقام به دلار/ درصد)

ردیف	شاخص و سال	سرانه ارزش افزوده کارخانه‌ای (بر مبنای دلار آمریکا در سال ۱۹۹۵)		سرانه صادرات کارخانه‌ای		سهم تولید کارخانه‌ای از کل تولید		سهم صادرات کارخانه‌ای از کل صادرات		سهم فناوری متوسط و بالا در صادرات کارخانه‌ای	
		۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲
۱	ایالات متحده	۴۳۲۵/۳	۵۵۶۷/۷	۱۱۸۱/۸	۱۹۴۷/۹	۱۸/۱	۱۷/۶	۸۸/۱	۸۱/۱	۷۳/۴	۷۶/۷
۲	فرانسه	۴۳۸۶/۷	۵۴۴۳/۷	۳۲۳۹/۶	۴۴۴۷/۷	۱۸/۸	۱۷/۸	۸۷/۷	۸۷/۳	۵۰/۸	۵۹/۲
۳	روسیه	۱۱۶۴/۹	۶۴۴/۷	—	۲۵۷	—	۲۷/۸	۲۲/۲	۵۳/۶	۶۱	۲۶/۷
۴	انگلستان	۳۸۰۷/۷	۳۷۴۸/۷	۲۶۵۵/۵	۳۸۸۴/۸	۲۰/۶	۱۶/۳	۸۲/۴	۸۵/۵	۶۴/۳	۷۴/۴
۵	آلمان	۶۸۷۱/۳	۶۶۴۹/۱	۴۶۶۵/۱	۶۵۱۲/۱	۳۰/۶	۲۷/۲	۹۳/۲	۹۰/۶	۶۳/۲	۷۴/۹
۶	ژاپن	۹۶۹۶/۹	۹۸۵۰/۹	۲۲۶۳/۹	۳۵۹۵/۲	۲۶/۵	۲۵	۹۷/۵	۹۳	۶۸/۱	۸۶/۳
۷	ایتالیا	۳۷۴۰/۳	۴۲۲۴/۱	۲۸۰۴/۶	۴۰۲۷/۱	۲۲/۵	۲۲/۱	۹۴/۱	۹۵	۴۹/۴	۵۵/۹
۸	کانادا	۳۲۶۶/۱	۴۲۹۲	۳۳۴۷/۶	۷۰۴۱/۹	۱۵/۵	۱۸/۱	۷۸/۶	۷۸/۶	۵۷/۹	۵۹/۴

Source: Unido, Industrial Development Report, 2005.

بررسی عملکرد صنعتی ایران در بین کشورهای منتخب در حال توسعه نشان‌دهنده این است که در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ سهم فناوری متوسط و بالا در ارزش افزوده و صادرات صنعتی دارای روند نزولی بوده است. به‌طوری‌که طی دوره مورد نظر سهم فناوری متوسط و بالا در ارزش افزوده از ۲۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ میلادی به

۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش یافته درحالی که طی همین دوره سهم این شاخص در کشورهایمانند کره جنوبی، مالزی، تایوان، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و اندونزی دارای روند صعودی بوده و به طور میانگین به بیش از پنجاه درصد می‌رسد. از دیگر نکات برجسته درزمینه شاخص‌های عملکرد صنعتی ایران، پایین بودن سهم تولید و صادرات صنعتی از کل تولید و صادرات کشور است که به ترتیب ۱۳/۳ و ده درصد در سال ۲۰۰۲ است. این در حالی است که سهم این شاخص‌ها در کشورهایمانند کره جنوبی ۳۳/۹ و ۹۶/۵ درصد، مالزی ۳۵/۹ و ۹۳/۳ درصد، فیلیپین ۲۴/۲ و ۹۶/۲ درصد، سنگاپور ۲۸/۲ و ۹۶/۸ درصد، تایوان ۲۸/۱ و ۹۸/۳ درصد، تایلند ۳۳/۶ و ۸۷/۴ درصد، ترکیه ۲۳/۳ و ۸۵/۹ درصد، هنگ‌کنگ ۸/۷ و ۹۴/۹ درصد و اندونزی ۲۷ و ۷۶/۹ درصد است (جدول ۱۵-۳).

جدول ۳-۱۵ شاخص‌های عملکرد صنعتی کشورهای منتخب در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲
(ارقام به دلار/ درصد)

ردیف	شماره	سرمایه ارزش افزوده کارخانه‌ای (بر مبنای دلار آمریکا در سال ۱۹۹۵)		سرمایه صادرات کارخانه‌ای		سرمایه تولید کارخانه‌ای از تولید کل		سرمایه صادرات کارخانه‌ای از کل صادرات		سرمایه فناوری متوسط و بالا از صادرات کارخانه‌ای		سرمایه فناوری متوسط و بالا از ارزش افزوده کارخانه‌ای	
		۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰
۱	قطر	۱۲۵۷/۹	۱۰۹۵/۷	۱۹۸/۳	۳۳۴	۲۶/۸	۲۳/۱	۵۷/۳	۴۹/۳	۳۷/۷	۴۶/۳	۳۷/۷	۳۳/۶
۲	برزیل	۸۶۵	۹۱۳/۶	۱۵۹/۳	۲۳۱/۹	۲۲/۵	۱۸/۸	۵۷/۱	۷۶/۸	۵۱/۶	۵۴/۱	۵۱/۶	۴۰
۳	شیلی	۷۶۵/۲	۵۷۴	۱۵۷/۲	۳۹۸	۱۸/۵	۱۴/۱	۲۴	۳۳/۳	۴۲/۵	۳۹	۱۵/۳	۱۵/۳
۴	چین	۳۵۹/۴	۱۰۰/۷	۴۱/۶	۲۳۴/۵	۳۳/۱	۳۴/۵	۷۶	۹۱/۶	۵۱/۶	۵۷/۳	۴۳/۴	۳۴/۴
۵	هنگ‌کنگ	۱۱۳۳	۲۰۴۲/۸	۴۸۴۲/۹	۲۲۱۱/۶	۱۶/۳	۸/۷	۹۵/۳	۹۴/۹	۴۱/۸	۵۸/۵	۵۸/۴	۴۰/۶
۶	هند	۷۷/۶	۴۹	۱۶/۸	۳۸/۵	۱۶/۶	۱۵/۸	۷۹/۶	۸۵/۸	۵۵/۳	۵۸/۴	۵۸/۴	۱۷/۹
۷	اندونزی	۲۷۸/۷	۱۶۲	۸۲	۲۲۴	۲۰/۷	۲۷	۵۸/۶	۷۶/۹	۳۰	۴۳/۴	۴۳/۴	۱۰/۵
۸	ایران	۳۰۳/۲	۱۶۸/۱	—	۴۱/۶	۱۲	۱۳/۳	—	۱۰	۲۵/۷	۹/۳	۹/۳	۲۱
۹	ژاپن	۹۵۰/۹	۹۶۹/۹	۲۶۶۳/۹	۳۵۵۵/۳	۲۶/۵	۲۵	۹۷/۵	۹۳	۶۶/۵	۶۸/۱	۶۸/۱	۸۷/۹
۱۰	کره جنوبی	۴۸۵۸/۷	۲۳۳۷/۶	۱۴۵۵/۴	۳۵۹۱/۱	۲۸/۸	۳۳/۹	۹۶/۲	۹۶/۵	۵۵/۱	۶۴/۱	۶۴/۱	۵۷/۹
۱۱	مالزی	۱۵۱۶/۵	۷۵۷/۵	۱۲۸۶/۵	۴۱۳۰/۵	۲۶/۵	۳۵/۹	۷۸	۹۳/۳	۵۷/۳	۶۵/۱	۶۵/۱	۵۰/۶
۱۲	فیلیپین	۲۶۹/۵	۲۵۲/۴	۶۹/۸	۴۸۲/۴	۳۴/۸	۲۴/۲	۵۳/۷	۹۶/۲	۳۱/۲	۲۸/۳	۲۸/۳	۳۰
۱۳	عربستان سعودی	۸۴۶/۳	۶۸۱/۴	۶۷۵/۶	۷۲۲/۲	۷/۶	۸/۷	۳۳/۸	۲۰	۵۳/۷	۶۵/۳	۶۵/۳	۱۶/۶
۱۴	سنگاپور	۶۵۸/۲/۵	۴۴۱۰/۳	۱۶۲۶/۱	۳۳۱۰/۵/۸	۲۸/۶	۲۸/۳	۹۳/۳	۹۶/۸	۷۸/۸	۸۷/۶	۸۷/۶	۶۲/۳
۱۵	تایوان	۴۳۹/۷/۵	۲۸۴۲/۱	۲۱۴۸/۷	۶۵۶۲/۷	۳۲/۷	۲۸/۱	۹۵/۸	۹۸/۳	۵۷/۳	۵۸/۶	۵۸/۶	۵۱/۶
۱۶	تایلند	۹۹۹/۶	۵۳۰/۹	۳۳۸/۶	۸۶۹/۶	۲۷/۳	۳۳/۶	۸۰/۶	۸۷/۴	۲۲/۷	۴۲/۶	۴۲/۶	۳۳/۳
۱۷	ترکیه	۵۳۸	۴۲۷/۵	۱۷۷/۴	۲۸۸/۶	۲۲	۲۳/۳	۲۳/۳	۷۶/۸	۴۵/۹	۴۰/۳	۴۰/۳	۲۷/۴
۱۸	امارات متحده عربی	۱۸۸۱/۳	۱۸۳۵/۸	۲۴۵/۶	۱۶۳۳/۱	۷/۵	۹/۸	۵۳/۵	۵۳/۵	۱۰	—	—	۱۷/۴

Source: Ibid

۳-۸ نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

امروزه جذب سرمایه‌های خارجی برای ایجاد شتاب در روند صنعتی شدن از موضوع‌های مهم در استراتژی‌های صنعتی است، تا جایی که در سند استراتژی صنعتی آفریقای جنوبی مهم‌ترین هدف، جذب سرمایه‌گذاری خارجی اعلام شده است. هم‌اکنون چین در جذب سرمایه‌های خارجی، به‌عنوان یک رقیب بسیار قوی برای سایر کشورهای در حال توسعه در عرصه جهانی به‌شمار می‌آید.

با توجه به ویژگی‌های ساختاری صنایع کوچک و متوسط و با توجه به نظر انکتاد^۱ که دلایل متعددی را در زمینه نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ در توسعه اقتصادی مؤثر می‌داند، می‌توان نقش صنایع کوچک و متوسط را در جلب این شکل از سرمایه‌گذاری و افزایش رشد اقتصادی برجسته‌تر دانست. برخی از دلایل را می‌توان به‌شرح زیر معرفی کرد:^۳

۳-۸-۱ سرمایه

صنایع کوچک و متوسط برای شروع، احتیاج به منابع مالی باثباتی دارند که بازپرداخت آن نیز در بلندمدت صورت پذیرد. از این رو سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ضمن انتقال منابع مالی به کشور میزبان در مقایسه با سرمایه‌گذاری پرتغلیوی خارجی باثبات‌تر بوده و بازپرداخت آن نیز آسان‌تر است.

۳-۸-۲ فناوری

صنایع کوچک عمدتاً قادر به دستیابی سریع و راحت به فناوری تولید نمی‌باشند؛ اما شرکت‌های سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌توانند فناوری مدرن را با خود به همراه بیاورند. فناوری‌های مدرن می‌توانند در قالب تحقیق و توسعه، زمینه‌سازی برای ابداعات و نوآوری‌های جدید، تغییر در الگوی مصرف، تولید یا توزیع و غیره، افزایش کارایی را در صنایع کوچک و متوسط رقم بزنند.

1. United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD).

2. Foreign Direct Investment (FDI).

۳. فرید کی مرام و همکاران، ۱۳۸۳، صص ۶۷-۶۸.

۳-۸-۳ دسترسی به بازار

صنایع کوچک و متوسط همواره با مشکلاتی مانند محدودیت بازار، ناشناخته ماندن محصولات و عدم ایجاد فرصت‌های صادراتی روبه‌رو هستند. همکاری با شرکت‌های بزرگ چندملیتی^۱ و فراملیتی^۲، دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و برخی از خدمات را فراهم می‌آورد و به آنان کمک می‌کند تا از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی روی آورند و از رهگذر رقابت جهانی، تولید بین‌المللی محصولات خود را با بهره‌مندی بیشتر از مزیت‌های نسبی کشور خود سامان دهند.

۳-۸-۴ بهنگام شدن فنون مدیریتی

سرریز نیروهای انسانی با مهارت‌های پیشرفته و دانش دسترسی به بازارهای جهانی در صنایع کوچک و متوسط می‌تواند بقای صنایع مزبور را در رقابت شدید بین‌المللی تضمین کند؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه است.

جدول ۱۶-۳ توزیع جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی براساس سهم منطقه و

کشورهای منتخب طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۵

(ارقام به درصد)

ردیف	منطقه/کشور	جریان ورودی FDI				جریان خروجی FDI			
		۱۹۷۸-۱۹۸۰	۱۹۹۰-۱۹۹۸	۲۰۰۰-۱۹۹۸	۲۰۰۳-۱۹۷۸	۱۹۸۰-۱۹۹۸	۱۹۹۰-۱۹۸۸	۲۰۰۰-۱۹۹۸	۲۰۰۳-۱۹۷۸
۱	کشورهای توسعه‌یافته	۷۹/۸	۸۲/۵	۷۷/۳	۵۹/۴	۹۷	۹۳/۱	۹۰/۴	۸۵/۸
۲	اتحادیه اروپا	۳۹/۱	۴۰/۳	۴۶	۴۰/۷	۴۴/۸	۵۰/۶	۶۴/۴	۵۴/۶
۳	ژاپن	۰/۴	۰/۰۴	۰/۸	۰/۸	۴/۹	۱۹/۷	۲/۶	۴/۹
۴	ایالات متحده	۲۳/۸	۳۱/۵	۲۴	۱۲/۶	۳۹/۷	۱۳/۶	۱۵/۹	۱۵/۷
۵	کشورهای در حال توسعه	۲۰/۳	۱۷/۵	۲۱/۷	۳۵/۹	۳	۶/۹	۹/۴	۱۲/۳
۶	آفریقا	۲	۱/۹	۱	۳	۱	۰/۴	۰/۲	۰/۲

1. Multi National Enterprises (MNEs).
2. Trans National Companies (TNCs).

جدول ۱۶-۳ توزیع جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی براساس سهم منطقه و کشورهای منتخب طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۵

(ارقام به درصد)

ردیف	منطقه/کشور	جریان ورودی FDI				جریان خروجی FDI			
		۱۹۷۸-۱۹۸۰	۱۹۹۰-۱۹۹۸	۲۰۰۰-۱۹۹۸	۲۰۰۳-۲۰۰۵	۱۹۷۸-۱۹۸۰	۱۹۹۰-۱۹۹۸	۲۰۰۰-۱۹۹۸	۲۰۰۳-۲۰۰۵
۷	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۱۳	۵	۹/۷	۱۱/۵	۱	۴/۱	۳/۵	
۸	آسیا و اقیانوسیه	۵/۳	۱۰/۵	۱۱	۲۱/۴	۰/۹	۵/۶	۸/۶	
۹	آسیای شرقی	-۱/۶	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۵	۱	
۱۰	آسیای شرقی، جنوب و جنوب شرقی	۶/۷	۱۰	۱۰/۷	۱۸/۴	۰/۶	۵/۱	۷/۷	
۱۱	اروپای جنوب شرقی و کشورهای مستقل مشترک المنافع*	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۹	۴/۷	—	۰/۰۱	۱/۸	
	جهان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

مأخذ: آنکتاد، ۲۰۰۶.

* Common Wealth of Independent States (CIS)

روند جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد که طی دو دهه اخیر سهم کشورهای توسعه‌یافته از جریان ورودی^۱ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش یافته و به سهم کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشورهای آسیای جنوب، شرق و جنوب شرقی افزوده گردیده است و بخش جریان خروجی^۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز مؤید این مطلب است که کشورهای توسعه‌یافته، اتحادیه اروپا و کشورهایمانند ژاپن و ایالات متحده بیشترین منبع صدور سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دیگر مناطق یا کشورهای مختلف جهان بوده‌اند (جدول ۱۶-۳).

1. In Flow.

2. Out Flow.

روزبه‌روز بر اهمیت جریان‌ات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین مناطق و کشورهای مختلف جهان افزوده می‌گردد و حجم این جریان‌ات نیز در حال افزایش است. به‌طوری‌که براساس آخرین گزارش آنکتاد (که مربوط به سال ۲۰۰۶ است)، حجم جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان در سال ۲۰۰۵ تقریباً معادل ۹۱۶/۲ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ به‌ترتیب معادل ۶۴ و ۲۹ درصد رشد داشته است (جدول ۱۷-۳). همان‌گونه که در جدول زیر نشان داده شده، کشورهای توسعه‌یافته، اروپایی و کشورهای در حال توسعه از بیشترین جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۵ برخوردار بوده‌اند که در مقایسه با بخش جریان‌ات خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌نظر می‌رسد منبع عمده جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این سال، کشورهای در حال توسعه، آفریقا، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، آسیا، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و کشورهایمانند ایالات متحده و انگلستان بوده‌اند.

جدول ۱۷-۳ روند جریان‌ات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق و کشورهای مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار)

ردیف	منطقه / کشور	جریان‌ات ورودی FDI			جریان‌ات خروجی FDI		
		۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱	کشورهای توسعه‌یافته	۳۵۸۵۳۹	۳۹۶۱۴۵	۵۴۲۳۱۲	۵۱۴۸۰۶	۶۸۶۲۶۲	۶۴۶۲۰۶
۲	اروپا	۲۷۴۰۹۵	۲۱۷۶۹۶	۴۳۳۶۲۸	۳۱۶۹۵۶	۳۶۷۹۸۹	۶۱۸۸۱۰
۳	اتحادیه اروپا	۲۵۳۷۲۸	۲۱۳۷۲۶	۴۲۱۸۹۹	۲۸۶۱۰۶	۳۳۴۹۱۵	۵۵۴۸۰۲
۴	فرانسه	۴۲۴۹۸	۳۱۳۷۱	۶۳۵۷۶	۵۳۱۴۷	۵۷۰۰۶	۱۱۵۶۶۸
۵	آلمان	۲۹۲۰۲	-۱۵۱۱۳	۳۲۶۶۳	۶۱۷۴	۱۸۸۳	۴۵۶۳۴
۶	ایتالیا	۱۶۴۱۵	۱۶۸۱۵	۱۹۹۷۱	۹۰۷۱	۱۹۲۶۲	۳۹۶۷۱
۷	انگلستان	۱۶۷۷۸	۵۶۲۱۴	۱۶۴۵۳۰	۶۲۱۸۷	۹۴۸۶۲	۱۰۱۰۹۹
۸	کانادا	۷۶۱۵	۱۵۳۳	۳۳۸۲۲	۲۱۵۱۶	۴۳۲۵۴	۳۴۰۸۳
۹	ایالات متحده	۵۳۱۴۶	۱۲۲۳۷۷	۹۹۴۴۳	۱۲۹۳۵۲	۲۲۲۴۳۷	-۱۲۷۱۴
۱۰	ژاپن	۶۳۲۴	۷۸۱۶	۲۷۷۵	۲۸۸۰۰	۳۰۹۵۱	۴۵۷۸۱

جدول ۱۷-۳ روند جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق و کشورهای مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار)

ردیف	منطقه / کشور	جریانات ورودی FDI			جریانات خروجی FDI		
		۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱۱	کشورهای در حال توسعه	۱۷۵۱۳۸	۲۷۵۰۳۲	۳۳۴۲۸۵	۳۵۵۶۶	۱۱۲۸۳۳	۱۱۷۴۶۳
۱۲	آفریقا	۱۸۵۱۳	۱۷۱۹۹	۳۰۶۷۲	۱۱۵۹	۱۸۸۵	۱۰۵۴
۱۳	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۴۶۱۳۷	۱۰۰۵۰۶	۱۰۳۶۳۳	۱۵۴۱۲	۲۷۵۰۲	۳۲۸۲۵
۱۴	آسیا	۱۱۰۱۳۷	۱۵۶۶۲۲	۱۹۹۵۵۴	۱۸۹۷۹	۸۳۴۲۹	۸۳۵۵۷
۱۵	اقیانوسیه	۳۵۲	۷۰۵	۳۹۷	۱۶	۱۷	۲۷
۱۶	اروپای جنوب شرقی	۸۴۵۷	۱۳۲۸۳	۱۲۴۴۵	۱۷۴	۲۰۱	۴۹۶
۱۷	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع	۱۵۷۳۶	۲۶۲۹۵	۲۷۲۳۴	۱۰۵۵۸	۱۳۷۷۲	۱۴۵۶۰
	جهان	۵۵۷۸۶۹	۷۱۰۷۵۵	۹۱۶۲۷۷	۵۶۱۱۰۴	۸۱۳۰۶۸	۷۷۸۷۲۵

مأخذ: همان

بررسی روند جریانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نشان می‌دهد که سهم ایران از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های اخیر در مقایسه با دیگر کشورهای آسیایی و منطقه بسیار ناچیز بوده است و وضعیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۰۵ به حداقل خود رسیده است. به‌عنوان نمونه ایران در سال ۲۰۰۵ به‌جای اینکه جذب‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد بیشتر با خروج سرمایه خارجی مواجه بوده است؛ زیرا جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این سال معادل سی میلیون دلار بوده و در مقابل جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معادل ۷۶ میلیون دلار بوده است. همان‌گونه که در جدول زیر نشان داده شده است در سال ۲۰۰۵ در بین کشورهای آسیایی، چین، سنگاپور، ترکیه، امارات متحده عربی، هند، عربستان سعودی، هنگ‌کنگ، تایلند، کره جنوبی، ویتنام و فیلیپین به‌ترتیب جذب‌کننده‌های عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده‌اند (جدول ۱۸-۳). گفتنی است در سال ۲۰۰۵ سهم ایران در

۱۰۶ سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک در ایران

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین کشورهای آسیایی، معادل ۰/۰۱۵ درصد است و سهم ایران در مقایسه با کشورهای صادرکننده اصلی نفت خام، کشورهای در حال توسعه و کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان در این سال به ترتیب معادل ۰/۰۸، ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۳ درصد است.

جدول ۱۸-۳ روند جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مختلف آسیایی طی سال‌های ۲۰۰۳ - ۲۰۰۵

(ارقام به میلیون دلار)

ردیف	کشور	جریان‌های ورودی FDI			جریان‌های خروجی FDI		
		۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱	چین	۵۳۵۰۵	۶۰۶۳۰	۷۲۴۰۶	۱۵۲	۱۸۰۵	۱۱۳۰۶
۲	ایران	۴۸۲	۱۰۰	۳۰	۳۵۶	۱۹	۷۶
۳	عربستان سعودی	۷۷۸	۱۹۴۲	۴۶۲۸	۸۳	۷۰۹	۱۱۸۳
۴	ترکیه	۱۷۵۲	۲۸۳۷	۹۶۸۱	۴۹۹	۸۵۹	۱۰۷۸
۵	امارات متحده عربی	۴۲۵۶	۸۳۵۹	۱۲۰۰۰	۹۹۱	۱۰۰۷	۶۶۶۱
۶	هنگ کنگ	۱۳۶۲۴	۳۴۰۳۲	۳۵۸۹۷	۵۴۹۲	۴۵۷۱۶	۳۲۵۶۰
۷	کره جنوبی	۳۸۹۲	۷۷۲۷	۷۱۹۸	۳۴۲۶	۴۶۵۸	۴۳۱۲
۸	تایوان	۴۵۳	۱۸۹۸	۱۶۲۵	۵۶۸۲	۷۱۴۵	۶۰۲۸
۹	هند	۴۵۸۵	۵۴۷۴	۶۵۹۸	۱۳۲۵	۲۰۲۴	۱۳۶۴
۱۰	اندونزی	۵۹۷	۱۸۹۶	۵۲۶۰	۱۵	۳۴۰۸	۳۰۶۵
۱۱	مالزی	۲۴۷۳	۴۶۲۴	۳۹۶۷	۱۳۷۰	۲۰۶۱	۲۹۷۱
۱۲	فیلیپین	۴۹۱	۶۸۸	۱۱۳۲	۳۰۳	۵۷۹	۱۶۲
۱۳	سنگاپور	۱۰۳۷۶	۱۴۸۲۰	۲۰۰۸۳	۳۱۴۳	۸۵۱۲	۵۵۱۹
۱۴	تایلند	۱۹۵۲	۱۴۱۴	۳۶۸۷	۴۸۶	۱۲۶	۲۴۶
۱۵	ویتنام	۱۴۵۰	۱۶۱۰	۲۰۲۰	—	—	—
۱۶	کشورهای در حال توسعه	۱۷۵۱۳۸	۲۷۵۰۳۲	۳۳۴۲۸۵	۳۵۵۶۶	۱۱۲۸۳۳	۱۱۷۴۶۳
۱۷	صادرکنندگان اصلی نفت خام	۲۰۴۱۱	۲۲۸۹۴	۳۵۷۳۸	۱۵۰۶	۹۱۴۷	۱۹۱۵۶
۱۸	آسیا	۱۱۰۱۳۷	۱۵۶۶۲۲	۱۹۹۵۵۴	۱۸۹۷۹	۸۳۴۲۹	۸۳۵۵۷
	جهان	۵۵۷۸۹۶	۷۱۰۷۵۵	۹۱۶۲۷۷	۵۶۱۱۰۴	۸۱۳۰۶۸	۷۷۸۷۲۵

مأخذ: همان

۳-۹ شاخص درجه آزادی اقتصادی

وقتی بحث سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیش می‌آید ذهن‌ها بیشتر متوجه شاخص درجه آزادی اقتصادی می‌شود که توسط مؤسسات بین‌المللی هر ساله اعلام می‌گردد. بدین معنا که معمولاً هرچه یک اقتصاد از درجه آزادی اقتصادی بزرگ‌تری برخوردار باشد، می‌توان انتظار تعاملی بیشتر با جهان و در نتیجه ورود سرمایه‌گذاری خارجی داشت.

مؤسسه فریزر^۱ در کنار سایر مؤسسات و بنیادهای بین‌المللی هر ساله شاخص درجه آزادی اقتصادی در کشورهای مختلف را در قالب شاخص آزادی اقتصادی جهان^۲ برآورد می‌کند. این مؤسسه در برآورد شاخص آزادی اقتصادی جهان از پنج عامل مهم اقتصادی زیر استفاده می‌کند:

۱. اندازه دولت، مخارج دولت، مالیات و شرکت‌ها،

۲. ساختار قانونی و امنیت حقوقی مالکیت،

۳. دسترسی به پول سالم،

۴. آزادی در تجارت با خارجی‌ها،

۵. مقررات اعتبار، کار و کسب‌وکار.

هریک از این پنج عامل مهم اقتصادی فوق‌الذکر دارای مؤلفه‌های زیادی هستند؛ به طوری که شاخص آزادی اقتصادی جهان در مجموع ۴۵ مؤلفه و زیرمؤلفه را مورد بررسی و سنجش قرار می‌دهد. هر مؤلفه در مقیاس صفر تا ده درجه‌بندی می‌شود و هرچه ارزش مؤلفه به عدد ده نزدیک‌تر باشد در واقع درجه آزادی اقتصادی بیشتر خواهد بود. میانگین مؤلفه‌ها برای هر عامل اقتصادی محاسبه شده و در نهایت، میانگین امتیازهای پنج عامل محاسبه می‌گردد.^۳

مؤسسه فریزر در آخرین گزارش سالانه خود که در سال ۲۰۰۶ منتشر شده، شاخص درجه آزادی اقتصادی کشورهای جهان را در سال ۲۰۰۴ برای ۱۳۰ کشور جهان برآورد کرده است که ده کشور برتر و آخر این رده‌بندی به صورت زیر است (جدول ۱۹-۳).

1. Fraser Institute.

2. The Economic Freedom of the World (EFW).

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: «گزارش سالانه مؤسسه فریزر در برآورد شاخص آزادی اقتصادی جهان» در

جدول ۱۹-۳ شاخص درجه آزادی اقتصادی ده کشور اول و آخر جهان در سال ۲۰۰۴

رتبه	کشور اول	امتیاز	ردیف	ده کشور آخر	امتیاز
۱	هنگ کنگ	۸/۷	۱	جمهوری آفریقای مرکزی	۴/۸
۲	سنگاپور	۸/۵	۲	روآندا	۴/۸
۳	نیوزیلند	۸/۲	۳	بروندی	۴/۸
۴	سوئیس	۸/۲	۴	الجزایر	۴/۷
۵	ایالات متحده	۸/۲	۵	گینه بیسائو	۴/۶
۶	ایرلند	۸/۱	۶	ونزوئلا	۴/۴
۷	انگلستان	۸	۷	جمهوری دموکراتیک کنگو	۴/۱
۸	کانادا	۷/۹	۸	جمهوری کنگو	۴/۱
۹	ایسلند	۷/۹	۹	میانمار	۳/۳
۱۰	لوگزامبورگ	۴/۸	۱۰	زیمبابوه	۲/۸

مأخذ: مؤسسه فریزر، ۲۰۰۶.

جدول ۲۰-۳ شاخص درجه آزادی اقتصادی کشورهای منتخب در سال ۲۰۰۴

رتبه جهانی	آزادی اقتصادی جهان	ضوابط اعتبار، کار و کسب و کار				آزادی تجارت با خارجی‌ها	دستیابی به پول سالم	ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت	اندازه دولت	شاخص کشور	ردیف
		ضوابط کل	ضوابط کسب و کار	ضوابط بازار کار	ضوابط اعتبار						
۱	۸/۷	۸/۳	۷/۴	۸/۶	۸/۹	۹/۵	۹/۲	۷/۵	۹/۱	هنگ کنگ	۱
۲	۸/۵	۷/۶	۷/۹	۶/۹	۷/۹	۹/۳	۹/۶	۸/۱	۸/۲	سنگاپور	۲
۱۶	۷/۷	۷/۷	۶/۳	۸/۹	۷/۸	۸/۵	۸/۶	۶/۲	۷/۶	امارات متحده عربی	۳
۱۹	۷/۵	۷	۶/۸	۷	۷/۱	۶/۷	۹/۶	۷/۵	۶/۶	ژاپن	۴
۲۹	۷/۳	۶	۶/۵	۵/۳	۶/۳	۸	۹/۷	۶/۴	۶/۲	تایوان	۵
۳۹	۷/۱	۷/۲	۵/۱	۴/۹	۷/۴	۷/۲	۹/۵	۶/۳	۶/۵	کره جنوبی	۶
۵۳	۶/۷	۵/۴	۴/۷	۵/۷	۵/۹	۶/۴	۷	۶/۳	۸/۲	هند	۷
۵۴	۶/۷	۶/۴	۵/۲	۷/۹	۶	۷/۵	۶/۹	۷/۲	۵/۳	مالزی	۸
۶۲	۶/۶	۶/۳	۴/۸	۷	۷	۷/۵	۷	۵/۵	۶/۸	تایلند	۹
۷۲	۶/۳	۵/۴	۳/۶	۵	۷/۴	۷/۵	۸/۱	۳/۷	۷	فیلیپین	۱۰
۸۲	۶/۱	۴/۷	—	—	۶/۵	۵/۴	۸	۵/۹	۶/۵	ایران	۱۱
۸۴	۶	۴/۷	۳/۸	۵	۵/۵	۷/۲	۷/۹	۳/۹	۶/۴	اندونزی	۱۲
۸۶	۶	۵/۳	۵/۵	۴/۳	۵/۹	۷	۵/۱	۵/۲	۷/۳	ترکیه	۱۳
۸۹	۵/۹	۶/۳	۴/۲	۴/۸	۹/۸	۶/۷	۶/۴	۴/۴	۵/۶	ویتنام	۱۴
۹۶	۵/۷	۴/۲	۳/۵	۴/۷	۴/۵	۷/۴	۸	۴/۹	۳/۸	چین	۱۵

مأخذ: همان

ایران در سال ۲۰۰۴ براساس گزارش سالانه مؤسسه فریزر در بین ۱۳۰ کشور مورد بررسی، رتبه ۸۲ را به لحاظ درجه باز بودن (آزادی) اقتصاد به خود اختصاص داده است که در مقایسه با دیگر کشورهای آسیایی مانند هنگ کنگ، سنگاپور، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، امارات متحده عربی و ... به عنوان یک اقتصاد بسته در تجارت جهانی عمل کرده است (جدول ۲۰-۳). بنیاد هریتیج نیز برای برآورد شاخص درجه آزادی اقتصادی از ده شاخص آزادی کسب و کار، آزادی تجاری، آزادی مالی، آزادی از دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی تأمین منابع مالی، حقوق مالکیت، آزادی از فساد و آزادی کار استفاده می کند. بنیاد مذکور هر ساله شاخص آزادی اقتصادی را برای بیش از ۱۶۰ کشور جهان برآورد می کند که برمبنای آخرین گزارش منتشر شده در سال ۲۰۰۷، ایران با کسب امتیاز کلی ۴۳/۱ درصد رتبه ۱۵۰ام را به لحاظ درجه باز بودن اقتصاد به خود اختصاص داده است که با برآورد مؤسسه فریزر اختلاف زیادی دارد؛ اما هر دو شاخص بسته بودن اقتصاد ایران را در مقایسه با کشورهای هم جوارش، تأیید می کنند (جدول ۲۱-۳).

جدول ۲۱-۳ برآورد شاخص آزادی اقتصادی برای کشورهای منتخب در سال ۲۰۰۶

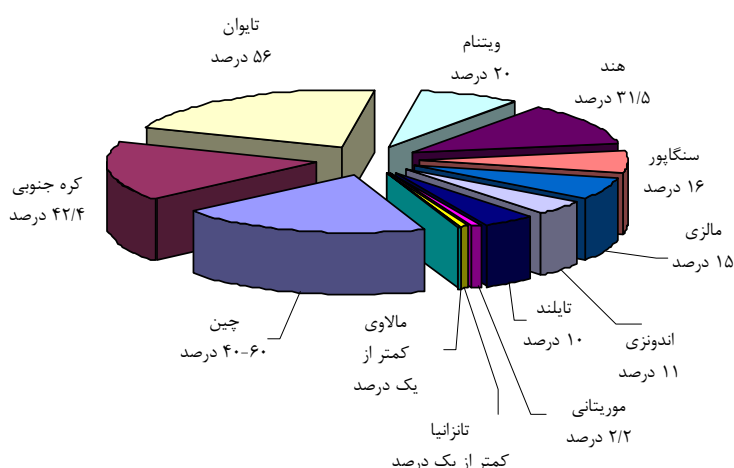
رتبه جهانی	درصد امتیاز کلی	کشور	ردیف
۱	۸۹/۳	هنگ کنگ	۱
۲	۸۵/۷	سنگاپور	۲
۱۸	۷۳/۶	ژاپن	۳
۲۶	۷۱/۱	تایوان	۴
۳۶	۶۸/۶	کره جنوبی	۵
۴۸	۶۵/۸	مالزی	۶
۵۰	۶۵/۶	تایلند	۷
۷۴	۶۰/۴	امارات متحده عربی	۸
۸۳	۵۹/۳	ترکیه	۹
۹۷	۵۷/۴	فیلیپین	۱۰
۱۰۴	۵۵/۶	هند	۱۱
۱۱۰	۵۵/۱	اندونزی	۱۲
۱۱۹	۵۴	چین	۱۳
۱۳۸	۵۰	ویتنام	۱۴
۱۵۰	۴۳/۱	ایران	۱۵

مأخذ: بنیاد هریتیج (www.heritage.org/2007 index of Economic Freedom).

۳-۱۰ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در تجارت خارجی و نقش

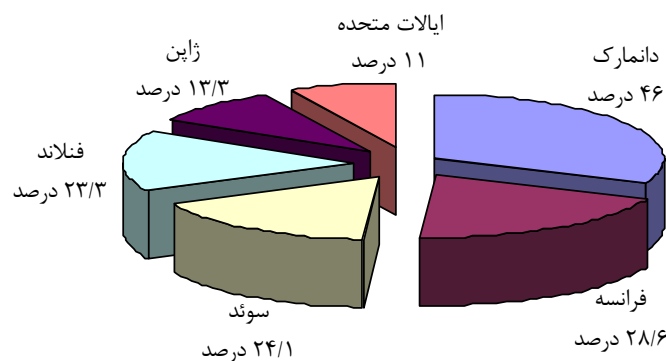
سیاست‌های کلان و استراتژی‌های تجاری

بنگاه‌های کوچک و متوسط در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان منبع مهم درآمدی به‌شمار می‌روند. بررسی سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی (کارخانه‌ای) در کشورهای در حال توسعه^۱ (آفریقا و آسیای شرقی) و کشورهای عضو همکاری‌های اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد که سهم بزرگی از صادرات صنعتی در کشورهای بیشتر صنعتی شده آسیای شرقی به‌عنوان نمونه ۵۶ درصد در تایوان، بیش از چهل درصد در چین و ۳۱/۵ درصد صادرات صنعتی در هند به بنگاه کوچک و متوسط اختصاص دارد. در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نیز به‌عنوان نمونه در کشورهای دانمارک، فرانسه، سوئد و فنلاند، سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در صادرات صنعتی پررنگ بوده و به‌ترتیب معادل ۴۶، ۲۸/۶، ۲۴/۱ و ۲۳/۳ درصد بوده است (نمودارهای ۳-۹ و ۳-۱۰).



نمودار ۳-۹ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی در اقتصادهای در حال

توسعه در سال ۲۰۰۴



نمودار ۱۰-۳ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۴

این در حالی است که در کشورهای آفریقایی کمتر صنعتی شده به‌عنوان نمونه تانزانیا و مالاوی چیزی حدود کمتر از یک درصد صادرات صنعتی‌شان به بنگاه‌های کوچک و متوسط وابسته است.

جدول زیر نشان می‌دهد که بنگاه‌های متوسط^۱ از توان بالقوه صادراتی بیشتری نسبت به بنگاه‌های کوچک^۲ دارای کمتر از پنجاه نفر کارکن، برخوردارند (به تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در تانزانیا، مالاوی و موریتانی در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه توجه شود).

جدول ۲۲-۳ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی در اقتصادهای در حال توسعه و کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (ارقام به درصد)

ردیف	کشور	سال	تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط*	سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی
کشورهای در حال توسعه				
۱	تایوان	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از صد نفر کارکن	۵۶

1. Medium-sized Enterprises.
2. Small-sized Enterprises.

جدول ۲۲-۳ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی در اقتصادهای در حال توسعه و کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (ارقام به درصد)

ردیف	کشور	سال	تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط*	سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی
کشورهای در حال توسعه				
۲	چین	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از صد نفر کارکن	۴۰-۶۰
۳	کره جنوبی	۱۹۹۵	کمتر از سیصد نفر کارکن	۴۲/۴
۴	ویتنام	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از دویست نفر کارکن	۲۰
۵	هند	۱۹۹۱-۱۹۹۲	سی میلیون روپیه سرمایه‌گذاری در کارخانه و ماشین‌آلات	۳۱/۵
۶	سنگاپور	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از صد نفر کارکن	۱۶
۷	مالزی	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از ۷۵ نفر کارکن	۱۵
۸	اندونزی	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از صد نفر کارکن	۱۱
۹	تایلند	۱۹۹۷	کمتر از صد نفر کارکن	۱۰
۱۰	موریتانی	۲۰۰۲	کمتر از پنجاه نفر کارکن	۲/۲
۱۱	تانزانیا	۲۰۰۳	کمتر از پنجاه نفر کارکن	کمتر از یک درصد
۱۲	مالاوی		کمتر از پنجاه نفر کارکن	کمتر از یک درصد
کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه				
۱۳	دانمارک	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از پانصد نفر کارکن	۴۶
۱۴	فرانسه	۱۹۹۴	کمتر از پانصد نفر کارکن	۲۸/۶
۱۵	سوئد	اوایل ۱۹۹۰	کمتر از دویست نفر کارکن	۲۴/۱
۱۶	فنلاند	۱۹۹۱	کمتر از پانصد نفر کارکن	۲۳/۳
۱۷	ژاپن	۱۹۹۱	کمتر از سیصد نفر کارکن	۱۳/۳

جدول ۲۲-۳ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتی در اقتصادهای در حال توسعه و کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (ارقام به درصد)

رديف	کشور	سال	تعريف بنگاه‌های کوچک و متوسط*	سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات صنعتي
کشورهای در حال توسعه				
۱۸	ایالات متحده	۱۹۹۴	کمتر از پانصد نفر کارکن	۱۱
			متوسط شش کشور سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه	۲۴/۴

مأخذ: سایت سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۴.

* تعاریف بنگاه‌های کوچک و متوسط از مطالعات مختلفی استخراج شده است که ممکن است با تعریف رسمی و ملی هریک از کشورها در مورد بنگاه‌های کوچک و متوسط متفاوت باشد. مطالعات استفاده شده برای کشورهای مختلف عبارت‌اند از:

- کره جنوبی (Kim and Nugent, 1999)
- هند (Badrinath and Others, 1997)
- موریتانی (Wignaraja and O'Neil, 1995)
- تانزانیا و ملاوی (Estimates based on Wignaraja's Field work)
- سایر کشورها (OECD, 1997)

بدیهی است که بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند به اشتغال، درآمد و عواید صادراتی کشورها کمک کنند و به‌منظور ایفای توان بالقوه بنگاه‌های کوچک و متوسط با هدف ایجاد توسعه و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، دولت‌ها نیاز به فهم و شناخت کاملی از چالش‌های موجود در این صنایع دارند که عبارت‌اند از:^۱

۱. بنگاه‌های کوچک و متوسط داخلی (بخش خصوصی) باید براساس دستورالعمل‌های زیر گسترش یابند:

- ۱-۱. ایجاد بنگاه‌های جدید، مبدع و نوآور،
- ۱-۲. انتقال تدریجی بنگاه‌های غیررسمی به داخل بخش رسمی (آن گروه از بنگاه‌هایی که این قابلیت را دارند).

۲. بنگاه‌های کوچک و متوسط باید بیشتر به بنگاه‌های رقابتی و تولیدی تبدیل گردند.
 ۳. حداقل نسبتی از این بنگاه‌های کوچک و متوسط رقابتی در عرصه ملی باید به سطحی از رقابت‌پذیری برسند که بتوانند در زنجیره ارزش جهانی^۱ از طریق تجارت (صادرات) و سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)^۲ راه یابند.

۳-۱۰-۱ نقش سیاست‌های کلان باثبات بر صنایع کوچک و متوسط

پیش‌بینی‌پذیری محیط تجاری یک عامل حیاتی در اتخاذ تصمیمات تجاری است. نه تنها بنگاه‌های کوچک و متوسط بلکه حتی بنگاه‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران خارجی نیز به‌شدت به توانایی دولت‌ها در اتخاذ سیاست‌های کلان سازگار و باثبات وابسته‌اند. کسر بودجه و تورم پایین و وجود نظام پولی شفاف و پایدار و نرخ‌های ارز رقابتی و انعطاف‌پذیر می‌تواند به سرمایه‌گذار، وجود حداقل ثبات در محیط اقتصاد کلان را نوید دهد که برای اتخاذ تصمیمات منطقی تجاری لازم و ضروری است. شیفر و ویدر^۳ (۲۰۰۱) براساس مطالعه‌ای^۴ مشتمل بر داده‌های هشتاد کشور جهان اثبات کرده‌اند که سنجه‌های تورم و نرخ ارز، رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط را بیشتر از بنگاه‌های بزرگ تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما عدم ثبات در سیاست‌های کلان اقتصادی تمامی بنگاه‌ها را به میزان مساوی تحت تأثیر قرار خواهد داد (جدول ۳-۲۳).

جدول ۳-۲۳ رتبه و درصد اثرگذاری موانع اساسی ناشی از محیط کلان اقتصادی بر روی بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ

(ارقام به درصد)

رتبه	تمامی بنگاه‌ها		بنگاه‌های کوچک		بنگاه‌های بزرگ	
	موانع	سهام	موانع	سهام	موانع	سهام
۱	تأمین مالی	۳۶/۵	تأمین مالی	۳۸/۹	تأمین مالی	۳۸
					بی‌ثباتی در سیاست	۲۹/۸

۱. سایت سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، دومین کنفرانس بنگاه‌های کوچک و متوسط، ۲۰۰۴.

۲. Foreign Direct Investment (FDI).

۳. Shiffer and Weder.

۴. در این مطالعه از هشتاد کشور و اطلاعات Gaza, West Bank و اطلاعات به‌دست آمده از ۱۰۰۹۰ بنگاه استفاده شده است.

جدول ۲۳-۳ رتبه و درصد اثرگذاری موانع اساسی ناشی از محیط کلان اقتصادی بر روی بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ

(ارقام به درصد)

رتبه	تمامی بنگاه‌ها		بنگاه‌های کوچک		بنگاه‌های متوسط		بنگاه‌های بزرگ	
	موانع	سهام	موانع	سهام	موانع	سهام	موانع	سهام
۲	تورم	۳۴/۶	تورم	۳۶/۹	مالیات و مقررات	۳۶	تأمین مالی	۲۷/۹
۳	بی‌ثباتی در سیاست	۳۴/۴	مالیات و مقررات	۳۵/۵	تورم	۳۷/۲	تورم	۲۶/۲
۴	مالیات و مقررات	۳۳/۵	بی‌ثباتی در سیاست	۳۵	بی‌ثباتی در سیاست	۳۶/۱	جرم خیابانی	۲۳/۹
۵	نرخ ارز	۲۸	جرم خیابانی	۳۰/۶	نرخ ارز	۲۹/۷	فساد	۲۳/۴
۶	فساد	۲۷/۷	فساد	۳۰/۱	فساد	۲۷/۴	نرخ ارز	۲۲/۴
۷	جرم خیابانی	۲۷/۲	نرخ ارز	۲۸/۹	جرم خیابانی	۲۵/۵	جرم سازمان یافته	۲۱/۷
۸	جرم سازمان یافته	۲۴/۵	جرم سازمان یافته	۲۶/۹	جرم سازمان یافته	۲۳/۴	مالیات و مقررات	۲۱/۴
۹	عملیات ضدرقابتی	۲۱/۹	عملیات ضدرقابتی	۲۳/۸	عملیات ضدرقابتی	۲۱/۹	زیربناها و زیرساخت	۱۸/۲
۱۰	زیربناها و زیرساخت	۱۷	زیربناها و زیرساخت	۱۶/۳	زیربناها و زیرساخت	۱۷/۲	عملیات ضدرقابتی	۱۶/۹
۱۱	نظام قضایی	۱۳/۷	نظام قضایی	۱۳/۸	نظام قضایی	۱۴/۴	نظام قضایی	۱۱/۶

مأخذ: همان

میزان آسیب‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ بسیار بالاست. به همین دلیل این بنگاه‌ها نیازمند سیاست‌های حمایتی و تشویقی خاصی هستند. همان‌گونه که در جدول ذیل نشان داده می‌شود به‌عنوان نمونه در کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۹۶ - ۱۹۹۹ مقایسه میزان ورشکستگی بنگاه‌های کوچک، متوسط و بزرگ می‌تواند شاهدهی بر استدلال قبلی باشد (جدول ۲۴-۳).

جدول ۲۴-۳ میزان ورشکستگی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۹

ردیف	سال شاخص			
	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶
۱	۱۰	۳۸	۳۹/۹	۱۴
۲	۶۷۱۸	۲۲۸۲۸	۱۷۱۶۸	۱۱۵۸۹
۳	۵۶۰	۱۹۰۲	۱۴۳۱	۹۶۶
۴	—	۳۹	۵۸	۷

مأخذ: چهل و هفتمین کنفرانس بین‌المللی کسب‌وکار (مشاغل) کوچک، ۲۰۰۲.

۲-۱۰-۳ استراتژی تجاری بنگاه‌های کوچک و متوسط رقابتی

میزان امکانات در دسترس بنگاه‌های کوچک و متوسط تا حد زیادی به کیفیت مؤسسات، بازارها و سازمان‌هایی که محیط کسب‌وکار را تشکیل می‌دهند، ارتباط دارد. منظور از کیفیت، کارایی و ثمربخشی مؤسسات، بازارها و سازمان‌هایی است که بنگاه‌های کوچک و متوسط را تشویق می‌کند (یا باز می‌دارد) که موضوعات زیر را بیاموزد که عبارت‌اند از:

۱. یادگیری روش‌های جدید و انجام کسب‌وکار،
۲. مقایسه کردن ویژگی‌های رقابتی آنها با رقبای،
۳. تصمیم‌سازی برای سرمایه‌گذاری به خصوص به کارگیری ابداعات و نوآوری‌ها در استراتژی کسب‌وکار.

در حال حاضر به نظر می‌رسد که کشورهای در حال توسعه و در حال گذار از سیاست‌ها و استراتژی‌های فراوانی در زمینه بنگاه‌های کوچک و متوسط برخوردارند که به طرق مختلف به نوعی در ارتباط با بخش خصوصی است که برخی از این استراتژی‌ها عبارت‌اند از:

۱. استراتژی توسعه بخش خصوصی،
۲. استراتژی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط،
۳. استراتژی و سیاست‌های سرمایه‌گذاری و تجارت،
۴. استراتژی توسعه صادرات.

جای تعجب است که در کشورهای مذکور هنوز مسئولیت تحقق این سیاست‌ها و استراتژی‌های گوناگون به عهده مؤسسات بخش عمومی است که از ابعاد ظرفیت، قدرت و صلاحیت در ایجاد هماهنگی، ضعیف و ناتوان هستند. وانگهی تحقق بخشی از این استراتژی‌ها، نیازمند گفت‌وگو و مشارکت بین دولت، بنگاه‌های کوچک و متوسط، جامعه مدنی و مراکز دانشگاهی است تا به‌نحو شایسته‌ای ضمن ارزیابی و اولویت‌بندی چالش‌های موجود در بخش صنایع کوچک به رفع این چالش‌ها و حل مشکلات اقدام گردد. باوجود ناکارایی در بخش عمومی به‌نظر می‌رسد موضوع ایجاد هماهنگی در تمام سطوح به‌منظور بهبود توان رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط ضروری و از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین برای دستیابی به تحقق بخشی از استراتژی‌ها به‌منظور بهبود توان رقابت‌پذیری این بنگاه‌ها، باید استراتژی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در استراتژی توسعه ملی گنجانده شود تا اثرات سیاست‌های جاری دولت در زمینه اصلاح بازار و غیره به بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز تسری یابد.

آقای لال^۱ استدلال می‌کند که در کشورهای در حال توسعه موضوع شکست بازار^۲ به‌طور ویژه‌ای متفاوت است و این کشورها بیشتر نیازمند استراتژی‌های هماهنگ و سازگار هستند تا بتوانند اقتصادشان را از فعالیت‌های با فناوری و مهارت پایین به سمت فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا سوق دهند. همچنین به‌نظر می‌رسد در این کشورها با اتخاذ یک بسته سیاستی انتخابی^۳ به‌جای یک رویکرد جانب‌دارانه از بازار (بازار دوستی)^۴ می‌توان بر موانع و چالش‌های سر راه توسعه غلبه کرد. مطالعات^۵ انجام شده (۲۰۰۱) در زمینه سیاست توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور انگلستان نشان می‌دهد که بسیاری از تلاش‌های دولت در زمینه گسترش و تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط در چارچوب استراتژی‌های توسعه ملی صورت می‌گیرد.

1. Lall, 2001.

2. Market Failure.

3. Selective Intervention.

4. Market-friendly Approach.

5. Think Small First, 2001.

۳-۱۱ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی

کره جنوبی

در کره جنوبی بنگاه‌های کوچک و متوسط به کارگاه‌هایی اطلاق می‌شود که دارای کمتر از سیصد نفر کارکن باشند. طی دهه ۱۹۶۰ نرخ رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در برخی از شاخص‌ها تقریباً معادل نصف نرخ رشد بنگاه‌های بزرگ صنعتی بود؛ شاخص‌هایی مانند تعداد بنگاه‌های تأسیس شده، اشتغال، تولید ناخالص، ارزش افزوده و ارزش کالاهای حمل شده با کشتی (جدول ۳-۲۵).

جدول ۳-۲۵ متوسط نرخ رشد سالانه به تفکیک اندازه بنگاه‌های صنعتی در

کره جنوبی طی سال‌های ۱۹۶۳ - ۱۹۹۷

(ارقام به درصد)

ردیف	شاخص	نوع بنگاه	دهه ۱۹۶۰ (۱۹۶۳-۱۹۶۹)	دهه ۱۹۷۰ (۱۹۷۰-۱۹۷۹)	دهه ۱۹۸۰ (۱۹۸۰-۱۹۸۹)	دهه ۱۹۹۰ (۱۹۹۰-۱۹۹۷)
۱	تعداد بنگاه‌های تأسیس شده	کوچک و متوسط	۳/۴	۳/۱	۹	۴/۴
		بزرگ	۱۱/۸	۵/۱	۱/۹	-۵/۳
۲	اشتغال	کوچک و متوسط	۵/۴	۱۰/۲	۷/۳	۰
		بزرگ	۱۲/۸	۱۰/۸	۲	-۴/۷
۳	تولید ناخالص داخلی	کوچک و متوسط	۱۴/۵	۴۰/۴	۲۰/۷	۱۵
		بزرگ	۲۹/۷	۳۹/۱	۱۴/۸	۱۲/۶
۴	ارزش کالای حمل شده با کشتی	کوچک و متوسط	۱۴/۷	۴۰/۱	۲۰/۸	۱۵/۱
		بزرگ	۲۹/۷	۳۸/۹	۱۵	۱۲/۶
۵	ارزش افزوده	کوچک و متوسط	۱۶/۳	۴۰	۲۱/۹	۱۵/۱
		بزرگ	۲۹/۶	۳۵/۳	۱۶/۴	۱۳/۷

Source: Korea Federation of Small Business (KFSB), 1998.

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شد از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی درزمینه شاخص‌های تولید ناخالص، ارزش کالاهای حمل شده با کشتی و ارزش افزوده از بنگاه‌های بزرگ صنعتی به مقدار کمی افزایش یافت و از دهه ۱۹۸۰ بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی به دلیل اتخاذ سیاست فعال دولت در تقویت و گسترش این بنگاه‌ها، درزمینه تمامی شاخص‌ها از رشد بالاتری در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ برخوردار شدند؛ زیرا سیاست‌های فعال دولت باعث شد تا ساختار نامتعادل ناشی از سیاست‌های ترجیحی و حمایت دولت از صنایع بزرگ اصلاح و تعدیل گردد.

در طول دهه ۱۹۹۰ بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی کره جنوبی به‌طور مداوم نرخ‌های رشد بالاتری را در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ صنعتی تجربه کردند. این در حالی است که بنگاه‌های بزرگ درزمینه شاخص‌های تعداد بنگاه‌های تأسیس شده و اشتغال دارای نرخ رشد منفی شدند. در دهه ۱۹۹۰ نیز همانند دهه قبلی نرخ رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی درزمینه شاخص‌های تولید ناخالص، ارزش کالای حمل شده با کشتی و ارزش افزوده ادامه یافت و در این دوره بنگاه‌های بزرگ از نرخ رشد منفی درزمینه شاخص‌های تعداد بنگاه و اشتغال برخوردار شدند.

در سال ۲۰۰۲ تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط کره جنوبی تقریباً معادل $2/95$ میلیون واحد بود که از این تعداد، نهصد هزار واحد مربوط به بنگاه‌های متوسط (۵۰-۳۰۰ نفر کارکن)، ۲۴۰ هزار واحد بنگاه‌های کوچک (۱۰-۵۰ نفر کارکن) و $2/62$ میلیون واحد بنگاه‌های خرد (کمتر از ده نفر کارکن) بود. در همین سال میزان اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط حدود $10/39$ میلیون نفر بوده است. بنابراین در اقتصاد کره جنوبی، بنگاه‌های کوچک و متوسط (دارای کمتر از سیصد نفر کارکن) در سال ۲۰۰۲، $99/8$ درصد از بنگاه‌ها و $86/7$ درصد از کل اشتغال را به خود اختصاص داده بودند (جدول ۲۶-۳).

جدول ۲۶-۳ بررسی روند تعداد و اشتغال بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره جنوبی طی دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۲

(ارقام به نفر/ درصد)

ردیف	سال شاخص		۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
	کل	بنگاه‌های کوچک و متوسط						
۱	تعداد بنگاه	کل	۲۶۹۷۰۹۸	۲۶۲۹۸۶۸	۲۷۷۷۹۸۶	۲۸۶۴۱۳۴	۲۸۷۶۸۱۷	۲۹۵۳۱۲۴
		بنگاه‌های کوچک و متوسط	۲۶۷۲۹۸۳	۲۶۰۷۷۱۰	۲۷۶۹۰۱۲	۲۸۵۴۰۸۱	۲۸۷۱۹۵۱	۲۹۴۸۱۷۱
		سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط (درصد)	۹۹/۱	۹۹/۲	۹۹/۷	۹۹/۷	۹۹/۸	۹۹/۸
۲	اشتغال	کل	۱۱۱۰۰۴۹۱	۱۰۱۷۷۷۹۷	۱۰۸۲۹۹۶۱	۱۱۵۳۰۹۰۸	۱۱۶۵۰۰۳۴	۱۱۹۷۵۶۷۲
		بنگاه‌های کوچک و متوسط	۸۲۶۰۰۶۲	۷۶۵۹۰۱۰	۸۸۶۶۰۰۱	۹۶۷۷۶۴۸	۹۹۶۹۷۹۷	۱۰۳۸۵۰۲۰
		سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط (درصد)	۷۴/۴	۷۵/۳	۸۱/۹	۸۳/۹	۸۵/۶	۸۶/۷

Source: www.kfsb.or.kr/english.

روند صادراتی صنایع کوچک و متوسط در کره جنوبی از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ نشان می‌دهد که حدود چهل درصد صادرات صنعتی این کشور طی دوره مذکور توسط صنایع کوچک و متوسط صورت پذیرفت. (جدول ۲۷-۳).

جدول ۲۷-۳ روند صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره جنوبی طی دوره
۱۹۹۴-۱۹۹۸

(ارقام به میلیون دلار)

ردیف	سال صادرات	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
۱	کل صادرات	۹۶۰۱۳ (۱۶/۸)	۱۲۵۰۵۸ (۳۰/۳)	۱۲۹۷۱۵ (۳/۷)	۱۳۶۱۶۴ (۵)	۱۳۲۳۱۳ (-۲/۸)
۲	صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط	۴۰۷۰۱ (۱۵/۷)	۴۹۴۷۴ (۲۱/۶)	۵۴۲۰۵ (۹/۶)	۵۶۹۱۰ (۵)	۵۶۳۴۹ (-۱)
۳	سهم صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط از کل صادرات (درصد)	۴۲/۴	۳۹/۶	۴۱/۸	۴۱/۸	۳۱

Source: Small and Medium Businesses Association And Korean International Trade Association.

- اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییرات نسبت به سال قبل است.

براساس آخرین اطلاعات به دست آمده از روند صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط، می‌توان مشاهده کرد که میزان صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط کره جنوبی به دلیل کاهش در مصرف داخلی و شناخته‌تر شدن این کشور در اقتصاد جهانی به روند رو به رشد خود ادامه داده است.

همان‌گونه که جدول زیر نشان می‌دهد سهم صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط کره جنوبی طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۴ به‌طور متوسط بیش از ۴۱ درصد بوده که در مقایسه با متوسط دوره قبلی مورد بررسی (۱۹۹۴-۱۹۹۸) که تقریباً معادل چهل درصد بوده، دارای روند افزایشی بوده است.

جدول ۲۸-۳ روند صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره جنوبی طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۱

(ارقام به میلیارد دلار)

ردیف	سال صادرات				
	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	
۱	۱۰۱/۶ (-۴۷/۳)	۱۹۲/۸ (۱۹/۳)	۱۶۲/۴ (۸)	۱۵۰/۴ (-۱۲/۷)	کل صادرات
۲	۳۹/۶ (-۵۱/۴)	۸۱/۶ (۱۹/۶)	۶۸/۳ (۵/۷)	۶۴/۶ (۱/۷)	صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط
۳	۳۸/۹	۴۲/۳	۴۲	۴۳	سهم صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط از کل صادرات (درصد)

مأخذ: مستخرج از سایت www.kfsb.or.kr.

- اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییرات نسبت به سال قبل است.

۱۲-۳ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی

تایوان

تایوان یکی از کشورهای جنوب شرقی آسیا به‌شمار می‌رود که سهم شرکت‌های کوچک و متوسط آن در مقایسه با کل بنگاه‌های صنعتی بسیار بالاست. از دهه ۱۹۵۰ به این طرف نیز که توسعه اقتصادی تایوان آغاز شد، میزان صادرات، واردات و درآمد سرانه این کشور عموماً روند فزاینده داشته و متوسط رشد سالانه ۸/۴ درصد را تجربه کرده است. همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، طی سال‌های ۱۹۵۲ تا ۲۰۰۵، تولید ناخالص ملی تایوان از ۱/۶۷۴ به ۳۴۴/۸ میلیارد دلار آمریکا و سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی از ۱۹/۷ درصد در سال ۱۹۵۲ به ۲۵/۹ درصد در سال ۲۰۰۵ رسید. صادرات این کشور نیز طی دوره مذکور از ۰/۱۱۶ به ۱۷۱/۷ میلیارد دلار آمریکا افزایش یافت (جدول ۲۹-۳). با نگاهی به آمار و ارقام مربوط به سهم بخش کشاورزی و صنعت در تولید ناخالص داخلی این کشور می‌توان دریافت که با گذشت زمان بخش صنعت نقش مهم‌تری در تولید ناخالص داخلی این کشور ایفا کرده است.

جدول ۲۹-۳ آمار و ارقام مربوط به رشد اقتصادی و تجارت خارجی تایوان از سال ۱۹۵۲ - ۲۰۰۵

ردیف	شاخص	سال	۱۹۵۲	۲۰۰۵
۱	تولید ناخالص ملی ^۱ (میلیارد دلار آمریکا)		۱/۶۷۴	۳۴۴/۸
۲	تولید خالص ملی سرانه (دلار آمریکا)		۱۹۶	۱۵۶۵۹
۳	سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی (درصد)		۳۲/۲	۱/۷
۴	سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی (درصد)		۱۹/۷	۲۵/۹
۵	صادرات (میلیارد دلار آمریکا)		۰/۱۱۶	۱۷۱/۷
۶	واردات (میلیارد دلار آمریکا)		۰/۱۸۷	۱۴۲/۵

Source: SME Administration in Taiwan and Ministry of Economic Affairs, 2006.

1. Gross National Product (GNP)

بررسی ساختار تولید در اقتصاد تایوان در دوره ۱۹۵۲ - ۲۰۰۵ نشان‌دهنده این است که هرچه به انتهای دوره مذکور نزدیک‌تر می‌شویم از سهم بخش کشاورزی به‌مرور زمان کاسته شده به‌طوری‌که از ۳۲/۲ درصد به ۱/۷ درصد رسید. درحالی‌که در همین دوره سهم بخش صنعت از ۱۹/۷ درصد در سال ۱۹۵۲ به ۲۵/۹ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. البته گفتنی است که سهم بخش صنعت در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به بیش از چهل درصد رسیده بود که به‌نظر می‌رسد به‌دلیل ایجاد بحران مالی در کشورهای جنوب شرقی آسیا در سال ۱۹۹۷ این سهم به کمتر از ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش پیدا کرد (جدول ۳۰-۳).

جدول ۳۰-۳ ساختار تولید و سهم بخش‌های مختلف در اقتصاد تایوان طی سال‌های ۱۹۵۲ - ۲۰۰۵

(ارقام به درصد)

بخش	سال	۱۹۵۲	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۵
کشاورزی		۳۲/۲	۲۸/۵	۱۵/۵	۷/۷	۴/۲	۱/۷
صنعت (تولید کارخانه‌ای)		۱۹/۷	۲۶/۹	۳۶/۸	۴۵/۷	۴۱/۲	۲۵/۹
خدمات		۴۸/۱	۴۴/۶	۴۶/۶	۴۶/۶	۵۶/۶	۷۲/۴

Source: Ibid

بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در نظام اقتصادی-اجتماعی کشور تایوان محسوب می‌شوند. این کشور از نظر درصد دارا بودن تعداد شرکت‌های کوچک و متوسط صنعتی (از مجموع شرکت‌های صنعتی) در بین کشورهای جهان در جایگاه بالایی قرار دارد؛ چرا که نزدیک به ۹۸ درصد از کل شرکت‌ها را در تایوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند. در بخش خدمات نیز بیش از ۸۹ درصد از مجموع شرکت‌های تجاری و خدماتی متعلق به بنگاه‌های کوچک و متوسط است. بنگاه‌های کوچک و متوسط از نظر ایجاد اشتغال نیز نقش بسیار مهمی در اقتصاد تایوان برعهده دارند و بخش مهمی از شاغلان این کشور در این بنگاه‌ها فعالیت می‌کنند. نزدیک به ۷۸ درصد از مجموع افرادی که سالانه جذب بازار کار می‌شوند به استخدام بنگاه‌های کوچک و متوسط درمی‌آیند.

تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در تایوان در سال ۲۰۰۵ میلادی نشان می‌دهد که در مورد بنگاه‌های فعال در بخش صنعت، معدن و ساختمان چنانچه میزان سرمایه ثبت شده آنها کمتر از ۲/۳ میلیون دلار آمریکا و تعداد کارکنان آنها نیز کمتر از دویست نفر کارکن باشد به‌عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط به حساب می‌آیند. ملاک تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش بازرگانی و خدمات، دارا بودن کمتر از ۲/۹ میلیون دلار آمریکا درآمد در سال گذشته و تعداد کارکنان کمتر از پنجاه نفر کارکن است (جدول ۳-۳۱).

جدول ۳-۳۱ ملاک تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط تایوان در سال ۲۰۰۵

بنگاه‌های خرد	بنگاه‌های کوچک و متوسط		بخش	ردیف
	تعداد کارکنان	سرمایه		
کمتر از بیست نفر کارکن	کمتر از دویست نفر کارکن	کمتر از ۲/۳ میلیون دلار آمریکا	صنعت، ساختمان و معدن	۱
کمتر از پنج نفر کارکن	کمتر از پنجاه نفر کارکن	دارا بودن کمتر از ۲/۹ میلیون دلار آمریکا درآمد در سال قبل	بازرگانی و خدمات	۲

Source: SME Administration in Taiwan, MOEA, 2005.

آمار و ارقام جدول زیر نشان‌دهنده نقش بسیار مهم صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد و تجارت خارجی تایوان است. به طوری که این بنگاه‌ها نه تنها از نظر تعداد و ایجاد اشتغال مهم هستند؛ بلکه نقش بسیار مهمی نیز در امر تولید و صادرات این کشور برعهده دارند. در سال‌های اخیر صنایع کوچک و متوسط تایوان نزدیک به سی درصد از کل فروش شرکت‌ها و بیست درصد از کل ارزش صادرات مستقیم این کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

در سال ۲۰۰۵، میزان فروش این صنایع از کل فروش بنگاه‌های تایوان بیش از ۳۰۳ میلیارد دلار آمریکا و با سهمی معادل ۲۹/۴۶ درصد بوده و ارزش صادرات مستقیم آنها نیز در این سال به بیش از ۴۶ میلیارد دلار آمریکا و با سهمی معادل ۱۷/۶ درصد رسیده است (جدول ۳-۳۲).

جدول ۳-۳۲ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد و تجارت خارجی تایوان طی سال‌های ۱۹۹۷ - ۲۰۰۵

ردیف	سال شاخص	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
۱	تعداد بنگاه	۱۰۲۰۴۳۵ (۹۷/۸۱)	۱۰۴۵۱۱۷ (۹۷/۷۶)	۱۰۶۰۷۳۸ (۹۷/۷۳)	۱۰۷۰۳۱۰ (۹۸/۰۸)	۱۰۷۸۱۶۲ (۹۸/۱۸)	۱۱۰۴۷۰۶ (۹۷/۷۲)	۱۱۴۶۳۵۲ (۹۷/۸۳)	۱۱۶۴۰۰۹ (۹۷/۸)	۱۲۲۶۰۹۵ (۹۷/۸)
۲	تعداد کارکنان (هزار نفر)	۷۱۹۷ (۷۸/۴۳)	۷۲۶۵ (۷۸/۲۱)	۷۳۴۴ (۷۸/۲۵)	۷۴۰۵ (۷۸/۰۶)	۷۲۸۸ (۷۷/۶۷)	۷۳۶۱ (۷۷/۸۶)	۷۴۲۵ (۷۷/۵۶)	۷۵۵۳ (۷۷/۱۸)	۷۶۴۸ (۷۶/۹۳)
۳	ارزش فروش (میلیارد دلار آمریکا)	۲۳۹/۲ (۳۲/۱۱)	۲۱۴/۴ (۳۰/۳۶)	۲۱۹/۹ (۲۸/۹۵)	۲۲۹/۴ (۲۸/۹۸)	۱۹۷/۵ (۲۷/۳۸)	۲۱۵/۷ (۲۹/۵۱)	۲۵۶/۲ (۳۱/۴۷)	۲۹۴/۴ (۳۰/۶۰)	۳۰۳/۹۵ (۲۹/۴۶)
۴	ارزش صادرات مستقیم (میلیارد دلار آمریکا)	۳۸/۳ (۲۶/۴۲)	۳۸/۳ (۲۷/۷۹)	۳۸/۱ (۲۱/۱۱)	۴۱/۵ (۲۰/۰۳)	۳۷/۵ (۲۰/۶۵)	۳۸/۹ (۱۹/۲۸)	۳۹/۱ (۱۸/۱۱)	۴۴/۹ (۱۷/۰۵)	۴۶/۱۳ (۱۷/۶)

Source: SME Administration in Taiwan and Ministry of Economic Affairs, 2006.

نقش جدی صنایع کوچک و متوسط تایوان در زمینه صادرات را می‌توان به نوع استراتژی انتخاب شده توسط دولت مرتبط دانست. این استراتژی ضمن اینکه به دلیل اجرای سیاست‌های جایگزینی واردات، تأمین نیازهای داخلی را به صنایع بزرگ محول کرد، صنایع کوچک و متوسط را با هدف تولید صادراتی به گونه‌ای مورد حمایت قرار داد که تولیدات آنها،

رشته فعالیت‌های با فناوری بالا و دانش محور را دربرگیرد. چنین استراتژی و جهت‌گیری در کنار ویژگی‌های ذاتی صنایع کوچک و متوسط نظیر انعطاف‌پذیری بالا، تخصص‌گرا بودن و همکاری نزدیک با شرکت‌های دیگر در قالب شبکه‌های خوشه‌ای و تعامل مناسب با صنایع بزرگ، ضمن افزایش توان رقابت‌پذیری این صنایع، کشور تایوان را به تولیدکننده بزرگ محصولات با فناوری بالا در دنیا تبدیل کرده است.

۱۳-۳ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی ژاپن

براساس تعریف در قانون اساسی بنگاه‌های کوچک و متوسط ژاپن که در سال ۱۹۹۹ مورد تجدید نظر قرار گرفت، بنگاه‌های صنعتی (تولیدی) با کمتر از سیصد نفر کارکن و دارای میزان تشکیل سرمایه‌ای کمتر از سیصد میلیون ین ژاپن، صنایع کوچک و متوسط محسوب می‌شوند. بنگاه‌های کوچک در ژاپن فقط براساس معیار تعداد کارکنان تعریف شده و صنایع کوچک به بنگاه تولیدی با کمتر از بیست نفر کارکن اطلاق می‌گردد. گفتنی است که تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش‌های عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و خدمات نیز ارائه شده است. (جدول ۳-۳۳).

جدول ۳-۳۳ تعریف جدید بنگاه‌های کوچک و متوسط در قانون اساسی بنگاه‌های

کوچک و متوسط ژاپن

ردیف	بخش	تشکیل سرمایه	تعداد کارکنان
۱	صنعت (تولید)	کمتر از سیصد میلیون ین	کمتر از سیصد نفر کارکن
۲	عمده‌فروشی	کمتر از صد میلیون ین	کمتر از صد نفر کارکن
۳	خرده‌فروشی	کمتر از پنجاه میلیون ین	کمتر از پنجاه نفر کارکن
۴	خدمات	کمتر از پنجاه میلیون ین	کمتر از صد نفر کارکن

Source: SME Agency, Ministry of Economy, trade and Industry (METI), 2001.

طی پنجاه سال گذشته (۱۹۴۷ - ۱۹۹۶) تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط ژاپن معادل چهار میلیون واحد افزایش یافته است. به عبارت دیگر از ۲/۷ میلیون واحد به ۶/۵ میلیون واحد در سال ۱۹۹۶ رسید. براساس آمار و ارقام سال ۲۰۰۱، صنایع کوچک و

متوسط ژاپن ۹۹/۸ درصد از کل صنایع این کشور را در برمی گیرد. صنایع کوچک و متوسط از یک سو ۶۵/۶ درصد اشتغال و از سوی دیگر ۵۷/۷ درصد ارزش افزوده کل صنعت ژاپن را به خود اختصاص داده اند. با این حال نباید فراموش کرد هر چند ارزش افزوده حاصل از صنایع کوچک و متوسط بیش از صنایع بزرگ ژاپن است؛ اما بهره‌وری نیروی کار یعنی ارزش افزوده حاصله در ازای هر نفر کارکن در صنایع کوچک و متوسط تقریباً نصف صنایع بزرگ است و دلیل آن می‌تواند از کاربر بودن صنایع کوچک و متوسط یا محدودیت آنها در دسترسی به بازار سرمایه نشئت گرفته باشد (جدول ۳-۳۴).

جدول ۳-۳۴ نقش صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ ژاپن در سال

۲۰۰۱

ردیف	شاخص	صنایع کوچک و متوسط		صنایع بزرگ		کل
		مقدار	سهم (درصد)	مقدار	سهم (درصد)	
۱	تعداد بنگاه	۱,۴۹۸,۳۵۱	۹۹/۸	۳,۲۹۴	۰/۲	۶۴۵,۵۰۱,۰۱
۲	تعداد کارکنان (اشتغال)	۱۳,۰۹۳,۴۹۹	۶۵/۶	۶,۸۵۸,۵۱۶	۳۴/۴	۰۱۵,۹۵۲,۰۱۹
۳	ارزش کالای تولیدی (میلیارد ین)	۱۴۶,۸۱۸	۵۱/۲	۱۳۹,۸۴۹	۴۸/۸	۶۶۷,۲۸۶
۴	ارزش افزوده (میلیارد ین)	۵۹,۶۰۸	۵۷/۷	۴۳,۶۹۷	۴۲/۳	۳۰۵,۱۰۳
۵	بهره‌وری نیروی کار (هزار ین)	۹,۳۲۱	۵۲/۷	۱۷,۶۸۴	—	—

Source: Ibid

مقایسه ارزش کالای تولید شده توسط صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ نشان‌دهنده این است که طی دوره ۱۹۹۵ - ۲۰۰۲ سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط و بزرگ در امر تولید تقریباً ثابت باقی مانده است. به طوری که این سهم برای بنگاه‌های

کوچک و متوسط تقریباً معادل ۵۱ و برای بنگاه‌های بزرگ نیز در حدود ۴۹ درصد بوده است. (جدول ۳-۳۵).

جدول ۳-۳۵ ارزش کالای تولیدی توسط صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ ژاپن طی سال‌های ۱۹۹۵ - ۲۰۰۲

(ارقام به میلیارد ین)

ردیف	سال شاخص	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
۱	صنایع کوچک و متوسط	۱۵۷۱۳۹ (۵۱/۳)	۱۵۹۵۲۳ (۵۱)	۱۶۴۰۲۵ (۵۰/۸)	۱۵۷۹۴۰ (۵۱/۶)	۱۵۰۵۵۰ (۵۱/۷)	۱۵۳۶۲۴ (۵۱/۱)	۱۴۶۸۱۸ (۵۱/۲)	۱۳۷۷۷۶ (۵۱/۱)
۲	صنایع بزرگ	۱۴۸۸۹۰ (۴۸/۷)	۱۵۳۵۴۶ (۴۹)	۱۵۹۰۴۷ (۴۹/۲)	۱۴۷۹۲۹ (۴۸/۴)	۱۴۰۹۰۰ (۴۸/۳)	۱۴۶۸۵۴ (۴۸/۹)	۱۳۹۸۴۹ (۴۸/۸)	۱۳۱۵۸۶ (۴۸/۹)
	کل	۳۰۶۰۳۰	۳۱۳۰۶۸	۳۲۳۰۷۲	۳۰۵۸۶۹	۲۹۱۴۵۰	۳۰۰۴۷۸	۲۸۶۶۶۷	۲۶۹۳۶۲

Source: Ibid.

سهم ارزش افزوده صنایع کوچک و متوسط در سال‌های ۱۹۹۰ - ۲۰۰۲ همواره بیش از ۵۵ درصد از کل ارزش افزوده صنایع ژاپن بوده و بهره‌وری نیروی کار نیز در تمامی این سال‌ها تقریباً نصف صنایع بزرگ بوده است. با نگاهی به ارزش صادرات صنایع کوچک و متوسط در دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۹ می‌توان به نقش این صنایع در تجارت خارجی ژاپن پی برد. به طوری که در دوره مذکور به‌طور متوسط بیش از ۵۱ درصد صادرات ژاپن توسط صنایع کوچک و متوسط صورت می‌پذیرد (جدول ۳-۳۶). اما همچنان نقش صنایع بزرگ در صادرات ژاپن برجسته‌تر است؛ زیرا صنایع بزرگ فقط ۰/۲ درصد از کل بنگاه‌های فعال صنعتی ژاپن را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که این رقم برای صنایع کوچک و متوسط ۹۹/۸ درصد است.

جدول ۳-۳۶ نقش صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ در اقتصاد و تجارت خارجی ژاپن طی سال‌های ۱۹۹۰ - ۲۰۰۲

ردیف	شاخص	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
۱	صنایع کوچک و متوسط	۶۶۰۳۹	۷۰۶۲۴	۶۸۶۸۲	۶۵۱۰۷	۶۲۷۷۱	۶۵۱۱۳	۶۵۸۹۴	۶۶۷۴۵	۶۴۳۲۹	۶۱۵۱۴	۶۲۴۷۲	۵۹۶۰۸	۵۵۷۱۳
	ارزش افزوده (میلیارد ین)	(۵۵/۶)	(۵۶/۳)	(۵۶/۷)	(۵۶/۶)	(۵۵/۹)	(۵۵/۶)	(۵۵/۳)	(۵۵/۷)	(۵۶/۷)	(۵۷/۲)	(۵۶/۳)	(۵۷/۷)	(۵۷/۳)
	صنایع بزرگ	۵۲۷۳۶	۵۴۸۱۸	۵۲۴۵۴	۴۹۸۶۸	۴۹۵۷۵	۵۲۰۹۱	۵۲۴۱۰	۵۳۱۲۸	۴۸۹۹۷	۴۶۱۰۸	۴۷۷۷۰	۴۳۹۹۷	۴۱۷۴۶
	صنایع کوچک و متوسط	۸۱۶۰	۸۶۲۶	۸۵۸۵	۸۳۳۹	۸۴۳۴	۸۷۷۳	۹۰۶۹	۹۳۳۵	۹۰۱۱	۹۰۷۰	۹۳۶۶	۹۳۳۱	۹۲۴۹
۲	بهره‌وری نیروی کار (هزار ین)	(۴۷/۴)	(۴۹/۵)	(۵۱/۷)	(۵۱/۵)	(۵۱/۶)	(۴۸/۸)	(۴۸/۳)	(۴۹)	(۴۹/۸)	(۵۰/۹)	(۴۹/۳)	(۵۲/۷)	(۵۱)
	صنایع بزرگ	۱۷۲۰۷	۱۷۴۲۵	۱۶۶۱۴	۱۶۲۰۴	۱۶۶۷۵	۱۷۹۷۵	۱۸۸۲۸	۱۹۰۶۳	۱۸۰۹۳	۱۷۸۱۶	۱۹۰۰۹	۱۷۶۸۴	۱۸۱۵۳
۳	ارزش صادرات صنایع کوچک و متوسط (میلیارد ین)	۱۶۷۴۱۰	۱۷۶۶۳۳	۱۷۰۹۸۰	۱۶۰۸۳۶	۱۵۴۴۱۰	۱۵۷۱۳۹	۱۵۹۵۲۳	۱۶۴۰۲۵	۱۵۷۹۴۰	۱۵۰۳۰۶	—	—	—
	صنایع بزرگ	(۵۱/۸)	(۵۱/۸)	(۵۱/۹)	(۵۱/۷)	(۵۱/۴)	(۵۱/۳)	(۵۰/۹)	(۵۰/۸)	(۵۱/۶)	(۵۱/۶)	—	—	—

ماخذ: همان

- اعداد داخل پرانتز در سطر بهره‌وری نیروی کار صنایع کوچک و متوسط، نسبت بهره‌وری این صنایع به صنایع بزرگ را نشان می‌دهد و بقیه اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده سهم صنایع کوچک و متوسط از کل صنایع ژاپن است.

۱۴-۳ نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در اقتصاد و تجارت خارجی اندونزی

بررسی عملکرد توسعه صنعتی اندونزی در دوره زمانی ۱۹۷۵ - ۱۹۹۹ نشان‌دهنده این است که تا قبل از بحران مالی جنوب شرقی آسیا در سال ۱۹۹۷، ارزش افزوده و صادرات صنعتی اندونزی در دوره مورد بررسی از رشد بالایی برخوردار بود. سهم ارزش افزوده صنعتی در تولید ناخالص داخلی اندونزی در انتهای این دوره (۱۹۹۴-۱۹۹۹) معادل ۲۳ درصد بوده و به‌ویژه در دو دهه اخیر به‌طور متوسط بیش از پنجاه درصد از کل صادرات این کشور را صادرات صنعتی به خود اختصاص داده است (جدول ۳-۳۷).

جدول ۳-۳۷ عملکرد بخش صنعت (غیر از نفت و گاز) اندونزی طی دوره زمانی

۱۹۷۵ - ۱۹۹۹

(ارقام به درصد)

ردیف	سال شاخص	۱۹۸۱-۱۹۷۵	۱۹۸۴-۱۹۸۲	۱۹۸۸-۱۹۸۵	۱۹۹۳-۱۹۸۹	۱۹۹۷-۱۹۹۴	۱۹۹۹-۱۹۹۸
۱	متوسط نرخ رشد سالانه ارزش افزوده صنعتی ^۱	۸	۵	۱۳	۲۰	۱۲	-۷
۲	متوسط نرخ رشد سالانه صادرات صنعتی	۳۴	۲۹	۲۷	۲۷	۸	۲
۳	سهم ارزش افزوده صنعتی در تولید ناخالص داخلی	۸	۱۱	۱۴	۱۹	۲۳	۲۳
۴	سهم صادرات صنعتی در تولید ناخالص داخلی	۴	۱۱	۳۱	۵۴	۵۰	۵۷

Source: Central Bureau of Statistics, 2000.

۱. آمار ارزش افزوده صنعتی مربوط به صنایع متوسط و بزرگ است.

صنایع کوچک جایگاه بسیار مهمی در اقتصاد اندونزی دارد. این بخش از صنعت از دو بعد ایجاد اشتغال و افزایش درآمد (به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته اندونزی) سهم بسزایی دارد و واحدهای کوچک صنعتی که از فناوری بالا استفاده می کنند، توانسته اند همکاری های خوبی با شرکت ها و صنایع بزرگ در امر تولید در اندونزی داشته باشند. معیار تعریف و تقسیم بندی بنگاه ها در اندونزی براساس تعداد کارکنان است. براین اساس بنگاه هایی که تعداد کارکنان آنها کمتر از صد نفر کارکن باشد، بنگاه کوچک و متوسط محسوب می شوند. در این تقسیم بندی به بنگاه های با ۱-۴ نفر کارکن، ۵-۱۹ نفر کارکن و ۲۰-۹۹ نفر کارکن به ترتیب بنگاه های خرد، کوچک و متوسط اطلاق می گردد (جدول ۳۸-۳).

جدول ۳۸-۳ تعریف و تقسیم بندی بنگاه ها در اندونزی

ردیف	نوع بنگاه	تعداد کارکنان
۱	خرد	۱-۴ نفر کارکن
۲	کوچک	۵-۱۹ نفر کارکن
۳	متوسط	۲۰-۹۹ نفر کارکن
۴	بزرگ	صد نفر کارکن و بیشتر

Source: SME and Large Industry Statistics, Central Bureau of Statistics, 2000.

صنایع خرد و کوچک (بنگاه های دارای ۱ تا ۱۹ نفر کارکن) اندونزی به طور متوسط بیش از ۹۸ درصد از تعداد کل بنگاه ها و همچنین بیش از شصت درصد اشتغال را در سال ۱۹۹۶ به خود اختصاص داده اند. سهم آنها در تولید ارزش افزوده معادل ۱۱/۵ درصد است، در حالی که صنایع متوسط و بزرگ ۳۹/۳ درصد از اشتغال و ۸۸/۵ درصد از ارزش افزوده را تولید می کنند. از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶، سهم ارزش افزوده در صنایع خرد، کوچک و متوسط، رو به کاهش و در صنایع بزرگ در حال افزایش بوده است (جدول ۳۹-۳).

هرچند آمار و اطلاعات مربوط به ارزش افزوده صنایع در اندونزی نشان دهنده عملکرد بالاتر صنایع بزرگ در مقایسه با صنایع کوچک است؛ اما ذکر این نکته لازم است که رشد موفقیت آمیز صنایع بزرگ در نتیجه رشد طبیعی صنایع کوچک و تبدیل آنها به صنایع متوسط و بزرگ اتفاق افتاده است. به عبارت دیگر اگر صنایع اندونزی

براساس سال تأسیس آنها طبقه‌بندی گردند، آنگاه قابل مشاهده است که صنایع کوچک و متوسط اندونزی نقش پررنگی را در ایجاد ارزش افزوده ایفا کرده‌اند.

جدول ۳-۳۹ نقش صنایع کوچک و متوسط و مقایسه آن با صنایع بزرگ اندونزی طی دوره ۱۹۸۶ - ۱۹۹۶

ردیف	شاخص	سال	۱۹۸۶	۱۹۹۶
۱	تعداد	خرد	۱۴۲۲۶۰۰ (۹۲/۷)	۲۶۲۵۲۰۰ (۹۰/۸)
		کوچک	۹۴۵۳۴ (۶/۲)	۲۴۲۰۳۰ (۸/۴)
		متوسط	۱۳۴۱۵ (۰/۹)	۱۷۴۰۳ (۰/۶)
		بزرگ	۳۸۷۲ (۰/۲)	۶۶۸۰ (۰/۲)
۲	اشتغال (هزار نفر)	خرد	۲۷۲۷ (۴۹/۴)	۴۷۴۱ (۴۳/۵)
		کوچک	۷۷۰ (۱۴)	۱۸۷۳ (۱۷/۲)
		متوسط	۵۰۲ (۹/۱)	۶۸۸ (۶/۳)
		بزرگ	۱۵۲۲ (۲۷/۵)	۳۵۹۱ (۳۳)
۳	ارزش افزوده (میلیون روپیه)	خرد	۱۲۵۴ (۱۰)	۵۷۳۵ (۵/۹)
		کوچک	۷۵۵ (۶/۲)	۵۴۱۳ (۵/۶)
		متوسط	۱۳۶۵ (۱۰/۹)	۶۰۵۷ (۶/۳)
		بزرگ	۹۱۳۶ (۷۲/۹)	۷۹۲۴۸ (۸۲/۲)

Source: Ibid

فصل سوم مروری بر روند تجارت جهانی و بررسی نقش صنایع ... ۱۳۳

بررسی آمار بهره‌وری صنایع در اندونزی نشان می‌دهد که متوسط نرخ رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار از سال ۱۹۹۰ به بعد در تمامی صنایع مثبت بوده است؛ اما در صنایع کوچک و متوسط (دارای ۲۰ تا ۹۹ نفر کارکن) این رشد بسیار چشمگیر بوده است (جدول ۳-۴۰).

جدول ۳-۴۰ بهره‌وری نیروی کار صنایع در اندونزی طی سال‌های ۱۹۸۶ - ۱۹۹۶

ردیف	نوع بنگاه	متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)		بهره‌وری نسبت به میانگین صنعت	
		۱۹۹۰-۱۹۸۶	۱۹۹۶-۱۹۹۰	۱۹۸۶	۱۹۹۶
۱	بنگاه‌های کوچک و متوسط	۰/۱	۷/۴	۵۲	۴۱
۲	بزرگ‌های بزرگ	۴/۸	۶/۱	۹۳	۸۲
		۴/۷	۷/۷	۱۲۹	۱۲۴

Source: Ibid

بررسی وضعیت صادرات غیرنفتی اندونزی در سال ۲۰۰۰ گویای این امر است که بخش صنعت نزدیک به ۸۸ درصد از کل صادرات غیرنفتی این کشور را به خود اختصاص داده و سهم بخش‌های معدن و کشاورزی نیز به ترتیب معادل ۶/۳۷ و ۵/۷۱ درصد بوده است (جدول ۳-۴۱).

جدول ۳-۴۱ وضعیت صادرات غیرنفتی (غیر از نفت و گاز) اندونزی در سال ۲۰۰۰

ردیف	بخش	ارزش صادرات (میلیون دلار آمریکا)	سهم از کل صادرات غیرنفتی
۱	کشاورزی	۲۷۲۸/۶	۵/۷۱
۲	معدن	۶۰۴۰/۸	۶/۳۷
۳	صنعت	۴۱۹۸۳/۴	۸۷/۹۱
	کل	۴۷۷۵۷/۳	۱۰۰

Source: Central Board of Statistics, Processed by Ministry of Industry and Trade, <http://www.dprin.go.id>.

صادرات کشور اندونزی بیشتر توسط صنایع بزرگ دارای پانصد نفر کارکن و بیشتر صورت می‌گیرد. آمار و ارقام جدول زیر نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۰، تقریباً بیش از ۶۵ درصد صادرات صنعتی این کشور توسط این گروه از صنایع بزرگ صورت پذیرفته است که با احتساب صنایع صد نفر کارکن و بیشتر به‌عنوان صنایع بزرگ، این سهم به بیش از ۹۵ درصد بالغ می‌گردد. درحالی‌که باوجود رشد چشمگیر صنایع کوچک و متوسط (دارای ۲۰ تا ۹۹ نفر کارکن) درزمینه صادرات طی سال‌های ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰ سهم این صنایع در ارزش صادرات صنعتی این کشور فقط ۴/۱ درصد بوده است (جدول ۳-۴۲).

جدول ۳-۴۲ نقش صنایع کوچک و متوسط و مقایسه آن با صنایع بزرگ در تجارت خارجی اندونزی طی سال‌های ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰

ردیف	نوع صنایع	نرخ رشد صادرات صنعتی	
		در دوره ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰ (درصد)	در سال ۲۰۰۰ (میلیون دلار آمریکا)
۱	بنگاه‌های کوچک و متوسط	۸۳/۲	۵۴۵/۸ (۱/۳)
		۵۵/۷	۱۱۷۵/۵ (۲/۸)
۲	بنگاه‌های بزرگ	۷۲/۸	۳۸۲۰/۵ (۹/۱)
		۲۳/۶	۸۹۰۰/۵ (۲۱/۲)
		۴۲/۶	۱۰۰۳۴ (۲۳/۹)
		-۹/۷	۱۷۴۶۵/۱ (۴۱/۶)

مأخذ: آمار بانک مرکزی و وزارت صنعت و تجارت اندونزی، ۲۰۰۰.

فصل چهارم

بررسی سیاست‌های
حمایتی و نقش عوامل
مؤثر بر حمایت از صنایع
کوچک در ایران

در توسعه صنعتی کشورها دو عامل اساسی نقش مؤثرتری در مقایسه با دیگر عوامل ایفا می‌کنند. نخست فراهم‌سازی بسترهای لازم و محیط رشد برای فعالان اقتصادی که به آن شرایط محیطی یا فضای کسب‌وکار گفته می‌شود. دوم تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای براساس اهداف و خط‌مشی‌هایی است که خطوط اصلی آن از سوی دولت‌ها و برمبنای الگوهای انتخابی کشورها و یا اتخاذ الگویی خاص برای کشور در نظام‌های توسعه‌ای مختلف تعیین می‌شود. به‌هرحال در ایجاد شرایط محیطی و توسعه فضای کسب‌وکار در هر نوع اقتصادی دولت‌ها نقش اساسی دارند؛ لکن ارائه پیشنهادها و طرح‌های اصلاحی برای ایجاد فضای مناسب می‌تواند از طریق فعالان بخش و کارشناسان ذی‌صلاح طراحی و اجرای آنها از دولت‌ها تقاضا شود. بنابراین پیش از هر سیاست‌گذاری برای صنایع کوچک، ابتدا باید شرایط اقتصادی و زیربنای لازم برای فعالیت‌های تولیدی به‌صورت کلی (هم برای صنایع بزرگ و هم برای صنایع کوچک) فراهم شود تا راه برای رشد و توسعه صنایع کوچک نیز هموار شود. پس از اصلاح ساختارهای کلان اقتصادی برای فعالیت مؤثر و اثربخش صنایع کوچک به اتخاذ راهبردها و سیاست‌های مجزا نیاز است.

۴-۱ بررسی عملکرد بانک صنعت و معدن با رویکرد تسهیلات پرداختی به

صنایع کوچک

در میان بانک‌های تخصصی، نقش بانک صنعت و معدن که یکی از وظایف اصلی آن تأمین منابع برای ایجاد و توسعه صنایع کوچک و متوسط می‌باشد حائز اهمیت است. وظایف فعلی بانک بنابر اساسنامه جدید آن (مصوب سال ۱۳۸۰)، تشویق و توسعه

سرمایه‌گذاری در ایجاد و گسترش بنگاه‌های صنعتی، معدنی و فناوری پیشرفته و کمک به آنان از طریق اعطای وام و سرمایه‌گذاری مشترک است. بانک صنعت و معدن بانکی توسعه‌ای- سرمایه‌گذاری در جهت توسعه اقتصادی کشور و به‌خصوص تقویت و حمایت از صنایع کوچک به‌شمار می‌رود. به‌موجب بند «۷» ماده (۵) اساسنامه جدید این بانک، اعطای تسهیلات و کمک به کارآفرینان و ایجاد خط اعتباری برای حمایت از صنایع کوچک جزء وظایف اصلی آن محسوب می‌شود و همچنین مساعدت و مشارکت برای ایجاد نهادهای مالی، فنی، حقوقی، خدماتی و سایر نهادهای تخصصی مورد نیاز از جمله تأسیس بانک صنایع کوچک (بند «۵» ماده (۵) اساسنامه) از دیگر وظایف این بانک در قبال صنایع کوچک است.

در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ بانک صنعت و معدن در مجموع با تعداد ۳۴۱۸ مورد تقاضا برای وام مواجه بود که از این تعداد فقط ۱۱۷۹ مورد (۳۴/۵ درصد کل تقاضاها) تسهیلات بانکی معادل ۳۱۸۹/۶ میلیارد ریال به تصویب رسید. از این مبلغ نیز معادل ۱۰۲۵/۷ میلیارد ریال (۳۲ درصد) تسهیلات به سرمایه‌گذاران پرداخت شد (جدول ۴-۱).

جدول ۴-۱ آمار تسهیلات مصوب، تعهد شده و پرداخت شده توسط بانک صنعت و

معدن در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه)

ردیف	شاخص	سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	جمع کل برنامه دوم توسعه
۱	تقاضاشده	۴۵۳	۶۶۸	۸۲۸	۶۶۸	۸۰۱	۳۴۱۸	
	تسهیلات مصوب	۱۵۰	۲۹۶	۱۶۸	۱۵۳	۴۱۲	۱۱۷۹	
۲	مبلغ مصوب	۵۲۶/۱۰۱	۱۳۳۵/۸۰۰	۱۱۱/۵۰۰	۱۷۱/۶۰۰	۱۰۴۴/۶۰۰	۳۱۸۹/۶۰۱	
	تسهیلات تعهدشده (میلیارد)	۹۶/۸۸۷	۴۰۱/۰۴۵۴	۲۸۴/۶۷۹۳	۷۵/۰۷۲۶	۴۱۹/۱۹۰۸	۱۲۷۶/۸۷۵۱	
	پرداخت‌شده (ریال)	۱۴۹/۷۶۸۵	۳۲۱/۴۵۸۸	۲۵۶/۷۰۷۱	۶۳/۳۷۶۴	۲۳۴/۴۰۱۴	۱۰۲۵/۷۱۲۲	

مأخذ: هادی‌زنوز، ۱۳۸۲، ص ۷۴.

مقایسه وجوه پرداختی بانک به متقاضیان با سرمایه‌گذاری انجام شده در بخش صنعت و معدن بیانگر آن است که بانک سهم اندکی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های صنعتی دارد. این در حالی است که بانک با وجود منابع محدود، رأساً بخشی از منابع مالی خود را در طرح‌های صنعتی و معدنی سرمایه‌گذاری کرده است (جدول ۲-۴).

جدول ۲-۴ میزان سرمایه‌گذاری انجام شده توسط بانک صنعت و معدن در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه) و سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ (ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	سال	پروژه‌های صنعتی		
		مصبوبات	تعهدات	پرداخت‌ها
۱	۱۳۷۴	۲۹۳/۳۰۰	۱/۸۰۰	۴۳/۸۰۰
۲	۱۳۷۵	۴۶۲/۷۰۰	۲۷۶/۰۰۰	۱۷۹/۴۰۰
۳	۱۳۷۶	۳۰/۴۰۰	۳۹/۸۰۰	۲۸۰/۶۰۰
۴	۱۳۷۷	۵۰۰	۲۰/۵۰۰	۴۵/۶۰۰
۵	۱۳۷۸	۳۲۲/۵۰۰	۱۹۲/۶۰۰	۲۰۸/۷۹۲
۶	جمع کل برنامه دوم توسعه	۱۷۸۶/۴	۵۳۰/۷	۷۵۸/۱۹۲
۷	۱۳۷۹	۳۱۹/۴۰۰	۲۴۳/۱۰۰	۸۹/۸۰۰
۸	۱۳۸۰	۲۷۰/۹۰۰	۶۴۴/۳۰۰	۴۲/۲۰۰

مأخذ: همان، ص ۷۵.

هرچند مدت‌هاست که بانک صنعت و معدن اعطای تسهیلات به صنایع کوچک را مورد توجه قرار داده است، لکن به دلیل نوپا بودن سازمان صنایع کوچک برای ارائه کمک‌های فنی به این نوع پروژه‌ها، نبود استراتژی منسجم و عدم شناسایی و دسته‌بندی صنایع کوچک اثربخشی اقدامات بانکی در این خصوص محدود بوده است (جدول ۳-۴).

جدول ۳-۴ وضعیت تسهیلات اعطایی بانک صنعت و معدن به صنایع کوچک در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه)

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	سال	مصوبات	پرداخت‌ها	وصولی‌ها	مطالبات	تعهدات
۱	۱۳۷۴	۱۲/۷۴۶	۶/۵۵۳	۴/۲۷۲	۱۹/۸۲۲	۸/۸۵۸
۲	۱۳۷۵	۳۶/۶۴۰	۱۷/۵۱۰	۵/۷۹۱	۳۳/۹۹۰	۲۵/۲۰۸
۳	۱۳۷۶	۴۱/۹۸۴	۲۲/۸۵۹	۱۷/۱۸۰	۵۲/۵۹۰	۱۶/۶۷۴
۴	۱۳۷۷	۳۶/۲۰۰	۲۰/۴۰۰	۱۴/۵۸۵	۶۶/۹۸۱	۱۱/۱۵۲
۵	۱۳۷۸	۹۸/۴۰۰	۳۶/۹۰۰	۱۶/۸۸۲	۱۰۲/۲۹۳	۸۱/۵۳۴
۶	جمع کل برنامه دوم توسعه	۲۲۵/۹۷	۱۰۴/۲۲۲	۵۸/۷۱	۲۷۵/۶۷۶	۱۴۳/۴۲۶

مأخذ: همان

در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ متوسط رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن ۳/۴ درصد بود. در این دوره متوسط رشد سالانه مانده تسهیلات این بخش به قیمت جاری ۲۶/۹ درصد و به قیمت ثابت فقط ۱/۹ درصد بود. با توجه به این ارقام می‌توان نتیجه گرفت که طی این دوره بخش صنعت و معدن دچار مضیقه مالی بوده است (جدول ۴-۴) و در دوره مذکور بانک صنعت و معدن سهم ناچیزی در تسهیلات اعطایی به بخش صنعت و معدن داشت و منابع مالی این بانک بسیار محدود بود.

جدول ۴-۴ مانده تسهیلات بانکی و مؤسسات اعتباری به بخش صنعت و معدن در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	شرح	سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	جمع
۱	مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی در صنعت و معدن		۲۴۳۳/۷	۴۴۰۴/۲	۷۶۷۹	۱۱۲۱۸/۹	۳۰۲۵۹/۲	۵۵۹۹۵

جدول ۴-۴ مانده تسهیلات بانکی و مؤسسات اعتباری به بخش صنعت و معدن در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	شرح	سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	جمع
۲	سهم صنعت و معدن از افزایش مانده تسهیلات اعطایی (درصد)		۴۲/۵	۳۹/۸	۳۰	۲۸/۵	۳۳/۵	-
۳	مانده تسهیلات اعطایی به بخش صنعت و معدن		۱۳۰۵۳	۱۷۷۲۱	۱۹۱۲۵	۲۳۷۷۴	۴۱۳۳۲/۳	۱۱۵۰۰۵/۳

مأخذ: همان، ص ۷۸.

به موجب ماده (۱۱۱) قانون برنامه سوم توسعه به منظور فعال کردن بانک تخصصی صنعت و معدن در جهت تجهیز منابع مالی بخش صنعت و معدن و تشویق، ترویج و هدایت بخش غیردولتی در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و معدنی، توسعه کارآفرینی و کمک به انتقال فناوری اقدامات چندی به شرح زیر پیش‌بینی شد:

۱. بانک صنعت و معدن در دو سال نخست برنامه، سهام کلیه شرکت‌های تحت پوشش خود را به بخش‌های تعاونی و خصوصی داخلی واگذار خواهد کرد.
 ۲. در مأموریت بانک مذکور و سازمان‌دهی درونی آن خط اعتباری خاصی برای حمایت از صنایع کوچک ایجاد می‌گردد.
 ۳. به بانک صنعت و معدن اجازه داده می‌شود صندوق‌های خاص سپرده‌گیری برای رشته‌ها یا طرح‌های معین ایجاد کرده و از امکانات بازارهای مالی داخلی و خارجی در جهت اهداف مذکور در اساسنامه و مؤکد در این قانون استفاده کند.
 ۴. طی برنامه سوم بخشی از منابع بانک صنعت و معدن از محل اعتبارات عمرانی بودجه‌های سنواتی فصل صنعت و معدن یا تسهیلات بین بانکی تأمین خواهد شد تا در جهت اهداف فوق‌الذکر و یا اهدافی که توسط دولت تعیین می‌شود مصرف کند.
- همان‌گونه که در ماده مذکور تشریح شد، تجهیز منابع مالی برای توسعه صنعتی

به‌خصوص در بخش غیردولتی از جمله جهت‌گیری‌های مهم بخش صنعت و معدن بوده است. تجهیز منابع از طرق مختلف مانند تسهیلات بانکی داخلی، تسهیلات بانکی خارجی، حساب ذخیره ارزی و وجوه اداره شده صورت گرفته است. به این منظور در برنامه سوم توسعه سعی شد که نقش بانک صنعت و معدن به‌عنوان بانک تخصصی تقویت گردد. از این رو در ساختار اداری و انسانی بانک مذکور تغییرات زیادی اعمال شد. تفکیک واگذاری شرکت‌های تحت پوشش بانک مزبور برای جدا نمودن بانک از وظایف اداره امور شرکت‌ها و سوق دادن آن به وظایف یک بانک توسعه‌ای از اصلاحات مهمی است که در بانک مذکور دنبال شده است.^۱

در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (سال‌های برنامه سوم توسعه) بانک صنعت و معدن در مجموع با تعداد ۸۵۲۷ مورد تقاضا برای دریافت تسهیلات روبه‌رو بوده که از این تعداد ۶۰۵۸ مورد تسهیلات بانکی به تصویب رسید. مبلغ کل تسهیلات مصوب معادل ۲۸۳۷۶ میلیارد ریال بود که از این مبلغ ۱۰۴۷۵ میلیارد ریال پرداخت شده و مبلغ ۱۲۷۶۹ میلیارد ریال نیز جزء تعهدات بانک است (جدول ۴-۵).

جدول ۴-۵ آمار تسهیلات مصوب، تعهدشده و پرداخت‌شده توسط بانک صنعت و

معدن در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (برنامه سوم توسعه) و سال ۱۳۸۴

ردیف	شاخص	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع کل برنامه سوم توسعه	۱۳۸۴
		تعداد تسهیلات	۲۰۵۳	۱۴۲۷	۱۷۲۰	۸۵۳	۲۴۷۴	۸۵۲۷
۲	مبلغ تسهیلات (میلیارد ریال)	۲۰۱۰	۲۵۸۴	۴۵۹۷	۱۳۷۹۲	۵۳۹۳	۲۸۳۷۶	۹۰۴۹
	تعهدشده	۶۱۴	۱۴۷۶	۳۰۸۳	۲۹۷۷	۴۶۱۹	۱۲۷۶۹	۴۱۵۵
	پرداخت‌شده	۵۰۳	۹۶۹	۱۸۲۵	۲۳۱۵	۴۸۶۳	۱۰۴۷۵	۶۳۵۵

مأخذ: وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۶/۶/۱۲.

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷۷.

بررسی وضعیت تسهیلات اعطایی بانک صنعت و معدن به صنایع کوچک در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (سال‌های برنامه سوم توسعه) و سال ۱۳۸۴ (سال اول برنامه چهارم توسعه) نشان می‌دهد که تسهیلات مصوب از ۴۰۷/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ به ۱۳۸۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت (رشد ۲۴۰ درصدی). از مجموع تسهیلات مصوب در برنامه سوم توسعه که معادل ۴۲۹۴ میلیارد ریال بود مبلغ ۳۷۳۵ میلیارد ریال پرداخت شد و فقط مبلغ ۷۸۸ میلیارد ریال از کل پرداختی‌ها نیز وصول گردید. نکته قابل تأمل در آمار و ارقام مندرج در جدول ذیل، آمار عملکردی مربوط به سال ۱۳۸۴ است. به طوری که در این سال به‌تنهایی نزدیک به هشتاد درصد کل سال‌های برنامه سوم توسعه یعنی ۳۴۰۵ میلیارد ریال تسهیلات برای صنایع کوچک به تصویب رسید و از این مبلغ نیز ۳۱۶۱ میلیارد ریال (معادل ۸۴/۶ درصد کل سال‌های برنامه توسعه) پرداخت شده است (جدول ۴-۶). گفتنی است که افزایش چشمگیر منابع بانک صنعت و معدن در اعطای تسهیلات به صنایع کوچک در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ بیشتر در راستای اهداف برنامه سوم توسعه به‌منظور تأمین منابع مالی و تجهیز منابع جدید و به‌موجب بند «ب» و «د» ماده (۱۱۱) این قانون صورت گرفته است.

جدول ۴-۶ وضعیت تسهیلات اعطایی بانک صنعت و معدن به صنایع کوچک در دوره

۱۳۷۹-۱۳۸۳ (برنامه سوم توسعه) و سال ۱۳۸۴

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	سال	مصوبات	پرداخت‌ها	وصولی‌ها	مطالبات	تعهدات
۱	۱۳۷۹	۴۰۷/۲	۷۵/۹	۳۱/۰۲	۱۷۴/۹	۳۶۹/۴
۲	۱۳۸۰	۵۳۷	۳۸۴	۵۸	۶۰۲/۳	۵۲۲/۷
۳	۱۳۸۱	۱۳۳۹	۴۲۵	۱۰۵	—	—
۴	۱۳۸۲	۱۰۵۰	۴۷۰	۱۹۴	—	—
۵	۱۳۸۳	۱۳۶۸	۲۴۵۶	۴۳۱	—	—
۶	جمع کل برنامه سوم	۴۲۹۴	۳۷۳۵	۷۸۸	—	—
۷	۱۳۸۴	۳۴۰۵	۳۱۶۱	۳۲۱۴	—	—

مأخذ: همان

در دوره برنامه سوم توسعه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در چارچوب مصوبات دولت و شورای پول و اعتبار بر حجم اعتبارات و تسهیلات اعطایی خود به بخش صنعت و معدن افزودند. به طوری که مانده تسهیلات اعطایی به بخش‌های غیردولتی در این دوره پنج‌ساله با رشدی معادل ۳۳۸ درصد از مبلغ ۳۹۳۷۵/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ به مبلغ ۱۷۲۶۴۲/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. همچنین در همین دوره مانده تسهیلات اعطایی به بخش‌های دولتی با رشدی معادل ۵۸ درصد از ۱۳۴۲۴/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ به ۲۱۲۳۸/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. در سال ۱۳۸۴ نیز به دنبال روند صعودی تسهیلات اعطایی به بخش صنعت و معدن، اعطای تسهیلات به بخش غیردولتی و دولتی در صنعت و معدن ادامه یافت. به طوری که مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی و دولتی در این سال به ترتیب با رشدی معادل ۳۲/۱ و ۱۳/۸ درصد روبه‌رو بوده است (جدول ۷-۴).

جدول ۷-۴ مانده تسهیلات بانکی و مؤسسات اعتباری به بخش صنعت و معدن در

دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ و سال ۱۳۸۴

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	شرح	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع کل برنامه سوم	۱۳۸۴
۱	مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی در صنعت و معدن	۳۹۳۷۵/۶ —	۵۸۱۹۱/۸ (۴۷/۷)	۸۱۴۷۰/۶ (۴۰)	۱۲۱۲۶۷/۴ (۴۸/۸)	۱۷۲۶۴۲/۳ (۴۲/۳)	۴۷۲۹۴۷/۷	۲۲۸۱۳۳/۲ (۳۲/۱)
۲	مانده تسهیلات اعطایی به بخش دولتی در صنعت و معدن	۱۳۴۲۴/۶ —	۱۷۹۷۳ (۳۳/۸)	۲۰۸۴۵/۹ (۱۵/۹)	۱۸۲۴۳/۸ (-۱۲/۴)	۲۱۲۳۸/۸ (۱۶/۴)	۹۱۷۲۶/۱	۲۴۱۷۰/۶ (۱۳/۸)

مأخذ: بانک مرکزی، ۱۳۸۱-۱۳۸۴.

۱. آمار مربوط به این سال از هادی‌زنوز، ۱۳۸۲، ص ۷۸ استخراج شده است.

- اعداد داخل پرانتز بیانگر درصد تغییرات نسبت به سال قبل است.

بانک صنعت و معدن به‌عنوان بانک تخصصی در امر توسعه و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن طی سال‌های برنامه سوم توسعه در مجموع مبلغ ۵۲۶۳/۲ میلیارد ریال تسهیلات از منابع خود به بخش صنعت و معدن پرداخت کرد که حدود ۴۱۰۲/۷ میلیارد ریال از این تسهیلات در قالب تسهیلات بانکی (سایر عقود به‌غیر از سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی) و ۱۱۶۰/۳ میلیارد ریال مابقی نیز در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی پرداخت گردید (جدول ۸-۴). آمار و ارقام جدول زیر نشان می‌دهند که در دوره برنامه سوم توسعه، سهم بانک صنعت و معدن از سرمایه‌گذاری به‌صورت مستقیم و مشارکت ۲۲ درصد کل تسهیلات اعطایی بود؛ اما با تغییر رویکرد در سال ۱۳۸۴ این نسبت به ۱۱/۷ درصد کاهش یافت؛ یعنی بانک از انجام سرمایه‌گذاری مستقیم به نفع اعطای تسهیلات تغییر جهت داد.

جدول ۸-۴ تسهیلات اعطایی بانک صنعت و معدن در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۴^۱

(ارقام به میلیارد ریال)

ردیف	شرح	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع کل برنامه سوم	۱۳۸۴
۱	تسهیلات بانکی	۴۰۷/۷	۲۸۰/۷	۳۷۶/۴	۳۰۵/۵	۲۷۳۲/۴	۴۱۰۲/۷	۳۳۳۷/۶
۲	سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت حقوقی	۸۹/۸	۴۲/۲	۳۵۹/۳	۳۰۱/۴	۳۶۷/۶	۱۱۶۰/۳	۴۴۲/۱
	کل	۴۹۷/۶	۳۲۲/۹	۷۳۵/۷	۶۰۶/۹	۳۱۰۰/۱	۵۲۶۳/۲	۳۷۷۹/۷

مأخذ: همان

گفتنی است که بانک صنعت و معدن طی سال ۱۳۸۳ به‌منظور تمرکززدایی و بهبود و تکمیل روند اعطای تسهیلات به طرح‌های صنعتی و معدنی اقدام به ایجاد شعبه در استان‌ها نمود که تا پایان سال ۱۳۸۳، تعداد ۲۹ شعبه افتتاح و به انجام عملیات بانکی پرداختند.

۱. شامل پرداخت‌های بانک در قالب وجوه اداره شده و تسهیلات اعطایی از محل ماده (۶۰) قانون برنامه سوم توسعه نمی‌شود.

۲-۴ صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در ایران

به‌منظور فراهم ساختن موجبات توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در صنایع کوچک، کوتاه کردن مدت‌زمان اجرای طرح‌های اشتغال‌زا و دارای توجیه اقتصادی، با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته و تضمین و تسهیل در توثیق تسهیلات اعطایی به طرح‌های مذکور، «قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک» مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۴ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. سرمایه اولیه صندوق مذکور معادل پانصد میلیارد ریال در نظر گرفته شد که به‌موجب قانون باید در مدت دو سال در قوانین بودجه سنواتی تأمین شود.

با توجه به محدودیت منابع برای صنایع کوچک و متوسط، این صنایع معمولاً در دریافت وام‌های بانکی با مشکل مواجه می‌شوند؛ زیرا وثیقه کافی برای دریافت وام‌های بانکی در اختیار ندارند. برای رفع این نقطه‌ضعف، دولت‌های کشورهای پیشرفته و تازه توسعه‌یافته اقدام به ایجاد صندوق بانکی ویژه صنایع کوچک و متوسط کرده‌اند.

این صندوق‌ها به‌منظور کاهش ریسک بانک‌ها در امر بازپرداخت وام توسط صنایع کوچک، در صورتی که این صنایع در بازپرداخت وام دچار مشکل شوند، تعهدات شرکت را در برابر بانک به عهده می‌گیرند. تقریباً در همه کشورهای که در عرصه صنایع کوچک و متوسط آنها برنامه‌ریزی انجام شده، به مسئله ضمانت‌های بانکی توجه شده است. مهم‌ترین پیامد تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک شامل موارد زیر خواهد بود:

- رشد سریع بنگاه‌های کوچک و متوسط موجود که به دنبال گسترش امور کسب‌وکار خود هستند؛ اما به دلیل عدم توانایی در ارائه ضمانت‌های کافی حائز شرایط دریافت وام نیستند.

- افزایش کارگاه‌های کوچک که صاحبان آنها با داشتن برنامه‌های خوب به دلیل فقدان منابع مالی لازم قادر به راه‌اندازی کار خود نیستند.

- افزایش فرصت‌های اشتغال برای زنان و جوانان ماهر.

- افزایش مشارکت تأمین‌کنندگان خدمات (مشاوران، محققین و غیره) در اقتصاد و کمک آنان به کارآفرینان در تهیه طرح‌های اقتصادی و هدایت فعالیت‌های اقتصادی آنها.

- بهبود چارچوب مقرراتی، قانونی و مالی (محیط کسب‌وکار).

۳-۴ نهادهای حمایتی برای صنایع کوچک و متوسط در ایران^۱

۳-۴-۱ سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران (متولی اصلی)

بهموجب «قانون تمرکز امور صنعت و معدن» در زمینه ایجاد ساختاری برای سیاست‌گذاری و حمایت از توسعه صنایع کوچک، «سازمان صنایع کوچک» در سال ۱۳۷۹ تأسیس شد و سپس در سال ۱۳۸۲ با مصوبه شورای عالی اداری منحل و وظایف سیاست‌گذاری و حمایتی آن به «سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران» منتقل شد. مسئولیت این سازمان حمایتی جدید در قبال بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌استناد اساسنامه آن (مصوب هیئت وزیران مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۶) به‌صورت خلاصه در زیر تشریح خواهد شد:

بهموجب ماده (۱) اساسنامه، شرکت مادر تخصصی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران وابسته به وزارت صنایع و معادن بوده و مرکز اصلی آن در تهران است. طبق ماده (۴) اساسنامه وظایف و مسئولیت‌های این سازمان تخصصی و حمایتی در قبال بنگاه‌های کوچک و متوسط عبارت‌اند از:

- تهیه و تدوین خط‌مشی‌های اجرایی ایجاد و توسعه صنایع کوچک در چارچوب سیاست‌های کلی وزارت صنایع و معادن،
- ایجاد زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی، هدایت و توسعه سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی در صنایع کوچک به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته در چارچوب سیاست‌های وزارت صنایع و معادن از طریق شرکت‌های زیرمجموعه،
- سامان‌دهی و پشتیبانی از توسعه کارآفرینی، تأمین منابع مالی، توسعه فناوری، بهبود روش‌های تولید، کاهش ضایعات، ارتقای بهره‌وری و کیفیت و رعایت ضوابط زیست‌محیطی در صنایع کوچک به‌منظور رقابت‌پذیر کردن آنها،
- اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با ایجاد و توسعه صنایع کوچک کشور در قالب اعتبارات تخصصی (مندرج در قوانین بودجه سنواتی)،

۱. در این قسمت فقط به نقش و عملکرد متولی اصلی حمایتی برای صنایع کوچک و متوسط و نهادهای توسعه صادرات پرداخته می‌شود.

- سامان‌دهی و پشتیبانی از ایجاد پیوند مناسب بین صنایع کوچک، متوسط و بزرگ، توسعه شبکه‌ها، خوشه‌های صنعتی و توسعه مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک برای آنها از طریق شرکت‌های زیرمجموعه،

- سامان‌دهی اقدامات پشتیبانی از واحدهای کوچک صنعتی نوپا (در شرف تأسیس) و فراهم آوردن سازوکار لازم برای پشتیبانی از فعالیتهای مخاطره‌پذیر در صنایع کوچک از طریق شرکت‌های زیرمجموعه،

- حمایت و پشتیبانی از توسعه بازار و همکاری‌های فنی، اقتصادی و فناوری بین صنایع کوچک کشور با سایر کشورها،

- انجام سایر اموری که موجب رفع موانع و مشکلات فرا راه توسعه و گسترش صنایع کوچک در سطح کشور می‌شود در چارچوب اساسنامه و با رعایت قوانین مربوط. در این قسمت به‌طور خلاصه مهم‌ترین بخش‌های عملکردی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران بر مبنای عملکرد تفصیلی وزارت صنایع و معادن در سال‌های اخیر ارائه و بررسی می‌شود.

عملکرد سازمان صنایع کوچک از ابعاد فعالیتهای سیاست‌گذاری در سال ۱۳۸۰ به شرح زیر است:

۱. تهیه لایحه صندوق تضمین سرمایه‌گذاری و ارائه آن به دولت،
 ۲. تهیه طرح جامع صنایع کوچک و ارائه آن به شورای عالی اشتغال،
 ۳. همکاری فعال و مستمر با یونیدو و دانشگاه صنعتی شریف در تدوین برنامه استراتژی توسعه صنایع کوچک،
 ۴. شناسایی و تدوین قابلیت‌ها و تجربیات صد شرکت مشاوره‌ای به‌منظور بهبود کیفیت و افزایش بهره‌وری در صنایع کوچک.
- در همین سال مطالعات مهمی نیز در زمینه‌های صندوق تضمین سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک، اصلاح قانون کار، بانک‌های تخصصی صنایع کوچک، مشوق‌های توسعه پیمانکاری صنایع کوچک با صنایع بزرگ، مشوق‌های مالیاتی و تجربیات دیگر کشورها و سازمان‌های پشتیبان صنایع کوچک و کاربرد تکنولوژی اطلاعات در صنایع کوچک و نمایشگاه‌های پیمانکاری صنایع کوچک با صنایع بزرگ و نقش آنها در توسعه همکاری‌ها صورت گرفت.

عملکرد سازمان صنایع کوچک در سال ۱۳۸۱ نشان‌دهنده این است که در این سال از محل اعتبار جزء ۲ بند «ب» تبصره «۲۹» قانون بودجه سال ۱۳۸۱ مبلغ ۱۳۷۲/۴۵ میلیارد ریال تسهیلات بانکی برای ۱۸۰۸ طرح به تصویب رسید و به ۱۹۳۰ واحد کوچک صنعتی نیز مبلغ ۱۴۰۰ میلیارد ریال تسهیلات بانکی پرداخت شد. در زمینه خدمات مشاوره‌ای و آموزشی نیز موارد زیر صورت گرفت:

- ارائه ۹۹ هزار نفر - ساعت خدمات مشاوره‌ای،
- همکاری و مشارکت در ارائه شصت هزار نفر - ساعت آموزش‌های پیشرفته مدیریت،
- ارائه ۱۶ هزار نفر - ساعت آموزش پیشرفته به کارشناسان،
- تهیه ششصد طرح تیپ راهنمای سرمایه‌گذاری.

پس از انحلال سازمان صنایع کوچک در سال ۱۳۸۲ و تصمیم به انتقال وظایف سیاست‌گذاری و حمایتی آن به سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، این سازمان جدیدالتأسیس بیشتر دستخوش تحولات قانونی بوده است. طبق مصوبه شورای عالی اداری در خردادماه سال ۱۳۸۴، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران از ادغام سازمان صنایع کوچک و سازمان شهرک‌های صنعتی ایران شکل گرفت و اساسنامه آن در مردادماه ۱۳۸۴ به تصویب رسید. همچنین اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک پس از تصویب در دی‌ماه ۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید و به این ترتیب صندوق مذکور در اسفندماه همین سال تشکیل شد.

مهم‌ترین فعالیت سیاست‌گذاری سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران تا پایان تیرماه ۱۳۸۵ را می‌توان به دو مورد اساسی زیر خلاصه کرد:

۱. تصویب سند استراتژی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و اقدام در مورد تدوین استراتژی توسعه صنایع کوچک،
۲. فعال شدن صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک.

۲-۳-۴ مرکز توسعه صادرات ایران

مرکز توسعه صادرات ایران به موجب «قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران» مصوب ۱۳۴۵/۹/۲۹، با هدف اصلی توسعه صادرات و بازاریابی و تبلیغ درباره کالاهای صادراتی کشور تأسیس شد.

کارکردهای اصلی مرکز توسعه صادرات ایران به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی به‌شرح زیر است:

- تحقیق و توسعه بازارها و محصولات،
 - آموزش صادرات به کارآفرینان،
 - ارائه اطلاعات تجاری،
 - بازاریابی و تبلیغات،
 - کمک به ایجاد ارتباطات بین‌المللی،
 - ارائه خدمات صادراتی،
 - بازرینی و بازرنگری در مقررات بازرگانی،
 - تشویق کارآفرینان به مشارکت در توسعه صادرات،
 - تقویت توسعه انجمن‌های بازرگانی و تولیدی،
 - هماهنگی سیاست‌های کلان صادراتی کشور در زیربخش‌های صنایع، معدن، کشاورزی و خدمات.
- مرکز توسعه صادرات ایران از سه اداره کل اطلاعات و تحقیقات، بازاریابی و خدمات صادراتی، امور مالی و اداری و اداره روابط عمومی و بین‌الملل تشکیل شده است. فعالیت‌های اصلی این ادارات را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:
- تدوین اهداف کمی صادراتی برای کوتاه‌مدت و درازمدت برای طرح‌های ملی مختلف،
 - توصیه برای سیاست‌های با گرایش صادرات،
 - مساعدت به ایجاد صندوق‌های دولتی و غیردولتی مختلف برای حمایت از فعالیت‌های صادراتی،
 - حمایت از ایجاد تشکل‌ها برای هماهنگی فعالیت‌های صادراتی شرکت‌ها،
 - حمایت اقتصادی و حقوقی از صنایع و رفع محدودیت‌های مانع رشد صادرات صنعتی،
 - شناسایی تنگناها در نظام بانکی، گمرکات، بیمه، استاندارد کردن سیستم حمل‌ونقل و کمک به کاهش مشکلات،
 - دادن مشوق‌ها از قبیل یارانه و جایزه برای صادرات برخی اقلام،
 - ارائه اطلاعات فوری در مورد تحولات در مقررات و تسهیلات جدید، مشوق‌های

جدید و ارزیابی بازار برای بنگاه‌های تولیدکننده صادراتی،
- اعلام فرصت‌های اقتصادی و زمینه‌های تجارت برای کسب‌وکارهای خارجی و
ارائه اطلاعات و تسهیلات برای تماس شرکای داخلی و خارجی.
هرچند مرکز توسعه صادرات ایران برای توسعه صادرات توسط بخش خصوصی تلاش
می‌کند ولی سیاست ویژه‌ای برای کمک به صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی
ندارد. تمامی سیاست‌ها، یارانه‌ها و سایر تدابیر حمایتی ارائه شده از سوی مرکز به صورت
برابر به تمامی بنگاه‌ها اختصاص می‌یابد. با توجه به اینکه صنایع بزرگ از ظرفیت‌های
اداری و ارتباطات دیوان‌سالاری بهتری نسبت به بنگاه‌های کوچک و متوسط برخوردارند،
درواقع بیشتر یارانه‌های صادراتی و حمایتی توسط صنایع بزرگ جذب می‌شوند.^۱

۳-۳-۴ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

به موجب «قانون اتاق بازرگانی، صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران» که در تاریخ
۱۳۶۹/۱۲/۱۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، وظیفه اتاق فراهم ساختن
موجبات رشد و توسعه اقتصاد کشور و تبادل نظر با مدیران صنایع، معادن، کشاورزان و
بنگاه‌های بازرگانی است.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران مؤسسه‌ای غیرانتفاعی است که دارای
شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و مرکز آن در تهران قرار دارد. در هریک از
شهرستان‌های کشور امکان تأسیس اتاق مستقل از نظر مالی و اداری وجود دارد و حداقل
پنجاه عضو برای تشکیل اتاق در شهرستان لازم است. فعالیت اداری اصلی هر اتاق
بازرگانی شهرستان، صدور کارت عضویت برای اعضاست که از نظر حقوقی به آنها اجازه
می‌دهد به فعالیت‌های صادرات و واردات بپردازند.

به موجب ماده (۵) قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بعدی آن (مصوب ۱۳۷۳/۹/۱۵)
وظایف و کارکردهای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:
- ایجاد هماهنگی و همکاری بین بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن و کشاورزی

در اجرای قوانین مربوطه و مقررات جاری مملکتی،

- ارائه نظر مشورتی در مورد مسائل اقتصادی کشور اعم از بازرگانی، صنعتی و معدنی و مانند آن به قوای سه‌گانه،

- همکاری با دستگاه‌های اجرایی و سایر مراجع ذی‌ربط به منظور اجرای قوانین و مقررات مربوط به اتاق،

- ارتباط با اتاق سایر کشورها و تشکیل اتاق‌های مشترک و کمیته‌های مشترک با آنها براساس سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران،

- تشکیل نمایشگاه‌های تخصصی و بازرگانی داخلی و خارجی با کسب مجوز از وزارت بازرگانی و شرکت در سمینارها و کنفرانس‌های مربوط به فعالیت‌های بازرگانی،

صنعتی، معدنی و کشاورزی اتاق در چارچوب سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران،

- کوشش در راه شناسایی بازار کالاهای صادراتی ایران در خارج از کشور و تشویق و کمک به مؤسسات مربوطه جهت شرکت در نمایشگاه‌های بازرگانی داخلی و خارجی،

- تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری داخلی در امور تولیدی بالاصح تولید کالاهای

صادراتی که دارای مزیت نسبی باشند،

- تلاش در جهت بررسی و حکمیت در مورد مسائل بازرگانی داخلی و خارجی اعضا

و سایر متقاضیان از طریق تشکیل مرکز داوری اتاق ایران،

- صدور کارت عضویت طبق آیین‌نامه اتاق ایران جهت تشکیل مدارک صدور کارت

بازرگانی،

- تشکیل اتحادیه‌های صادراتی و وارداتی و سندیکاهای تولیدی در زمینه فعالیت‌های

بازرگانی، صنعتی، معدنی و خدماتی طبق مقررات مربوط.

براساس ماده (۶) و (۷) قانون اتاق بازرگانی، ساختار مدیریت اتاق شامل شورای

عالی نظارت، هیئت نمایندگان و هیئت رئیسه است؛ اما اتاق شهرستان‌ها فقط دارای

هیئت رئیسه و هیئت نمایندگان است.

وظایف اصلی شورای عالی نظارت طراحی سیاست‌ها، تصویب آیین‌نامه‌ها، بررسی

پیشنهادها و رسیدگی به شکایات است. هیئت رئیسه و هیئت نمایندگان به‌طور کلی

مسئول تصویب، بررسی و تنظیم بودجه سالانه اتاق و بازمینی و تأیید پیشنهادها و

گزارش‌های کمیسیون اتاق هستند.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران نیز مانند مرکز توسعه صادرات، بخش خاصی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ندارد. زیرا تمامی خدمات و تسهیلات اتاق از قبیل سیاست‌های توسعه صادرات، شرکت در نمایشگاه‌های خارجی و برگزاری دوره آموزشی به صورت مساوی به تمامی کسب‌وکارها با هر اندازه‌ای که باشند ارائه می‌شوند. بنابراین شرکت‌های بزرگ با ارتباطات قوی‌تر فرصت‌های بیشتری برای بهره‌مندی از تسهیلات اعطایی برخوردار هستند.^۱

۴-۴ خط‌مشی دولت و سیاست‌های تجاری تأثیرگذار بر بنگاه‌های کوچک و

متوسط در ایران^۲

سیاست‌های حاکم تجاری به تمامی بخش‌های صنعتی بدون توجه به اندازه کسب‌وکار، تسری پیدا می‌کنند. نحوه تأثیرپذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط از این سیاست‌ها به شرح زیر است:

۴-۴-۱ مشوق‌های مالیاتی

مشوق‌های مالیاتی بخشی از مقررات مربوط به مالیات‌های مستقیم هستند که به منظور تشویق سرمایه‌گذاری صنعتی، بازسازی و توسعه توان بالقوه بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط جهت صادرات به اجرا گذاشته شده‌اند.

۴-۴-۲ مشوق‌های گمرکی

مشوق‌های گمرکی شامل تسهیلات گمرکی ویژه به منظور حمایت از تولیدات صنعتی داخلی در مقابل واردات و ایجاد مشوق‌ها برای توسعه صادرات صنعتی هستند. این حمایت‌ها از طریق اعمال معافیت‌های حقوقی و گمرکی مناسب صورت گرفت و در این

۱. همان، ص ۱۵۲.

۲. همان، صص ۲۰۰-۲۰۱.

راستا سعی شد کالاهای صنعتی تولید داخل را برای رقابت با کالاهای وارداتی در بازار داخلی توانمند سازند. برخی از مشوق‌های گمرکی مربوط به صنعت که از سوی دولت اعمال شد عبارت‌اند از:

- معافیت واردات ماشین‌آلات با تأیید وزارت صنایع و معادن از عوارض گمرکی و سود بازرگانی،

- معافیت تمامی واحدهای تولیدی اعم از کوچک و بزرگ که برای توسعه فعالیت‌های صادراتی نیاز به واردات مواد اولیه، ماشین‌آلات، قطعات، تجهیزات مهندسی و مانند آن دارند از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض وارداتی برای این کالاها.

۳-۴-۴ مشوق‌های مالی

به‌منظور کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و کاهش هم‌زمان هزینه‌های تولید و تقویت بنیه مالی بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط، مشوق‌های مالی زیر به اجرا گذاشته شد:

- کاهش نرخ بهره برای بخش صنعت نسبت به بخش خدمات،

- تخفیف‌های ویژه در اعطای تسهیلات اعتباری و تأمین تضمین‌های ویژه برای

سرمایه‌گذاری در زمینه‌های صنعتی اولویت‌دار،

- اعطای تسهیلات مالی ویژه برای افزایش ظرفیت صنایع با گرایش صادرات.

۴-۴-۴ مشوق‌های سرمایه‌گذاری خارجی

هدف از جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد واحدهای تولیدی نوآور، ایجاد اشتغال، ارتقای ظرفیت‌های علمی و فنی نیروی کار، ارتقای کیفیت محصولات صنعتی و دسترسی به بازارهای صادراتی می‌باشد. مشوق‌های اصلی دولت در این زمینه عبارت است از:

- سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های صنعتی از نظر معافیت‌های مالیاتی و دیگر

مشوق‌های مالی از همان تسهیلاتی برخوردار خواهند بود که برای سرمایه‌گذاران داخلی فراهم شده است.

- تصویب قانون جدید جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۳۸۰.

۴-۵ جهت‌گیری کلی سیاست‌های دولت در زمینه بنگاه‌های کوچک و متوسط

از ابتدا تا سال ۱۳۷۹

سیاست‌های اتخاذ شده در کشور در قبال بنگاه‌های کوچک و متوسط پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود:

الف) رشد بخش‌های گوناگون صنعتی در کشور طی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۹ محدود به صنایع مونتاژ و نفت بود. سیاست‌های دولت به‌طور عمده به دو بخش معطوف می‌شد. صنایع بزرگ بیشتر در مونتاژ کالاهای سرمایه‌ای وارداتی فعال بودند (مانند صنایع خودرو و صنایع سنگین). به‌رحال در این دوره نرخ سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی صنایع کوچک به‌سرعت رشد کرد.

ب) از سال ۱۳۴۹ به بعد بخش صنایع کوچک خیلی سریع توسعه پیدا کرد و در سال ۱۳۵۲ دولت سازمانی را برای حمایت از صنایع کوچک تأسیس کرد. آن سازمان در جهت تسهیل اعطای خدمات مالی حمایتی به بنگاه‌های کوچک و متوسط از جمله معافیت‌های مالیاتی فعالیت نمود و در جهت ارتقای مهارت فنی نیروی کار اقداماتی اتخاذ کرد.

ج) در ابتدای دهه ۱۳۶۰ وزارت صنایع به دو وزارتخانه صنایع و صنایع سنگین تقسیم شد و در نتیجه تمامی سازمان‌های موظف به حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در سال ۱۳۶۵ منحل شدند. با این حال بروز برخی مشکلات اساسی مانند نرخ بالای بیکاری، کاهش نرخ سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش صنعت و رشد کم مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته، دولت را وادار نمود تا ایجاد سازمان حمایت‌کننده از بنگاه‌های کوچک و متوسط را تحت عنوان سازمان صنایع کوچک در سال ۱۳۷۹ تصویب نماید. سازمان صنایع کوچک مسئول اجرای فعالیت‌های ذیل شد:

- تقویت و حمایت از صنایع کوچک به‌منظور افزایش سطوح اشتغال، روش‌های بهبود تولید، کاهش ضایعات، حمایت از محیط زیست و ارتقای مهارت‌های نیروی کار،
- شناخت، مطالعه و اتخاذ اقدامات مقتضی در خصوص مسائل مربوطه و شکاف‌های قانونی در مورد ایجاد و توسعه صنایع کوچک،
- توسعه سرمایه‌گذاری غیردولتی در صنایع کوچک و متوسط از طریق اعمال مشوق‌ها و فراهم نمودن محیط مناسب‌تر برای کسب‌وکار،

- انجام مطالعات با هدف بهبود شبکه ارتباطی و همکاری بین بنگاه‌های کوچک و متوسط و شرکت‌های بزرگ و همچنین هماهنگی فعالیت‌های بازرگانی در این بخش‌ها،
- طراحی برنامه‌ها برای توسعه کارآفرینی در صنایع کوچک،
- برنامه‌ریزی و حمایت از واحدهای صنعتی کوچک برای دریافت وام و تسهیلات مناسب از نظام بانکی.

۴-۶ جهت‌گیری‌های اصلی بخش صنعت و معدن در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) در زمینه صنایع کوچک

برنامه سوم توسعه کشور نقطه عطفی در زمینه تدوین بسته‌های سیاستی - حمایتی برای صنایع کوچک کشور محسوب می‌شود. در این برنامه تجهیز منابع مالی برای توسعه صنعتی به‌خصوص در بخش غیردولتی با رویکرد خاص به صنایع کوچک از جمله جهت‌گیری‌های مهم برنامه در راستای حمایت از صنایع کوچک بوده است. به این منظور در برنامه سوم توسعه سعی شد که نقش بانک صنعت و معدن به‌عنوان بانک تخصصی برای حمایت از بخش صنعت و معدن و به‌ویژه صنایع کوچک تقویت گردد. بسته‌های سیاستی برنامه سوم توسعه برای حمایت از صنایع کوچک به‌شرح زیر است:

- استفاده مناسب از توان ساخت داخل و تقویت پیمانکاران و مشاوران داخلی از جمله سیاست‌هایی است که در قالب قانون حداکثر استفاده از توان سازندگان داخلی شکل گرفته و از تاریخ تصویب در سال ۱۳۷۶ که عملی نشده بود در برنامه سوم این سیاست مورد پیگیری قرار گرفت و با شکل‌دهی سازوکارهای مناسب و تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی دنبال شد. این سیاست علاوه بر افزایش ظرفیت‌های ساخت داخل و رشد تولید باعث ایجاد اشتغال مولد و انتقال فناوری خواهد شد.

- گسترش فعالیت‌های شرکت شهرک‌های صنعتی در زمینه آماده‌سازی و واگذاری زمین صنعتی و حمایت از سامان‌دهی اصناف تولیدی و صنعتگران به‌ویژه کمک به شکل‌گیری خوشه‌ها و زنجیرهای تولید صنعتی.

- تأکید بر نقش صنایع کوچک، ترویج کارآفرینی و ایجاد اشتغال که با تأسیس «سازمان صنایع کوچک ایران» و سپس انتقال وظایف آن به «شرکت شهرک‌های صنعتی

ایران» و در قالب کمک‌های فنی، اعتباری و اعتبارات اشتغال‌زایی دنبال شد. عملکرد سیاست‌های برنامه سوم توسعه در حمایت از صنایع کوچک را می‌توان در دو موضوع اصلی «تأسیس سازمان صنایع کوچک» و «صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک» خلاصه کرد که به شرح زیر است:

- ایجاد سازمان صنایع کوچک ایران و سپس ادغام وظایف و فعالیت‌های اجرایی - حمایتی آن سازمان در شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و انتقال وظایف سیاست‌گذاری مربوط به وزارت صنایع و معادن در جهت حمایت از ایجاد و توسعه صنایع کوچک و کارآفرینی به‌انجام رسید.

- تصویب قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در سال ۱۳۸۳ جهت تسهیل تأمین مالی بنگاه‌های کوچک صنعتی.

گفتنی است در زمینه ایجاد ساختاری برای سیاست‌گذاری و حمایت از توسعه صنایع کوچک که به موجب «قانون تمرکز امور صنعت و معدن» و تشکیل وزارت صنایع و معادن صورت گرفت، «سازمان صنایع کوچک ایران» با استفاده از امکانات و پست‌های موجود در وزارتخانه مذکور ایجاد و سپس در سال ۱۳۸۲ با مصوبه شورای عالی اداری منحل و وظایف سیاست‌گذاری آن به وزارت صنایع و معادن منتقل شد و در مقابل شرکت شهرک‌های صنعتی ایران با تغییر نام و اساسنامه موظف به پیگیری وظایف اجرایی در حمایت از توسعه این صنایع گردید.

در راستای اجرای ماده (۵۴) قانون برنامه سوم توسعه به‌منظور اجرای طرح‌های اشتغال‌زا به دولت اجازه داده شد که در قالب لوایح بودجه سنواتی و از طریق جوه اداره شده، تسهیلات مناسب با سهم سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زایی صنایع کوچک را تأمین نماید. در این خصوص از مبلغ ۷۲۵۷۵۰ میلیون ریال اعتبارات مصوب برای طرح‌های مذکور، به‌طور متوسط ۴۴/۷ درصد آن تحقق یافته و تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۸۳ معادل ۶۵۷۴۹ نفر فرصت شغلی ایجاد شد. همچنین در این زمینه می‌توان از اجرای طرح ایجاد سی هزار فرصت شغلی در صنایع کوچک نام برد که تا پایان سال ۱۳۸۳ نزدیک به ۸۲/۳۸ درصد از هدف آن حاصل شد. همچنین «قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک» نیز از جمله مواردی است که در جهت

سیاست‌گذاری ایجاد اشتغال به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بررسی عملکرد مواد قانونی برنامه سوم توسعه در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۳ در زمینه بخش صنعت و معدن با رویکرد تدوین سیاست‌های مالی حمایتی برای صنایع کوچک نشان می‌دهد که به‌موجب بند «ب» ماده (۱۱۱) قانون برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده بود به‌منظور تأمین منابع مالی و تجهیز منابع جدید در مأموریت بانک صنعت و معدن و سازمان‌دهی درونی آن، خط اعتباری خاصی برای حمایت از صنایع کوچک ایجاد شود. به همین دلیل به‌منظور تحقق بخشیدن به سیاست مذکور در برنامه سوم اقدامات زیر صورت گرفت:

- مبلغ ۳۸۲۱ میلیارد ریال به صنایع کوچک از محل وجوه اداره شده و منابع داخلی بانک‌ها پرداخت شد هرچند که در زمینه تجهیز منابع ثمربخش بود؛ اما در زمینه تأمین مالی صنایع کوچک مطابق اهداف برنامه سوم عمل نشد.

- در ایجاد خط اعتباری خاص برای صنایع کوچک، عاملیت وجوه حاصل از تبصره «۲۹» در دستور کار قرار گرفت. در راستای این سیاست گرایش بانک صنعت و معدن از صنایع کوچک به سمت صنایع با مقیاس بزرگ سوق یافت و دفتر صنایع کوچک در ساختار بانک صنعت و معدن حذف شد که با توجه به ضرورت تأمین مالی صنایع کوچک این سیاست نیز ثمربخش نبود.

همچنین طبق بند «د» همین ماده پیش‌بینی شد که طی برنامه سوم توسعه بخشی از منابع بانک صنعت و معدن از محل اعتبارات عمرانی بودجه‌های سنواتی فصول صنعت و معدن یا تسهیلات بین بانکی تأمین شود تا در جهت اهداف فوق‌الذکر و یا اهدافی که توسط دولت تعیین می‌شود، مصرف شود. ارزیابی عملکرد مواد قانونی برنامه سوم نشان می‌دهد که عملکرد این بند تا حدودی ثمربخش بوده است.

۴-۷ مسائل و مشکلات پیش روی صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف جهان^۱

صنایع کوچک و متوسط با مشکلات و محدودیت‌های ذاتی روبه‌رو هستند که این امر

۱. مستخرج از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵، صص ۲۹-۵۱.

می‌تواند ناشی از اندازه، ماهیت و طبیعت اولیه، ثبات و محیط رقابتی، دسترسی به فناوری و خدمات، دیدگاه‌های کارآفرینی و نوآوری، فقدان نقش برجسته و مهم در صنعت به صورت انفرادی، ابزارهای خط‌مشی‌گذاری ضعیف و غیره باشد. علی‌رغم اینکه صنایع کوچک و متوسط توان بالایی برای ایجاد رشد اقتصادی پایدار دارند؛ اما توسعه آنها امری مشکل است. شایع‌ترین مشکلات این صنایع، عدم دسترسی به اطلاعات بازار، فناوری، کیفیت پایین نیروی انسانی و کمبود دسترسی به سرمایه است. در اینجا تشریح و تبیین تمامی ابعاد مشکلات صنایع کوچک و متوسط از حوصله این مطالعه خارج است. به همین دلیل فقط به ابعاد مرتبط با این مطالعه مانند امور مالی، بازاریابی، مشکلات همکاری بین صنایع کوچک و متوسط و مؤسسات پشتیبان و مشکلات فراروی این صنایع در کسب‌وکارهای بین‌المللی و به‌خصوص صادرات پرداخته می‌شود.

۱-۷-۴ تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط و مشکلات فراروی

دسترسی به منابع مالی یکی از مشکلات اساسی پیش‌روی صنایع کوچک و متوسط محسوب می‌شود. سوء تفاهم عمومی که بین بانک‌ها در زمینه تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط وجود دارد این است که مدیران بانکی تصور می‌کنند تأمین مالی این صنایع به لحاظ اقتصادی به نفع آنها نیست. بانک‌ها اغلب وام دادن به صنایع کوچک و متوسط را توأم با ریسک بالا و سود کم می‌دانند زیرا معتقدند اطلاعات دقیق و قابل اطمینان در مورد شرایط و عملکرد مالی شرکت در دسترس نیست و برنامه کسب‌وکار ضعیف غیرقابل توجیه است.

برخی از مشکلات در زمینه دسترسی به اعتبار مالی شامل نرخ بهره بالا، الزامات دوطرفه تعهدات، نگرش بعضی از بانک‌ها جهت تأمین مالی این صنایع، دسترسی به سرمایه اولیه جهت شروع کار و کمبود دانش سیستم‌های حسابداری است.

۲-۷-۴ مشکلات بازاریابی

یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی صنایع کوچک و متوسط عدم موفقیت در بازاریابی است. تجربه ارزشمند برای این صنایع، حضور در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی است؛ زیرا

حضور در نمایشگاه‌های خارجی باعث نفوذ موفقیت‌آمیز آنها در بازارهای خارجی می‌شود. نمایشگاه‌های خارجی همچنین منبع مهمی برای یادگیری فنی محسوب می‌شوند. معمولاً قابلیت‌های مؤسسات دولتی برای ارائه پشتیبانی‌های بازاریابی در کشورهای در حال توسعه پایین است. کشورهای در حال توسعه عموماً برنامه‌های پشتیبانی موفق برای صادرات ندارند و از مؤسسات صادراتی موفق نیز برخوردار نیستند.^۱

۴-۷-۲-۱ ضعف بازاریابی و تحقیقات

یکی از دلایل ناکامی اکثر بنگاه‌های تازه‌تأسیس، کمبود تحقیقات در زمینه دستیابی به بازار مناسب و کافی است. تحقیقات بازاریابی به‌شدت مورد نیاز است؛ زیرا با انجام تحقیقات این بنگاه‌ها می‌توانند مشتریان خود را بشناسند و از تعداد مشتریان بالقوه آگاه شوند. تحقیقات همچنین می‌تواند در شناخت رقبا و عکس‌العمل آنان با ورود یک رقیب جدید به صنعت کمک نماید. این‌گونه اطلاعات برای کسب‌وکارها حیاتی است؛ زیرا آنها را قادر می‌سازد با توجه به پیش‌بینی فروش و هزینه‌ها از جمله هزینه‌های سربار، سود را محاسبه کرده و به بررسی فعالیت‌شان به لحاظ توجیه یا عدم توجیه اقتصادی بپردازند. همچنین باید از تغییرات دائمی بازار، فعالیت‌ها و برنامه‌های رقبا، رقبای بالقوه که احتمال می‌رود به بازار وارد شوند و تأثیر آنها بر تجارت، آگاه باشند.

۴-۷-۲-۲ دسترسی به بازار

یکی از مشکلات عمومی صنایع کوچک و متوسط برای فروش در بازارهای جهانی، کمبود کانال‌های فروش مؤثر و کاراست. این مشکل باعث می‌شود برخی از این صنایع صادرات خود را بر روی بازار کشورهای هم‌جوار متمرکز سازند. در این بازارها معمولاً شرایط تقاضا مشابه شرایط بازار داخلی است. آن گروه از بنگاه‌هایی که به بازاریابی مستقیم در بازار کشورهای صنعتی روی می‌آورند با بزرگ‌ترین چالش‌ها روبه‌رو هستند.^۲ مشکلات و نیازهای عمده صنایع کوچک و متوسط در زمینه دسترسی به بازار عبارت‌اند از:

1. Al Berry, 2001.

2. Al Berry, 1997.

- نیاز به راهنمایی برای شناخت محصولات بازارپسند (مشتری محور)،
- نیاز به سازمان‌دهی زنجیره ارزش یک محصول برای ایجاد مزیت رقابتی در محیط‌های رقابتی شدید،
- خط مشی‌های محدودکننده واردات توسط دولت،
- کمبود اطلاعات بازار و دانش بازاریابی و تحقیقات بازار،
- کمبود دسترسی به نمایشگاه‌های تجاری و دیگر نمایشگاه‌های صنعتی،
- بازارپسندی کم (مشتری محور نبودن) محصولات تولید شده و پراکندگی بیش از حد محصولات.

۳-۲-۴-۲ یک‌طرفه بودن بازار

شرکت‌های کوچک برخلاف شرکت‌های بزرگ با مشکلاتی در زمینه دسترسی به داده‌های تولید، اعتبار، اطلاعات و فناوری بازار روبه‌رو هستند. در واقع فراهم‌کنندگان خدمات، معامله با چند شرکت بزرگ را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از معامله با تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌یابند. به‌عنوان نمونه هزینه انعقاد قراردادهای متعدد با بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌دلیل میزان مبادلات کم، بالاست.

بنگاه‌های کوچک و متوسط معمولاً برای دسترسی به اعتبار نیز با مشکلاتی مواجه هستند. دسترسی به امکانات بانکی و اعتباری اغلب با الزامات زیاد دوطرفه توأم است. بانک‌ها معمولاً بر روی شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های وابسته متمرکز می‌شوند. این بنگاه‌ها اغلب در رابطه با اطلاعات در زمینه رقبا، عرضه‌کنندگان فناوری‌های جدید و بازارهای صادراتی در انزوا به‌سر می‌برند و همچنین منابع کافی برای دستیابی به فناوری و مهارت‌های جدید را در دسترس ندارند و بعضاً حتی از وجود چنین فناوری‌هایی آگاهی ندارند.

۴-۲-۴-۲ مشکل عدم شناخت کامل نیازها و الزامات بازار

بنگاه‌های کوچک و متوسط برای دستیابی به موفقیت باید در اولین گام، نیازهای مشتریان خود را بشناسند و اطلاعات کافی در این زمینه داشته باشند تا بتوانند موقعیت خود را به‌طور صحیح در بازار تعیین کنند و به‌طور دقیق نیازهای بازار را شناخته و به

آنها پاسخ دهند؛ اما متأسفانه این توانایی در بنگاه‌های کوچک و متوسط وجود ندارد و نیازمند حمایت و تقویت از سوی مؤسسات پشتیبان است.

۳-۷-۴ مشکلات همکاری بین صنایع کوچک و متوسط و مؤسسات پشتیبان

دو مشکل عمده در رابطه با همکاری بین صنایع کوچک و متوسط و مؤسسات پشتیبان وجود دارد: اول اینکه بین شرکت‌ها و مؤسسات پشتیبان آنها به‌ویژه بین این صنایع و اتاق بازرگانی و صنعت اغلب روابط پیچیده‌ای حاکم است. صاحبان صنایع کوچک و متوسط اغلب عقیده دارند که اتاق‌های بازرگانی و صنعت تحت تسلط شرکت‌های بزرگ هستند و به اندازه کافی از این منظر پشتیبانی و حمایت نمی‌شوند.

از سوی دیگر اتاق‌های بازرگانی هم با انتظاراتی روبه‌رو هستند که به دلیل منابع کم قادر به پاسخ‌گویی به همه آنها نیستند. به‌عنوان نمونه در زمان ارتقا و ترفیع خوشه‌های صنعتی نیز هر مرجعی که به خوشه کمک کند، توسط تعدادی شرکت دیگر که در خوشه مذکور عضو نمی‌باشند از این جهت که منابع کمی صرف دیگر شرکت‌ها شده است، مورد ملامت قرار می‌گیرد.

دوم اینکه مشکلات عادی و معمولی بین شرکت‌ها و مؤسسات حامی و پشتیبان وجود دارد مبنی بر اینکه رضایت مشتریان از بخش خصوصی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص عملکردی مؤسسات پشتیبان محسوب نمی‌شود و این مشکل مخصوصاً بین مؤسسات آموزشی و فناوری شایع‌تر است و باعث می‌شود که این مؤسسات با شرکت‌ها همکاری نکنند. مؤسسات تحقیق و توسعه نیز برای ایجاد تعادل بین تقاضاهای بخش خصوصی و مشتریان و مراجع علمی دچار مشکل می‌شوند.

۴-۷-۴ مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط در کسب‌وکارهای بین‌المللی

«هامیل»^۱ چهار گروه اصلی از موانعی را که بنگاه‌های کوچک و متوسط در آغاز کسب‌وکار خود در بازارهای خارجی با آن مواجه می‌شوند به‌صورت زیر برمی‌شمارد:

1. Homil, 1995.

۴-۷-۴-۱ موانع روان‌شناختی

بنگاه‌های کوچک و متوسط معمولاً به بازارهای داخلی چشم می‌دوزند و به دنبال نفوذ در بازارهای خارجی نیستند. به لحاظ روان‌شناختی این بنگاه‌ها در زمانی که بازارهای داخلی فعالیت می‌کنند، راحت‌ترند.

۴-۷-۴-۲ موانع عملیاتی

این موانع شامل شناخت اسناد و رویه‌های صادرات، مشکل زبان خارجی، عدم آشنایی به آداب و رسوم، فرهنگ و ریسک‌های مالی در بازارهای خارجی است.

۴-۷-۴-۳ موانع سازمانی

این‌گونه موانع به این دلیل به وجود می‌آیند که شرکت‌های کارآفرین اغلب از کارمندان مجرب که توانایی انجام فعالیت‌های بین‌المللی را دارند، استفاده نمی‌کنند. آنها از بازارهای صادراتی، توزیع‌کنندگان و طرف‌ها و شرکای بالقوه، دانش و اطلاعات کافی ندارند.

۴-۷-۴-۴ موانع مربوط به محصول و بازار

این موانع به دلیل کاربردها و طراحی نامناسب محصولات برای بازارهای خارجی ایجاد می‌شوند. علاوه بر این کارآفرینان به دلیل نداشتن تجربه لازم، در انتخاب و شناخت بازارهای جذاب دچار مشکل می‌شوند و این مسئله به کاهش سودآوری فعالیت‌های تجاری بین‌المللی می‌انجامد. به همین دلیل ضروری است که کارکنان بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای تجربه مستقیم در زمینه آن صنعت بوده و درک و شناخت صحیحی از مشکلات پیش‌روی شرکت و فناوری مشتریان و بازار آن داشته باشند.

۴-۷-۵ مشکلات پیش‌روی صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط

بدیهی است که حضور موفق در بازارهای خارجی نسبت به بازارهای داخلی بسیار دشوارتر است. به همین دلیل بنگاه‌های کوچک و متوسط اغلب به دلیل پیچیدگی‌های صادرات و رشد بالای آن، از ورود به بازارهای خارجی اجتناب می‌کنند. تلاش‌های صادراتی

در صورتی که با آمادگی و دانش کافی توأم نباشد اغلب محکوم به شکست بوده و ممکن است بقای مالی شرکت را با خطر جدی روبه‌رو سازد. به‌منظور دستیابی به بازارهای خارجی، منابع مالی، تلاش و دانش چگونگی انجام کار بالایی مورد نیاز است. بازارهای خارجی ویژگی‌ها و الزامات خاص خودشان را دارند. این الزامات نه تنها نیازهای مشتریان نهایی را در بر می‌گیرد بلکه شامل الزامات قانونی و فنی کشورهای مقصد نیز هست.

شرکت‌هایی که تمایل به صادرات دارند ابتدا باید بازارهای مناسب را بشناسند و انتخاب کنند؛ با توزیع‌کنندگان محلی یا مصرف‌کنندگان عمده و اصلی ارتباط برقرار کنند؛ ترجیحات مشتریان آنها را بشناسند و در مرحله بعد قیمت و کیفیت محصول خود را مطابق با آن بازار تعیین نمایند و به بازار (مشتریان) این فرصت را بدهند تا بتوانند محصولات عرضه شده را بررسی کرده و در صورت تمایل سفارش دهند.

در صورتی که محصولات کامل و مرتبط با خواست بازار هدف عرضه نشود، دستیابی به سطح قابل قبولی از صادرات امری غیرممکن است. برای صادرات موفق شرکت‌ها باید شرایط اساسی اولیه‌ای وجود داشته باشد که شامل موارد زیر است:

- وجود دستگاه‌های تولیدی کامل و پیشرفته برای تولید یک محصول صادراتی کامل،
- وجود ظرفیت تولید و سرمایه مورد نیاز برای پاسخ‌گویی و ارضای نیازهای خریداران خارجی،
- فناوری لازم و کافی برای دستیابی به ویژگی‌های کیفیتی مورد نیاز در بازار صادراتی،
- رعایت استانداردهای فنی، محیطی و قانونی بازار خارجی،
- ایجاد زیرساخت‌های صادرات،
- دسترسی به بازار خارجی و داشتن امکانات برای انجام تحقیقات بازار،
- تجهیز به فنون بازاریابی مؤثر و ایجاد تصور برای تولید محصولات صادراتی در بازارهای صادراتی،
- توسعه و تقویت مهارت‌های ارتباطی و قدرت چانه‌زنی،
- ایجاد امکانات و ظرفیت‌های مدیریتی،
- آگاهی و شناخت کافی از محدودیت و مشوق‌های صادراتی در کشور خود و به‌کارگیری مطلوب آنها.

اکثر شرکت‌های کوچک به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند شرایط فوق‌الذکر را برای خود فراهم سازند. بنابراین ابزار کافی برای حضور موفق در بازارهای خارجی در دسترس را در اختیار نخواهند داشت. علاوه بر این بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط فقط از روش‌های مدیریتی سنتی و اولیه استفاده می‌کنند و منابع مالی و انسانی محدودی در دسترس دارند و اغلب از نیازها و ویژگی‌های مصرف‌کنندگان نهایی در بازارهای خارجی بی‌اطلاع هستند. این بنگاه‌ها با ریسک‌های بالایی برای ورود به بازارهای خارجی مواجه هستند و منافع ناشی از ورود به بازارهای خارجی را به درستی درک نمی‌کنند و در نتیجه قادر به توجیه تلاش و هزینه کردن برای صادرات به آن بازارها نیستند.

شبکه‌سازی یک روش مهم برای رفع مشکلات و بهبود موقعیت رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شود. کار مشترک، بنگاه‌های کوچک و متوسط را تشویق می‌کند تا از یکدیگر یاد بگیرند و تبادل نظر کنند، کیفیت محصولاتشان را بهبود بخشند و بازارهای با سودآوری بالاتری را بشناسند و در آنها نفوذ نمایند.^۱ به‌منظور فائق آمدن بر مشکلات فراروی صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط، تشکیل کنسرسیوم یا شبکه صادراتی توصیه می‌شود.^۲ کنسرسیوم صادراتی می‌تواند مزایای زیر را به همراه داشته باشد:

- کاهش ریسک: این امر از طریق افزایش دسترسی شرکت‌ها به اطلاعات بازارهای خارجی و تمایز در صادرات (صادرات محصولات کاملاً خاص) صورت می‌گیرد.
- افزایش سود: عضویت در یک کنسرسیوم به طرق مختلف باعث افزایش حاشیه سود توسعه صادرات و دستیابی به صادرات مداوم و پایدار می‌شود. اعضای کنسرسیوم هزینه‌های ترفیعی و مدیریتی خود را تقسیم می‌کنند و از هزینه‌های ناشی از ایجاد واحدهای صادراتی مجزا و مخصوص به خود اجتناب می‌ورزند. حمل‌ونقل و امکانات صادراتی مشترک نیز باعث کاهش هزینه می‌شود.
- افزایش کارایی: همکاری بین شرکتی موجود در کنسرسیوم‌ها به بنگاه‌های کوچک و

1. Unido, Corporate Social Responsibility: Implications for Small and Medium Enterprises in Developing Countries, 2002.

2. Unido, Development of Clusters and Networks of SMEs: The Unido Programme a Guide to Export Consortia, 2003.

متوسط اجازه می‌دهد تا با چالش‌های ناشی از مقیاس کوچک و عدم برخورداری از صرفه‌های ناشی از مقیاس، مقابله نمایند و به مقیاس‌های اقتصادی قابل قبول برای ورود به بازارهای خارجی دست یابند،

- جمع‌آوری اطلاعات: یکی از مهم‌ترین منافع کنسرسیوم‌ها، جمع‌آوری اطلاعات در زمینه چگونگی انجام کار است. شرکت‌های کوچک معمولاً اطلاعات و تجربه کمی در امر صادرات و بازارهای خارجی دارند. شرکت‌های عضو کنسرسیوم می‌توانند اطلاعات، مهارت‌ها و منابع مربوط به صادرات خود را با یکدیگر تقسیم کنند.

۴-۸ استراتژی توسعه صنایع کوچک و متوسط در سایر کشورها^۱

در بحث پیرامون رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف، هر کشور بر مبنای اهداف تعیین شده برای این صنایع، استراتژی‌هایی را برای دستیابی به اهداف خود انتخاب می‌کند. در استفاده از هر یک از این استراتژی‌ها نیز باید به مبنای انتخاب این استراتژی‌ها توجه شود؛ زیرا بی‌توجهی به اهدافی که هر یک از این استراتژی‌ها دنبال می‌کنند، موجب اتلاف منابع خواهد شد. تقریباً در همه کشورهایی که به مسئله رشد و ارتقای صنایع کوچک و متوسط توجه شده است؛ این نکته مهم به چشم می‌خورد که برای رشد این صنایع، ابتدا باید ساختار اقتصادی کل کشور اصلاح شود. یعنی زمانی می‌توان به رشد صنایع کوچک و متوسط امیدوار بود که شرایط اقتصادی برای فعالیت بخش صنعت به صورت عام فراهم باشد. بنابراین پیش از هر سیاست‌گذاری برای صنایع کوچک و متوسط، ابتدا باید شرایط اقتصادی و زیربنای لازم برای فعالیت‌های تولیدی به صورت کلی (هم برای صنایع بزرگ و هم برای صنایع کوچک) فراهم شود تا راه برای رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط نیز هموار شود.

پس از اصلاح ساختارهای کلان اقتصادی، برای فعالیت‌های مؤثر و اثربخش صنایع کوچک و متوسط نیاز به اتخاذ راهبردها و سیاست‌هایی به صورت مجزا برای صنایع کوچک و متوسط است. در نظریه‌های اقتصادی، زمانی دخالت دولت مجاز شمرده

۱. فرید کی‌مرام و همکاران، ۱۳۸۳، صص ۸۲-۹۵.

می‌شود که سیاست‌های دولت شکست‌های موجود در بازار را مرتفع کند. در مورد صنایع کوچک و متوسط نیز در چند مورد شکست بازار وجود دارد و به عبارت دیگر سازوکار بازار آزاد در تخصیص بهینه منابع در جامعه ناتوان است. موارد شکست بازار شامل انحصار صنایع بزرگ، اطلاعات ناقص، ریسک و ناطمینانی و تبعیض در مسائل مالی و مشکلات قوانین است.

مجموعه این موارد باعث شده که در کشورهای مختلف سیاست‌هایی به صورت مجزا برای صنایع کوچک و متوسط اتخاذ شود. تجربه نشان داده است که کشورهای مختلف سیاست‌ها و راهبردهایی را برای صنایع کوچک و متوسط اتخاذ کرده‌اند که می‌توان آنها را به دو بخش کلی تقسیم‌بندی کرد:

- ایجاد محیط مناسب برای فعالیت صنایع کوچک و متوسط (اصلاحات زیرساختی)،
- ظرفیت‌سازی و تقویت صنایع کوچک و متوسط.

۴-۸-۱-۱ ایجاد محیط مناسب برای فعالیت صنایع کوچک و متوسط (اصلاحات زیرساختی)

در تمام کشورهای صنعتی، صنایع کوچک و متوسط به عنوان حلقه ارتباطی پسین کل صنعت در نظر گرفته می‌شوند. لذا این کشورها سعی می‌کنند با ایجاد محیط مناسب برای فعالیت این صنایع، رشد و بقای آنها را تضمین کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که این سیاست‌ها در راستای ایجاد محیط رقابت سالم در صنعت است و سعی می‌شود تا مشکلاتی مانند ضعف صنایع کوچک و متوسط در جذب سرمایه و بهره‌گیری از منابع مالی مرتفع شود و نابرابری‌های موجود در صنعت که به دلیل قدرت زیاد صنایع بزرگ ایجاد شده تا حد امکان تعدیل شود. برای دستیابی به این هدف راهکارهای زیر توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شود که عبارت‌اند از:

۴-۸-۱-۱-۱ ایجاد مراکزی برای سیاست‌گذاری در مورد صنایع کوچک و متوسط

در تمام کشورهای صنعتی و تازه توسعه‌یافته، سیاست‌گذاری‌ها در مورد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به صورت متمرکز انجام می‌شود؛ یعنی تعیین استراتژی و راهکارهای ارتقای تمامی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اعم از تولیدی، خدماتی و بازرگانی در

این مراکز و به‌صورت متمرکز انجام می‌شود. علاوه بر این، نتایج حاصل از سیاست‌گذاری‌ها در پایان دوره برنامه‌ریزی تعیین و اشکالات برنامه‌ریزی‌ها مشخص می‌شود تا در دوره‌های بعدی اصلاحات ضروری در برنامه‌ها صورت پذیرد.

۲-۱-۸-۴ ایجاد مؤسسات و سازمان‌های پشتیبان برای صنایع کوچک و متوسط

باوجود مزایا و اهمیتی که صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد هر کشوری دارد؛ این صنایع به‌خصوص صنایع کوچک دارای نقاط ضعفی هستند که برای بهره‌گیری مناسب از این بخش از صنعت می‌بایست این نقاط ضعف برطرف شوند. به همین دلیل کشورهای مختلف مؤسسات حمایتی و پشتیبانی را طراحی کرده‌اند که به صنایع کوچک و متوسط خدمات متنوعی را ارائه می‌دهند. درواقع دولت‌ها به‌منظور اجرای برنامه‌ها و اعمال سیاست‌های خود و همچنین تسریع و تسهیل روند توسعه، این نهادها و سازمان‌ها را بنا نهاده‌اند و متناسب با نیازهای زمان هر روز بر تعداد آنها افزوده‌اند.

البته از دهه ۱۹۵۰ میلادی که شکل‌گیری این نهادها رواج یافته تاکنون، مالکیت این مؤسسات تغییر کرده است. در گذشته این سازمان‌ها عمدتاً توسط خود دولت پایه‌گذاری می‌شد؛ لکن طی دو دهه گذشته به سمت نهادهای مردمی گرایش یافته و به‌شکل سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ در حال فعالیت هستند. امروزه دولت‌ها حلقه واسط بین صنایع کوچک و مؤسسات حمایتی هستند که به‌صورت خصوصی اداره می‌شوند. تقریباً در همه اسناد مربوط به تدوین استراتژی صنایع کوچک و متوسط، به ایجاد سازمان‌های حمایتی مردم‌نهاد تأکید شده است.

زمینه‌های فعالیت این سازمان‌ها و مؤسسات حمایتی شامل ارائه خدمات فنی، مشاوره‌ای و بازاریابی، کمک به برنامه‌های ارتقای کیفیت، توسعه کارآفرینی، توسعه فعالیت‌های تحقیق، توسعه و نوآوری، اعطای اعتبارات، ضمانت وام و اعتبارات بانکی، توسعه و گسترش اطلاع‌رسانی و استفاده از فناوری اطلاعات و انتقال و ارتقای فناوری است.

۳-۱-۸-۴ اصلاح بازارهای سرمایه

با توجه به اینکه صنایع کوچک و متوسط در دریافت وام از بانک‌ها و جذب سرمایه از بازارهای مالی در مقایسه با صنایع بزرگ در تنگنا قرار دارند؛ کشورهای مختلف تدابیری را اتخاذ کرده‌اند که تبعیض بین صنایع کوچک و بزرگ در جذب سرمایه به حداقل ممکن کاهش یابد. ایجاد بازارهای مالی خاص برای تأمین سرمایه صنایع کوچک و متوسط یکی از این راهکارهاست. به‌عنوان نمونه می‌توان به ایجاد بازار مالی در ژاپن تحت عنوان «مادران» در نوامبر سال ۱۹۹۹ و «ناسداک» در ژوئن سال ۲۰۰۰ اشاره کرد. افزون بر این، صنایع کوچک و متوسط به‌دلیل محدودیت در منابع مالی، وثیقه کافی برای ضمانت وام‌های بانکی ندارند. به همین دلیل در اکثر کشورها برای کمک به این صنایع، صندوقی تحت عنوان «صندوق ضمانت» ایجاد شده است. این صندوق‌ها به‌منظور کاهش ریسک بانک‌ها در بازپرداخت وام به صنایع کوچک و متوسط، در صورتی که این صنایع در بازپرداخت وام دچار مشکل شوند، تعهدات شرکت را در برابر بانک به عهده می‌گیرند. تقریباً در همه کشورهای که در عرصه صنایع کوچک و متوسط آنها برنامه‌ریزی صورت گرفته، به مسئله ضمانت‌های بانکی توجه شده است.

۴-۱-۸-۴ اصلاح قوانین و تصویب قوانین جدید

مطالعات انجام شده در زمینه شناسایی موانع رشد صنایع کوچک در کشورهای مختلف، حاکی از موانعی است که به‌وسیله قوانین آن کشورها در راه رشد این صنایع ایجاد می‌شود. مطالعه میدانی انجام شده^۱ در استان‌های تهران و اصفهان که با رویکرد اصلاح قوانین در زمینه صنایع کوچک و متوسط صورت گرفته، گویای این حقیقت است که قوانین کار و بیمه و تأمین اجتماعی مهم‌ترین موانع بازدارنده در زمینه رشد و توسعه این صنایع هستند. ارائه تشویق‌های مالیاتی به صنایع تازه‌تأسیس، اصلاح قوانین پیمانکاری، فراهم نمودن زمینه حذف تأخیر در پرداختی‌ها به صنایع کوچک و متوسط به‌منظور تقویت توان مالی این صنایع و تصویب قانون بهبود و ارتقای پیمانکاران کوچک و

۱. وحید ارشدی، ۱۳۸۵.

متوسط سیاست‌هایی هستند که در کشورهای مختلف به‌منظور بسترسازی و رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط تدوین و به مرحله اجرا در می‌آید.

۴-۸-۱-۵ ایجاد سیستم آماری مناسب

تقریباً در همه کشورهای مورد بررسی به‌منظور ارزیابی سیاست‌های اتخاذ شده، سیستم آماری مناسبی طراحی شده است که اطلاعات مربوط به صنایع کوچک و متوسط را در اختیار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی صنعتی قرار می‌دهد.

۴-۸-۲ ظرفیت‌سازی و تقویت صنایع کوچک و متوسط

(الف) کمک به مکانیزاسیون تجهیزات صنایع کوچک و متوسط.
(ب) کمک به ارتقای بهره‌وری و سطح فناوری در صنایع کوچک و متوسط از طریق اعطای وام با بهره پایین.
(ج) کمک به ایجاد روابط پیمانکاری با صنایع بزرگ.
(د) کمک به بهبود کیفیت کالاهای صنایع کوچک و متوسط از طریق حمایت‌های فنی و اطلاعاتی.
(ه) ارائه شبکه‌های ایمنی به‌منظور جلوگیری از ورشکستگی‌های زنجیره‌ای.
(و) ایجاد مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات فنی، مشاوره‌ای و بازاریابی.
راهکارها و راهبردهای بالا برای ارتقا و توانمندسازی صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۹ بررسی سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در چند کشور

منتخب

تقریباً تمامی کشورهای جهان صرف‌نظر از اینکه در چه مرحله‌ای از توسعه قرار داشته باشند به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و حمایت از آنها آگاهی دارند. برخی معتقدند که اگر سیاست‌های اقتصادی به‌گونه‌ای باشد که به بازار آزاد و رقابت منجر شود، نیازی به حمایت نخواهد بود و برخی دیگر نیز معتقدند که حمایت دولت به هر شکل که باشد، چون با بوروکراسی همراه است، موجب تضعیف بنگاه‌های کوچک و

متوسط می‌شود. ولی در هر صورت اگر حمایت‌ها در جهت تجارت آزاد و حذف موانع ورود فناوری باشد موجب رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شود.

بررسی نتایج تجربه بیست‌ساله نهادهای و مراکز حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این نهادهای حمایتی در زمینه مشارکت و همکاری با یکدیگر دارای مشکل بوده‌اند. اگر هم مشارکت و همکاری بین نهادهای صورت می‌گرفت آنها دیگر قادر به توسعه خود نبوده‌اند. در چنین فضایی حوزه فعالیت نهادهای به مسیریابی کشیده می‌شد که تخصص و کارایی لازم در آن بخش‌ها را نداشتند. بنابراین از وظایف حمایت‌کننده‌هاست که به‌جای ایجاد نهاد جدید برای افزودن مشارکت بین نهادهای موجود که دارای قابلیت‌های مثبتی هستند، گام بردارند. در حال حاضر رویکرد در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، هدایت این واحدها به سمت خوشه‌ای شدن و نواحی صنعتی است. نوع جدید حمایت از خوشه‌ها نیز این است که آنها در قالب شبکه بتوانند به قابلیت و توانایی دست یابند. این حمایت‌ها معمولاً به صورت‌های ذیل ظاهر می‌شوند:^۱

- تخصصی کردن و همکاری بین بنگاه‌های موجود در خوشه با رویکرد «کارایی جمعی»،
- ارائه خدمات در جهت بهبود ارتباط بنگاه‌ها با ارائه‌کنندگان مواد اولیه و بازار مصرف،
- همکاری بین بنگاه‌ها در جهت ارتقای فناوری،
- برگزاری نشست‌های مشاوره‌ای تبادل نظرات و اطلاعات،
- توسعه انجمن‌های تجاری زیربخشی برای ایجاد رهبری و مشارکت،
- راه‌اندازی مراکز خدمات زیربخشی در جهت فراهم ساختن خدمات برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در ناحیه صنعتی.

۱-۹-۴ جهت‌گیری سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کره جنوبی^۲
با توجه به نقش و تأثیر بنگاه‌های کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی کره جنوبی، مسئولیت

۱. مستخرج از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵، صص ۹۷-۹۹.

۲. الف) تدبیر، ۱۳۸۲، صص ۷۱-۷۴.

ب) یونیدو، ۱۳۸۴، صص ۸۲-۸۸.

حمایت و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط به وزارت صنعت و تجارت واگذار شده است. در درون این وزارتخانه تشکیلات ویژه‌ای به نام سازمان کسب‌وکار کوچک و متوسط^۱ ایجاد شده که مسئولیت اصلی را در مورد برنامه‌های مختلف حمایتی و سیاست‌های اجرایی دولت در زمینه بنگاه‌های کوچک و متوسط برعهده دارد. اهداف اصلی سازمان کسب‌وکار کوچک و متوسط عبارت‌اند از:

- بهبود ساختار و جایگاه رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط کره جنوبی،
 - کمک به ایجاد ثبات اقتصادی،
 - کمک به تأسیس بنگاه‌های کوچک و متوسط جدید و حمایت از کارآفرینان،
 - حمایت از نوآوری‌های تکنولوژیکی،
 - حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای ورود به بازارهای جهانی.
- سیاست‌ها و رویکردهای سازمان کسب‌وکار کوچک و متوسط برای دستیابی به اهداف فوق‌الذکر به صورت مختصر تشریح می‌شود:

۱-۹-۴ بهبود ساختار و جایگاه رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط

برای دستیابی به این هدف، رویکرد سازمان کسب‌وکار کوچک و متوسط به شرح زیر است:

الف) اصلاح ساختار بنگاه‌های کوچک و متوسط

رویکرد سازمان کسب‌وکار کوچک و متوسط برای تأمین مالی هزینه‌های مربوط به بازسازی و نوسازی، اصلاح ساختار و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته به منظور ورود به بازارهای جهانی، استفاده از ابزار انتشار اوراق قرضه عمومی برای تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه در گردش شرکت‌های بالنده و پویاست.

ب) حمایت از کاربرد فناوری اطلاعات

با توجه به نقش مؤثر فناوری اطلاعات در جهانی شدن بنگاه‌های کوچک و متوسط، سیاست حمایت از بنگاه‌ها از طریق اعطای وام‌های لازم برای خرید و نصب سخت‌افزار و

تجهیزات مورد نیاز و ایجاد شبکه ارتباطی بین بنگاه‌های کوچک و متوسط با یکدیگر و با سازمان‌های حامی آنها صورت می‌پذیرد.

ج) همکاری بین بنگاه‌های کوچک و متوسط

هدف از تشویق همکاری بین بنگاه‌های کوچک و متوسط، ایجاد هم‌افزایی بین صنایع تحت مالکیت و کنترل این بنگاه‌ها و افزایش توان چانه‌زنی آنها در مناسبات اداری-اقتصادی است. چارچوب قانونی این سیاست در سال ۱۹۶۱ میلادی با تصویب «قانون همکاری کسب‌وکارهای کوچک»^۱ فراهم شده است. اعطای مشوق‌های مالیاتی برای ارجاع کار از سوی شرکت‌های بزرگ به بنگاه‌های کوچک و متوسط و توسعه فرهنگ «پیمانکاری جزء»^۲ در چارچوب این قانون دنبال شده است.

د) نظارت بر روابط سالم بین شرکت‌های بزرگ و بنگاه‌های کوچک و متوسط

این نظارت با هدف سالم‌سازی قراردادهای مربوط به ارجاع کارهای پیمانکاری جزء، بین سی شرکت بزرگ کره جنوبی با پیمانکاران جزء و نیز در قراردادهای بین پیمانکاران جزء اعمال می‌شود.

ه) پشتیبانی مالی از بنگاه‌های کوچک و متوسط

این سیاست با هدف تقویت قدرت رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط در مناقصه‌ها و مزایده‌ها و از طریق تشکیل صندوق مشترک سازمان کسب‌وکار کوچک و متوسط با آنها به اجرا درآمده است.

و) جمع‌آوری نظرات بنگاه‌های کوچک و متوسط با هدف اصلاح قوانین

ایجاد این سازوکار به دولت اجازه می‌دهد تا با جمع‌آوری نظرات صاحبان این بنگاه‌ها، درک بهتری از مشکلات پیش روی این بنگاه‌ها کسب کند و این دانش را در تدوین قوانین مربوط با این بنگاه‌ها مورد استفاده قرار دهد.

1. The Small Business Cooperative Act
2. Sub Contracting

۲-۹-۴ کمک به ایجاد ثبات اقتصادی

سیاست‌های سازمان کسب‌وکار کوچک و متوسط برای کمک به ایجاد ثبات اقتصادی در بنگاه‌های کوچک و متوسط در قالب برنامه‌های متعددی پیگیری و اجرا می‌شود که مهم‌ترین آنها، به شرح زیر است:

الف) کمک‌های مالی

برای دستیابی به این هدف، مرکزی به نام «مرکز گزارش موانع مالی» تأسیس شد و هدف این مرکز بهبود شرایط دستیابی بنگاه‌های کوچک و متوسط به وام و تسهیلات، منابع مالی و سایر اعتبارات مورد نیاز است. حمایت‌های مالی ویژه از بنگاه‌هایی که از روند رو به رشدی برخوردار بوده و به علت ورشکستگی سایر بنگاه‌های طرف قرارداد در معرض مخاطرات مالی قرار دارند نیز در چارچوب این سیاست صورت می‌گیرد.

ب) تضمین وام و اعتبار

در چارچوب این سیاست دو صندوق برای تضمین وام و اعتبارات ایجاد شده است. این دو صندوق عبارت‌اند از:

- صندوق تضمین اعتبارات،^۱

- صندوق تضمین اعتبارات فناوری.^۲

همچنین ایجاد نظام بیمه‌ای برای حمایت از بنگاه‌ها در مقابل خطرات ناشی از ورشکستگی از دیگر برنامه‌های اجرایی در این زمینه است.

ج) حمایت‌های مربوط به بازاریابی

تشویق سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و محلی برای خرید از بنگاه‌های کوچک و متوسط، تشکیل نمایشگاه‌های دائمی و سالانه از تولیدات و محصولات این بنگاه‌ها و نیز تأسیس مرکز عمومی توزیع محصولات و تولیدات در چارچوب سیاست حمایت و بازاریابی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط از جمله اقدامات مهم در این زمینه است.

1. Credit Guarantee Fund.

2. Technology Credit Guarantee Fund.

د) بهبود ساختار توزیع

بازسازی و نوسازی مرکز تجاری، بازارها و ایجاد بازارهای جدید در مناطق مسکونی جدید و حمایت مالی از ایجاد ساختمان‌های تجاری و مراکز خرید در چارچوب این سیاست پیگیری می‌شود. اعطای وام، معافیت‌های مالیاتی و سایر تسهیلات اعتباری به سازندگان مراکز تجاری و کمک به تجهیز این مراکز به فناوری‌های نوین ارتباطی از دیگر برنامه‌های دولت کره جنوبی برای بهبود ساختار نظام توزیع محسوب می‌شود.

۳-۱-۹-۴ کمک به تأسیس بنگاه‌های کوچک و متوسط جدید

الف) حمایت‌های قانونی از سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای جدید

در کره جنوبی یک بازار سرمایه‌گذاری^۱ تأسیس شده که در آن کارآفرینان و سرمایه‌گذاران امکان تفاهم و مشارکت در پروژه‌های مربوط به ایجاد کسب‌وکارهای جدید را پیدا می‌کنند. در کنار تأسیس بازار سرمایه‌گذاری، برای تعمیق این بازار نیز یک نظام ارزیابی سرمایه‌گذاری راه‌اندازی شد.

ب) حمایت‌های مالی از تأسیس کسب‌وکارهای جدید

اعطای معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران در کسب‌وکارهای جدید و در نظر گرفتن وام و معافیت‌های مالیات بر درآمد، کاهش هزینه ثبت و غیره برای این نوع از کسب‌وکارها از جمله مساعدت‌هایی است که در چارچوب سیاست حمایت از تأسیس کسب‌وکارهای جدید دنبال می‌شود.

ج) حمایت‌های فیزیکی از تأسیس کسب‌وکارهای جدید

تأسیس پارک‌های صنعتی و تأمین زمین به مساحت ۹ تا ۱۲ هزار مترمربع و با شرایط قیمتی مطلوب به صورت نقد یا اجاره به شرط تملیک برای بنگاه‌های کوچک و متوسط از جمله این حمایت‌هاست.

1. Angel Market.

۴-۹-۱-۴ حمایت از نوآوری‌های تکنولوژیکی

نوآوری‌های تکنولوژیکی و استفاده از آنها در بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره جنوبی یک ضرورت محسوب می‌شود، به همین جهت سازمان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط برنامه‌های مختلفی را به منظور توسعه استفاده از فناوری‌های نوین در این بنگاه‌ها پیگیری می‌کند که به شرح زیر است:

الف) مساعدت در توسعه فناوری‌های جدید توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط
دولت در این برنامه سرمایه‌گذاری‌هایی را در بنگاه‌های کوچک و متوسط انجام می‌دهد تا این بنگاه‌ها بتوانند فناوری‌های جدید را توسعه دهند. ایجاد صندوق‌های مالی-اعتباری به منظور حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای خرید فناوری‌های جدید از جمله برنامه‌هایی است که در چارچوب این سیاست مورد توجه است. علاوه بر این، ایجاد کنسرسیومی بین صنایع، دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی برای پیشبرد پروژه‌های به نام «توسعه فناوری» نیز از دیگر اقدامات دولت در این زمینه است.

ب) همکاری فنی داخلی و بین‌المللی بین بنگاه‌ها
تشکیل نمایشگاه فناوری‌های جدید، دعوت از کارشناسان و خبرگان فنی برای تشکیل سمینارها و کارگاه‌های آموزشی برای ایجاد ارتباط و مبادله اطلاعات فنی بین این بنگاه‌ها از جمله اقدامات در این حوزه است.

ج) نظام تضمین کیفیت
سازمان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط برای دستیابی به این هدف به اجرای برنامه‌ای تحت عنوان «نوآوری کیفیت» اقدام کرده است. در کنار این سیاست، خدمات مشاوره‌ای و برخی از مساعدت‌های دیگر را برای اخذ استانداردهای ایزو در اختیار بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌دهد.

د) تحلیل توان رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط
تدوین پروژه‌های بزرگ برای بررسی و مطالعه جامع نیازهای تکنولوژیکی بنگاه‌ها برای آشنایی بیشتر با نیازها و آگاهی از وضعیت و توان رقابتی این نوع بنگاه‌ها در زمینه

به‌کارگیری فناوری از جمله برنامه‌هایی است که در دستیابی به اهداف سیاست توسعه استفاده از نوآوری‌های تکنولوژیکی اعمال می‌شود. برنامه دیگری به نام «نظام پزشک بنگاه‌ها»^۱ توسط سازمان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اجرا می‌شود و طی این برنامه محققان و کارشناسان خبره از بنگاه‌های کوچک و متوسط بازدید کرده و توصیه‌ها و راهنمایی‌های فنی لازم را به آنها ارائه می‌دهند.

۴-۹-۱-۵ حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای ورود به بازارهای جهانی

الف) کمک به صادرکنندگان کوچک و متوسط

از جمله خدماتی که سازمان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اختیار بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌دهد می‌توان به آموزش صادرات، مطالعات بازارهای خارجی و مساعدت در طراحی محصولات مناسب بازارهای جهانی اشاره کرد. پشتیبانی از حضور بنگاه‌های کوچک و متوسط در نمایشگاه‌های بین‌المللی و راه‌اندازی سایت‌های ویژه برای معرفی این بنگاه‌ها از دیگر فعالیت‌ها در این زمینه است.

ب) مساعدت در جلب سرمایه‌های خارجی

اعطای معافیت‌های مالیاتی، مساعدت مالی و تأمین مکان برای استقرار شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در کره جنوبی از اقدامات مهم در دستیابی به این هدف است. تأسیس مرکزی به نام «سازمان توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری» برای ملاقات و مذاکره صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط با سرمایه‌گذاران خارجی و تهیه فهرستی از شرکت‌های موفق کره‌ای و معرفی آنها به سرمایه‌گذاران خارجی از دیگر اقدامات مهم در این زمینه محسوب می‌شود.

ج) همکاری بین‌المللی

مشارکت مستمر سازمان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در سمینارهای جهانی مانند

جلسات آپک و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط با این هدف صورت می‌گیرد که همکاری متقابل با سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند عملکرد سازمان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و در نهایت کل بنگاه‌های کوچک و متوسط در کره جنوبی را بهبود بخشد.

۲-۹-۴ رویکرد برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در تایوان^۱

به‌طور کلی برنامه‌های مختلفی که تایوان برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، توسعه و گسترش آنها طراحی و تدوین کرده است را می‌توان به سه گروه حمایت‌های مالی و مالیاتی، حمایت‌ها و تسهیلات فنی، تخصصی و مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی و ترویجی تقسیم کرد که در ادامه به‌صورت مختصر تشریح و تبیین می‌شود.

۱-۲-۹-۴ حمایت‌های مالی و مالیاتی

الف) تأمین سرمایه و نقدینگی لازم برای راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی در واحدهای صنعتی کوچک و متوسط. در این زمینه پس از ارزیابی پروژه‌ها توسط کارکنان بانکی و کارشناسان سازمان توسعه صنایع کوچک و متوسط تا سقف ۶۰ تا ۷۰ درصد از کل سرمایه مورد نیاز به‌صورت وام با نرخ بهره ۴-۶ درصد در اختیار این بنگاه‌ها قرار داده می‌شود. معمولاً شروع بازپرداخت این وام‌ها سه تا پنج سال پس از آغاز تولید است.

ب) تأمین نیاز ارزی به‌صورت وام برای واحدهای صنعتی کوچک و متوسط در ارتباط با خرید ماشین‌آلات، خط تولید، مواد اولیه، انرژی، دانش فنی و هر نوع نیاز وارداتی.

ج) تأمین اعتبارات مورد نیاز بنگاه‌های کوچک و متوسط در مورد صادرات، واردات، جذب سرمایه و یا مشارکت شرکت‌های خارجی.

د) اعطای معافیت‌ها و تخفیف‌های مختلف مالیاتی به واحدهای صنعتی کوچک و متوسط.

ه) اعطای وام‌های ویژه به پیمانکاران صنعتی کوچک و متوسط با شرایط آسان و

۱. تدبیر، ۱۳۸۲، صص ۵۲-۵۶.

تخفیف‌های ویژه (کلیه مالیات‌های پرداختی پیمانکاران کوچک و متوسط به دولت به‌طور میانگین ۱۰-۲۰ درصد کمتر از واحدهای صنعتی کوچک و متوسط مستقل است).
(و) معافیت کامل عوارض گمرکی و سود بازرگانی برای واردات ماشین‌آلات مدرن، تکنولوژی جدید، تجهیزات تحقیق و توسعه، مواد اولیه و سایر مواد مورد نیاز برای تولید و ساخت کالاهایی که قابلیت صادرات دارند.

(ز) تأمین نقدینگی مورد نیاز واحدهای صنعتی کوچک و متوسط برای برگزاری دوره‌های آموزشی: این اعتبار معمولاً تا سقف هشتاد درصد از بودجه مورد نیاز برای آموزش فنی-تخصصی نیروهای شاغل در این واحدها را پوشش می‌دهد. در این زمینه اصولاً تا سقف پنجاه درصد از کل مبلغ پرداختی به واحدهای صنعتی کوچک و متوسط پس از تأیید موفقیت دوره آموزشی توسط سازمان‌های مسئول به‌عنوان پرداخت کمک آموزشی (یارانه آموزشی) از طرف دولت پرداخت می‌شود.

۲-۹-۴-۲ حمایت‌ها و تسهیلات فنی، تخصصی و مشاوره‌ای

(الف) حمایت مستقیم دولت در خصوص تأمین مواد اولیه، مواد سوختی، ماشین‌آلات، فضای فیزیکی و محل احداث کارخانه.

(ب) فراهم نمودن تسهیلات لازم برای تحقیق و توسعه و ایجاد تسهیلاتی برای بهره‌برداری و استفاده واحدهای کوچک و متوسط از مراکز تحقیقاتی، آموزشی، صنعتی و اطلاع‌رسانی.
(ج) تأمین نیروهای متخصص مورد نیاز واحدهای صنعتی کوچک و متوسط به‌منظور تحقق و عملی کردن پروژه‌های مربوط به نوآوری‌های صنعتی، طراحی الگوها و روش‌های نوین تولید، دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته و رسیدن به حداکثر ظرفیت تولیدی و به حداقل رساندن سطح ضایعات.

(د) ایجاد تسهیلات لازم برای واحدهای صنعتی کوچک و متوسط و تشویق آنها به استفاده از تکنولوژی اطلاعات در زمینه‌های گوناگون.

(ه) ارائه تسهیلات و خدمات مشاوره‌ای از طریق پنج سازمان عمده و تخصصی دولتی به بنگاه‌های کوچک و متوسط. این تسهیلات و خدمات در زمینه‌های تولیدی، تکنولوژیکی، طراحی، مونتاژ، کاربرد روش‌های تولیدی، بازاریابی و مسائل اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خارجی است.

۳-۲-۹-۴ حمایت‌های آموزشی و ترویجی

الف) حمایت آموزشی فراگیر

برنامه حمایت آموزشی فراگیر همه نیروهای کارگری، مهندسی و اداری مانند حسابداری و بازرگانی را در برمی‌گیرد و شامل برنامه‌ریزی‌های منسجم و در سطح کلان است. این برنامه‌های آموزشی توسط سازمان‌های مسئول و با به‌کارگیری روش‌های گوناگون مانند آموزش در حین کار،^۱ آموزش کلاسیک و تئوریک، آموزش موضوعات جدید و یا آموزش کاربردی خاص در راستای تکمیل و ارتقای سطح علمی- عملی نیروهای شاغل در رده‌های غیرمدیریتی در این بنگاه‌ها انجام می‌شود. واحدهای صنعتی کوچک و متوسط پیمانکار که با واحدهای بزرگ صنعتی همکاری‌های تولیدی دارند، توانسته‌اند نسبت به بنگاه‌های کوچک و متوسط مستقل از آموزش‌های کاربردی بهتری برخوردار شوند.

ب) حمایت آموزشی و تربیتی کارآفرینان

دولت تایوان یکی از اساسی‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی خود را به امر تربیت کارآفرینان و ارتقای سطح عملکرد آنان اختصاص داده است. برنامه‌های تربیت کارآفرینان جوان و همچنین ارتقای سطح کارآفرینان شاغل در تایوان براساس برنامه‌ای بلندمدت و فراگیر که دربرگیرنده قشرهای مختلف باشد، طراحی شده است.

با توجه به نقش بسیار مهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظام اقتصادی- اجتماعی کشور تایوان، دولت این کشور به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌هایی پرداخته است تا زمینه را برای رشد و شکوفایی هرچه بیشتر این نوع از بنگاه‌ها فراهم سازد. در این راستا سیاست‌گذاران اقتصادی تایوان مهم‌ترین وظیفه خود را ایجاد فضای مناسب برای تأسیس و رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار داده‌اند. برای رسیدن به این هدف سیاست‌ها و استراتژی‌های تایوان برای گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط به شرح زیر است:

۱. ایجاد محیطی سالم برای توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط: در دستیابی به این هدف یکی از راهکارها تدوین قوانین مناسب برای حمایت و گسترش بنگاه‌های کوچک و

1. Learning By Doing.

متوسط است. علاوه بر این برنامه‌هایی نیز پیش‌بینی شده است تا موقعیت این بنگاه‌ها بر اثر تغییرات در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی دولت کمتر در معرض تهدید قرار گیرد.

۲. ایجاد بستر لازم برای تأسیس بنگاه‌های جدید و رشد بنگاه‌های موجود: اولین راهکار پیش‌بینی شده برای تحقق این استراتژی، ایجاد مکانیسمی برای حمایت از فعالیت کارآفرینان و تشویق خلاقیت و نوآوری در بنگاه‌های کوچک و متوسط است. تقویت زمینه‌های بروز خلاقیت و نوآوری و توان این بنگاه‌ها برای به‌فعلیت رسیدن این خلاقیت‌ها و برنامه توسعه منابع انسانی و نیروی کار در بنگاه‌های کوچک و متوسط پیش‌بینی شده است. علاوه بر مواد فوق، تشویق این بنگاه‌ها برای فعالیت در عرصه بین‌المللی و پرورش استعداد این بنگاه‌ها برای حرکت به سمت صادراتی شدن از دیگر راهکارها در این زمینه است.

۳. تقویت توان بنگاه‌های کوچک و متوسط در زمینه فناوری اطلاعات: برای دستیابی به این هدف چندین برنامه پیش‌بینی شده است. نخستین برنامه تقویت توان مدیریت اطلاعات در بنگاه‌های کوچک و متوسط است. در کنار این برنامه‌ها، طرحی نیز برای تقویت توانایی‌های مربوط به مدیریت کیفیت در این بنگاه‌ها تدوین شده است.

۴. ارائه رهنمودهای مدیریتی به بنگاه‌های کوچک و متوسط: مهم‌ترین محورهای این رهنمودها عبارت‌اند از:

- ایجاد صنایع با خصوصیات محلی،
- کمک به توسعه و بقای بنگاه‌های کوچک و متوسط،
- تقویت کیفیت مدیریت و تشویق ارتقای سطح کیفی و انتقال دانش به این بنگاه‌ها،
- تشویق به ایجاد سیستم‌های دقیق مالی و حسابداری و کمک به تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط،
- تقویت همکاری‌های بین بنگاهی.

۵. ایجاد نظام شبکه خدمات‌رسانی به بنگاه‌های کوچک و متوسط: بر مبنای این استراتژی برنامه‌های مختلفی برای کمک به این بنگاه‌ها تدوین و طراحی شده است که مهم‌ترین آنها طراحی نظام رهنمودهای مربوط به تأمین اعتباری و مالی، مدیریتی، فناوری تولید، تحقیق و توسعه، مدیریت اطلاعات، ایمنی صنعتی، کنترل آلودگی، بازاریابی، ایجاد هماهنگی و حمایت متقابل بین بنگاه‌ها و رهنمودهای مربوط به دستیابی به کیفیت است.

۳-۹-۴ سیاست‌های کلی و استراتژی‌های حمایتی برای صنایع کوچک و متوسط در مالزی^۱

سیاست‌گذاران کلان اقتصادی در مالزی توجه ویژه‌ای به نقش و جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد این کشور دارند و با در نظر گرفتن اهمیت این بنگاه‌ها، سیاست‌های کلی برای حمایت از این بنگاه‌ها و گسترش آنها به صورت زیر تدوین شده است:

- حفظ موقعیت و جایگاه کنونی بنگاه‌های کوچک و متوسط و تثبیت آن در اقتصاد ملی،

- حمایت و تسریع در روند رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط،

- برنامه‌ریزی و ترغیب بنگاه‌های کوچک و متوسط برای حضور در بازارهای تجاری

بین‌المللی با استفاده از تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا.

برای تحقق اهداف سیاست‌های کلی، بنگاه‌های کوچک و متوسط در مالزی از تولید

کالاهای کاربر و با ارزش افزوده پایین فاصله گرفته و بیشتر به سمت تولید کالاهایی حرکت می‌کنند که قابل عرضه در بازارهای بین‌المللی باشد.

با توجه به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد مالزی و نیاز به وجود یک

نهاد تخصصی مشخص که وظایف حمایت و توسعه از این بنگاه‌ها را برعهده گیرد؛ در سال ۱۹۹۶ میلادی، «مؤسسه توسعه صنایع کوچک و متوسط مالزی»^۲ تأسیس گردید.

این مؤسسه برای گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط تلاش می‌کند و از بنگاه‌های پویا و اثربخش حمایت کرده تا این بنگاه‌ها بتوانند در بازار آزاد به رقابت بپردازند. مأموریت

اصلی این مؤسسه بهبود وضعیت رقابتی و افزایش بهره‌وری و اثربخشی بنگاه‌های کوچک و متوسط است. اهداف اصلی مؤسسه توسعه صنایع کوچک و متوسط مالزی،

ایجاد هماهنگی، گسترش و حمایت از ایجاد این بنگاه‌ها به خصوص ایجاد بنگاه‌های پیشرفته در مناطق کمتر توسعه یافته و حمایت و پشتیبانی از بنگاه‌های کوچک و

متوسط و تلاش برای ارتقای سطح کارایی و بهبود جایگاه رقابتی آنهاست. به گونه‌ای که این بنگاه‌ها بتوانند کالاها و خدمات با کیفیت و ارزش افزوده بالا تولید و به بازارهای

جهانی عرضه کنند.

۱. تدبیر، ۱۳۸۲، صص ۷۴-۷۷.

2. Small and Medium Industries Development Corporation (SMIDEC)

با توجه به نقش بسیار مهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد مالزی (این نوع از بنگاه‌ها بیش از ۹۲ درصد از تمامی بنگاه‌های تولیدی مالزی را تشکیل می‌دهند و از نظر ایجاد اشتغال نیز این بنگاه‌ها بیش از ۳۴ درصد کل شاغلان کشور را دربرمی‌گیرند) و مشکلاتی که این بنگاه‌ها معمولاً با آنها روبه‌رو هستند، استراتژی‌های مختلفی طراحی و تدوین شده است که مهم‌ترین این استراتژی‌ها و راهکارهای پیش‌بینی شده به‌طور خلاصه به‌شرح زیر است:

۱-۳-۹-۴ ایجاد فضای مناسب برای رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط

از آنجا که ایجاد بستر مناسب برای توسعه و رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از مهم‌ترین عوامل برای حمایت از این واحدها محسوب می‌شود، راهکارهای زیر برای دستیابی به این هدف پیش‌بینی شده است:

الف) گسترش فرهنگ کارآفرینی به‌گونه‌ای که فرهنگ جامعه کاملاً به‌طرف فرهنگ مولد سوق پیدا کند.

ب) فراهم ساختن زیرساخت‌های مناسب برای تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌تواند فضای مناسبی برای توسعه این بنگاه‌ها فراهم کند. به‌عنوان نمونه گسترش صنایع خودروسازی، الکترونیک، صنایع لوازم خانگی و مبلمان نمونه بارز دستیابی به هدف ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای صنایع کوچک و متوسط در مالزی محسوب می‌شود.

ج) ایجاد ارتباط و همکاری عملی گسترده بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با صنایع و بنگاه‌های تولیدی.

د) آموزش و تأمین نیازهای اطلاعاتی واحدهای کوچک و متوسط از جمله راهکارهایی است که برای ایجاد بستر مناسب به‌منظور رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته شده است. آموزش‌های مدیریتی و شغلی برای افزایش دانش مدیران و کارآفرینان بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق «آموزش از راه دور» و «شبکه رایانه» در اختیار این واحدها قرار می‌گیرد. مرکز اطلاعات صنعتی و فناوری مالزی^۱ مسئولیت اصلی را در این زمینه به عهده دارد.

1. The Malaysian Industrial Technology Information Center (MITIC)

۲-۳-۹-۴ افزایش قدرت رقابت بنگاه‌های کوچک و متوسط

برای اجرای این استراتژی راهکارهای عملی زیر پیش‌بینی شده است که عبارت‌اند از:

الف) برنامه‌های حمایتی (مانند حمایت مالی و غیره) فقط شامل آن بخش از صنایع مالزی می‌شود که بتوانند با دریافت این کمک‌ها، قدرت رقابت خود را افزایش دهند و فعالیت‌های تجاری‌شان بتواند اثرات مثبتی را بر اقتصاد کشور برجای گذارد و درآمد ارزی نصیب کشور سازد. به همین دلیل دولت مالزی در اولین گام به شناسایی این گروه از صنایع پرداخت و صنایع مشمول برنامه‌های حمایتی را مشخص ساخته است. ب) یکی دیگر از راهکارهای پیش‌بینی شده برای افزایش قدرت رقابت بنگاه‌های کوچک و متوسط، ارائه خدمات مشاوره‌ای و تأمین کارشناسان و متخصصان مورد نیاز برای این بنگاه‌ها و تلاش برای حل مشکلات عملی این واحدها و تقویت بنیه تخصصی آنهاست. نحوه انجام چنین اقداماتی به این صورت است که از بهترین و خبره‌ترین کارآفرینان و متخصصان فنی در هر یک از بخش‌های صنعتی در قالب گروه «همیاران خبره صنعتی» برای رفع مشکلات ایجاد شده در بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط استفاده می‌شود.

ج) بنگاه‌های کوچک و متوسط علاوه بر خدمات گروه «همیاران خبره صنعتی» از امکانات مراکز تخصصی خدمات مشاوره صنعتی در هر یک از بخش‌های صنعتی برخوردار می‌گردند. با توجه به پراکندگی و گسترده بودن بنگاه‌های کوچک و متوسط در مالزی، مراکز خدمات مشاوره صنعتی متعددی مانند «بانک توسعه» و «مؤسسه مارا» خدمات خود را در اختیار تمامی بخش‌های صنعتی قرار می‌دهند. برخی از مراکز مانند «شرکت شهرک‌های صنعتی» در زمینه استقرار واحدهای صنعتی، «دفتر خدمات تجاری و بازرگانی مالزی» در زمینه بهبود کیفیت تولیدات و طراحی محصولات و «انسیتو تحقیقات کشاورزی»، در زمینه بهبود کیفیت مواد غذایی و آشامیدنی، نیز خدمات تخصصی به واحدهای مرتبط ارائه می‌دهند.

۳-۳-۹-۴ برنامه‌های جامع برای همکاری بنگاه‌های کوچک و متوسط با صنایع بزرگ

یکی از موفقیت‌آمیزترین برنامه‌هایی که برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط و حل مشکلات آنها در مالزی صورت می‌گیرد، ایجاد نظام منسجم و مطلوب برای ایجاد ارتباط بین صنایع بزرگ این کشور با بنگاه‌های کوچک و متوسط به کمک دولت است.

«سازمان گسترش همکاری‌های صنعتی صنایع کوچک و بزرگ» توانسته است در بسیاری از موارد همکاری و ارتباط بسیار منسجمی بین بنگاه‌های کوچک و متوسط با صنایع بزرگ کشور برقرار سازد. برخی از مهم‌ترین دستاوردها در این زمینه عبارت‌اند از:

الف) کارآفرینان بنگاه‌های کوچک و متوسط توانسته‌اند از طریق شبکه ارتباط بنگاه‌های کوچک با صنایع بزرگ، همکاران و یا شرکت‌های تولیدی خود را شناسایی کرده و با همکاری مشترک فعالیت‌های تولیدی خود را انجام دهند.

ب) با استفاده از این شبکه همکاری، واحدهای صنعتی کوچک و متوسط فرصت‌های موجود در بازارهای خارجی را شناسایی کرده و بازارهای جدیدی در نقاط مختلف جهان برای محصولات خود پیدا می‌کنند.

ج) بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق این شبکه، کانال‌های مناسب و مطمئن خرید مواد اولیه کمیاب و با کیفیت بالا را شناسایی می‌کنند و به‌این ترتیب مشکل اساسی تهیه مواد اولیه مورد نیاز که معمولاً یکی از مشکلات همیشگی این نوع بنگاه‌هاست، تا حدود زیادی برطرف می‌شود.

د) استفاده آسان‌تر و کامل‌تر بنگاه‌های کوچک و متوسط از امکانات تحقیق و توسعه موجود در صنایع بزرگ سبب شده است تا کیفیت ساختار و تولید در این بنگاه‌ها به مقدار زیادی افزایش یابد.

ه) با به‌کارگیری امکانات آموزشی موجود در شرکت‌های بزرگ صنعتی، دانش فنی مورد نیاز به بنگاه‌های کوچک و متوسط منتقل شده و مهارت کارکنان این واحدها نیز ارتقا می‌یابد. و) توصیه‌های کارشناسی و انتقال تجارب مدیران واحدهای بزرگ صنعتی باعث شده تا مهارت‌های مدیریتی و عملکردهای موفقیت‌آمیز در زمینه‌های گوناگون تجاری و بازرگانی مانند بازاریابی، تبلیغات فروش کالا، شیوه‌های دریافت وام از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در واحدهای کوچک و متوسط بهبود یابد.

۴-۳-۹-۴ حمایت از صادراتی شدن بنگاه‌های کوچک و متوسط

مهم‌ترین راهکارهایی که برای صادرات محصولات تولیدی در بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته شده عبارت‌اند از:

الف) علاوه بر حفظ بازارهای خارجی کنونی و تشویق بنگاه‌های کوچک و متوسط به توسعه بازارهای خارجی و دستیابی به بازارهای جدید و فرصت‌های جدید صادراتی باید از آن گروه از بنگاه‌های کوچک و متوسط حمایت کرد که با تولید و ساخت محصولاتی، باعث به‌وجود آمدن بازارهای خارجی جدید می‌شوند.

ب) تلاش برای حفظ و تثبیت جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط مالزی در بازارهای خارجی سنتی نظیر بازارهایی که بین کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه وجود دارد. نکته مهم در این زمینه این است که با توجه به افزایش رقابت، بنگاه‌های کوچک و متوسط مالزی باید در این بازارها از حمایت بیشتری برخوردار شوند.

ج) تقویت و گسترش ارتباط و همکاری بنگاه‌های کوچک و متوسط با صنایع بزرگ داخلی و شرکت‌های بزرگ چندملیتی.

د) کمک و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای دستیابی به قراردادهای صادراتی و بازرگانی مناسب و استفاده از فرصت‌هایی که در جریان برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی به‌وجود می‌آید.

ه) تقویت و به‌کارگیری نظام‌های جدید تولید، توزیع و صادرات مانند نظام‌های صادراتی غیرمستقیم، دستیابی به بازارهای صادراتی از راه همکاری مشترک با شرکت‌های بزرگ چندملیتی و ایجاد گروه‌های مشترک تولید و صادرات.

و) انجام پژوهش‌های علمی-کاربردی و به‌کارگیری یافته‌های این پژوهش‌ها برای عملی ساختن استراتژی‌های پیشنهادی به‌منظور حفظ بازارهای صادراتی کنونی و تقویت موقعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در بازارهای جهانی.

۴-۹-۴ جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ساختار

اقتصادی ژاپن^۱

۴-۹-۴-۱ بررسی روند حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ژاپن

بررسی روند حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در ژاپن نشان می‌دهد که جهت‌گیری

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، همان، ۱۳۸۵، صص ۱۰۲-۱۰۷.

سیاست‌های حمایتی دستخوش دگرگونی‌های فراوانی شد. به‌گونه‌ای که تا قبل از دهه ۱۹۵۰ موضوع حمایت مستقیم^۱ از تولیدات داخل در مقابل کالاهای وارداتی مطرح بوده است. در دهه ۱۹۵۰ حمایت مستقیم به ارتقا^۲ تبدیل گردید و تا دهه ۱۹۶۰ ادامه یافت. در دهه ۱۹۶۰ تمرکز اصلی حمایت‌ها در دستیابی به مقیاس کارا برای تولید بود که در آن رشد سریع صنایع نیز مدنظر قرار گرفته بود. تحولات ساختاری در دهه ۱۹۷۰ روند حمایت‌ها را در این کشور متحول کرد و به‌جای حمایت از مقیاس، جهت‌گیری‌ها به‌سوی تولید با کیفیت بالا و رعایت استانداردهای مصرف به‌تدریج در ساختارهای تولید نهادینه شد. روند حمایت‌ها پس از دهه ۱۹۷۰، تنظیم ساختار تولید، رعایت مسائل زیست‌محیطی و مدیریت ریسک ناشی از تغییرات نرخ ین در مقابل دلار بوده است. علت اصلی تحول در حمایت‌ها را می‌توان در نقشی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ژاپن دارند، جستجو کرد.

۲-۴-۹-۴ بسته‌های حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ژاپن

ساختار اقتصاد ژاپن به‌گونه‌ای شکل گرفته است که نزدیک به ۹۹ درصد بنگاه‌ها در ردیف بنگاه‌های کوچک و متوسط قلمداد می‌شوند. بنابر تعریف وزارت اقتصاد و تجارت ژاپن، بنگاه‌هایی با کمتر از سیصد نفر کارکن جزء بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی می‌شوند. حمایت‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت‌های فدرال و محلی به‌دلیل متمرکز شدن بر روی مناطق، عامل انگیزشی مناسبی جهت تمرکز بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های کوچک و متوسط شده است. براساس تحقیقی که بانک جهانی بر روی بنگاه‌های کوچک و متوسط ژاپن انجام داد، این بنگاه‌ها در سال ۱۹۹۴ میلادی، هشتاد درصد اشتغال (به‌غیر از اشتغال در کالاهای اولیه) را برعهده داشته‌اند.^۳

به‌طور کلی بسته‌های حمایتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ژاپن را می‌توان به سه گروه حمایت‌های فنی،^۴ حمایت‌های بازاریابی^۵ و حمایت مالی^۶ تقسیم‌بندی

1. Protection.
2. Promotion.
3. Itoh Motoshige, (1994).
4. Technical Support
5. Marketing Support
6. Financial Support

کرد. مطالعه ۱۰۷ بنگاه کوچک و متوسط در ژاپن نشان می‌دهد که هرچند به دلیل ساختار مستقل تولید در بنگاه‌های کوچک و متوسط، نمی‌توان الگویی خاص از حمایت را در نظر گرفت؛ اما در بسیاری از بنگاه‌های مورد نظر، نوع حمایت‌ها واضح و به‌صورتی قابل مشاهده، قابلیت تقسیم‌بندی دارند. از ویژگی‌های اصلی این نوع حمایت‌ها می‌توان به منطقه‌ای عمل کردن و توجه به نظام قوی پیمانکاری فرعی (جزء) اشاره کرد. حمایت‌های فنی از بنگاه‌های کوچک و متوسط بیشتر توسط بخش خصوصی و از ناحیه بنگاه‌های مادر،^۱ عرضه‌کنندگان تجهیزات و یا بنگاه‌های فعال در یک رشته صنعتی صورت می‌پذیرد. در عرصه حمایت‌های بازاریابی در حوزه‌هایی که پیمانکاران فرعی شکل یافته‌اند، حضور کم‌رنگی از دولت نیز دیده می‌شود. در این میان بیشتر فعالیت‌ها برعهده شرکت‌های مادر، شرکت‌های تجاری و خانه‌های تجارت است؛ اما حضور دولت در حمایت‌های مالی به‌صورت حمایت‌های مستقیم و اعطای وام‌های بدون بهره کاملاً مشهود است.

حمایت از بازاریابی برخلاف سایر حمایت‌ها، همانند حمایت‌های فنی که دولت می‌تواند در معرفی فناوری‌های جدید نقش مهمی ایفا کند، کمی پیچیده به‌نظر می‌رسد. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، حضور دولت در عرصه بازاریابی بنگاه‌های کوچک و متوسط در شرایطی که پیمانکاران فرعی شکل گرفته‌اند، زیاد چشمگیر نیست؛ اما دولت در بازارهای جدید و شکل‌گیری تولید جدید، نقش فعالی را برای بازاریابی کالای نهایی^۲ برعهده می‌گیرد. همان‌گونه که از ادبیات بازاریابی قابل استنباط است، بازاریابی برای کالای نهایی از کالای واسطه‌ای مشکل‌تر است. در این میان خانه‌های تجارت نقش مهمی را در بازاریابی کالای نهایی برعهده دارند درحالی‌که بازاریابی کالای واسطه‌ای عمدتاً مبتنی بر پیمانکاران فرعی و شبکه‌های تولید محلی است.

بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل ماهیت ساختار خود فاقد امکانات لازم برای بازاریابی هستند؛ لذا در کشور ژاپن، شرکت‌های مادر، بنگاه‌های فعال در یک زنجیره تولید و پیمانکاران فرعی به همراه نهادهایی چون جترو^۳ و انجمن‌های صنعتی، وظیفه بازاریابی

1. Parent Company
 2. Final Product
 3. Japan Exporting Trade Organization (JETRO)

را برعهده دارند.^۱ درحقیقت دولت در مواردی که ساختارهای پیمانکاری فرعی به‌خوبی به یکدیگر پیوند خورده و عملکرد خوبی از خود نشان داده‌اند، جایگاه چندانی ندارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع نقش اصلی نهادهای حمایتی در ساختار اقتصاد ژاپن در ترکیبی از کمک و فشار نهفته شده که لحظه به لحظه بیم و امید را در کالبد اجتماعی بنگاه‌های کوچک و متوسط تزریق می‌کند.

۴-۹-۵ جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد اندونزی^۲

۴-۹-۵-۱ گسترش پیمانکاری فرعی در سطح صنایع کوچک اندونزی

صنایع کوچک پیمانکار از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی و با شروع سومین برنامه پنج‌ساله توسعه صنعتی-اقتصادی اندونزی مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار گرفت. با توجه به نابرابری قدرت رقابت بین صنایع بزرگ و صنایع کوچک و استفاده غیرمتوازن صنایع کوچک و بزرگ از امکانات مالی و فنی، تکنولوژیکی و بازاریابی که باعث افزایش فشار بر روی صنایع کوچک گردید، برنامه‌ریزان صنعتی و اقتصادی اندونزی تصمیم گرفتند تا از طریق راهکارهای جامع (به‌کارگیری برنامه‌های تشویقی) علاوه بر توسعه قدرت عملکرد صنایع کوچک بتوانند از راه توسعه و افزایش حجم همکاری‌های پیمانکاری بین صنایع کوچک و بزرگ، فاصله یا شکاف موجود را بین این دو بخش مهم در صنعت کاهش دهند. طبق آمار سال ۱۹۹۶ به‌طور کلی در تمامی بخش‌های صنعتی حدود ۴۴/۱ درصد از کل تولیدات صنعتی ساخته شده در صنایع بزرگ توسط واحدهای صنعتی کوچک پیمانکار ساخته شد. در این میان صنایع خودروسازی و صنایع الکترونیک از بیشترین تعداد واحدهای کوچک صنعتی پیمانکار برخوردار هستند.

در سال ۱۹۹۱ و با شروع پنجمین برنامه پنج‌ساله توسعه صنعتی-اقتصادی در اندونزی، دولت به تأسیس صندوق ویژه‌ای به نام «صندوق اعتبارات خاص» برای صنایع کوچک پیمانکار اقدام کرد. طبق دستور دولت، بانک‌های تجاری موظف شدند تا ۴۵

۱. تدبیر، ۱۳۸۲، صص ۶۷-۷۰.

درصد از کل سقف صندوق را پر کنند، سهم صنایع کوچک پیمانکار ده درصد از کل موجودی صندوق، سهم صنایع بزرگ ۲۵ درصد و سهم دولت نیز بیست درصد خواهد بود.

۲-۵-۹-۴ مدل‌های همکاری صنایع کوچک با صنایع بزرگ

الف) پیمانکاری مستقیم

در این نوع همکاری، صنایع بزرگ در پی افزایش حجم تقاضا و همچنین برای کاهش هزینه‌های تولیدی، مستقیماً به دنبال استفاده از ظرفیت‌های خالی صنایع کوچک و متوسط هستند و قراردادهای همکاری به‌طور مستقیم و بدون واسطه بین صنایع بزرگ و واحدهای صنعتی کوچک منعقد خواهد شد. پس از پایان مدت قرارداد هیچ‌گونه تعهدی مبنی بر ادامه همکاری برای طرفین وجود ندارد. همچنین هیچ‌گونه تعهدی از طرف کارخانه‌های بزرگ مبنی بر ارائه کمک‌های فنی و در اختیار گذاشتن مواد اولیه و ماشین‌آلات نیز وجود نخواهد داشت. حجم این‌گونه قراردادها در اندونزی نسبتاً بیش از ۴۵ درصد از کل قراردادهای پیمانکاری را شامل می‌شود. صنایع فلزی و صنایع غذایی از عمده بخش‌های صنعتی هستند که از این مدل استفاده می‌کنند.

ب) پیمانکاری شبکه‌ای

اندونزی از شروع پنجمین برنامه پنج‌ساله توسعه صنعتی-اقتصادی به‌منظور کاهش فاصله و شکاف بین صنایع کوچک و بزرگ، ترویج گسترش پیمانکاری‌های تولیدی بین صنایع کوچک و بزرگ را در سرلوحه کار خود قرار داد. در این مدل همکاری، دولت امکانات مناسبی از جمله راه‌اندازی «صندوق ویژه اعتبارات تضمینی» و قانونمند کردن وظایف هریک از طرفین قرارداد نسبت به یکدیگر را مدنظر قرار داده است.

ج) مدل همکاری تولیدی-صنعتی مشترک

دولت اندونزی از سال ۱۹۹۳ میلادی مدل نوینی را برای گسترش دامنه همکاری‌های تولیدی-صنعتی بین صنایع کوچک و بزرگ معرفی کرد. طبق این مدل کارخانجات بزرگ به همراه تعداد مشخصی از واحدهای صنعتی کوچک، یک شرکت مستقل تولیدی تأسیس خواهند کرد که با استفاده از امکانات فنی-تکنولوژی، نیروی انسانی و نوآوری‌های صنعتی هر دو طرف نسبت به تولید کالا یا محصول خاصی تحت یک نام جدید اقدام

خواهند کرد. درحقیقت هدف دولت اندونزی از ارائه این مدل همکاری، استفاده بیشتر صنایع کوچک پیمانکار از سود محصولاتی است که با همکاری این واحدها در صنایع بزرگ تولید و به فروش می‌رسند.

سرمایه‌گذاری در شرکت جدید به صورت چهل درصد از طرف صنایع کوچک و شصت درصد از طرف صنایع بزرگ تأمین خواهد شد که هر دو طرف می‌توانند از صندوق ویژه اعتبارات و بانک‌های تجاری وام دریافت کنند. در این مدل همکاری دولت اندونزی تخفیف‌های ویژه مالیاتی، آموزش نیروی انسانی، حمایت از بازاریابی، کمک‌های فنی-تکنولوژیکی، تأمین مواد اولیه کمیاب و معافیت‌های سود بازرگانی نسبت به واردات ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های مورد نیاز از خارج کشور را به عنوان مشوق‌های لازم ارائه می‌کند.

د) مدل شرکت‌های سهامی متشکل از صنایع کوچک

اندونزی از سال ۱۹۹۵ مدل ایجاد شرکت‌های سهامی را گسترش داد. براساس این مدل، واحدهای کوچک صنعتی نسبت به ایجاد شرکت تولیدی با مالکیت سهامی اقدام می‌کنند که چهل درصد از سرمایه توسط عرضه سهام و فروش به افراد حقیقی و شصت درصد مابقی توسط سرمایه‌گذاران اصلی (واحدهای کوچک صنعتی) تأمین خواهد شد. این شرکت‌های سهامی براساس تقسیم کار و طراحی ساخت قطعات مختلف به طور مشترک به تولید کالا یا محصولات اقدام می‌کنند. از دلایل اصلی دولت اندونزی در حمایت از این نوع شرکت‌ها، کمک به صنایع کوچک برای افزایش توانمندی‌ها و تولید کالاهایی با ارزش افزوده بالا، قابل رقابت با تولیدات صنایع بزرگ و در نهایت تولید کالاهای سرمایه‌بر صادراتی است. گفتنی است تمامی حمایت‌های دولت از شرکت‌های پیمانکاری شبکه‌ای و مدل همکاری تولیدی-صنعتی مشترک برای این نوع از شرکت‌های سهامی نیز اعمال می‌شود.

۳-۵-۴ نحوه حمایت دولت اندونزی از صنایع کوچک خوداشتغالی^۱

از شروع دومین برنامه پنج‌ساله توسعه صنعتی در سال ۱۹۷۵ میلادی، دولت اندونزی

برنامه‌های کلان و اجرایی را درخصوص حمایت از صنایع کوچک خوداشتغالی به اجرا درآورد که طی برنامه‌های پنج‌ساله بعدی، برنامه‌های حمایت از توسعه و گسترش صنایع کوچک خوداشتغالی گسترده‌تر شده است. در قانون اندونزی، صنایع کوچک خوداشتغالی به واحدهایی اطلاق می‌گردد که در یکی از زمینه‌های صنعتی (تولید مستقل یا تولید بخشی از کالای صنعتی) با استفاده از یک تا حداکثر چهار نفر نیروی انسانی فعالیت داشته باشند.

الف) تأمین سرمایه اولیه برای راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی و نیمه‌تولیدی تا سقف ۶۵ درصد از کل هزینه پروژه تا پایان برنامه سوم پنج‌ساله و از سال ۱۹۸۶ به بعد (از برنامه چهارم) به ۷۵ درصد از کل هزینه پروژه‌ها رسیده است که از طریق وام‌هایی با نرخ بهره متفاوت برای مناطق مختلف توسط بانک مرکزی اندونزی، بانک مردمی (بانک تعاونی) و سایر بانک‌های بازرگانی تأمین مالی می‌شود.

ب) آموزش نیروی انسانی (نیروی کارگری و تکنسین) در مراکز آموزش فنی-حرفه‌ای که برای مناطق محروم بدون دریافت شهریه و برای سایر مناطق با دریافت شهریه و شرایط پرداخت آسان از طریق وام آموزشی صورت می‌گیرد.

ج) آموزش مدیریتی برای کارآفرینان واحدهای صنعتی کوچک خوداشتغالی با شرایط بند «۳-۲».

د) تأمین ماشین‌آلات و سایر تجهیزات هسته‌های خوداشتغالی از طریق واگذاری نیازهای فنی و اجاره بلندمدت و یا فروش ماشین‌آلات دست دوم کارخانجات دولتی به واحدهای خوداشتغال.

ه) ارائه مشاوره‌های فنی-مدیریتی و بازاریابی از طریق سازمان‌های مسئول. (و) ایجاد بانک‌های گسترده اطلاعاتی شامل شبکه‌های اطلاع‌رسانی درخصوص بازاریابی، بازاریابی، فرصت‌های شغلی، فرصت‌های پیمانکاری و راهنمایی لازم در مورد استفاده از قوانین مالی-مالیاتی.

ز) تأمین نیازهای مالی از طریق وام‌های متفاوت با شرایط آسان بازپرداخت و بهره مناسب.

ح) ارائه تخفیف‌های مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی.

ط) تقویت و تشویق آن گروه از صنایع کوچک خوداشتغالی که از توانمندی‌ها و قابلیت‌های انسانی و تکنولوژیکی بالایی در انجام پیمانکاری با واحدهای صنعتی کوچک پیشرفته داخلی و خارجی و واحدهای بزرگ صنعتی برخوردار هستند.

ی) تأکید و الزام بر ایجاد سازمان‌های صنعتی دولتی برای استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در واحدهای خوداشتغال.

ک) تشویق سرمایه‌گذاران و تقویت واحدهای صنعتی خوداشتغالی در بخش‌های صنعتی مانند صنایع تبدیل فراورده‌های کشاورزی و فراورده‌های جنگلی به تولید کالاهایی با ارزش افزوده بالاتر.

ل) تشویق و حمایت از ایجاد تشکل‌های صنعتی-پیمانکاری بین واحدهای صنعتی کوچک خوداشتغالی.

۴-۹-۶ رویکرد سیاست‌های حمایتی و نقش سازمان‌های حمایت‌کننده از صنایع کوچک و متوسط در کانادا^۱

براساس تعریف وزارت صنایع کانادا، بنگاه‌های تولیدی با کمتر از صد نفر کارکن به‌عنوان بنگاه‌های کوچک تلقی می‌شوند و بنگاه‌های دارای بیشتر از صد نفر کارکن تا مرز پانصد نفر کارکن نیز بنگاه متوسط محسوب می‌گردند.

۴-۹-۶-۱ سازمان‌ها و مؤسسات حمایت‌کننده از بنگاه‌های کوچک و متوسط در کانادا سازمان‌ها و نهادهای مربوط به توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کانادا در چارچوب فدرال و استانی تشکیل شده و در حوزه‌های زیر فعالیت می‌کنند:

- حمایت‌های کلیدی، قانونی و اطلاع‌رسانی،
- تأمین منابع انسانی،
- توسعه صادرات،
- خدمات مربوط به مالیات،
- مدیریت و توسعه مهارت‌ها،

- علوم تکنولوژی و نوآوری،
- مهارت‌های مربوط به تجارت الکترونیکی،^۱
- آشنایی با قوانین فدرال، نحوه انجام کار و معامله با دستگاه‌های فدرال.
سازمان‌ها و نهادهای حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در کانادا عمدتاً عبارت‌اند از:

الف) وزارت صنایع کانادا

در حوزه دولت فدرال سیاست‌گذاری و برنامه‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط وزارت صنایع کانادا در چارچوب پرتفلیوی صنعتی^۲ که دربرگیرنده ۱۳ سازمان دولتی است تعیین، ابلاغ و هماهنگ می‌شود.
حوزه ستادی وزارت صنایع کانادا نقش مرکزی در توسعه سیاست‌های مربوط به بخش صنعت داشته و دارای زیربخش‌های تخصصی است. وزارت صنایع کانادا تنها نهاد در دولت فدرال است که مسئول نظارت بر فعالیت این بنگاه‌ها در مناطق مختلف و زیربخش‌های صنعتی بوده و تحولات بازار را نیز زیر نظر دارد.

ب) سازمان‌های فعال توسعه در مناطق و استان‌ها^۳

زیر نظر وزارت صنایع کانادا چهار سازمان یا دپارتمان با مسئولیت توسعه اقتصادی در مناطق و با تکیه خاص بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل شده است. این سازمان‌ها با همکاری با دولت‌های استانی و مسئولان استانی به منظور ارائه حمایت‌های مالی و حمایتی با توجه به مقتضیات هر منطقه، برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند.

ج) بانک توسعه کسب‌وکار کانادا

این بانک کاملاً دولتی و دارای نقش اصلی در اعمال سیاست‌های دولت در حوزه توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط است و به‌عنوان بازوی اصلی دولت و بانک تخصصی این بنگاه‌ها

1. E-commerce.
2. Industrial Portfolio
3. Regional Development Agencies

در بازار مالی عمل می‌کند. این بانک با به‌کارگیری سرمایه اولیه و سودهای عملیاتی سالانه خود و نیز با تأمین منابع مالی از بازار و تضمین دولت به‌عنوان مکمل بانک‌ها و مؤسسات مالی بخش خصوصی در حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط عمل می‌کند. این بانک حق دریافت سپرده ندارد و تنها از طریق سود حاصله از خدمات ارائه شده اداره می‌شود.

د) بانک توسعه صادرات کانادا

این بانک دولتی بوده و زیر نظر وزارت امور خارجه و تجارت بین‌المللی کانادا اداره می‌شود. بانک توسعه صادرات کانادا به‌صورت اختصاصی فقط با صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران کانادایی در بازارهای دیگر خدمات می‌دهد. این بانک تخصصی به صادرکنندگان در جهت ارزیابی بازارهای هدف و نیز مدیریت شرایط پیچیده و پرریسک بازارها کمک کرده و به‌عنوان پوشش‌دهنده ریسک صادرات عمل می‌کند. در سال ۲۰۰۱ قراردادهای صادراتی و سرمایه‌گذاری به مبلغ ۴۵ میلیارد دلار کانادا از طریق این بانک سامان‌دهی شده‌اند و نود درصد مشتریان این بانک بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده‌اند.

ه) شورای تحقیقات ملی

این شورا که بخشی از پرتفلیوی صنعتی است و به‌عنوان پیشروترین مؤسسه تحقیق و توسعه در کانادا و بازوی مؤثر در توسعه نوآوری‌ها و توسعه اقتصادی مبتنی بر علم و تکنولوژی فعالیت دارد، با انجام تحقیقات کانونی و هدفمند از طریق همکاری با بخش‌های صنعتی، دانشگاه‌ها و سایر بخش‌های دولتی به‌عنوان بازیگر اصلی در نظام نوآوری کانادا عمل کرده و در این مهم به تهیه توصیه‌های استراتژیک مبادرت می‌ورزد. شورای تحقیقات ملی در چارچوب شبکه تکنولوژی کانادا و برنامه تسهیل تحقیقات صنعتی کانادا با بنگاه‌های اقتصادی در زمینه توسعه کالاها و فرایندهای تولید بنگاه‌ها همکاری می‌کند.

و) مراکز ارائه‌دهنده خدمات متمرکز

این مراکز زیر نظر وزارت صنایع کانادا فعالیت داشته و دسترسی به اطلاعات، خدمات و برنامه‌های ارائه شده توسط تمام سطوح دولت را برای بنگاه‌ها تسهیل می‌کنند. این مراکز نمودار عینی همکاری و هماهنگی مؤسسات فدرال با مسئولان و مؤسسات استانی در جهت

توسعه فعالیت بنگاه‌ها به‌شمار می‌روند و مورد مراجعه روزمره کارآفرینان محسوب می‌شوند.

ز) شرکت‌های مسئول توسعه محلی

بیش از ۲۵۰ شرکت از این نوع در سراسر کانادا فعال هستند. این شرکت‌های عام‌المنفعه به‌منظور کمک به توسعه اقتصادی مناطق پراکنده روستایی تشکیل شده و توسط اعضای هیئت مدیره افتخاری اداره می‌شوند. این شرکت‌ها در ابتدای تأسیس، مبلغ ۱/۵ میلیون دلار به‌عنوان سرمایه اولیه از دولت دریافت کرده و سالانه نیز مبلغ دویست هزار دلار به‌عنوان کمک هزینه به آنها پرداخت می‌شود. وظیفه اصلی این شرکت‌ها کمک به توسعه اقتصاد محلی از طریق ارائه کمک‌های مالی و فنی و مدیریتی کسب‌وکار کوچک است.

ح) تشکل‌های مستقل کسب‌وکار

این تشکل‌ها دارای شبکه سراسری در کانادا بوده و هفتاد هزار بنگاه کوچک و متوسط در این تشکل‌ها عضویت دارند.

این تشکل‌ها به‌عنوان مدافع صنایع کوچک و متوسط، نظرات آنها را مرتباً به دولت منعکس کرده تا قوانین در جهت توسعه و حمایت از این بنگاه‌ها اصلاح شود. برای دستیابی به این هدف تشکل‌های مستقل کسب‌وکار به‌طور مداوم بررسی‌ها و تحقیقات لازم را به‌عمل آورده و هم‌زمان خدمات مشاوره مدیریتی به اعضا ارائه می‌دهد.

ط) اتاق بازرگانی کانادا

اتاق بازرگانی کانادا به‌عنوان بزرگ‌ترین تشکل سراسری و نماینده بنگاه‌ها در هر اندازه‌ای بوده و در تمامی تشکل‌های کوچک منطقه‌ای در سراسر کانادا نقش دارد. این اتاق به‌عنوان وکیل و حامی کسب‌وکار، بعضاً طرف مقابل دولت قرار گرفته و در جهت تسهیل شرایط رقابتی، سودآوری و تولید اشتغال با دولت همکاری دارد.

۲-۹-۴ برنامه‌های عمده حمایتی از صنایع کوچک و متوسط در کانادا

درحالی‌که سیاست‌گذاری کلان به‌طور یکنواخت شرایط را برای تمامی بنگاه‌ها صرف‌نظر از اندازه بنگاه‌ها مساعد می‌کند، دولت با توجه خاص به بنگاه‌های کوچک و متوسط، سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی ویژه‌ای برای هموار کردن توسعه این بنگاه‌ها و رفع

موانع محیطی و مقرراتی دنبال می‌کند که به شرح زیر است:

الف) قانون تأمین منابع مالی برای بنگاه‌های کوچک

براساس این قانون دولت وام بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و سایر مؤسسات فعال و معتبر مالی را برای صاحبان کسب‌وکار کوچک تضمین می‌کند. براین اساس خرید یا بازسازی ماشین‌آلات و یا تجهیز امکانات بنگاه‌ها تا مرز نود درصد و تا سقف ۲۵۰ هزار دلار تأمین مالی می‌شود.

ب) ایجاد سایت اطلاعاتی استراتژی

این سایت وابسته به وزارت صنایع کانادا بوده و در سطح گسترده‌ای استفاده می‌شود. این سایت به‌عنوان اولین و معتبرترین منبع مورد مراجعه توسط کارآفرینان و مدیران بنگاه‌های صنعتی و خدماتی و محققان قرار می‌گیرد. در این سایت، اطلاعاتی جامع درخصوص ۱۷۵۰۰۰ شرکت ثبت شده در کانادا، آمار و اطلاعات تجاری و سرمایه‌گذاری، تحلیل‌های مرتبط به بازار گروه‌های کالایی زیربخش‌های صنعتی، فهرست اتحادیه‌های ذی‌ربط هر صنعت، ابداعات تکنولوژیک، سیاست‌های راجع به بنگاه‌های کوچک و متوسط، مقررات و دستورالعمل‌های دولتی درخصوص ثبت و اخذ مجوزهای خاص و تغییرات قوانین، منابع و مأخذ آموزشی و فرصت‌های شغلی در دسترس است.

ج) نمایندگانه‌های اطلاع‌رسانی برای کسب‌وکارهای کوچک

در چند سال گذشته، دولت در چارچوب یک ابتکار بسیار مفید و مؤثر در هر فصل در یکی از شهرهای بزرگ کانادا نمایندگانه‌ی جهت اطلاع‌رسانی به بخش صنایع کوچک و متوسط تشکیل داده است. در این نمایندگانه‌ها تمامی نهادها و مؤسسات سیاست‌گذار، حامی و اطلاع‌رسانی مربوط به این بنگاه‌ها دارای غرفه و نماینده هستند. به‌طور هم‌زمان سمینارها و میزگردهای تخصصی به‌موازات برقراری نمایندگانه تشکیل می‌گردد.

د) برنامه توسعه تحقیقات و آزمایشگاه‌های علمی

این برنامه شامل انگیزه معافیت‌های مالیاتی برای بنگاه‌هایی است که در زمینه تحقیقات هزینه می‌کنند. هدف این برنامه تشویق بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌ویژه در شروع

فعالیت جهت انجام تحقیقات برای بهبود تکنولوژی و نوآوری‌های تولید است.

ه) برنامه کمک به تحقیقات صنعتی

این برنامه توسط شورای تحقیقات ملی کانادا ابداع شده و به دنبال ارائه کمک‌های مشاوره‌ای فنی به بنگاه‌های کوچک و متوسط است. برنامه کمک به تحقیقات صنعتی با به‌کارگیری دوپست مشاور علمی در نود نقطه در سراسر کانادا انجام می‌شود.

و) شرکت تیم کانادا^۱

این شرکت توسط دولت کانادا به‌منظور پاسخ‌گویی به نیاز شرکت‌های کانادایی علاقمند ورود به بازارهای خارجی تأسیس شده است. شرکت تیم کانادا با همکاری مؤسسات مرتبط دولتی فدرال و استانی، به شرکت‌های کوچک در مراحل بازاریابی، تهیه پیشنهاد صادرات و آموزش تخصصی کمک می‌کند. این شرکت همچنین بنگاه‌های کوچک و متوسط را برای مشارکت در نمایشگاه‌های خارجی، همراهی با هیئت‌های تجاری، شناسایی طرف‌های مناسب در بازارهای هدف راهنمایی می‌کند.

۷-۹-۴ رویکرد سیاست‌ها و نهادهای حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در آلمان^۲

در آلمان از دو معیار تعداد کارکنان و میزان گردش مالی سالانه بنگاه‌ها برای شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده می‌شود. براساس معیار تعداد کارکنان، بنگاه‌هایی کوچک و متوسط شمرده می‌شوند که تعداد کارکنان آنها کمتر از پانصد نفر باشد. براساس این تعریف بنگاه‌هایی که تعداد کارکنان آنها حداکثر صد نفر باشد بنگاه کوچک و بنگاه‌های دارای صد تا پانصد نفر کارکن نیز بنگاه متوسط محسوب می‌شوند. براساس معیار گردش مالی، بنگاه‌هایی که گردش مالی آنها کمتر از پانصد هزار مارک باشد، بنگاه کوچک و بنگاه‌هایی که گردش مالی آنها کمتر از پنجاه میلیون مارک در سال باشد به‌عنوان بنگاه متوسط تعریف می‌شود.

1. Team Canada Inc

۲. تدبیر، ۱۳۸۳، صص ۴۹-۵۲.

براساس آمارهای ارائه شده ۹۹/۳ درصد از شرکت‌های آلمانی را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند و حداقل ۳/۲ میلیون بنگاه کوچک و متوسط در آلمان فعالیت دارند. این بنگاه‌ها حدود پنجاه درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را ایجاد می‌کنند و موتور توسعه، محرک نوآوری، رقابت و از مهم‌ترین عوامل ایجاد اشتغال در بازار کار آلمان هستند. به طوری که در حال حاضر بیش از ۲۰ میلیون نفر در بنگاه‌های کوچک و متوسط اشتغال دارند که این رقم هفتاد درصد از کل شاغلان در اقتصاد آلمان را دربرمی‌گیرد.

۱-۷-۹-۴ نقش نهادها در اجرای سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط در آلمان

در جمهوری فدرال آلمان حداقل ده نهاد مختلف به طرق مستقیم و غیرمستقیم از بنگاه‌های کوچک و متوسط حمایت می‌کنند. عملکرد این نهادها به گونه‌ای است که اقدامات هریک از آنها تکمیل‌کننده اقداماتی است که توسط سایر نهادها صورت می‌گیرد. در اینجا از میان نهادهای متعددی که برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در آلمان وجود دارد به معرفی و بررسی عملکرد چند نهاد مهم پرداخته می‌شود:

الف) اتاق صنایع و بازرگانی

در ۸۳ شهر آلمان، اتاق صنایع و بازرگانی وجود دارد و تمام شرکت‌های آلمانی براساس قانون، عضو اتاق هستند. تعداد این شرکت‌ها ۳/۳ میلیون واحد است. مهم‌ترین وظایف اتاق صنایع و بازرگانی عبارت‌اند از:

۱. وظیفه نخست اتاق، دفاع از منافع اقتصادی اعضا، حمایت و تشویق اعضا و ارائه خدمات به آنها به‌ویژه در رابطه با خارج از کشور است. در دستیابی به این وظیفه اتاق باید منافع کل اقتصاد را در نظر بگیرد. بدین معنا که اگر در یکی از مناطق فدرال مشکلی به‌وجود آید و یا دولت بخواهد درباره مالیات‌ها تصمیماتی اتخاذ کند، اتاق‌ها به دفاع از شرکت‌ها می‌پردازند و اتاق کل نیز در خصوص این موضوعات نظرات خود را به دولت اعلام می‌کند. اظهار نظر اتاق مبتنی بر دو ویژگی است: اول جامع بودن نظرات و دوم حفظ توازن در اظهار نظرها است.

۲. دومین وظیفه مهم اتاق که بیشتر جنبه دولتی دارد، آموزش و آزمون است. اتاق درباره اغلب رشته‌هایی که در نظام آموزشی دوگانه آلمان (آموزش‌های نظری و عملی) هم روی محتوای برنامه‌ها و دروس نظر می‌دهد و هم برای یکسان‌سازی و استاندارد کردن آموزش‌ها، برگزاری آزمون را به‌عنوان یک نهاد بی‌طرف به عهده می‌گیرد. به‌این‌ترتیب فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی که آزمون‌های استاندارد اتاق را با موفقیت پشت‌سر گذاشته‌اند به سهولت در رشته تخصصی خود جذب بازار کار در اقتصاد آلمان می‌شوند.

۳. از دیگر وظایف اتاق ایجاد رابطه با خارج از کشور به‌ویژه در امر صادرات و واردات است. از این‌رو اتاق در کنار دولت، خدمات مختلفی را در اختیار صنعت و بازرگانی به‌صورت مستقل قرار می‌دهد. اتاق کل صنایع و بازرگانی به‌ویژه در خصوص سیاست مالیاتی دولت، نحوه کاهش مالیات افراد و شرکت‌ها، طرف مشورت دولت قرار می‌گیرد و نظرات کارشناسی در زمینه‌های مربوط ارائه می‌کند.

۴. اتاق صنایع و بازرگانی به‌عنوان میانجی بین کارگران و کارفرمایان نیز عمل می‌کند. از آنجا که ۹۹ درصد شرکت‌های عضو اتاق را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند؛ بنابراین کار اصلی این اتاق‌ها در ارتباط با بنگاه‌های کوچک و متوسط است و با توجه به تنوع بسیار زیاد در این بنگاه‌ها، سیاست کلی اتاق بر دفاع از مصالح همگانی این بنگاه‌ها استوار است. از این‌رو اتاق همواره در مسائل کلی نظرات مصلحتی می‌دهد و به دنبال ایجاد قوانین و شرایطی است که سرمایه‌گذار و نیروی کار هر دو احساس اطمینان کنند. ۵. علاوه بر موارد فوق اتاق بازرگانی آلمان با سایر نهادهایی که در زمینه حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط فعالیت می‌کنند، نظیر وزارت اقتصاد و تکنولوژی و بانک تسویه نیز همکاری می‌کند. این همکاری به‌صورت برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌هایی در راستای منافع بنگاه‌های کوچک و متوسط از جمله چگونگی تأمین مالی بنگاه‌ها، بازار کار، سیاست‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط، سیاست‌های مالیاتی و مبادله اطلاعات است.

(ب) بانک تسویه

با توجه به سهم بزرگی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد آلمان دارند، بانک تسویه عملاً در جهت پشتیبانی از این بنگاه‌ها و در راستای خط‌مشی دولت در این

خصوص عمل می‌کند. عمده‌ترین خط‌مشی دولت آلمان در حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط عبارت‌اند از:

۱. ارتقای کارآفرینی و تلاش برای ایجاد بستر مناسب برای آن،
۲. کاهش مالیات و سایر الزامات بوروکراتیک،
۳. ایجاد شبکه‌هایی برای ایجاد ارتباط بین بنگاه‌ها با دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی،
۴. توسعه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی.

در راستای خط‌مشی فوق، بانک تسویه با اعطای وام‌های کوتاه‌مدت مبتنی بر برنامه شرکت‌ها، مشارکت، ارائه تضمین‌های لازم، ارائه مشاوره‌های مالی و ایجاد آژانس‌های مشارکتی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به بهبود وضع اقتصادی کشور کمک می‌کند. برای تحقق این هدف بانک تسویه در زمینه ایجاد بنگاه‌های جدید و کمک به کارآفرینان، کمک به رشد بنگاه‌های موجود، حمایت از نوآوری‌های فنی و تکنولوژیک و حمایت از کارآموزی‌ها و انجام آموزش‌های پیشرفته در این بنگاه‌ها خدماتی ارائه می‌دهد. یکی از اصلی‌ترین شرایط بانک تسویه برای واگذاری تسهیلات مالی به بنگاه‌ها «ارائه برنامه کسب‌وکار»^۱ توسط این بنگاه‌ها است. این برنامه به‌دقت مورد بررسی بانک قرار می‌گیرد و به صرفه بودن آن به لحاظ اقتصادی، ایجاد اشتغال، نوآوری و غیره مبنای ارائه تسهیلات بانکی است. براساس آمارهای موجود به‌طور متوسط حدود سی درصد بنگاه‌های جدید در پنج سال اول فعالیت خود ورشکست می‌شوند. این آمارها در خصوص بنگاه‌هایی که از تسهیلات بانک تسویه استفاده می‌کنند فقط ده درصد است. بنابراین بنگاه‌هایی که از کمک‌های بانک تسویه استفاده می‌کنند از شانس بیشتری برای بقا و ادامه فعالیت برخوردارند.

ج) مؤسسه تحقیقات بنگاه‌های کوچک و متوسط

مؤسسه تحقیقات بنگاه‌های کوچک و متوسط، خصوصی و مورد حمایت دولت است که علاوه بر دولت فدرال از حمایت دولت‌های ایالتی و محلی نیز برخوردار است. وظیفه اصلی این مؤسسه بررسی مشکلات و مسائل مرتبط با بنگاه‌های کوچک و متوسط و برقراری

پیوند بین دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی و پژوهشی با اقتصاد خصوصی و اتحادیه‌های مختلف است. در این مرکز بانک اطلاعات مربوط به پژوهش‌های انجام شده وجود دارد و این امر به مؤسسه اجازه می‌دهد تا مشکلات پیش روی بنگاه‌های کوچک و متوسط را پیش‌بینی کرده و برای رفع آنها چاره‌اندیشی کند. در هر شش ماه وضعیت اقتصادی بنگاه‌های کوچک و متوسط مورد بررسی قرار گرفته و گزارش‌های لازم تهیه می‌شود. همچنین تحقیقاتی درباره موضوعات مهم از جمله اشتغال نیز در این مرکز صورت می‌گیرد. دانش انباشته و سازمان‌یافته در این مرکز در پیش‌بینی به‌موقع تحولات آینده و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن بسیار مؤثر است.

بررسی مسئله انتقال دانش و فناوری به سایر کشورها از جمله کارهایی است که این مرکز از طریق محققان و پژوهشگران خارجی که با نحوه کار در آلمان آشنایی دارند، به انجام می‌رساند.

د) خانه اقتصاد B.B.W^۱

در سال ۱۹۷۲ انجمن‌های کارفرمایان و بازرگانان برلین، این سازمان آموزشی غیرانتفاعی را بنیان نهادند. این مؤسسه هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین مراکز آموزش مدیریت در آلمان محسوب می‌شود. وظیفه اصلی این مؤسسه شرکت در برنامه‌های بین‌المللی و کمک به توسعه توانایی‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق آموزش‌های مدیریت و خدمات مشاوره مالی است. به همین دلیل خانه اقتصادی B.B.W در پروژه‌های مربوط به تغییر ساختار صنایع در اروپا با توجه ویژه به مهارت‌های جدید و قابلیت‌های مورد نیاز برای این تغییرات و نیز کمک به توسعه ابزارهای جدید آموزشی که متناسب با این نیاز باشد، براساس برنامه‌های اتحادیه در بخش‌های مختلف فعالیت می‌کند.

محور دیگر فعالیت B.B.W تمرکز بر روی برنامه‌های ADAPT است. هدف از این برنامه ایجاد شبکه‌هایی از بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیز شرکت‌های بزرگ با دانشگاه‌ها و سازمان‌های آموزشی به‌منظور بهبود و توسعه انتقال دانش به بنگاه‌های

1. Bundesamt for Bildung and Wissaenschaft (BBW)

کوچک و متوسط در زمینه محصولات جدید و نیز مدیریت تولید محصولات جدید، تولید و فروش به منظور حفظ قدرت رقابت بنگاه‌های کوچک و متوسط در بازارهای مالی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این مؤسسه با حمایت بخش‌های صنعت و تجارت اقدام به برگزاری دوره‌های کاربردی آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش‌های تخصصی و تکمیلی می‌کند. در کنار این آموزش‌ها، این مؤسسه در پیدا کردن کارکنان واجد شرایط نیز به بنگاه‌های کوچک و متوسط کمک می‌کند.

۴-۱۰ وجوه اشتراک جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی کشورهای مورد مطالعه

در قبال صنایع کوچک و متوسط

با نگاهی به جهت‌گیری سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کشورهای کره جنوبی، تایوان، مالزی و اندونزی می‌توان وجوه اشتراک سیاست‌های حمایتی در این کشورها را به حمایت‌های مالی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری، تقویت بازاریابی و صادرات، بسترسازی برای توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط، ایجاد همکاری بین صنایع کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ و گسترش پیمانکاری فرعی و ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی به صنایع کوچک و متوسط تقسیم‌بندی کرد.

۴-۱۰-۱ حمایت مالی و مالیاتی

حمایت‌های مالی و مالیاتی یکی از ابزارهای اصلی و جدایی‌ناپذیر در زمینه سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف و به خصوص کشورهای مورد مطالعه مانند کره جنوبی، تایوان، مالزی و اندونزی محسوب می‌شود؛ اما نحوه حمایت مالی در این کشورها متفاوت بوده و بیشتر به استراتژی و سیاست‌گذاری‌های کلان آنها وابسته است، به همین دلیل در این کشورها حمایت‌های مالی و مالیاتی از صنایع کوچک و متوسط به روش‌های گوناگون صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از:

- کمک مالی و تضمین وام و اعتبار برای ایجاد ثبات اقتصادی،
- حمایت مالی از تأسیس کسب‌وکارهای جدید،
- تأمین سرمایه و نقدینگی لازم برای راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی بنگاه‌های کوچک و متوسط،

- تأمین نیاز ارزی به صورت وام،
- تأمین اعتبارات برای صادرات، واردات و جذب سرمایه یا مشارکت‌های خارجی،
- اعطای معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی،
- اعطای وام ویژه به پیمانکاران صنعتی صنایع کوچک و متوسط،
- معافیت کامل عوارض گمرکی و سود بازرگانی برای واردات ماشین‌آلات مدرن،
- تکنولوژی جدید و تجهیزات تحقیق و توسعه،
- تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط برای برگزاری دوره‌های آموزشی،
- حمایت مالی به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط،
- حمایت مالی مستقیم و اعطای وام‌های بدون بهره،
- تأمین نیازهای مالی از طریق اعطای وام‌ها با نرخ بهره متفاوت، ارائه تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای حمایت از صنایع کوچک خوداشتغالی.

۲-۱۰-۴ افزایش قدرت رقابت‌پذیری

- تقویت قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط برای نفوذ در بازارهای جهانی به منظور صادرات محصولات تولیدی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل کشورهای مورد مطالعه اهتمام جدی به این امر دارند و رویکرد عمده آنها در زمینه تقویت و افزایش قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط به شرح زیر است:
- اصلاح ساختار بنگاه‌ها و حمایت از کاربرد فناوری اطلاعات،
 - تقویت همکاری بین بنگاه‌های کوچک و متوسط و نظارت بر روابط سالم بین این بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ،
 - پشتیبانی مالی از بنگاه‌های کوچک و متوسط،
 - جمع‌آوری نظرات بنگاه‌های کوچک و متوسط با هدف اصلاح قوانین،
 - تقویت توان رقابتی از طریق حمایت از نوآوری‌های تکنولوژیکی،
 - ارائه خدمات مشاوره‌ای و تأمین کارشناسان و متخصصان مورد نیاز.

۳-۱۰-۴ تقویت بازاریابی و صادرات

- بازاریابی مقوله‌ای است که برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به تنهایی امکان‌پذیر نیست و

این بنگاه‌ها اصولاً با تشکیل کنسرسیوم و یا ایجاد شبکه با صنایع بزرگ و برخورداری از مزایای برندهای^۱ معتبر (مارک یا علائم تجاری شرکت‌های بزرگ و معروف) سعی می‌کنند هزینه‌های بازاریابی را کاهش دهند و به این ترتیب به بازارهای جهانی نفوذ پیدا کنند. کشورهای مورد مطالعه برای دستیابی به هدف بازاریابی و صادرات، جهت‌گیری‌های حمایتی زیر را دنبال می‌کنند که عبارت‌اند از:

- حمایت از صادرکنندگان صنایع کوچک و متوسط،
- مساعدت در جلب سرمایه‌های خارجی،
- تقویت همکاری‌های بین‌المللی،
- ایجاد نظام شبکه خدمات رسانی (بازاریابی)،
- برنامه‌ریزی و ترغیب صنایع کوچک و متوسط در بازارهای تجاری بین‌المللی با تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا،
- حفظ بازارهای خارجی کنونی و تشویق صنایع کوچک و متوسط به توسعه بازار و دستیابی به بازارهای جدید،
- تلاش برای حفظ و تثبیت صنایع کوچک و متوسط در بازارهای خارجی سنتی،
- تقویت و گسترش ارتباط و همکاری صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ و شرکت‌های چندملیتی،
- کمک و حمایت از صنایع کوچک و متوسط برای دستیابی به قراردادهای صادراتی،
- انجام پژوهش‌های علمی- کاربردی و به‌کارگیری نتایج آنها در راستای حفظ و تقویت موقعیت در بازارهای جهانی،
- تقویت پیمانکاری فرعی و برخورداری از مزایای بازاریابی،
- حمایت از شکل‌گیری بازارهای جدید و نقش فعال دولت در بازاریابی کالای نهایی از طریق تأسیس خانه‌های تجارت، شرکت‌های مادر تخصصی و بنگاه‌های فعال در زنجیره تولید و پیمانکاران فرعی.

۴-۱۰-۴ بسترسازی برای توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط جدید

در کشورهای مورد مطالعه علاوه بر حفظ صنایع کوچک و متوسط موجود، تلاش می‌شود صنایع جدید توسعه و گسترش یابند و هدف این کشورها در امر توسعه صنایع جدید، تولید کالاهای جدید و با ارزش افزوده بالا و شکل‌گیری بازارهای جدید است. برای تأسیس صنایع جدید در این کشورها، رویکردهای مختلفی وجود دارد که به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

- کمک به تأسیس صنایع کوچک و متوسط جدید به طریق حمایت‌های قانونی، مالی و فیزیکی،
- ایجاد بستر مناسب برای تأسیس صنایع جدید به طریق حمایت از فعالیت کارآفرینان و تشویق خلاقیت و نوآوری،
- گسترش فرهنگ کارآفرینی،
- فراهم ساختن زیرساخت‌ها و ایجاد صنایع پیشرو مانند خودروسازی، الکترونیک، لوازم خانگی و غیره به‌منظور توسعه پیمانکاری فرعی،
- ایجاد ارتباط و همکاری عملی گسترده بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با صنایع و بنگاه‌های تولیدی،
- آموزش و تأمین نیازهای اطلاعاتی صنایع کوچک و متوسط.

۴-۱۰-۵ ایجاد همکاری بین صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ و گسترش

پیمانکاری فرعی

موضوع ایجاد همکاری بین صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ از ابعاد مختلف حائز اهمیت است و جزء وظایف اصلی دولت‌ها به شمار می‌رود. مهم‌ترین فایده این نوع همکاری‌ها فائق آمدن بر مشکلات ناشی از کوچک بودن مقیاس این نوع بنگاه‌ها و برخوردار شدن از صرفه‌های ناشی از مقیاس و مزیت‌های هم‌افزایی است. علاوه بر این صنایع کوچک و متوسط با بهره‌مندی از مزایای بازاریابی تحت نام «برند» شرکت‌های بزرگ به آسانی می‌توانند به بازارهای جهانی نفوذ پیدا کنند. برخورداری از امکانات تحقیق و توسعه، دانش فنی، تجارب مدیریتی، سهولت در

خرید مواد اولیه، دستیابی آسان به منابع مالی و ... از دیگر مزایا برای صنایع کوچک و متوسط در همکاری با صنایع بزرگ به شمار می‌رود. شیوه‌های ایجاد و تقویت همکاری بین این صنایع و اهداف کشورهای مورد مطالعه به شرح زیر است:

- نظارت بر روابط سالم بین شرکت‌های بزرگ و صنایع کوچک و متوسط به منظور بهبود قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط،
- همکاری فنی داخلی و بین‌المللی بین صنایع با هدف دستیابی به نوآوری‌های تکنولوژیکی،

- تدوین برنامه‌های جامع برای ایجاد نظام منسجم و مطلوب بین صنایع بزرگ با صنایع کوچک و متوسط توسط دولت،

- تشکیل سازمان یا نهاد متولی گسترش همکاری بین این صنایع،
- توسعه پیمانکاری جزء یا فرعی توسط دولت با فراهم ساختن زیرساخت‌ها و گسترش صنایع پیشرو،

- گسترش مدل‌های همکاری صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ به روش پیمانکاری مستقیم، شبکه‌ای، تولیدی صنعتی مشترک و تشکیل شرکت‌های سهامی.

۶-۱۰-۴ ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی به صنایع کوچک و متوسط

ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی ویژه صنایع کوچک و متوسط در زمینه‌های مختلف از قبیل نحوه تأمین مالی، شکل‌گیری پیمانکاری فرعی، روش‌های بازاریابی و صادرات، فنون مدیریتی و غیره از جایگاه مهمی در کشورهای مورد مطالعه برخوردار است. روش‌های دستیابی به این اهداف عبارت‌اند از:

- ارائه خدمات مشاوره‌ای از طریق سازمان‌های عمده و تخصصی دولتی،
- تأمین نقدینگی برای برگزاری دوره‌های آموزشی،
- حمایت آموزشی فراگیر به صورت آموزش از راه دور، آموزش حین انجام کار و غیره،
- حمایت آموزشی و تربیتی کارآفرینان،
- ایجاد نظام شبکه خدمات‌رسانی،
- آموزش و تأمین نیازهای اطلاعاتی صنایع کوچک و متوسط،

- ارائه خدمات مشاوره‌ای و تأمین کارشناسان و متخصصان مورد نیاز،
 - آموزش نیروی انسانی در مراکز آموزش فنی - حرفه‌ای،
 - آموزش مدیریتی برای کارآفرینان،
 - ارائه مشاوره‌های فنی و بازاریابی،
 - ایجاد بانک‌های گسترده اطلاعاتی شامل بازاریابی، بازاریابی، پیمانکاری و
- گفتنی است در کشورهای پیشرفته صنعتی مانند آلمان و کانادا برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط بیشتر بر نقش نهادهای حمایتی تأکید شده است. این نهادهای حمایتی ممکن است دولتی یا خصوصی باشند. نهادهای دولتی بیشتر به‌عنوان محرک و مشوق بخش خصوصی عمل می‌کنند و پس از تثبیت این نهادها در اقتصاد ملی، حضور دولت کم‌رنگ خواهد شد.
- در کشور کانادا علاوه بر فعالیت نهادهای حمایتی مانند وزارت صنایع کانادا، مراکز ارائه‌دهنده خدمات متمرکز، شرکت‌های مسئول توسعه محلی، تشکل‌های مستقل کسب‌وکار و اتاق بازرگانی کانادا، برنامه‌های عمده حمایتی دولت با توجه خاص به بنگاه‌های کوچک و متوسط در راستای بسترسازی برای توسعه و گسترش این صنایع و رفع موانع محیطی و مقرراتی دنبال می‌شود.
- با توجه به نقش بسیار مهم و حساس بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد آلمان از ابعاد نقش در تولید ناخالص داخلی، اشتغال و غیره، در این کشور حداقل ده نهاد مختلف به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌پردازند. نکته قابل تأمل در عملکرد این نهادها این است که اقدامات هر یک از این نهادها، تکمیل‌کننده اقداماتی است که توسط سایر نهادها صورت می‌گیرد. در کشور آلمان، اتاق صنایع و بازرگانی، بانک تسویه، مؤسسه تحقیقات بنگاه‌های کوچک و متوسط و خانه اقتصاد B.B.W از مهم‌ترین نهادهای حمایتی برای صنایع کوچک و متوسط محسوب می‌شوند.

فصل پنجم

برآورد مدل صادرات و
تحلیل عوامل مؤثر بر
صادرات صنایع کوچک
در ایران

همان گونه که در فصل اول این تحقیق آمد، هدف از این فصل برآورد و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر صادرات صنایع کوچک است. این برآورد در چارچوب نظریه‌های مختلف اقتصادی و با توجه به اطلاعات و آمار موجود صورت می‌گیرد. پس از برآورد مدل صادرات با توجه به علامت و ضرایب مورد انتظار، درستی یا نادرستی نظریه‌های مذکور در اقتصاد ایران تحلیل و برای آزمون فرضیات این تحقیق از نتایج روش پانل دیتا و شاخص‌های عملکردی محاسبه شده استفاده می‌شود. در این فصل قبل از برآورد مدل، ابتدا اهمیت مقوله صادرات، تصریح مدل، ارائه می‌گردد. پس از برآورد مدل و بررسی نتایج تجربی، آزمون فرضیات صورت می‌گیرد و در نهایت جمع‌بندی و تحلیل نتایج به دست آمده ارائه می‌گردد. گفتنی است منظور از صادرات در این تحقیق، صادرات مستقیم در صنایع کوچک طی برنامه سوم توسعه کشور یا دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ برمبنای کدهای آیسیک سه‌رقمی شامل ۶۱ گروه صنعتی است.

۱-۵ اهمیت مقوله صادرات

در این قسمت به دلایل اصلی که پرداختن به مسئله صادرات و صدور کالا را اجتناب‌ناپذیر می‌کند و آن را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی مطرح می‌نماید، به‌طور خلاصه اشاره می‌شود. به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، تک‌محصولی بودن اقتصاد آنها و به‌ویژه وابستگی آنها به مواد خام و اولیه است. این امر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی این کشورها را به‌شدت آسیب‌پذیر می‌کند. چون بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی این قبیل کشورها منحصراً از طریق صدور یک یا چند قلم مواد خام و

اولیه به دست می‌آید، این کشورها در برابر تغییر شرایط و فشارهای خارجی از ساختاری بسیار ضعیف، به خصوص در بلندمدت برخوردار می‌شوند. بنابراین بدیهی است که در چنین شرایطی هرگونه نوسانات غیرعادی، که در قیمت این کالا یا کالاهای معدودی که به‌عنوان منبع اصلی درآمدی در این کشورها محسوب می‌شوند، رخ دهد آثار سوء زیادی را بر کل ساختار اقتصاد این کشورها تحمیل می‌کند.

در بسیاری از موارد، بازار داخلی قادر نیست تمامی کالاهای تولید شده را جذب نماید. به همین دلیل واحدهای تولیدی با کاهش اجباری تولید خود ناچار هستند با ظرفیت ناقص به فعالیت خود ادامه دهند؛ این امر سبب خواهد شد که قیمت کالاهای تولیدی آنان در سطح معقولی قرار نگیرد. این در حالی است که دستیابی به بازارهای خارجی امکان استفاده از ظرفیت کامل و تولید با مقیاس اقتصادی را فراهم می‌سازد که نتیجه آن کاهش هزینه‌های تولید و تأمین منافع مصرف‌کننده داخلی از طریق دستیابی به کالا با قیمت‌های پایین‌تر است.

صادرات از مهم‌ترین منابع درآمد ارزی کشورها محسوب شده و اجرای بسیاری از پروژه‌های صنعتی و عمرانی را امکان‌پذیر می‌سازد و برعکس عدم صدور کالا، ممکن است باعث شود که کشورها نتوانند ارز لازم برای نیازهای وارداتی خود را تأمین کنند.

مقوله صادرات به خصوص صدور کالاهای صنعتی، پس از سرمایه‌گذاری، دارای بیشترین اثر تولیدی در اقتصاد بوده و پس از سرمایه‌گذاری‌های دولت در زمینه ایجاد اشتغال از بیشترین اثر اشتغال‌زایی برخوردار است. صادرات سبب می‌شود عرضه ارز از انحصار دولت خارج شده و به وسیله طیف وسیع‌تری از عاملان اقتصادی به کشور انتقال یابد، این امر سبب افزایش کارایی در زمینه ایجاد تعادل در بازار ارز خواهد شد و توانمندی اقتصاد کشور را از طریق پیوند با اقتصاد جهانی افزایش می‌دهد.

پس از جنگ جهانی دوم از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در کشورهای در حال توسعه، موضوع رشد اقتصادی بود. هدف اصلی نظریه‌های رشد اقتصادی، بررسی و تحلیل عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی بوده است. از جمله عوامل مهم و مؤثر بر رشد

اقتصادی که در سال‌های پس از فروپاشی «نظام برتن وودز»^۱ توجه بسیاری از اقتصاددانان را به خود معطوف داشت، ادبیات مربوط به ارتباط بین رشد صادرات و رشد اقتصادی بوده است؛ زیرا در این زمینه نظریات و تجربیات مختلفی وجود دارد.

۲-۵ تصریح مدل تقاضای صادرات صنایع کوچک

با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه صادرات، می‌توان دریافت که شکل این تابع و متغیرهای توضیح‌دهنده آن یکسان نبوده و فرم تابع صادرات نیز، تابع عوامل مختلفی است و با توجه به اینکه مطالعه در چه کشوری صورت گیرد و ارزش صادرات به چه گروهی از کالاها اختصاص داشته باشد و یا اینکه عرضه صادرات مدنظر است یا تقاضای آن و ... این عوامل تغییر می‌کنند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که آن گروه از مطالعاتی که به‌طور هم‌زمان تابع تقاضا و عرضه را تخمین زده‌اند، شامل این فرض ضمنی نیز بوده‌اند که رابطه تقاضای صادرات با رشد تقاضای جهانی، مثبت و با نسبت قیمت صادراتی کشور صادرکننده به قیمت کالاهای جانشین، منفی است. بنابراین در این گروه از مطالعات تجربی با فرض ضمنی هم‌زمان بودن رابطه بین قیمت‌ها و مقادیر، پارامترهای تعیین‌کننده طرف عرضه و تقاضا به‌طور هم‌زمان تخمین زده شده‌اند. بنابراین همانند بسیاری از مطالعات تجربی، در این مطالعه، تابع تقاضای صادرات به‌صورت تک‌معادله و مستقل از عرضه صادرات تخمین زده می‌شود، با این فرض که در کشورهای در حال توسعه مانند ایران از آنجا که عرضه‌کننده، کوچک و قیمت‌پذیر است و محصولات خود را در بازار رقابت کامل به‌فروش می‌رساند کشت تقاضای صادرات برای کالاهای تولید داخل نامحدود خواهد شد. علاوه بر این به‌دلیل اینکه استراتژی جایگزینی واردات که یک استراتژی درون‌گراست و به‌عنوان سیاست توسعه اقتصادی در ایران مدنظر بوده است، صادرات به‌صورت پسماند تقاضای داخلی محسوب می‌شود.

همان‌گونه که در مباحث قبلی بیان شد توابع صادرات برآورد شده در کشورهای مختلف، باوجود نقاط مشترکی که دارند، اما دارای فرم تبعی و اشکال مختلفی هستند.

1. Berton Woods.

تفاوت در فرم تابع صادرات ناشی از مکان جغرافیایی مورد مطالعه، کالا و یا گروه کالاهای مورد بررسی و مواردی از این نوع است. به همین دلیل اغلب مطالعاتی که در زمینه صادرات در ایران انجام شده‌اند کم‌وبیش مشابه هم هستند. در بسیاری از مطالعات انجام شده در خصوص تابع تقاضای صادرات غیرنفتی در ایران، فقط عوامل تعیین‌کننده تقاضای خارجی مانند قیمت‌های نسبی و درآمد جهانی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تقاضای صادرات غیرنفتی معرفی شده‌اند در حالی که تقاضای صادرات، علاوه بر عوامل خارجی از عوامل داخلی نیز تأثیر می‌پذیرد. شواهد تجربی و نظری دلالت بر این موضوع دارند که تقاضای داخلی باید در معادله صادرات منظور گردد و مطالعات انجام شده در این زمینه حاکی از این است که تقاضای داخلی، به‌عنوان متغیر توضیح‌دهنده معناداری در تابع صادرات محسوب می‌شود.^۱

نکته اساسی در مورد نقش تقاضای داخلی در صادرات، چگونگی اثرگذاری تقاضای داخلی است. بحث متداول در این مورد این است که افزایش در تقاضای داخلی به کاهش صادرات منجر می‌شود. در ایران مداخله شدید دولت و کنترل‌های دولتی بر تخصیص منابع سبب می‌شود که شرایط رقابت کامل وجود نداشته باشد و عرضه و تقاضای داخلی نتوانند آثار خود را به‌طور کامل در قیمت‌های نسبی منعکس کنند. به همین دلیل تقاضای داخلی را باید به‌عنوان یک متغیر مستقل در تابع صادرات منظور کرد و از آنجا که صادرات غیرنفتی به‌عنوان یک مقوله حاشیه‌ای و پسماند از تقاضای داخلی ایجاد می‌شود و کالاهای صادراتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در داخل کشور مورد مصرف قرار می‌گیرند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تقاضای داخلی دارای آثار منفی بر صادرات غیرنفتی است.

متغیر قیمت‌های نسبی براساس این تئوری وارد مدل شده که معتقد است صادرات با افزایش فروش و سودآوری محصولات صادراتی افزایش می‌یابد. در مدل مورد استفاده در این تحقیق از نسبت شاخص قیمت کالاهای صادراتی جهان به شاخص قیمت صادراتی ایران (pxw/px) استفاده شده و انتظار می‌رود که متغیر فوق به شکلی بر تقاضای صادرات

1. J. R. Arus, (1970).

تأثیر گذارد که با فرض ثابت ماندن سایر شرایط در صورت افزایش قیمت کالاهای صادراتی، تقاضا برای صادرات کاهش پیدا کند. هدف از اضافه کردن متغیر تولید ناخالص داخلی جهانی به عنوان شاخص درآمد جهانی به مدل این است که زمانی که درآمد جهانی افزایش می‌یابد، تقاضا برای کالا و خدمات نیز افزایش خواهد یافت.

در این مطالعه ۶۱ رابطه تعادلی بلندمدت (به تعداد زیربخش‌های صنعتی براساس ۶۱ کد آیسیک سه رقمی) برای صادرات صنایع کوچک برمبنای کدهای آیسیک سه رقمی منظور گردید. گفتنی است که تمامی متغیرها به صورت مقادیر واقعی بوده و به شکل لگاریتمی در مدل صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرند. رابطه بلندمدت خطی مدل صادرات صنایع کوچک به شرح ذیل است:

معادله (۱-۵):

$$x_{it} = \beta_0 + \beta_1 wgdpt + \beta_2 \left(\frac{pxw}{px} \right)_t + \beta_3 erm_t + \beta_4 qs_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$f_1 > 0, \quad f_2 < 0, \quad f_3 > 0, \quad f_4 > 0$$

$$i = 1, \dots, 61 \quad t = 1379 - 1383$$

تعریف متغیرهای مورد استفاده در مدل فوق به صورت زیر است:

x_{it} : میزان صادرات واقعی در بخش i ام در زمان t ام.

$wgdpt$: شاخص تولید ناخالص داخلی جهانی در زمان t ام.

$\left(\frac{pxw}{px} \right)_t$: نسبت شاخص قیمت صادراتی جهان به شاخص قیمت صادراتی ایران

در زمان t ام.

erm_t : نرخ ارز بازار آزاد در زمان t ام.

qs_{it} : میزان تولید واقعی در بخش i ام در زمان t ام.

گفتنی است که تمامی محاسبات برمبنای سال پایه ۱۳۷۶ (۱۹۹۵) و برای

سال‌های برنامه پنج ساله سوم توسعه یا دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ صورت می‌گیرد.

معادله (۱-۵) نشان‌دهنده تابع صادرات در زیربخش‌های ۶۱ گانه کدهای آیسیک

سه‌رقمی بوده که به شرح ذیل است:

۱۵۱. تولید، عمل‌آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه، سبزیجات، روغن‌ها و چربی‌ها از فساد
۱۵۲. ساخت محصولات لبنی
۱۵۳. ساخت محصولات از دانه‌های آسیاب شده، نشاسته و محصولات نشاسته‌ای و غذاهای آماده برای حیوانات
۱۵۴. ساخت سایر محصولات غذایی
۱۵۵. ساخت انواع آشامیدنی‌ها
۱۶۰. ساخت محصولات از توتون و تنباکو
۱۷۱. ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات
۱۷۲. ساخت سایر منسوجات
۱۷۳. ساخت انواع پارچه و کالاهای کشباف و قلاب‌باف
۱۸۱. ساخت پوشاک، به‌استثنای پوشاک از پوست خردار
۱۸۲. عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار، ساخت انواع کالاها از پوست خردار
۱۹۱. دباغی و پرداخت چرم، ساخت چمدان، کیف دستی، زین و یراق
۱۹۲. ساخت انواع پاپوش
۲۰۱. اره‌کشی و رنده‌کاری چوب
۲۰۲. ساخت محصولات از چوب، چوب‌پنبه، نی و مواد حصیربافی
۲۱۰. ساخت کاغذ و محصولات کاغذی
۲۲۱. انتشار
۲۲۲. چاپ و فعالیتهای خدماتی مربوط به چاپ
۲۲۳. تولید ثبت‌کننده‌ها
۲۳۱. ساخت فراورده‌های کوره کک
۲۳۲. ساخت فراورده‌های نفتی تصفیه شده
۲۳۳. عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای
۲۴۱. ساخت مواد شیمیایی اساسی
۲۴۲. ساخت سایر محصولات شیمیایی

- ۲۴۳. ساخت الیاف مصنوعی
- ۲۵۱. ساخت محصولات از لاستیک
- ۲۵۲. ساخت انواع محصولات پلاستیکی
- ۲۶۱. ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای
- ۲۶۹. ساخت محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
- ۲۷۱. ساخت آهن و فولاد اساسی
- ۲۷۲. ساخت فلزات اساسی قیمتی و فلزات غیرآهنی
- ۲۷۳. ریخته‌گری فلزات
- ۲۸۱. ساخت محصولات فلزی ساختمانی، تانک، مخازن و مولدهای بخار
- ۲۸۹. ساخت سایر محصولات فلزی فابریکی، فعالیت‌های خدماتی فلزکاری
- ۲۹۱. ساخت ماشین‌آلات با کاربرد عام
- ۲۹۲. ساخت ماشین‌آلات با کاربرد خاص
- ۲۹۳. ساخت وسایل خانگی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
- ۳۰۰. ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی
- ۳۱۱. ساخت موتورهای برقی، ژنراتور و ترانسفورماتور
- ۳۱۲. ساخت دستگاه‌های توزیع و کنترل نیروی برق
- ۳۱۳. ساخت سیم و کابل عایق‌بندی شده
- ۳۱۴. ساخت انبارها، پیل‌ها و باتری‌های اولیه
- ۳۱۵. ساخت لامپ‌های الکتریکی و تجهیزات روشنایی
- ۳۱۹. ساخت سایر تجهیزات الکتریکی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
- ۳۲۱. ساخت لامپ‌ها و لامپ‌های لوله‌ای الکترونیکی و سایر اجزای الکترونیکی
- ۳۲۲. ساخت فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی و دستگاه‌های مخصوص سیستم‌های ارتباط تلفنی و تلگرافی
- ۳۲۳. ساخت گیرنده‌های تلویزیون و رادیو، دستگاه‌های ضبط یا پخش صوت و ضبط و پخش ویدئو و کالاهای وابسته
- ۳۳۱. ساخت وسایل و ابزار پزشکی و وسایل ویژه اندازه‌گیری، بازمینی، آزمایش، دریاوردی و منظورهای دیگر به‌جز ابزارهای اپتیکی

۳۳۲. ساخت ابزارهای اپتیکی و تجهیزات عکاسی

۳۳۳. ساخت ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت

۳۴۱. ساخت وسایل نقلیه موتوری

۳۴۲. ساخت بدنه (اتاق‌سازی) برای وسایل نقلیه موتوری، ساخت تریلر و نیم‌تریلر

۳۴۳. ساخت قطعات و ملحقات برای وسایل نقلیه موتوری و موتور آنها

۳۵۱. ساخت و تعمیر انواع کشتی و قایق

۳۵۲. ساخت لوکوموتیوهای راه‌آهن و تراموا و نواقل روی خط آهن

۳۵۳. ساخت وسایل نقلیه هوایی و فضایی

۳۵۹. ساخت تجهیزات حمل‌ونقل طبقه‌بندی نشده در جای دیگر

۳۶۱. ساخت مبلمان

۳۶۹. ساخت مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر

۳۷۱. بازیافت از مواد فلزی و قراضه

۳۷۲. بازیافت از مواد غیرفلزی

۳-۵ برآورد مدل صادرات صنایع کوچک در ایران و تحلیل ضرایب

در ادامه این فصل تلاش می‌شود با استفاده از داده‌های صنایع کوچک در سطح کدهای آیسیک سه‌رقمی عملکرد صادراتی این صنایع مورد مطالعه قرار گیرد. گفتنی است که تاکنون صادرات صنایع کوچک در ایران به صورت کمی تجزیه و تحلیل نشده و به نظر می‌رسد در این زمینه این نخستین مطالعه‌ای است که در کشور انجام می‌شود. در این مطالعه داده‌ها به صورت یک پانل آماری برای ۶۱ زیربخش، سازمان‌دهی و به روش تلفیق داده‌ها،^۱ پارامترها مورد برآورد قرار می‌گیرد.

ادغام آمارهای سری زمانی^۲ با آمارهای مقطعی^۳ نه تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی برای تخمین مدل‌های اقتصادسنجی فراهم سازد بلکه بر مبنای نتایج به دست آمده می‌توان

1. Pooling Time Series Cross Section

2. Time Series Data

3. Cross-section Data

در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استفاده‌های شایانی به‌عمل آورد. بررسی تفصیلی ادبیات موضوع مربوط به پانل دیتا^۱ را می‌توان در مطالعات مادالا،^۲ هسایو،^۳ دیلمن،^۴ ماتياس و سیویستر،^۵ راج و بالتاگ^۶ و بالتاگ^۶ مشاهده کرد. اهمیت مدل‌های پانل دیتا در مقایسه با مدل‌های با برش‌های مقطعی محض^۷ این است که در این مدل‌ها، محقق می‌تواند در تبیین تفاوت‌های رفتار فردی پدیده‌ها در طول زمان از انعطاف بیشتری برخوردار باشد. چارچوب اولیه مدل‌های پانل دیتا در معادله ذیل ارائه شده است:

معادله (۲-۵):

$$y_{it} = \alpha + \beta'X_{it} + \varepsilon_{it} + u_i$$

به‌طوری‌که $I = 1, 2, \dots, n$ و $t = 1, 2, \dots, T$ است و n بیانگر تعداد کشورهای (مشاهدات مقطعی)، T بیانگر تعداد مشاهدات سری زمانی سالانه است. به‌غیر از عرض از مبدأ تعداد K متغیر توضیحی در X_{it} وجود دارد. گفتنی است که مدل پانل دیتای فوق از نوع مدل‌های متوازن^۸ است یعنی در هر n کشور تعداد T مشاهده سالانه وجود دارد. در این معادله α_i نیز اثر انفرادی یا عرض از مبدأ مختص کشور i ام است که فرض می‌شود در طول زمان ثابت است. در عمل می‌توان تفاوت بین کشورهای مختلف (یا i معادله مختلف) را در معادله فوق به سه صورت فرض کرد:

- اول اینکه $\varepsilon\alpha_i$ را برای تمامی کشورها (برش‌های مقطعی) ثابت فرض کرد (یعنی $\alpha_i = \alpha$).

- دوم اینکه α_i برای هر یک از کشورهای مورد مطالعه با یکدیگر فرق داشته باشد،

- سوم اینکه تفاوت بین کشورها تصادفی بوده و به‌صورت جزء تصادفی مانند u_{it} وارد

معادله (۲-۵) می‌شوند، با این تفاوت که این جزء تصادفی به‌طور مشخص در یک دوره واحد

-
1. Panel Data
 2. Maddala, (1993).
 3. Hsiao, (1986).
 4. Dielman, (1989).
 5. Matyas and Sevestre, (1986).
 6. Raj and Baltagi, (1992).
 7. Pure Cross-section
 8. Balanced Panel Data Model

و در هر زمان وارد معادله رگرسیونی می‌شود. این سه روش در ادبیات نظری مدل‌های پانل دیتا به ترتیب به روش‌های اثرات مشترک،^۱ اثرات ثابت^۲ و اثرات تصادفی^۳ معروف هستند. رویکرد این مطالعه با مطالعات ذکر شده قبلی متفاوت است. برای پانل آماری که از سال ۱۳۷۹ شروع و به سال ۱۳۸۳ ختم می‌شود، به وارد کردن اختیاری یا اجباری متغیرهای مجازی، که کاربرد آنها اغلب جای اعتراض دارد، نیازی نیست. مدل صادرات در این مطالعه براساس رابطه گلدشتاین و خان (۱۹۷۸، ۱۹۸۶)، آلبرتوبهار و لاورنس ادواردز (۲۰۰۴)، جیورجیانی و میلی فراتی (۱۹۹۷) به صورت ذیل تصریح شده است:

معادله (۳-۵):

$$x_{it} = \beta_0 + \beta_1 wgdpt_t + \beta_2 \left(\frac{pxw}{px} \right)_t + \beta_3 erm_t + \beta_4 qs_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$Lx_{it} = \text{Log} \left(100 \frac{x_{it}}{px_t} \right), \quad Lwgdpt_t = \text{Log} (wgdpt_t),$$

$$Lqs_{it} = \text{Log} \left(100 \frac{qs_{it}}{wpi_t} \right), \quad Lp_t = \text{Log} \left(\frac{pxw}{px} \right)_t, \quad Lerm_t = \text{Log} (erm_t)$$

در این رابطه x_{it} صادرات زیربخش‌های ۶۱ گانه ($i = 1, \dots, 61$) و بیانگر میزان صادرات واقعی در بخش i ام در زمان t ام، $wgdpt_t$ شاخص تولید ناخالص داخلی جهانی، $\left(\frac{pxw}{px} \right)_t$ نسبت شاخص قیمت صادراتی جهان به شاخص قیمت صادراتی ایران، erm_t نرخ ارز بازار آزاد در زمان t ام و qs_{it} میزان تولید واقعی در بخش i ام در زمان t ام هستند. wpi شاخص قیمت عمده‌فروشی در ایران است. تمام متغیرها برحسب لگاریتم تعریف شده‌اند. در این قسمت نتایج تجربی مدل‌های برآورد شده با استفاده از روش پانل دیتا در دو قسمت ارائه و به طور خلاصه نتایج هر قسمت تحلیل می‌شود. جداول (۱-۵) و (۳-۵) برآوردهای مختلف معادله (۳-۵) را نشان می‌دهند (آماره t در داخل پرانتز نشان داده شد).

1. Common Effects
2. Fixed Effects
3. Random Effects

مدل صادرات برآورد شده برای صنایع کوچک براساس داده‌های نامتوازن^۱ به صورت زیر است:
برآورد مدل به روش اول:

$$x_{it} = -7.13 Lwgdpt - 1.69 Lp_t + 3.09 Lerm_t + 1.07 Lqs_{it}$$

$$(-4.06) \quad (-3.94) \quad (3.52) \quad (14.57)$$

$$\bar{R}^2 = 77 \quad D.W = 2.54 \quad N = 182$$

آمار جدول (۵-۱) نشان می‌دهد که تعداد مشاهدات (مشاهدات مقطعی و سری زمانی) ۱۸۲ مورد است و براساس آماره F برآورد اثرات مشترک که معادل (۰/۰۰) ۴۰۸/۸۱ است این مدل قابلیت برآورد به صورت پانل دیتا را دارد و با توجه به نوع برآورد (اثرات ثابت) تفاوت در بین بخش‌های مختلف توسط عرض از مبدأهای متفاوت قابلیت توجیه بهتری دارد لذا باید تمامی تحلیل‌ها براساس مدل اثرات ثابت باشد. ضریب R^2 نشان می‌دهد که حدود ۷۷ درصد از صادرات مستقیم توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود، همچنین نتایج نشان می‌دهد که تمامی متغیرها از لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد اطمینان، معنادار هستند و متغیر شاخص درآمد جهانی دارای علامت مورد انتظار نیست.

جدول ۵-۱ نتایج برآورد مدل صادرات صنایع کوچک ایران در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳-روش اول

(برحسب داده‌های نامتوازن)

ردیف	متغیر توضیحی	Lwgdp	Lp	Lerm	Lqs
۱	ضریب	-۷/۱۳	-۱/۶۹	۳/۰۹	۱/۰۷
۲	آماره t	-۴/۰۶	-۳/۹۴	۳/۵۲	۱۴/۵۷
۳	R^2	۷۷			

۱. منظور از داده‌های نامتوازن، استفاده از آمار صادرات مستقیم صنایع کوچک (براساس کد آیسیک سه رقمی) برای کل دوره پنج ساله سوم توسعه کشور است یعنی صنایع کوچک مورد مطالعه همگن یا متوازن نیستند چون ممکن است برخی در کل دوره پنج‌ساله صادرات داشته‌اند و برخی نیز ممکن است یک یا چند سال از این پنج سال دارای آمار صادرات باشند.

جدول ۱-۵ نتایج برآورد مدل صادرات صنایع کوچک ایران در دوره زمانی
۱۳۷۹-۱۳۸۳-روش اول

(برحسب داده‌های نامتوازن)

ردیف	متغیر توضیحی	LwgdP	Lp	Lerm	Lqs
۴	D.W	۲/۵۴			
۵	تعداد مشاهدات	۱۸۲			
۶	تعداد صنعت	۴۶			
۷	آماره F برآورد اثرات مشترک	۴۰۸/۸۱ (۰/۰۰)			

مأخذ: محاسبات تحقیق

کشش صادرات صنایع کوچک ایران نسبت به درآمد جهانی منفی است بدین معنا که با افزایش درآمد جهانی تقاضای صادرات برای کالاهای بخش صنایع کوچک ایران کاهش می‌یابد. کشش صادرات صنایع کوچک نسبت به نرخ ارز بازار آزاد مثبت است بدین معنا که با افزایش نرخ ارز و یا کاهش ارزش ریال صادرات صنایع کوچک افزایش می‌یابد. کشش صادرات نسبت به قیمت‌های نسبی منفی است بدین معنا که با افزایش قیمت کالاهای صادراتی ایران نسبت به قیمت کالاهای صادراتی جهان (سایر کشورها) تقاضا برای صادرات ایران کاهش خواهد یافت و کشش صادرات نسبت به میزان تولید صنایع کوچک مثبت است؛ یعنی اینکه با افزایش میزان تولید در صنایع کوچک، صادرات نیز افزایش خواهد یافت و با توجه به مقدار این کشش که معادل ۱/۰۷ است، می‌توان گفت هر چقدر صنایع کوچک بیشتر تولید کنند به همان نسبت و یا بیشتر می‌توانند به صادرات کالاهای تولیدی خود پردازند و تفسیر دیگر اینکه در شرایط فعلی فقط مازاد تقاضای داخلی است که صادر می‌گردد.

گفتنی است که طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ بعضی از بخش‌ها برحسب کدهای آیسیک سه‌رقمی هیچ‌گونه صادراتی نداشته و یا ماهیتاً صادراتی نبوده‌اند، لذا در برآورد ارائه شده در جدول (۱-۵) از صنایع دارای صادرات در کل دوره پنج‌ساله استفاده شد و صناعی که ماهیتاً صادراتی نبوده و در هیچ‌یک از سال‌های این دوره پنج‌ساله صادراتی نداشته‌اند از محاسبات حذف شده‌اند. بنابراین صنایع دارای صادرات و به کار گرفته شده در این

قسمت با توجه به نتایج رتبه‌بندی صنایع کوچک برحسب کدهای آیسیک سه‌رقمی نشان‌دهنده این است که صنایع عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار، ساخت انواع کالاها از پوست خردار (کد ۱۸۲)، دباغی و پرداخت چرم، ساخت چمدان، کیف دستی، زین و یراق (کد ۱۹۱)، ساخت فراورده‌های نفتی تصفیه شده (کد ۲۳۲) و ... دارای بالاترین رتبه رقابت‌پذیری بوده و در مقابل، صنایع ساخت محصولات از دانه‌های آسیاب شده، نشاسته و محصولات نشاسته‌ای (کد ۱۵۳)، ساخت محصولات لبنی (کد ۱۵۲)، ساخت مبلمان (کد ۳۶۱) و ... نیز از کمترین رتبه درزمینه رقابت‌پذیری یا صادرات در دوره پنج‌ساله برنامه سوم توسعه برخوردار بوده‌اند (جدول ۲-۵).

جدول ۲-۵ رتبه‌بندی رقابت‌پذیری صنایع کوچک در دوره برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) براساس برآورد مدل به روش اول

رتبه	کد آیسیک	نام صنعت	ردیف
۱	۱۸۲	عمل آوردن و رنگ کردن پوست خردار، ساخت انواع کالاها از پوست خردار	۱
۲	۱۹۱	دباغی و پرداخت چرم، ساخت چمدان، کیف دستی، زین و یراق	۲
۳	۲۳۲	ساخت فراورده‌های نفتی تصفیه شده	۳
۴	۱۵۱	تولید، عمل‌آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه، سبزیجات، روغن‌ها و چربی‌ها از فساد	۴
۵	۱۹۲	ساخت انواع پاپوش	۵
۶	۱۷۳	ساخت انواع پارچه و کالاهای کشاف و قلاباف	۶
۷	۲۴۲	ساخت سایر محصولات شیمیایی	۷
۸	۱۸۱	ساخت پوشاک، به‌استثنای پوشاک از پوست خردار	۸
۹	۲۴۳	ساخت الیاف مصنوعی	۹
۱۰	۲۴۱	ساخت مواد شیمیایی اساسی	۱۰
۱۱	۱۷۱	ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات	۱۱
۱۲	۱۷۲	ساخت سایر منسوجات	۱۲
۱۳	۲۵۲	ساخت انواع محصولات پلاستیکی	۱۳
۱۴	۱۵۵	ساخت انواع آشامیدنی‌ها	۱۴

جدول ۲-۵ رتبه‌بندی رقابت‌پذیری صنایع کوچک در دوره برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) براساس برآورد مدل به روش اول

رتبه	کد آیسیک	نام صنعت	ردیف
۱۵	۱۵۴	ساخت سایر محصولات غذایی	۱۵
۱۶	۲۹۲	ساخت ماشین‌آلات با کاربرد خاص	۱۶
۱۷	۲۷۲	ساخت فلزات اساسی قیمتی و فلزات غیرآهنی	۱۷
۱۸	۳۴۲	ساخت بدنه (اتاق‌سازی) برای وسایل نقلیه موتوری، ساخت تریلر و نیم‌تریلر	۱۸
۱۹	۳۶۹	ساخت مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱۹
۲۰	۲۶۹	ساخت محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۰
۲۱	۲۶۱	ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای	۲۱
۲۲	۳۱۹	ساخت سایر تجهیزات الکتریکی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۲
۲۳	۲۵۱	ساخت محصولات از لاستیک	۲۳
۲۴	۲۹۳	ساخت وسایل خانگی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۴
۲۵	۳۵۱	ساخت و تعمیر انواع کشتی و قایق	۲۵
۲۶	۳۳۱	ساخت وسایل و ابزار پزشکی و وسایل ویژه اندازه‌گیری، بازبینی، آزمایش، دربانوردی و منظوره‌های دیگر به‌جز ابزارهای اپتیکی	۲۶
۲۷	۲۹۱	ساخت ماشین‌آلات با کاربرد عام	۲۷
۲۸	۳۵۹	ساخت تجهیزات حمل‌ونقل طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۸
۲۹	۲۷۱	ساخت آهن و فولاد اساسی	۲۹
۳۰	۳۲۱	ساخت لامپ‌ها و لامپ‌های لوله‌ای الکترونیکی و سایر اجزای الکترونیکی	۳۰
۳۱	۲۲۲	چاپ و فعالیت‌های خدماتی مربوط به چاپ	۳۱
۳۲	۲۰۲	ساخت محصولات از چوب، چوب‌پنبه، نی و مواد حصیربافی	۳۲
۳۳	۳۱۳	ساخت سیم و کابل عایق‌بندی شده	۳۳
۳۴	۳۱۵	ساخت لامپ‌های الکتریکی و تجهیزات روشنایی	۳۴
۳۵	۳۰۰	ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۳۵
۳۶	۲۷۳	ریخته‌گری فلزات	۳۶
۳۷	۳۱۱	ساخت موتورهای برقی، ژنراتور و ترانسفورماتور	۳۷
۳۸	۲۸۹	ساخت سایر محصولات فلزی فابریکی، فعالیت‌های خدماتی فلزکاری	۳۸

جدول ۵-۲ رتبه‌بندی رقابت‌پذیری صنایع کوچک در دوره برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) براساس برآورد مدل به روش اول

رتبه	کد آیسیک	نام صنعت	ردیف
۳۹	۳۴۳	ساخت قطعات و ملحقات برای وسایل نقلیه موتوری و موتور آنها	۳۹
۴۰	۳۱۲	ساخت دستگاه‌های توزیع و کنترل نیروی برق	۴۰
۴۱	۲۲۱	انتشار	۴۱
۴۲	۲۱۰	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	۴۲
۴۳	۲۸۱	ساخت محصولات فلزی ساختمانی، تانک، مخازن و مولدهای بخار	۴۳
۴۴	۳۶۱	ساخت مبلمان	۴۴
۴۵	۱۵۲	ساخت محصولات لینی	۴۵
۴۶	۱۵۳	ساخت محصولات از دانه‌های آسیاب شده، نشاسته و محصولات نشاسته‌ای و غذاهای آماده برای حیوانات	۴۶

مأخذ: محاسبات تحقیق

در ادامه برای بررسی دقیق‌تر موضوع صادرات صنایع کوچک مجدداً به برآورد تابع صادرات براساس این گروه از صنایع اقدام شد، با این تفاوت که این بار فقط از صناعی استفاده شده که طی دوره پنج‌ساله ۱۳۷۹-۱۳۸۳ و در دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۳ و یا فقط در سال ۱۳۸۳ صادرات داشته‌اند. نتایج برآورد مدل در ذیل و در جدول (۳-۵) ارائه شده است (آماره t در داخل پرانتز نشان داده شد).

مدل صادرات برآورد شده برای صنایع کوچک براساس داده‌های نامتوازن به این

شرح است:

برآورد مدل به روش دوم:

$$x_{it} = -4.81Lwgdpt_t - 1.44Lp_t + 1.67Lerm_t + 0.95qs_{it}$$

$$(-3.19) \quad (-3.98) \quad (2.26) \quad (14.47)$$

$$\bar{R}^2 = 78 \quad D.W = 2.53 \quad N = 172$$

آمار و ارقام جدول (۳-۵) نشان می‌دهد که تعداد مشاهدات (مشاهدات مقطعی و

سری زمانی) ۱۷۲ مورد است و براساس آماره F برآورد اثرات مشترک که معادل (۰/۰۰) ۳۷۵/۹۱ است، این مدل قابلیت برآورد به صورت پانل دیتا را دارد و با توجه به نوع برآورد (اثرات ثابت) تفاوت در بین بخش‌های مختلف توسط عرض از مبدأهای متفاوت بهتر قابلیت توجیه دارد؛ لذا باید تمامی تحلیل‌ها براساس مدل اثرات ثابت باشد. ضریب R^2 نشان می‌دهد که حدود ۷۸ درصد از صادرات مستقیم توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود، همچنین نتایج نشان می‌دهد که تمامی متغیرها از لحاظ آماری حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان، معنادار هستند و متغیر شاخص درآمد جهانی دارای علامت مورد انتظار نیست.

جدول ۳-۵ نتایج برآورد مدل صادرات صنایع کوچک در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳،
روش دوم

(برحسب داده‌های متوازن)

ردیف	متغیر توضیحی	Lwgdg	Lp	Lerm	Lqs
۱	ضریب	-۴/۸۱	-۱/۴۴	۱/۶۷	۰/۹۵
۲	آماره t	-۳/۱۹	-۳/۹۸	۲/۲۶	۱۴/۴۷
۳	R^2	۷۸			
۴	D.W	۲/۵۳			
۵	تعداد مشاهدات	۱۷۲			
۶	تعداد صنعت	۴۱			
۷	آماره F برآورد اثرات مشترک	۳۷۵/۹۱ (۰/۰۰)			

مأخذ: همان.

کشش صادرات صنایع کوچک نسبت به درآمد جهانی منفی است بدین معنا که با افزایش درآمد جهانی، تقاضای صادرات برای کالاهای بخش صنایع کوچک ایران کاهش می‌یابد. کشش صادرات نسبت به قیمت‌های نسبی منفی است بدین معنا که با افزایش قیمت کالاهای صادراتی ایران نسبت به قیمت کالاهای صادراتی جهان (سایر کشورها)

تقاضا برای صادرات ایران کاهش خواهد یافت. کشش صادرات صنایع کوچک نسبت به نرخ ارز بازار آزاد مثبت است بدین معنا که با افزایش نرخ ارز و یا کاهش ارزش ریال، صادرات صنایع کوچک افزایش می‌یابد، کشش صادرات نسبت به میزان تولید صنایع کوچک مثبت است؛ یعنی اینکه با افزایش میزان تولید در صنایع کوچک، صادرات این صنایع نیز افزایش خواهد یافت و با توجه به مقدار این کشش که معادل ۰/۹۵ است می‌توان گفت که هراندازه صنایع کوچک بیشتر تولید کنند تقریباً به همان نسبت می‌توانند به صادرات کالاها بپردازند و تفسیر دیگر اینکه در شرایط فعلی فقط مازاد تقاضای داخلی است که صادر می‌گردد. برای صنایع کوچک مورد استفاده در این قسمت، نتایج رتبه‌بندی برحسب کدهای آیسیک سه‌رقمی نشان‌دهنده این است که صنایع دباغی و پرداخت چرم، ساخت چمدان، کیف دستی، زین و یراق (کد ۱۹۱)، تولید، عمل‌آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه، سبزیجات و ... (کد ۱۵۱)، ساخت فراورده‌های نفتی تصفیه شده (کد ۲۳۲) و ... از بالاترین رتبه درزمینه قدرت رقابت‌پذیری یا قدرت نفوذ در بازارهای خارجی برخوردار بوده و در مقابل صنایع ساخت مبلمان (کد ۳۶۱)، ساخت محصولات لبنی (کد ۱۵۲)، ساخت محصولات فلزی ساختمانی، تانک، مخازن و مولدهای بخار (کد ۲۸۱) و ... کمترین رتبه درزمینه قدرت رقابت‌پذیری یا صادرات را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۴-۵).

جدول ۴-۵ رتبه‌بندی رقابت‌پذیری صنایع کوچک در دوره برنامه سوم توسعه کشور
(۱۳۷۹-۱۳۸۳) براساس برآورد مدل به روش دوم

ردیف	نام صنعت	کد آیسیک	رتبه
۱	دباغی و پرداخت چرم، ساخت چمدان، کیف دستی، زین و یراق	۱۹۱	۱
۲	تولید، عمل‌آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه، سبزیجات، روغن‌ها و چربی‌ها از فساد	۱۵۱	۲
۳	ساخت فراورده‌های نفتی تصفیه شده	۲۳۲	۳
۴	ساخت انواع پاپوش	۱۹۲	۴
۵	ساخت سایر محصولات شیمیایی	۲۴۲	۵
۶	ساخت انواع پارچه و کالاهای کشیاف و قلاباف	۱۷۳	۶

جدول ۴-۵ رتبه‌بندی رقابت‌پذیری صنایع کوچک در دوره برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) براساس برآورد مدل به روش دوم

رتبه	کد آیسیک	نام صنعت	ردیف
۷	۱۸۱	ساخت پوشاک، به‌استثنای پوشاک از پوست خردار	۷
۸	۱۷۱	ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات	۸
۹	۲۴۱	ساخت مواد شیمیایی اساسی	۹
۱۰	۱۷۲	ساخت سایر منسوجات	۱۰
۱۱	۲۴۳	ساخت الیاف مصنوعی	۱۱
۱۲	۲۵۲	ساخت انواع محصولات پلاستیکی	۱۲
۱۳	۱۵۴	ساخت سایر محصولات غذایی	۱۳
۱۴	۱۵۵	ساخت انواع آشامیدنی‌ها	۱۴
۱۵	۲۹۲	ساخت ماشین‌آلات با کاربرد خاص	۱۵
۱۶	۲۷۲	ساخت فلزات اساسی قیمتی و فلزات غیرآهنی	۱۶
۱۷	۲۶۹	ساخت محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱۷
۱۸	۳۶۹	ساخت مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱۸
۱۹	۳۴۲	ساخت بدنه (اتاق‌سازی) برای وسایل نقلیه موتوری، ساخت تریلر و نیم‌تریلر	۱۹
۲۰	۲۹۳	ساخت وسایل خانگی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۰
۲۱	۲۵۱	ساخت محصولات از لاستیک	۲۱
۲۲	۳۱۹	ساخت سایر تجهیزات الکتریکی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۲
۲۳	۲۹۱	ساخت ماشین‌آلات با کاربرد عام	۲۳
۲۴	۳۳۱	ساخت وسایل و ابزار پزشکی و وسایل ویژه اندازه‌گیری، بازمینی، آزمایش، دربانوردی و منظورهای دیگر به‌جز ابزارهای اپتیکی	۲۴
۲۵	۳۵۹	ساخت تجهیزات حمل‌ونقل طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲۵
۲۶	۲۷۱	ساخت آهن و فولاد اساسی	۲۶
۲۷	۳۲۱	ساخت لامپ‌ها و لامپ‌های لوله‌ای الکترونیکی و سایر اجزای الکترونیکی	۲۷
۲۸	۲۲۲	چاپ و فعالیت‌های خدماتی مربوط به چاپ	۲۸
۲۹	۳۱۳	ساخت سیم و کابل عایق‌بندی شده	۲۹
۳۰	۲۰۲	ساخت محصولات از چوب، چوب‌پنبه، نی و مواد حصیربافی	۳۰

جدول ۴-۵ رتبه‌بندی رقابت‌پذیری صنایع کوچک در دوره برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) براساس برآورد مدل به روش دوم

ردیف	نام صنعت	کد آیسیک	رتبه
۳۱	ساخت لامپ‌های الکتریکی و تجهیزات روشنایی	۳۱۵	۳۱
۳۲	ساخت سایر محصولات فلزی فابریکی، فعالیتهای خدماتی فلزکاری	۲۸۹	۳۲
۳۳	ریخته‌گری فلزات	۲۷۳	۳۳
۳۴	ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۳۰۰	۳۴
۳۵	ساخت قطعات و ملحقات برای وسایل نقلیه موتوری و موتور آنها	۳۴۳	۳۵
۳۶	ساخت موتورهای برقی، ژنراتور و ترانسفورماتور	۳۱۱	۳۶
۳۷	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	۲۱۰	۳۷
۳۸	ساخت دستگاه‌های توزیع و کنترل نیروی برق	۳۱۲	۳۸
۳۹	ساخت محصولات فلزی ساختمانی، تانک، مخازن و مولدهای بخار	۲۸۱	۳۹
۴۰	ساخت محصولات لینی	۱۵۲	۴۰
۴۱	ساخت مبلمان	۳۶۱	۴۱

مأخذ: همان

۴-۵ آزمون فرضیات

فرضیه اول - «در سال‌های اخیر حمایت از صنایع کوچک در ایران هدفمند بوده است».

آزمون فرضیه اول - بررسی‌های انجام شده در این مطالعه نشان می‌دهد که از شروع برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹ تاکنون وجه بارز حمایت از صنایع کوچک در قالب حمایت مالی با هدف اشتغال‌زایی صورت گرفته است. به همین دلیل به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، حمایت از صنایع کوچک به صورت عام، هدفمند بوده است. اما در حالت خاص یعنی حمایت صادراتی از صنایع کوچک، هدفمندی مشخصی دیده نمی‌شود. بنابراین فرضیه اول در حالت عام پذیرفته شده؛ اما در حالت خاص یعنی حمایت صادراتی، رد می‌شود.

فرضیه دوم - «حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش عملکرد سرمایه‌گذاری آنها شده است».

آزمون فرضیه دوم - نتایج رشد سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک طی سال‌های برنامه سوم توسعه در مقایسه با برنامه دوم توسعه کشور بیانگر این است که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک به‌طور متوسط سالانه معادل ۲۱ درصد رشد یافته است. بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک در سال‌های برنامه سوم توسعه به‌طور متوسط سالانه ۰/۸۶ درصد نسبت به سال‌های برنامه دوم توسعه افزایش یافته است. مقدار محاسبه شده برای شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید نیز بهبود بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک کشور را در سال‌های اخیر تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم - «حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش توان رقابتی و قدرت صادراتی آنها شده است».

آزمون فرضیه سوم - محاسبه شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار برای صنایع کوچک در دوره مورد مطالعه بر این امر دلالت دارد که در سال‌های اخیر به‌خصوص سال‌های برنامه سوم توسعه، از میزان رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک کاسته شده است. به همین دلیل به‌نظر می‌رسد جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی در سال‌های اخیر چندان به افزایش توان رقابتی و در نتیجه توان صادراتی این صنایع کمک نکرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه سوم مورد پذیرش قرار نگرفته و رد می‌شود.

۵-۵ تجزیه و تحلیل نتایج به‌دست آمده

حرکت در جهت اولویت دادن به فعالیت‌های صنعتی کشور را می‌توان در برنامه‌ریزی‌های توسعه سال‌های اخیر به شکل‌های گوناگون مشاهده کرد. از اواخر سال‌های دهه ۱۳۵۰، عملکرد بخش صنعت دستخوش دگرگونی‌های متعدد شد که از عوامل بیرونی و درونی گوناگون نشئت می‌گرفت. شوک‌های اقتصادی، فرار سرمایه، مهاجرت متخصصان، افزایش عمومی و همه‌جانبه کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی، وضع مقررات و محدودیت‌های گوناگون و تغییرات بنیادی در اولویت اختصاص یافته به بخش صنعت، دست‌به‌دست هم داده و موقعیت فعالیت‌های صنعتی را در اقتصاد کشور به‌طور مشهودی تغییر دادند. در وضعیت وجود مجموعه‌ای از مقررات محدودکننده،

گسترش جنبه‌های مختلف فعالیت‌های زیرزمینی در اقتصاد، نامناسب بودن امکانات ارزی و نامتناسب با نیازهای ساختاری اقتصاد و نارسایی‌های ساختاری و بازاری، به عملکرد بخش صنعت به شدت آسیب وارد ساخت.

در این قسمت به ارائه دلایل توجیهی و تحلیل بیشتر ضرایب مدل‌ها پرداخته می‌شود. رابطه مثبت و معنادار بین میزان تولید و شدت صادرات، بیانگر فراهم آمدن زمینه‌های توسعه صادرات غیرنفتی ایران از طریق افزایش توانمندی و امکانات صنعت است. از سوی دیگر، ارتباط مثبت صادرات و نرخ ارز حاکی از آن است که وجود حاشیه سود قابل ملاحظه ناشی از نرخ ارز، بسیاری از بنگاه‌های تولیدی را واداشت تا به فکر کسب منافع کوتاه‌مدت از طریق ارسال کالاها و بعضاً نامرغوب به بازارهای خارج باشند.

مقادیر کسب قیمتی صادرات نشان می‌دهد که قدرت رقابت صادرکنندگان ایرانی در بازارهای خارجی در زمینه قیمت بسیار زیاد است. همچنین اثر تولیدی نشان می‌دهد که محدودیت اصلی رشد صادرات از طرف عرضه است؛ یعنی اینکه کالایی برای صادرات وجود ندارد و یا صادرکنندگان انگیزه کافی برای صادرات ندارند. بنابراین باید محدودیت‌های صادرات را برطرف کرد و با پرداخت جوایز صادراتی و یا یارانه به صادرکنندگان، آنان را به صادرات بیشتر تشویق کرد.

موضوع قیمت‌های نسبی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به طوری که رمز موفقیت سیاست آزادسازی تجاری با افزایش صادرات، قدرت رقابت قیمتی صادرکنندگان در بازارهای جهانی است. صادرات در نتیجه رشد اقتصادی کشور واردکننده، یا رقابت صادرکنندگان با رقبای خود بر سر قیمت افزایش می‌یابد (ابوت و دی ویتا (۲۰۰۲)). آلبرتو بهار و لارنس ادواردز (۲۰۰۴) ادعا می‌کنند اشتغال و توزیع مجدد درآمد در آفریقای جنوبی در پیشبرد رشد متکی به صادرات در این کشور براساس کاهش هزینه‌های واحد (تولید) و افزایش رقابت‌پذیری نقش زیادی داشته است؛ زیرا در آفریقای جنوبی رقابت بر مبنای قیمت شکل گرفته است. در ایران نیز وضع دقیقاً به همین منوال است در صورتی که سیاست قیمت‌های صادراتی رقابتی و نرخ‌های ارز واقعی دنبال شود قطعاً برای افزایش صادرات کشور تأثیرگذارتر از رشد درآمد کشورهای واردکننده است. این سیاست ممکن است در صورتی که تقاضا برای صادرات نسبت به

قیمت حساس نباشد با شکست مواجه شود.

در ایران به‌منظور تشویق صادرات غیرنفتی، تضعیف پول ملی به‌صورت عملی به‌وقوع پیوسته است. زیرا قبل از یکسان‌سازی نرخ ارز، ارز حاصل از صادرات غیرنفتی با نرخ‌های متفاوتی به ریال تبدیل می‌شد. به صادرکنندگان اجازه داده شده بود که یا صد درصد ارزش پیمان‌نامه خود را قبل از انقضای مهلت مقرر به سیستم بانکی کشور با نرخ رسمی فروخته و ارز واریزنامه‌ای دریافت کنند که بتوانند با استفاده از آن شخصاً اقدام به ورود کالاهای تعیین شده توسط دولت نموده و یا امتیاز ورود کالا را به شخص ثالث واگذار کنند.

با توجه به اینکه قیمت کالاهای صادراتی غیرنفتی ایران در داخل به ریال تعیین می‌شود، تضعیف ریال (افزایش قیمت ارز) علی‌الاصول باید امکان کاهش قیمت خارجی این کالاها و در نتیجه افزایش حجم صادرات آنها را به‌طور دائمی فراهم سازد؛ اما چرا این‌گونه نیست، می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. دشواری‌های موجود در صادرات غیرنفتی ایران و صادرات صنایع کوچک به‌طورکلی دلایل ریشه‌ای و بنیادی دارد که صرفاً با تغییر نرخ ارز قابل برطرف شدن نیست.
۲. عدم توانایی رقابت کالاهای ساخت ایران در بازارهای جهانی صرفاً به‌دلیل بالا بودن قیمت یا گرانی آنها نیست؛ بلکه کیفیت پایین کالاها (به‌استثنای برخی اقلام نظیر فرش) عامل مهمی در کاهش قابلیت فروش آنها محسوب می‌شود.
۳. بازار مصرف در داخل ایران بسیار وسیع است. بنابراین تولیدکنندگان کالاهای صنعتی نیازی به تحمل دشواری‌های رقابت در بازارهای خارجی ندارند؛ به‌ویژه اینکه اغلب تولیدکنندگان کالاهای مصرفی در ایران در معرض رقابت با رقبای خارجی قرار ندارند.
۴. تنگناهای موجود در امر تولید و زمان لازم برای افزایش ظرفیت تولید کالاهای صادراتی، استفاده مفید از تضعیف ارزش ریالی را با دشواری روبه‌رو می‌سازد.
۵. هیچ‌گونه تضمینی برای اینکه صادرکننده، قیمت صادراتی خود را کاهش داده و به‌این‌ترتیب سهم بزرگ‌تری از بازار خارجی را به خود اختصاص دهد وجود ندارد و در بسیاری موارد به‌علت کشش‌ناپذیری تقاضا برای کالاهای صادراتی ایران، افزایش نرخ ارز فقط سود صادرکننده را افزایش داده و تأثیری بر حجم و ارزش صادرات بر جای نخواهد گذاشت.

دلایل منفی بودن اثر درآمد جهانی بر تقاضای صادراتی صنایع کوچک ایران را می‌توان در ترکیب و نوع این کالاها با توجه به کیفیت پایین و کسش قیمتی بالای آنها نسبت داد و از طرفی با توجه به ظهور کشورهای قدرتمندی در این زمینه مانند چین و ترکیه این مسئله قابل توجیه است.

همچنین از یک‌سو با توجه به تغییر شرکای تجاری ایران به دلیل عدم ثبات در قوانین و روابط بین‌المللی و تجارت با کشورهای نسبتاً کم‌درآمد جهان و محدود بودن تقاضای این‌گونه کشورها (کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین، آسیای میانه، عراق، افغانستان و ...) و از سوی دیگر با توجه به افزایش سالانه هزینه‌های تولید مانند هزینه حقوق و دستمزد، مواد اولیه و تورم به عبارت دیگر بالا بودن کسش قیمتی محصولات صادراتی ایران، اثر منفی افزایش درآمد جهانی بر تقاضای صادرات کالاهای صنایع کوچک ایران قابل دفاع است.

دلایل دیگر این موضوع را می‌توان به کیفیت پایین، بسته‌بندی نامناسب، گران بودن قیمت این کالاها در مقایسه با کالاهای مشابه سایر کشورها به‌ویژه چین، ترکیه، پاکستان و ... نسبت داد. همچنین می‌توان ادعا کرد که احتمالاً افزایش درآمد جهانی برای شرکای تجاری ایران به‌طور نسبی از سایر کشورهای جهان کمتر بوده است. به‌گونه‌ای که افزایش درآمد جهانی برای صادرات ایران مستلزم افزایش تقاضا نبوده است. از دیگر دلایل در این رابطه می‌توان به محدودیت عرضه در ایران اشاره نمود که با توجه به افزایش درآمد جهانی در ایران امکان عرضه بیشتر صادرات کالاهای بخش صنایع کوچک فراهم نشده است.

نکته پایانی اینکه امروزه مسئله مهم در امر صادرات، سطح تکنولوژی است که با افزایش درآمد، تقاضا برای کالاهای با تکنولوژی بالاتر بیشتر افزایش می‌یابد. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت با افزایش درآمد، تقاضا برای کالاهای دارای تکنولوژی پایین به‌سوی تقاضا برای کالاهای دارای تکنولوژی بالا جابه‌جا می‌شود. با توجه به اینکه عمده کالاهای صادراتی صنایع کوچک ایران دارای سطح تکنولوژی پایینی می‌باشند این مسئله که چرا با افزایش درآمد جهانی، تقاضا برای کالاهای تولیدی صنایع کوچک در ایران کاهش یافته است؛ قابل توجیه خواهد بود.

فصل ششم

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری
و ارائه توصیه‌ها و
راهکارهای حمایتی

۶-۱ جمع‌بندی

۶-۱-۱ نگاهی گذرا بر کلیات و فرضیه‌های تحقیق

نظریه‌پردازان کلاسیک بیش از یکصد سال پیش نظریه‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک را مطرح کردند؛ اما در سه دهه اخیر، هم‌زمان با گسترش نفوذ نظریه‌پردازان نئوکلاسیک، این نظریه در قالب کارآفرینی از رونق زیادی برخوردار شده است. در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، سیاست‌گذاری‌ها، در جهت حمایت هرچه بیشتر از صنایع کوچک است. به طوری که حتی در قانون اساسی و اسناد ملی توسعه کشورهای مختلف بر حمایت و پشتیبانی از این صنایع تأکید شده است.

با توجه به نقش حیاتی که بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند در توسعه اقتصادی کشورها ایفا کنند و همچنین مزایایی که آنها نسبت به صنایع بزرگ دارند، لزوم توجه به تقویت و توسعه این بنگاه‌ها به جهت افزایش قدرت رقابت‌پذیری و نفوذ در بازارهای خارجی (صادرات) را ضروری می‌سازد.

هرچند موضوع صنایع کوچک (و متوسط) در جهان سابقه زیادی دارد؛ اما متأسفانه در ایران در حوزه‌های علمی و سیاست‌گذاری و تدوین سیاست‌های حمایتی به جز اقدامات انجام شده در برنامه سوم توسعه، چندان به اهمیت و جایگاه این بخش به صورت هدفمند و منسجم توجه نشده است. این در حالی است که بر پایه نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور در سال ۱۳۸۱، اکثر واحدهای صنعتی (تولیدی) جزء صنایع کوچک محسوب می‌شوند. به طوری که در این سال حدود ۹۹/۲ درصد واحدها در زمره کسب‌وکارهای کوچک دارای یک تا ۴۹ نفر کارکن هستند. بیش از ۶۳ درصد کل نیروی کار بخش صنعت کشور در این واحدها اشتغال دارند و سهم آنها در

ارزش افزوده بخش صنعت کشور بالغ بر ۲۸ درصد می‌شود در صورتی که سهم صنایع متوسط و بزرگ (پنجاه نفر کارکن و بیشتر) که فقط ۰/۸ درصد کل بنگاه‌های صنعتی را تشکیل می‌دهند، ۷۲ درصد ارزش افزوده است.

در ایران تعاریف متعددی از صنایع کوچک (و متوسط) وجود دارد. وزارتخانه‌های مختلف، مؤسسات و سازمان‌های مرتبط با این صنایع هرکدام تعریف خاصی از این صنایع را ارائه می‌کنند. در این مطالعه منظور از صنایع کوچک، متوسط و بزرگ همان تعریف وزارت صنایع و معادن در سند راهبردی توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۵ - ۱۴۰۴) و موضوع تبصره ذیل ماده واحده قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک است که می‌گوید: «اندازه بنگاه‌های با تعداد کارکنان کمتر از پنجاه نفر را صنایع کوچک، از پنجاه تا ۱۵۰ نفر را صنایع متوسط و از ۱۵۰ نفر به بالا را بنگاه‌های بزرگ صنعتی می‌نامند».

گفتنی است که به دلیل فقدان آمار و ارقام کارگاه‌های صنعتی زیر ده نفر کارکن (۱-۹ نفر کارکن) به صورت سری زمانی در کشور، در این مطالعه تعریف صنایع کوچک عملاً به واحدهای صنعتی کوچک دارای ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن تغییر می‌کند و تعاریف صنایع متوسط و بزرگ بر مبنای همان تعریف وزارت صنایع و معادن در پاراگراف فوق‌الذکر به قوت خود باقی است.

در ارتباط با اهمیت و ضرورت انجام این مطالعه باید گفت که با توجه به مزیت صنایع کوچک و متوسط در زمینه ایجاد ارزش افزوده، اشتغال‌زایی و به‌خصوص نوآوری در فناوری‌های تولید و تجارت، سیاست‌های افزایش قدرت رقابت صنایع کوچک و متوسط، باید بر پایه شناسایی حوزه‌های تجارت و شناسایی ظرفیت‌های صادراتی این صنایع صورت گیرد، به همین دلیل بررسی شیوه‌های رقابتی کردن صنایع کوچک و متوسط با فناوری بالا در جهت افزایش توان صادراتی آنها دارای اهمیت فراوانی است.

هدف اصلی از انجام این تحقیق تدوین سیاست‌های حمایتی برای صنایع کوچک ایران با رویکرد خاص به ارتقای توان صادرات این بخش از صنعت کشور است. فرضیات تحقیق به شرح زیر است:

۱. در سال‌های اخیر حمایت از صنایع کوچک در ایران هدفمند نبوده است.

۲. حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش عملکرد سرمایه‌گذاری آنها شده است.

۳. حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش توان رقابتی و افزایش قدرت صادراتی آنها شده است.

به‌منظور بررسی کمی و دقیق‌تر موضوع مورد مطالعه، مدل صادرات صنایع کوچک ایران براساس رابطه گلدشتاین و خان (۱۹۷۸ و ۱۹۸۵)، جیورجیانی و میلسی فراتی (۱۹۹۷) و آلبرتو بهار و لاورنس ادواردز (۲۰۰۴) برآورد می‌شود. در برآورد مدل، آمار صادرات مستقیم صنایع کوچک کشور براساس کد آیسیک سه‌رقمی، شامل ۵۶ فعالیت صنعتی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. سری زمانی برای برآورد شاخص‌های عملکردی و مدل مذکور دوره ده‌ساله ۱۳۷۴-۱۳۸۳ است که برنامه‌های دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) را از ابعاد آماری پوشش می‌دهد. در برآورد مدل صادراتی صنایع کوچک ایران، تمامی متغیرها برحسب لگاریتم (log-log) تعریف شده‌اند که این امر می‌تواند مهم‌ترین مزیت این مدل به‌منظور تفسیر آسان ضرایب و متغیرهای مرتبط باشد زیرا در این مدل هریک از ضرایب به‌منزله کشش آن متغیر نسبت به صادرات محسوب می‌شود که از ابعاد تحلیلی و تدوین سیاست‌های حمایتی و به‌خصوص ارزیابی کمی میزان اثرگذاری هریک از این سیاست‌ها بر میزان صادرات صنایع کوچک دارای اهمیت کلیدی است.

۲-۱-۶ عملکرد صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در اقتصاد ایران

- طی برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) در مقایسه با برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) از تعداد صنایع کوچک کاسته و بر سهم صنایع متوسط و بزرگ از بُعد تعداد بنگاه افزوده شد، در مقابل از ابعاد اشتغال از سهم صنایع بزرگ کاهش و بر سهم صنایع کوچک به‌خصوص صنایع متوسط اضافه گردید. نکته حائز اهمیت در این مبحث رشد قابل ملاحظه صنایع متوسط از ابعاد تعداد بنگاه و میزان ایجاد اشتغال است که این امر می‌تواند بیانگر ترمیم ساختار صنعتی از نظر الگوی توزیع بنگاه‌ها و ایجاد پیامدهای مثبت برای بخش صنعت کشور در سال‌های آتی باشد.

- در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) در مقایسه با برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) سهم صنایع کوچک و متوسط در ایجاد ارزش افزوده رو به افول بود؛ البته این کاهش در صنایع کوچک به مراتب بیشتر بوده است، درحالی‌که بر سهم صنایع بزرگ در ایجاد ارزش افزوده معادل ۲/۹ درصد افزوده شد. در برنامه سوم توسعه در مقایسه با برنامه دوم، نرخ رشد بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک و متوسط با افزایش (با میانگین سالانه به‌ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۵۶ درصد) و در صنایع بزرگ با کاهش (با میانگین سالانه ۱/۱۸- درصد) روبه‌رو بوده است. همچنین مقایسه شاخص بهره‌وری نیروی کار نشان می‌دهد که مقدار این شاخص در برنامه سوم توسعه در مقایسه با برنامه دوم در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ دارای رشد مثبت بوده به‌طوری‌که در صنایع کوچک و متوسط سالانه ۴/۸ درصد و در صنایع بزرگ نیز به‌طور متوسط نزدیک به ۱۳/۴ درصد رشد وجود داشته است.

- مقایسه متوسط شاخص سودآوری در برنامه سوم با برنامه دوم توسعه کشور بیانگر این است که میزان سودآوری صنایع کوچک و متوسط در حد رقم ۰/۵۴ ثابت مانده درحالی‌که میزان سودآوری در صنایع بزرگ دچار افول شده و از متوسط ۰/۷۹ به ۰/۷۱ کاهش یافت. با توجه به اینکه متوسط سهم ارزش افزوده صنایع بزرگ طی سال‌های برنامه سوم در مقایسه با برنامه دوم توسعه کشور افزایش و نزدیک به سه درصد (۲/۹ درصد) رشد داشت؛ می‌توان نتیجه گرفت که در طول سال‌های برنامه سوم توسعه ممکن است به دلایل مختلفی مانند بالا بودن قیمت مواد اولیه، بالا بودن نرخ بهره (سود تسهیلات)، عدم دسترسی آسان به منابع بانکی، وجود مازاد نیروی انسانی و غیره موضوع کاهش سودآوری در صنایع بزرگ اتفاق افتاده باشد.

- همچنین مقایسه شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع مختلف برحسب اندازه بنگاه در برنامه سوم در مقایسه با برنامه دوم دقیقاً برعکس تغییرات شاخص سودآوری در همین دوره زمانی است. به‌طوری‌که متوسط شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک و متوسط کاهش و بر میزان این شاخص در این صنایع بزرگ افزوده شد. این امر نیز با توجه به تعریف شاخص رقابت‌پذیری می‌تواند متأثر از افزایش سهم ارزش افزوده در صنایع بزرگ و وجود قراردادهای کاری بلندمدت و در نتیجه چسبندگی بیشتر دستمزدها (جبران خدمات) در سطوح صنایع بزرگ در مقایسه با صنایع کوچک و متوسط باشد.

- براساس نتایج رشد سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در برنامه سوم توسعه در مقایسه با برنامه دوم که به ترتیب میانگین سالانه آن معادل ۲۱، ۲۵/۴ و ۳۰/۴ درصد است می‌توان تحلیل کرد که به‌رغم رشد قابل ملاحظه سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و متوسط در برنامه سوم توسعه، گرایش به سمت صنایع بزرگ، بیشتر بوده است که این امر می‌تواند ناشی از جهت‌گیری سیاست‌های دولت در زمینه تقویت و حمایت از صنایع بزرگ باشد و هم به قدرت و توانمندی این صنایع در جذب تسهیلات برگردد.

- محاسبه شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید به‌عنوان تقریبی از روند بهره‌وری سرمایه نشان می‌دهد که میزان این شاخص برای صنایع کوچک از رقم ۰/۸۳ در برنامه دوم توسعه به رقم ۰/۶۵ در برنامه سوم توسعه تغییر پیدا کرد که این امر می‌تواند به‌طور تقریبی گویای بهبودی بهره‌وری سرمایه در سطح صنایع کوچک کشور در طول برنامه سوم توسعه کشور باشد هرچند که روند مقادیر شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید برای صنایع متوسط و بزرگ در تعارض با روند شاخص مستقیم بهره‌وری سرمایه است.

- بررسی تجارت خارجی ایران نشان‌دهنده این است که در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۷۸ مقارن با سال‌های برنامه دوم توسعه، صادرات صنعتی به‌طور میانگین سالانه حدود ۹/۸ درصد رشد داشته و سهم صادرات صنعتی در صادرات غیرنفتی کشور از ۳۹/۳ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت. در طول سال‌های برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) میزان صادرات غیرنفتی کشور از ۶۱۹۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به ۱۴۵۶۷ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت که از اهداف کمی برنامه سوم نیز پیشی گرفته بود. گفتنی است در برنامه سوم توسعه بسیاری از مسائل و مشکلات بخش تجارت خارجی شناسایی شده و اقدامات مؤثر نظیر حذف پیمان‌سپاری ارزی، رفع بسیاری از موانع غیرتعرفه‌ای و یکسان‌سازی نرخ ارز با جهت‌گیری بهبود صادرات غیرنفتی و هدفمند کردن واردات انجام شد. عملکرد صادرات صنعتی کشور در برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد با ادامه روند صعودی، ارزش صادرات صنعتی از رقم ۲۲۵۹/۲ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به رقم ۴۸۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است.

به‌عبارت‌دیگر صادرات صنعتی کشور در طول سال‌های برنامه سوم توسعه، از رشد چشمگیر متوسط سالانه‌ای معادل ۲۱/۶ درصد برخوردار شد. در همین دوره سهم

صادرات صنعتی از صادرات غیرنفتی از ۵۴ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۶۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته است.

نکته مثبت در آمار صادرات صنعتی مربوط به سال‌های برنامه سوم توسعه روند رو به رشد صادرات صنعتی و تداوم و استمرار آن است که به نوعی دستیابی کشور به رشدی پایدار در زمینه صادرات صنعتی را در ذهن‌ها تداعی می‌کند؛ زیرا براساس آمار قطعی، صادرات کالاهای صنعتی در سال ۱۳۸۴ به رقم ۷۷۶۰ میلیون دلار رسید و به عبارت دیگر صادرات صنعتی در این سال در مقایسه با سال ۱۳۸۳ نزدیک به شصت درصد (۵۹/۶۷) رشد داشته است و سهم صادرات صنعتی از صادرات غیرنفتی نیز در سال ۱۳۸۴ به رقم ۶۹/۳ درصد رسید. گفتنی است که بخش قابل توجهی از نرخ رشد صادرات صنعتی در سال‌های اخیر مربوط به صادرات محصولات پتروشیمی بوده است.

- براساس ارزیابی تقریبی در گزارش سالانه یونیدو در فوریه سال ۲۰۰۳، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از کل صادرات صنعتی کشور در سال ۱۳۷۹ که در این تحقیق معادل ۲۸۳۶ میلیون دلار برآورد شد، سهم صنایع کوچک و متوسط از آن حدود ۶/۲ درصد یعنی معادل ۱۷۶/۳ میلیون دلار بوده است.

- براساس آمار مرکز آمار ایران در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (برنامه سوم توسعه) میانگین سهم ارزش صادرات مستقیم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب معادل ۵/۱، ۵/۷ و ۸۹/۱ درصد است. در همین دوره زمانی میانگین سهم ارزش تولید صنایع کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب ۱۰/۸، ۱۰/۱ و ۷۹ درصد و میانگین سهم ارزش فروش نیز برابر با ۱۰/۷، ۱۰/۱ و ۷۹/۲ درصد بوده است. بنابراین با مقایسه میانگین سهم صادرات مستقیم با شاخص‌های ارزش تولید و فروش می‌توان دریافت که در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳، سهم صادرات مستقیم در صنایع کوچک و متوسط تقریباً معادل نصف مقادیر شاخص‌های سهم ارزش تولید و فروش در همین بنگاه‌ها بوده در حالی که میزان سهم صادرات مستقیم در صنایع بزرگ حدود ده درصد از مقادیر شاخص‌های سهم ارزش تولید و فروش در همین بنگاه‌ها بیشتر بوده است. این امر می‌تواند بدین معنا باشد که از یک سو کالاهای تولیدی صنایع بزرگ آسان‌تر به بازارهای جهانی راه یافته و صادر شده‌اند و از سوی دیگر با توجه به قابل عرضه بودن بخشی از تولیدات

صنایع بزرگ در بازارهای داخل کشور به‌نظر می‌رسد درصدی از محصولات تولیدی صنایع کوچک و متوسط به‌صورت غیرمستقیم و در قالب کالاهای واسطه‌ای و یا حتی کالاهای نهایی توسط صنایع بزرگ و تحت نام «برند» این صنایع صادر شده‌اند.

۳-۱-۶ روند تجارت جهانی و نقش صنایع کوچک و متوسط در تجارت خارجی

۱-۳-۶ مبانی نظری صادرات در صنایع کوچک

بررسی مبانی نظری ارتباط بین صادرات و مقیاس بنگاه نشان می‌دهد که توافق عمومی در متون مختلف وجود دارد که اندازه بنگاه ارتباط مستقیمی با احتمال انجام فعالیت‌های صادراتی دارد. مطالعات نشان می‌دهد که شرکت‌های فعال در زمینه صادرات عموماً شرکت‌هایی با اندازه بزرگ‌تر هستند و اندازه بنگاه احتمال صادرکننده بودن آن را افزایش می‌دهد. مطالعات درباره شرکت‌های نروژی در سال ۱۹۹۹ نشان می‌دهد که صنایع کوچک و متوسط صادراتی در این کشور از مزایای رقابتی قدرتمندتری در زمینه فناوری برخوردار بوده‌اند و علاوه بر این صنایع مذکور از مزیت رقابتی بیشتری نیز در زمینه قیمت تمام شده در مقایسه با صنایع بزرگ بهره می‌بردند. گفتنی است که صنایع کوچک و متوسط با اتخاذ استراتژی مناسب صادراتی، گسترش همکاری با شرکت‌های بزرگ و دسترسی به منابع ارزان قیمت می‌توانند بر مشکلات خود در زمینه بازاریابی و صادرات غلبه کنند. یافته‌های تحقیقاتی در زمینه ارتباط بین اندازه بنگاه و صادرات نشان می‌دهد که دیدگاه منفی مدیران صنایع کوچک و متوسط در زمینه سود، هزینه و مخاطرات صادرات از عوامل مهم در عدم مشارکت این صنایع در فعالیت‌های صادراتی است. نظریه‌های بین‌المللی شدن شرکت و تحقیقات صادراتی بر این تحلیل استوارند که آگاهی و ایجاد انگیزه در مدیران صنایع کوچک و متوسط عامل تعیین‌کننده در افزایش احتمال صادرات در این صنایع است.

۲-۳-۱-۶ روند تجارت جهانی و رشد تولید

مهم‌ترین دلیل کندی آهنگ تجارت جهانی در سال ۲۰۰۵ در مقایسه با سال ۲۰۰۴ می‌تواند افت شدید در نرخ رشد صادرات کشورهای اروپایی و ۲۵ کشور عضو اتحادیه

اروپا، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و ژاپن باشد. به طوری که صادرات این کشورها به میزان نصف سال قبل تقلیل یافت. با وجود کاهش ارزش پول‌های یورو، پوند انگلیس و فرانک سوئیس که تا اندازه‌ای به بهبود قیمت رقابتی صادرکنندگان اروپایی منجر شد؛ اما رشد واقعی صادرات کشورهای اروپایی در این سال به ۳/۵ درصد محدود شد که دقیقاً معادل نصف نرخ رشد صادرات اروپا در سال ۲۰۰۴ است. گفتنی است که عملکرد نسبتاً مطلوب تجارت آسیا در سال ۲۰۰۵ بیشتر تحت تأثیر نرخ رشد چشمگیر ۲۵ درصدی چین در زمینه صادرات کالا در این سال بوده است.

۳-۱-۳-۶ ساختار توزیع تولید صنعتی جهان

کشورهای صنعتی بیش از هفتاد درصد تولیدات صنعتی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در فاصله سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۲ ساختار تولید صنعتی جهان به سمت اقتصادهای در حال توسعه و کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی گرایش پیدا کرد. به طوری که سهم این کشورها به ترتیب از ۱۵/۷۳ و ۷/۱۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۳/۵۸ و ۱۴/۴۲ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت. نکته قابل توجه رشد تقریباً دوپست درصدی کشور چین در امر تولیدات صنعتی در دوره فوق‌الذکر است. براساس گزارش سالانه توسعه صنعتی یونیدو در سال ۲۰۰۵، طی سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ بیش از ۷۴ درصد تولیدات صنعتی جهان در اختیار کشورهای برتر صنعتی و به خصوص کشورهای عضو گروه هشت بوده است؛ اما در سال ۲۰۰۲ بر نقش و سهم کشورهای چین (۶/۶ درصد) و کره جنوبی (۳/۳ درصد) از تولید صنعتی جهان افزوده گردید. به طوری که در میان ده کشور برتر جهان در زمینه تولیدات صنعتی چین رتبه چهارم و کره جنوبی نیز رتبه هفتم جهان را به خود اختصاص داده‌اند.

۳-۱-۳-۴ ساختار توزیع ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) جهان

طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی بانک جهانی و بررسی ساختار صنعت در سال ۲۰۰۵، کشورهای کمتر توسعه‌یافته و مناطق آسیای شرقی و پاسیفیک و کشورهای جنوب آسیا به ترتیب از بیشترین میزان رشد سالانه ارزش افزوده صنعتی برخوردار بوده‌اند. این امر بر

ایجاد تغییرات ساختاری در بخش صنعت این مناطق دلالت داشته و از اهمیت بالایی برخوردار است. درحالی‌که کشورهای با درآمد بالا و عموماً پیشرفته در این سال دارای رشد پایینی بوده‌اند، هرچند که سهم این کشورها از کل ارزش افزوده صنعتی جهان همچنان بالاست و به بیش از ۷۳ درصد می‌رسد.

براساس گزارش یونیدو ساختار ارزش افزوده صنعتی ایران طی سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۵ (۱۳۸۱ - ۱۳۸۴) بهبود یافته و از رشدی شتابان برخوردار شد. به‌طوری‌که ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) ایران طی دوره مذکور از مبلغ ۱۳۹۳۸ میلیون دلار به ۸۴۱۸۴ میلیون دلار افزایش یافته است. این امر می‌تواند بیانگر تغییرات ساختاری در بخش صنعت کشور به‌خصوص در سال‌های برنامه سوم توسعه کشور باشد. سهم ایران از ساختار ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) جهان در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ به ترتیب ۰/۳۰، ۰/۲۵ و ۰/۷۶ درصد بوده است.

۵-۳-۱-۶ بررسی ساختار تجارت جهانی

بررسی منطقه‌ای ساختار صادرات کالایی جهان در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴ نشان‌دهنده این است که طی دوره مذکور تمرکز منطقه‌ای صادرات کالایی جهان بیشتر به سمت منطقه آسیای شرقی و پاسیفیک گرایش یافته است. به‌طوری‌که سهم این منطقه از صادرات کالایی جهان از ۴/۴۸ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش یافت. درحالی‌که در این دوره زمانی سهم کشورهای با درآمد بالا با بیش از ده درصد کاهش روبه‌رو بوده است.

اما در مورد سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کالایی جهان روند به این‌گونه است که سهم همه مناطق جهان دارای افزایش بوده است با این تفاوت که دو منطقه آسیای شرقی و پاسیفیک و آمریکای لاتین و حوزه کارائیب از رشد بیشتری برخوردار بوده‌اند. گفتنی است در میان کشورهای در حال توسعه، صادرات صنعتی در هشت کشور آسیای شرقی (چین، اندونزی، کره جنوبی، تایوان، تایلند، مالزی، فیلیپین و سنگاپور) و دو کشور آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (برزیل و مکزیک) متمرکز شده است.

۶-۳-۱-۶ ساختار فناوری فعالیت‌های صنعتی در جهان

در قرن بیستم مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، رشد فناوری در فرایند تولیدات صنعتی بوده است. به‌عنوان نمونه ۷۸ درصد رشد اقتصادی آلمان و ۷۶ درصد رشد اقتصادی فرانسه مرهون رشد فناوری بوده است. این رقم برای ایالات متحده پنجاه درصد بوده است. از مهم‌ترین ویژگی فناوری، بازده فزاینده آن نسبت به مقیاس است و اینکه انتقال آن هزینه اندکی دارد و پس از پیدایش آن، سایر بنگاه‌ها نیز از سرریز دانش^۱ آن استفاده می‌کنند.

بررسی روند حرکت اقتصاد جهانی نشان‌دهنده این است که تجارت جهانی به سمت محصولات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته حرکت کرده است و با توجه به ارزش افزوده و حاشیه سود بالای این محصولات، کشورهایی که بتوانند این محصولات را تولید و صادر کنند، از رشد بالایی در بخش صنعت خود بهره‌مند خواهند شد. به‌عنوان نمونه طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰ میلادی صادرات و واردات کالاهای با سطح فناوری بالا به‌ترتیب با ۱۱/۳ و ۱۲/۳ درصد رشد همراه بوده است. درحالی‌که در همین دوره زمانی محصولات با سطح فناوری متوسط و پایین از رشد ثابت تقریباً ۶-۷ درصدی برخوردار بوده‌اند.

براساس گزارش یونیدو در سال ۲۰۰۴، سهم صادرات محصولات صنعتی منبع‌گرا طی دوره ۱۹۸۱-۲۰۰۰ دارای روند نزولی بوده و این سهم از ۲۷ درصد در ابتدای دوره به ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. درحالی‌که در همین دوره سهم محصولات دارای فناوری سطح بالا از ۱۳/۵ درصد به ۲۸ درصد افزایش پیدا کرد. در این دوره زمانی محصولات با سطح فناوری متوسط بیشترین سهم از صادرات کارخانه‌ای را به خود اختصاص داده و طی سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۹۰ با حفظ سهم چهل درصدی خود از ثبات نسبی بیشتری برخوردار بوده است. در دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۰ به‌موازات افزایش سهم محصولات با سطح فناوری بالا، سهم محصولات با فناوری متوسط از صادرات کارخانه‌ای جهان کاسته شده و در سال ۲۰۰۰ به حدود ۳۶ درصد رسید.

ساختار صادرات کارخانه‌ای برحسب شدت فناوری در کشورهای در حال توسعه و

1. Spillover

کشورهای صنعتی در چهار برش مقطعی پنج‌ساله در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰ نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه در دوره میانی (۱۹۸۵-۱۹۹۵) بر تمام سطوح فناوری و به‌خصوص در صنایع با سطوح فناوری متوسط و بالا متمرکز بوده‌اند. به‌طوری‌که نرخ رشد این سطح از فناوری در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی در همین دوره پیشی گرفته و حتی در دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۰ نیز نرخ رشد صادرات صنعتی کشورهای در حال توسعه برحسب تمام سطوح فناوری از کشورهای صنعتی بیشتر بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ساختار صادرات کارخانه‌ای جهان برحسب شدت فناوری بیشتر به سمت کشورهای در حال توسعه گرایش داشته است.

در بین کشورهای در حال توسعه نیز بیشترین تمرکز صادرات کارخانه‌ای با سطح فناوری بالا مربوط به مناطق خاصی مانند منطقه آسیای شرقی و آمریکای لاتین و حوزه کارائیب است. نکته جالب توجه در دو منطقه اصلی کشورهای در حال توسعه درزمینه فناوری این است که بیشترین سهم این مناطق در سطح فناوری بالا، مربوط به دو کشور چین و مکزیک است.

گفتنی است که طی دو دهه از سال ۱۹۸۰-۲۰۰۰ سهم کشورهای در حال توسعه از صادرات کارخانه‌ای جهان برحسب محصولات دارای سطوح فناوری متوسط و بالا به‌ترتیب از ۶/۲ و ۹/۲ درصد در ابتدای دوره به ۱۷/۵ و ۳۲/۳ درصد در انتهای این دوره، یعنی سال ۲۰۰۰ افزایش یافته که این امر شاهدهی بر تمرکز فناوری سطح متوسط و بالا در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های اخیر است.

۷-۳-۱-۶ عملکرد صنعتی کشورهای در حال توسعه و صنعتی

از خصوصیات بارز کشورهای صنعتی، بالا بودن سهم فناوری متوسط و بالا در ارزش افزوده و صادرات کارخانه‌ای است که به‌استثنای کشور روسیه تقریباً در همه این کشورها بیش از پنجاه درصد است و سهم صادرات صنعتی آنها از کل صادرات به‌طور میانگین بین ۵۰-۹۰ درصد است.

بررسی عملکرد صنعتی ایران در بین کشورهای منتخب در حال توسعه نشان‌دهنده این است که در فاصله سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۲ (۱۳۶۹-۱۳۸۱) سهم فناوری متوسط و

بالا در ایجاد ارزش افزوده و صادرات صنعتی دارای روند نزولی بوده است و این سهم از ۲۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش یافت. در حالی که در همین دوره سهم این شاخص در کشورهایی مانند کره جنوبی، مالزی، تایوان، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و اندونزی دارای روند صعودی بوده و به‌طور میانگین بیش از پنجاه درصد بوده است. از دیگر نکات برجسته در این زمینه پایین بودن سهم تولید و صادرات صنعتی ایران از کل تولید و صادرات کشور است که به ترتیب ۱۳/۳ و ده درصد در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) بود در صورتی که این سهم‌ها در کشورهایی مانند کره جنوبی، ۳۳/۹ و ۹۶/۵ درصد، مالزی ۳۵/۹ و ۹۳/۳ درصد، تایوان ۲۸/۱ و ۹۸/۳ درصد، اندونزی ۲۷ و ۷۶/۹ درصد و ترکیه ۲۳/۳ و ۸۵/۹ درصد بوده است.

۸-۳-۱-۶ نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

امروزه جذب سرمایه‌های خارجی برای ایجاد شتاب در روند صنعتی شدن از موضوعاتی مهم در زمینه استراتژی‌های صنعتی محسوب می‌شوند. با توجه به ویژگی‌های ساختاری صنایع کوچک و متوسط و نقطه نظرات آنکتاد در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در زمینه توسعه اقتصادی، می‌توان به نقش این صنایع در جلب این سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش رشد اقتصادی پی برد.

روزبه‌روز بر اهمیت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین مناطق و کشورهای مختلف جهان افزوده می‌گردد و حجم این جریانات نیز در حال افزایش است. به‌طوری‌که براساس آخرین گزارش آنکتاد در سال ۲۰۰۶، حجم جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان در سال ۲۰۰۵ تقریباً معادل ۹۱۶/۲ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ به ترتیب معادل ۶۴ و ۲۹ درصد رشد داشته است. کشورهای توسعه‌یافته، اروپایی و کشورهای در حال توسعه از بیشترین میزان جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۵ برخوردار بوده‌اند که در مقایسه با بخش جریانات خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌نظر می‌رسد عمده‌ترین منبع جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این سال، کشورهای در حال توسعه، آفریقا، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، آسیا، کشورهای مشترک‌المنافع و کشورهای ایالات متحده و انگلستان بوده‌اند.

بررسی روند جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نشان می‌دهد که سهم ایران در سال‌های اخیر در مقایسه با دیگر کشورهای آسیایی و منطقه، بسیار ناچیز بوده است و وضعیت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ (۱۳۸۲-۱۳۸۴) به حداقل خود رسیده است. به‌عنوان نمونه ایران در سال ۲۰۰۵ به‌جای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با خروج سرمایه مواجه بوده است؛ زیرا جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این سال معادل سی میلیون دلار بود و در مقابل، جریان خروجی آن نیز معادل ۷۶ میلیون دلار بوده است. در این سال در بین کشورهای آسیایی، چین، سنگاپور، ترکیه، امارات متحده عربی، هند، عربستان سعودی، هنگ‌کنگ، تایلند، کره جنوبی، ویتنام و فیلیپین به‌ترتیب جذب‌کننده‌های عمده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده‌اند.

گفتنی است در سال ۲۰۰۵ سهم ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین کشورهای آسیایی معادل ۰/۰۱۵ درصد و در مقایسه با کشورهای صادرکننده اصلی نفت خام ۰/۰۸ درصد و نسبت به کشورهای در حال توسعه و کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان در این سال معادل ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۳ درصد بوده است.

۹-۳-۱-۶ شاخص درجه آزادی اقتصادی

براساس آخرین گزارش سالانه مؤسسه فریزر در سال ۲۰۰۶، ایران در سال ۲۰۰۴ در بین ۱۳۰ کشور مورد بررسی با کسب امتیاز آزادی اقتصادی جهان ۶/۱، رتبه ۸۲ را به لحاظ درجه آزادی اقتصادی به خود اختصاص داده است که نسبت به دیگر کشورهای آسیایی مانند هنگ‌کنگ، سنگاپور، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، امارات متحده عربی و ... به‌عنوان یک اقتصاد بسته در تجارت جهانی و منطقه عمل کرده است. درحالی‌که کشورهای آسیایی مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور، به‌ترتیب با کسب امتیاز آزادی اقتصادی جهان ۸/۷ و ۸/۵ دارای رتبه‌های اول و دوم شده‌اند.

براساس گزارش بنیاد هریتیج، ایران در سال ۲۰۰۶ با کسب امتیاز کلی ۴۳/۱ درصد رتبه ۱۵۰ ام را به لحاظ درجه باز بودن اقتصاد در میان ۱۶۰ کشور جهان به خود اختصاص داده است. هرچند اختلاف زیادی در برآورد شاخص درجه آزادی اقتصادی توسط مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج برای ایران به چشم می‌خورد؛ اما هر دو شاخص

بسته بودن اقتصاد ایران را در مقایسه با کشورهای هم‌جوارش تأیید می‌کنند.

۱۰-۳-۱-۶ مطالعه تطبیقی در زمینه نقش و سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی

در تجارت خارجی

بررسی سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در صادرات صنعتی (کارخانه‌ای) در کشورهای در حال توسعه (آفریقا و آسیای شرقی) و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۰۴ نشان می‌دهد که سهم بزرگی از صادرات صنعتی به‌عنوان نمونه ۵۶ درصد در تایوان، بیش از چهل درصد در چین و ۳۱/۵ درصد صادرات صنعتی در هند به بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص دارد. در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نیز به‌عنوان نمونه در کشورهای دانمارک، فرانسه، سوئد و فنلاند سهم این بنگاه‌ها در صادرات صنعتی به‌ترتیب ۴۶، ۲۸/۶، ۲۴/۱ و ۲۳/۳ درصد بوده است. پایین بودن کسر بودجه و تورم، وجود نظام شفاف پولی، پایدار و نرخ‌های ارز رقابتی و انعطاف‌ناپذیر می‌تواند به سرمایه‌گذار وجود حداقل ثبات در محیط اقتصاد کلان را نوید دهد که برای اتخاذ تصمیمات منطقی تجاری لازم و ضروری است. مطالعات شیفر و ویدر (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که سنج‌های تورم و نرخ ارز، رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط را بیشتر از بنگاه‌های بزرگ تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اما عدم ثبات در سیاست‌های کلان اقتصادی تمامی بنگاه‌ها را به میزان مساوی تحت تأثیر قرار خواهند داد.

میزان آسیب‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ بسیار بالاست، به همین دلیل این بنگاه‌ها نیازمند سیاست‌های حمایتی و تشویقی خاصی هستند. در حال حاضر کشورهای در حال توسعه و در حال گذار از سیاست‌ها و استراتژی‌های فراوانی در زمینه بنگاه‌های کوچک و متوسط برخوردارند؛ مانند استراتژی توسعه بخش خصوصی، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، استراتژی سرمایه‌گذاری و تجارت، استراتژی توسعه صادرات و ... اما نکته قابل تعمق در این رابطه این است که در کشورهای مذکور مسئولیت تحقق این سیاست‌ها و استراتژی‌ها به عهده مؤسسات بخش عمومی است که از ابعاد ظرفیت، قدرت و صلاحیت در ایجاد هماهنگی، ضعیف و ناتوان هستند. موضوع ایجاد هماهنگی در تمام سطوح به‌منظور بهبود توان رقابت‌پذیری

بنگاه‌های کوچک و متوسط ضروری و از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین برای دستیابی به تحقق بخشی از استراتژی‌ها به‌منظور بهبود توان رقابت‌پذیری این بنگاه‌ها، باید استراتژی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در استراتژی توسعه ملی گنجانده شود تا اثرات سیاست‌های جاری دولت در زمینه اصلاح بازار و غیره به این بنگاه‌ها نیز تسری یابد. آقای لیل (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که در کشورهای در حال توسعه موضوع شکست بازار به‌طور ویژه‌ای متفاوت به‌نظر می‌رسد و این کشورها بیشتر نیازمند استراتژی‌های هماهنگ و سازگار هستند تا بتوانند اقتصادشان را از فعالیت‌های با فناوری و مهارت پایین به سمت فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا سوق دهند. همچنین به‌نظر می‌رسد در این کشورها با اتخاذ یک بسته سیاستی انتخابی به‌جای یک رویکرد جانب‌دارانه از بازار (بازار دوستی) می‌توان به موانع و چالش‌های سر راه توسعه غلبه کرد. کره جنوبی: از دهه ۱۹۸۰ به بعد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در کره جنوبی به‌دلیل اتخاذ سیاست فعال دولت در تقویت و گسترش این بنگاه‌ها، در زمینه تمامی شاخص‌ها مانند تعداد بنگاه‌های تأسیس شده، اشتغال، تولید ناخالص داخلی، ارزش کالای حمل شده با کشتی و ارزش افزوده از رشد بالاتری در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ برخوردار شده‌اند؛ زیرا سیاست‌های فعال دولت باعث شد تا ساختار نامتعادل ناشی از سیاست‌های ترجیحی و حمایت دولت از صنایع بزرگ اصلاح و تعدیل گردد.

روند صادراتی صنایع کوچک و متوسط در کره جنوبی از سال ۱۹۹۴-۱۹۹۸ نشان می‌دهد که حدود چهار درصد صادرات صنعتی این کشور طی دوره مذکور توسط این صنایع صورت گرفت. براساس آخرین آمار به‌دست آمده، سهم صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط کره جنوبی طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۴ به‌طور متوسط بیش از ۴۱ درصد بوده که در مقایسه با متوسط دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۸ دارای روند افزایشی بوده است.

گفتنی است سهم صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط کره جنوبی از کل صادرات در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ به‌ترتیب ۴۳، ۴۲، ۴۲/۳ و ۳۸/۹ درصد بوده است.

تایوان: بررسی ساختار تولید در اقتصاد تایوان نشان‌دهنده این است که سهم بخش صنعت از ۱۹/۷ در سال ۱۹۵۲ به ۲۵/۹ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافت. البته ذکر این نکته الزامی است که سهم بخش صنعت در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در این کشور

به بیش از چهل درصد رسیده بود که به‌نظر می‌رسد به‌دلیل آثار سوء بحران مالی در کشورهای جنوب شرقی آسیا در سال ۱۹۹۷ این سهم رو به کاهش گذاشت.

در سال‌های اخیر صنایع کوچک و متوسط تایوان نزدیک به سی درصد از کل فروش شرکت‌ها و بیست درصد از کل ارزش صادرات مستقیم این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۲۰۰۵، میزان فروش این صنایع از کل فروش بنگاه‌های تایوان به بیش از ۳۰۳ میلیارد دلار آمریکا و با سهمی معادل ۲۹/۴۶ درصد رسید و ارزش صادرات مستقیم آنها نیز در این سال به بیش از ۳۶ میلیارد دلار آمریکا و با سهمی معادل ۱۷/۶ درصد رسیده است.

نقش جدی صنایع کوچک و متوسط تایوان در زمینه صادرات را می‌توان به نوع استراتژی انتخاب شده توسط دولت مرتبط دانست. این استراتژی ضمن اینکه به‌دلیل اجرای سیاست‌های جایگزینی واردات، تأمین نیازهای داخلی را به صنایع بزرگ محول کرد، صنایع کوچک و متوسط را با هدف تولید برای صادرات به‌گونه‌ای مورد حمایت قرارداد که تولیدات آنها، رشته فعالیت‌های با فناوری بالا و دانش‌محور را دربرگیرد. به‌نظر می‌رسد چنین استراتژی و جهت‌گیری در کنار ویژگی‌های ذاتی صنایع کوچک و متوسط نظیر انعطاف‌پذیری بالا، تخصص‌گرا بودن و همکاری نزدیک با شرکت‌های دیگر در قالب شبکه‌های خوشه‌ای و تعامل مناسب با صنایع بزرگ، ضمن افزایش توان رقابت‌پذیری این صنایع، تایوان را به تولیدکننده بزرگ محصولات با فناوری بالا در دنیا تبدیل کرده است.

ژاپن: طی پنجاه سال گذشته (۱۹۷۴ - ۱۹۹۶) تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط در ژاپن معادل چهار میلیون واحد افزایش یافته است. به‌عبارت‌دیگر از ۲/۷ میلیون واحد به ۶/۵ میلیون واحد در سال ۱۹۹۶ رسید. براساس آمار و ارقام سال ۲۰۰۱ صنایع کوچک و متوسط ژاپن ۹۹/۸ درصد از کل صنایع این کشور، ۶۵/۶ درصد اشتغال و ۵۷/۷ درصد از ارزش افزوده کل صنعت ژاپن را به خود اختصاص داده است. گفتنی است که هرچند ارزش افزوده صنایع کوچک و متوسط ژاپن از صنایع بزرگ این کشور بیشتر است؛ اما بهره‌وری نیروی کار در صنایع کوچک و متوسط تقریباً نصف صنایع بزرگ است که دلیل آن می‌تواند کاربر بودن صنایع کوچک و متوسط یا محدودیت آنها در دسترسی به بازار سرمایه باشد.

مقایسه ارزش کالاهای تولیدی توسط صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ نشان می‌دهد که طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۲ سهم این بنگاه‌ها در امر تولید تقریباً ثابت باقی مانده است و این سهم برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ۵۱ درصد و برای بنگاه‌های بزرگ نیز حدود ۴۹ درصد است.

سهم ارزش افزوده صنایع کوچک و متوسط در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۲ همواره بیش از ۵۵ درصد از کل ارزش افزوده صنایع ژاپن بوده و بهره‌وری نیروی کار در تمامی این سال‌ها تقریباً نصف صنایع بزرگ بوده است. ارزش صادرات صنایع کوچک و متوسط ژاپن در دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۹ نشان می‌دهد که در این دوره بیش از ۵۱ درصد صادرات ژاپن توسط صنایع کوچک و متوسط صورت گرفت. اما همچنان نقش صنایع بزرگ ژاپن در زمینه صادرات برجسته‌تر است؛ زیرا این صنایع فقط ۰/۲ درصد از کل بنگاه‌های فعال صنعتی ژاپن را تشکیل می‌دهند.

اندونزی: بررسی عملکرد توسعه صنعتی اندونزی در دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۹ نشان‌دهنده این است که تا قبل از بحران مالی جنوب شرقی آسیا در سال ۱۹۹۷، ارزش افزوده و صادرات صنعتی اندونزی از رشد بالایی برخوردار بود. سهم ارزش افزوده صنعتی در تولید ناخالص داخلی اندونزی در دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۹، ۲۳ درصد بوده و در دو دهه اخیر به‌طور متوسط بیش از پنجاه درصد از کل صادرات این کشور را صادرات صنعتی به خود اختصاص داده است.

نگاهی به سهم ارزش افزوده صنایع کوچک با صنایع متوسط و بزرگ مبین این حقیقت است که نزدیک به نود درصد ارزش افزوده ایجاد شده مربوط به صنایع متوسط و بزرگ است. نکته قابل تأمل در این زمینه این است که هرچند آمار ارزش افزوده صنعتی در اندونزی نشان‌دهنده عملکرد بالاتر صنایع بزرگ در مقایسه با صنایع کوچک است؛ اما این نکته را باید در نظر داشت که رشد موفقیت‌آمیز صنایع بزرگ در نتیجه رشد طبیعی صنایع کوچک و تبدیل آنها به صنایع متوسط و بزرگ اتفاق افتاده است. آمار بهره‌وری صنایع در اندونزی نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر میانگین نرخ رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار از سال ۱۹۹۰ به بعد در تمامی صنایع مثبت بوده است؛ اما در صنایع کوچک و متوسط (۲۰ تا ۹۹ نفر کارکن) این رشد بسیار چشمگیر بوده است.

صادرات اندونزی بیشتر توسط صنایع بزرگ دارای پانصد نفر کارکن و بیشتر صورت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۰۰ میلادی تقریباً بیش از ۶۵ درصد صادرات صنعتی این کشور توسط این صنایع صورت گرفت که با احتساب صنایع صد نفر کارکن و بیشتر به‌عنوان صنایع بزرگ، این سهم به بیش از ۹۵ درصد بالغ می‌گردد، درحالی‌که باوجود رشد چشمگیر صادرات صنایع کوچک و متوسط در سال‌های ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰، سهم این صنایع در ارزش صادرات صنعتی این کشور فقط ۴/۱ درصد بوده است.

۴-۱-۶ بررسی سیاست‌های حمایتی و نقش عوامل مؤثر بر حمایت از صنایع کوچک در ایران

۴-۱-۶-۱ عملکرد بانک صنعت و معدن در زمینه پرداخت تسهیلات به صنایع کوچک
بانک صنعت و معدن بانکی توسعه‌ای- سرمایه‌گذاری در جهت توسعه اقتصادی کشور و به‌خصوص تقویت و حمایت از صنایع کوچک به شمار می‌رود. به‌موجب بند «۷» ماده (۵) اساسنامه این بانک (مصوب سال ۱۳۸۰)، اعطای تسهیلات و کمک به کارآفرینان و ایجاد خط اعتباری برای حمایت از صنایع کوچک جزء وظایف اصلی آن محسوب می‌شود. همچنین به‌موجب بند «۵» ماده (۵) اساسنامه بانک، مساعدت و مشارکت برای ایجاد نهادهای مالی، فنی، حقوقی، خدماتی و سایر نهادهای تخصصی مورد نیاز از جمله کمک به تأسیس «بانک صنایع کوچک» از دیگر وظایف بانک در قبال صنایع کوچک است.

در دوره ۱۳۷۴ - ۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه) تعداد تقاضای تسهیلات از بانک صنعت و معدن ۳۴۱۸ مورد بود که از این تعداد فقط ۱۱۷۹ مورد (۳۴/۵ درصد کل تقاضای تسهیلات) تسهیلات بانکی، معادل ۳۱۸۹/۶ میلیارد ریال به تصویب رسید که از این مقدار نیز معادل ۱۰۲۵/۷ میلیارد ریال (۳۲ درصد) به سرمایه‌گذاران پرداخت شد. گفتنی است که بانک باوجود منابع محدود، رأساً بخشی از منابع مالی خود را در پروژه‌های صنعتی و معدنی سرمایه‌گذاری کرده است. به‌طوری‌که در دوره ۱۳۷۴ - ۱۳۷۸، در مجموع مبلغ ۱۷۸۶/۴ میلیارد ریال به تصویب رسید و از این مبلغ نیز حدود ۷۵۸/۲ میلیارد ریال پرداخت شد.

میزان تسهیلات مصوب و پرداختی بانک صنعت و معدن به صنایع کوچک در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸ (برنامه دوم توسعه) به ترتیب معادل ۲۲۵/۹۷ و ۱۰۴/۲۲ میلیارد ریال بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد به‌رغم عزم بانک در اعطای تسهیلات به صنایع کوچک، به دلیل فقدان کمک‌های فنی، نبود استراتژی مناسب در زمینه این صنایع، اثربخشی اقدامات بانک در این خصوص نیز محدود بوده است. مانده تسهیلات بانکی و مؤسسات اعتباری به بخش صنعت و معدن در دوره ۱۳۷۴-۱۳۷۸، معادل ۱۱۵۰۰۵/۳ میلیارد ریال و سهم بخش غیردولتی از این تسهیلات نیز معادل ۵۵۹۹۵ میلیارد ریال بوده است.

به‌موجب ماده (۱۱۱) قانون برنامه سوم توسعه به‌منظور فعال کردن بانک تخصصی صنعت و معدن در جهت تجهیز منابع مالی بخش صنعت و معدن، اقدامات متعددی در راستای تقویت بانک صنعت و معدن صورت گرفت. به‌طوری‌که در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ از تعداد ۸۵۲۷ مورد تقاضای تسهیلات از بانک صنعت و معدن، برای تعداد ۶۰۵۸ مورد تقاضا، تسهیلات بانکی به تصویب رسید. در این دوره مبلغ کل تسهیلات مصوب معادل ۲۸۳۷۶ میلیارد ریال بوده که از این مبلغ ۱۰۴۷۵ میلیارد ریال پرداخت شد. گفتنی است که تسهیلات اعطایی بانک صنعت و معدن از ۵۰۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ هم‌زمان با شروع برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۸۱ به ۱۸۲۵ میلیارد ریال، در سال ۱۳۸۲، ۲۳۱۵ میلیارد ریال افزایش یافت. در سال ۱۳۸۳ تسهیلات بانک به مبلغ ۴۸۶۳ میلیارد ریال رسید و با ادامه روند صعودی، این مبلغ در سال ۱۳۸۴ به ۶۳۵۵ میلیارد ریال افزایش یافت.

بررسی وضعیت تسهیلات اعطایی بانک صنعت و معدن به صنایع کوچک در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ یا سال‌های برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد که تسهیلات مصوب از ۴۰۷/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ به ۱۳۸۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. به‌عبارت‌دیگر با رشد ۲۴۰ درصدی همراه بوده است. از مجموع تسهیلات مصوب در برنامه سوم توسعه که معادل ۴۲۹۴ میلیارد ریال بود، مبلغ ۳۷۳۵ میلیارد ریال پرداخت شد. در سال ۱۳۸۴ به تنهایی نزدیک به هشتاد درصد کل سال‌های برنامه سوم توسعه یعنی ۳۴۰۵ میلیارد ریال تسهیلات برای صنایع کوچک به تصویب رسید و از این مبلغ نیز ۳۱۶۱ میلیارد ریال (معادل ۸۴/۶ درصد کل پرداختی تسهیلات به صنایع کوچک

در برنامه سوم توسعه) پرداخت شده است. گفتنی است که افزایش چشمگیر منابع بانک صنعت و معدن و اعطای تسهیلات به صنایع کوچک در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ بیشتر در راستای اهداف بند «ب» و «د» ماده (۱۱۱) قانون برنامه سوم توسعه صورت گرفت.

مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در چارچوب مصوبات دولت و شورای پول و اعتبار به بخش صنعت و معدن در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ با افزایش همراه بوده است. به طوری که مانده تسهیلات اعطایی به بخش‌های غیردولتی در این دوره پنج‌ساله با رشدی معادل ۳۳۸ درصد از مبلغ ۳۹۳۷۵/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ به مبلغ ۱۷۲۶۴۲/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت و در همین دوره مانده تسهیلات اعطایی به بخش‌های دولتی با رشدی معادل ۵۸ درصد از ۱۳۴۲۴/۶ میلیارد ریال به ۲۱۲۳۸/۸ میلیارد ریال افزایش یافت. گفتنی است که در سال ۱۳۸۴ نیز این روند افزایشی ادامه یافت. در این سال مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی معادل ۲۲۸۱۳۳/۲ میلیارد ریال (با ۳۲/۱ درصد رشد) و به بخش دولتی ۲۴۱۷۰/۶ میلیارد ریال (با ۱۳/۸ درصد رشد) است.

۲-۴-۱-۶ صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک

صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در ایران با هدف فراهم ساختن موجبات توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در صنایع کوچک، تضمین و تسهیل در توثیق تسهیلات اعطایی به صنایع کوچک «قانون تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک» مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۴ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. سرمایه اولیه صندوق نیز معادل پانصد میلیارد ریال در نظر گرفته شد.

با توجه به محدودیت منابع برای صنایع کوچک و عدم امکان تهیه وثیقه کافی از سوی این صنایع، دولت کشورهای پیشرفته و تازه توسعه‌یافته به ایجاد چنین صندوقی اقدام کرده‌اند. این صندوق‌ها با کاهش ریسک بانک‌ها، موجبات رشد سریع بنگاه‌های کوچک و متوسط و سبب بهبود محیط کسب‌وکار می‌شوند.

۳-۴-۱-۶ سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران

به‌موجب «قانون تمرکز امور صنعت و معدن» سازمان صنایع کوچک در سال ۱۳۷۹ تأسیس و سپس در سال ۱۳۸۲ منحل و وظایف سیاست‌گذاری و حمایتی آن به «سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران» به‌عنوان متولی اصلی این امر منتقل شد. براساس ماده (۱) اساسنامه سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، تهیه و تدوین خط‌مشی‌های اجرایی و توسعه صنایع کوچک، بسترسازی برای هدایت و توسعه سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی در صنایع کوچک، سامان‌دهی و پشتیبانی از توسعه کارآفرینی، تأمین منابع مالی، توسعه فناوری، ارتقای بهره‌وری، سامان‌دهی و پشتیبانی از ایجاد پیوند مناسب بین صنایع کوچک، متوسط و بزرگ، توسعه شبکه‌ها و خوشه‌های صنعتی، حمایت از واحدهای کوچک صنعتی نوپا و حمایت و پشتیبانی از توسعه بازار و همکاری‌های فنی، اقتصادی و فناوری بین صنایع کوچک کشور با سایر کشورها و رفع موانع و مشکلات فراراه توسعه و گسترش صنایع کوچک از مهم‌ترین وظایف و تکالیف این سازمان به‌عنوان متولی اصلی و حمایتی برای صنایع کوچک است.

عملکرد سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران بر مبنای اطلاعات عملکرد تفصیلی وزارت صنایع و معادن نشان می‌دهد، این سازمان از بُعد سیاست‌گذاری در سال ۱۳۸۰ بیشتر به تهیه لایحه صندوق تضمین سرمایه‌گذاری، تهیه طرح جامع صنایع کوچک، همکاری با یونیدو و مراکز علمی داخل کشور و شناسایی و تدوین تجربیات شرکت‌های مشاوره‌ای برای بهبود کیفیت و افزایش بهره‌وری در صنایع کوچک معطوف شده بود. هرچند که در این سال مطالعات مهمی نیز در زمینه‌های صندوق تضمین سرمایه‌گذاری، قانون کار، بانک‌های تخصصی برای صنایع کوچک، توسعه پیمانکاری صنایع کوچک با صنایع بزرگ، انگیزش‌های مالیاتی، مطالعات تطبیقی و بررسی تجارب سایر کشورها، فناوری اطلاعات و نمایشگاه‌های پیمانکاری صنایع کوچک با صنایع بزرگ صورت گرفت.

مهم‌ترین ابعاد عملکردی این سازمان در سال ۱۳۸۱ را می‌توان در تأمین مالی طرح‌ها، خدمات مشاوره‌ای و آموزشی خلاصه کرد. در این سال از محل اعتبار جزء ۲ بند «ب» تبصره «۲۹» قانون بودجه سال ۱۳۸۱ مبلغ ۱۳۷۲/۴۵ میلیارد ریال تسهیلات

بانکی برای ۱۸۰۸ طرح به تصویب رسید و به ۱۹۳۰ واحد کوچک صنعتی نیز مبلغ ۱۴۰۰ میلیارد ریال تسهیلات بانکی پرداخت شد. در زمینه‌های خدمات مشاوره‌ای و آموزشی نیز می‌توان ارائه مشاوره، همکاری و مشارکت در ارائه آموزش‌های پیشرفته مدیریتی و تهیه طرح‌های تیپ راهنمای سرمایه‌گذاری اشاره کرد.

پس از انحلال سازمان صنایع کوچک در سال ۱۳۸۲ و انتقال وظایف سیاست‌گذاری آن به سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، این سازمان جدیدالتأسیس بیشتر دستخوش تحولات قانونی بوده است. به طوری که در خردادماه سال ۱۳۸۴، این سازمان جدید شکل گرفت و اساسنامه آن در مردادماه ۱۳۸۴ به تصویب رسید. مهم‌ترین فعالیت سیاست‌گذاری سازمان، تصویب نهایی اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در دی‌ماه ۱۳۸۴ و تصویب سند استراتژی سازمان و اقدام در مورد تدوین استراتژی توسعه صنایع کوچک و فعال شدن صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری کوچک تا پایان تیرماه ۱۳۸۵ بوده است.

۴-۱-۶ مرکز توسعه صادرات ایران و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

هرچند مرکز توسعه صادرات ایران (سازمان توسعه تجارت ایران) برای توسعه صادرات توسط بخش خصوصی تلاش می‌کند؛ اما سیاست ویژه‌ای برای کمک به صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی ندارد. تمامی سیاست‌ها، یارانه‌ها و سایر تدابیر حمایتی به صورت برابر به تمامی بنگاه‌ها اختصاص می‌یابد. با توجه به اینکه شرکت‌های بزرگ از ظرفیت‌های اداری و دیوان‌سالاری بهتری نسبت به بنگاه‌های کوچک و متوسط برخوردارند در واقع بیشتر یارانه‌های صادراتی و حمایتی توسط این شرکت‌ها جذب می‌شوند.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران نیز مانند مرکز توسعه صادرات بخش خاصی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ندارد و تمامی خدمات و تسهیلات اتاق از قبیل سیاست‌های توسعه صادرات، شرکت در نمایشگاه‌های خارجی، برگزاری دوره‌های آموزشی و غیره برای تمامی بنگاه‌ها فارغ از اندازه آنها ارائه می‌شوند. بنابراین شرکت‌های بزرگ با توجه به ارتباطات قوی‌تر از ظرفیت بیشتری برای بهره‌مندی از این تسهیلات برخوردار هستند.

۵-۴-۱-۶ جهت‌گیری سیاست‌های دولت در زمینه صنایع کوچک

جهت‌گیری اصلی و منسجم سیاست‌های دولت در زمینه صنایع کوچک بیشتر معطوف به برنامه سوم توسعه است. در واقع برنامه سوم توسعه نقطه عطفی در زمینه تدوین بسته‌های سیاستی حمایتی برای صنایع کوچک کشور محسوب می‌شود. در این برنامه تجهیز منابع مالی برای توسعه صنعتی به‌خصوص در بخش غیردولتی با رویکرد خاص به صنایع کوچک از جمله جهت‌گیری‌های مهم برنامه در راستای حمایت از این صنایع بوده است. به این منظور در این برنامه بر تقویت نقش بانک صنعت و معدن به‌عنوان بانک تخصصی برای حمایت از بخش صنایع و معادن و به‌ویژه صنایع کوچک تأکید شد. بسته‌های سیاستی برنامه سوم توسعه برای حمایت از صنایع کوچک به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

- عملیاتی کردن قانون حداکثر استفاده از توان سازندگان داخلی به‌منظور استفاده مناسب از توان ساخت داخل و تقویت پیمانکاران و مشاوران داخلی،
- گسترش فعالیت‌های شرکت شهرک‌های صنعتی و کمک به شکل‌گیری خوشه‌ها و زنجیره‌های تولید صنعتی،
- تأکید بر نقش صنایع کوچک، ترویج کارآفرینی و ایجاد اشتغال با تأسیس سازمان صنایع کوچک،
- تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک در سال ۱۳۸۳ به‌منظور تسهیل در دسترسی صنایع کوچک به منابع مالی.

بررسی عملکرد مواد قانونی برنامه سوم توسعه در زمینه بخش صنعت و معدن با رویکرد تدوین سیاست‌های مالی حمایتی در قالب بندهای «ب» و «د» مواد (۱۱۱) و (۵۴) نشان می‌دهد به‌منظور تجهیز منابع جدید از طریق تقویت بانک صنعت و معدن و ایجاد خط اعتباری خاص برای حمایت از صنایع کوچک، مبلغ ۳۸۲۱ میلیارد ریال به این صنایع از محل وجوه اداره شده و منابع داخلی بانک‌ها پرداخت شد. هرچند که اعطای این تسهیلات در زمینه تجهیز منابع ثمربخش بود؛ اما مطابق با اهداف برنامه سوم توسعه برای تأمین مالی صنایع کوچک نبود. در ایجاد خط اعتباری خاص برای صنایع کوچک، عاملیت وجوه حاصل از تبصره «۲۹» قوانین بودجه سنواتی در دستور کار قرار

گرفت. در راستای این سیاست گرایش بانک صنعت و معدن از صنایع کوچک به سمت صنایع با مقیاس بزرگ سوق پیدا کرد و دفتر صنایع کوچک در ساختار بانک صنعت و معدن حذف شد که با توجه به ضرورت تأمین مالی صنایع کوچک، این سیاست نیز ثمربخش نبود. تأمین بخشی از منابع مالی بانک صنعت و معدن طبق بند «د» ماده (۱۱۱) تا حدودی ثمربخش بوده است.

در راستای اجرای ماده (۵۴) قانون برنامه سوم توسعه با هدف تقویت طرح‌های اشتغال‌زای صنایع کوچک، به‌طور متوسط ۴۴/۷ درصد از اعتبارات مصوب جذب و به تحقق پیوست و تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۸۳ معادل ۶۵۷۴۹ نفر فرصت شغلی ایجاد شد. همچنین در این زمینه می‌توان از طرح ایجاد سی فرصت شغلی در صنایع کوچک نام برد که تا پایان سال ۱۳۸۳ بیش از ۸۲ درصد از هدف آن تحقق یافت.

۶-۴-۱-۶ مشکلات پیش‌روی صادرات صنایع کوچک و متوسط و راهکارهای یونیدو
شایع‌ترین مشکلات این صنایع، در زمینه صادرات مشکلات بازاریابی و تحقیقات، عدم دسترسی به بازار، یک‌طرفه بودن بازار، عدم شناخت نیازها و الزامات بازار، مشکل در تعامل بین این صنایع با نهادی حمایتی، مشکلات در کسب‌وکارهای بین‌المللی، مشکلات فراروی تأمین مالی این صنایع و ... است.

صنایع کوچک و متوسط اغلب به دلیل پیچیدگی‌های صادرات و موانع سر راه آن از ورود به بازارهای خارجی اجتناب می‌کنند و بیشتر تمایل به فعالیت در بازارهای داخلی دارند. بازارهای خارجی ویژگی‌ها و الزامات خاص خودشان را دارند، این الزامات نه تنها نیازها و ترجیحات مشتریان نهایی (قیمت، کیفیت و غیره) را دربرمی‌گیرد بلکه شامل الزامات قانونی و فنی کشورهای مقصد صادرات نیز هست.

شرایط اساسی اولیه برای صادرات موفق شرکت‌ها به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: وجود تجهیزات تولیدی کامل و پیشرفته، وجود ظرفیت تولید و سرمایه، فناوری لازم و کافی برای دستیابی به ویژگی‌های کیفیتی، رعایت استانداردهای فنی - محیطی و قانونی بازارهای خارجی، ایجاد زیرساخت‌های صادرات، بازاریابی و تحقیقات بازار، تجهیز به فنون بازاریابی با هدف تولید برای صادرات، توسعه و تقویت مهارت‌های ارتباطی و قدرت

چانه‌زنی، ایجاد ظرفیت‌های مدیریتی و آگاهی و شناخت کافی از محدودیت‌ها و مشوق‌های صادراتی در کشور مبدأ.

به نظر می‌رسد اکثر شرکت‌های کوچک به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند شرایط فوق‌الذکر را فراهم سازند. علاوه بر این بسیاری از این بنگاه‌های کوچک و متوسط فقط از روش‌های مدیریتی سنتی استفاده می‌کنند و منابع مالی و انسانی محدودی در دسترس دارند. اغلب این بنگاه‌ها از نیازها و الزامات تقاضای مصرف‌کنندگان نهایی در بازارهای خارجی بی‌اطلاع هستند.

به اعتقاد یونیدو (۲۰۰۲) شبکه‌سازی یک روش مهم برای رفع مشکلات و بهبود موقعیت رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شود و این امر، باعث بهبود کیفیت محصولات و شناخت بازارهای سودآور می‌شود. راهکار یونیدو (۲۰۰۳) برای فائق آمدن بر مشکلات فراروی صادرات این بنگاه‌ها تشکیل کنسرسیوم یا شبکه صادراتی است. کنسرسیوم صادراتی می‌تواند با مزایایی مانند کاهش ریسک و تمایز در صادرات از طریق افزایش دسترسی به اطلاعات بازارهای خارجی، افزایش سود و دستیابی به صادرات پایدار در نتیجه سرشکن شدن هزینه‌ها بین بنگاه‌های مختلف، افزایش کارایی در نتیجه برخورداری از مزایای ناشی از صرفه‌های مقیاس و هم‌افزایی همراه باشد.

۷-۴-۱-۶ استراتژی توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف

از اینکه هدف از توسعه صنایع کوچک و متوسط چه باشد، نوع استراتژی که توسط کشورهای مختلف انتخاب می‌شود تغییر خواهد کرد. به‌عنوان نمونه کشورهای مختلف اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند که ممکن است هدف اصلی افزایش تولید، پاسخ‌گویی به تقاضای داخل، افزایش تولید برای صادرات، ایجاد اشتغال و یا در سطوح کلان هدف رشد بخش صنعت و غیره باشد، به همین دلیل به تبع اتخاذ هر هدفی، استراتژی خاصی به‌منظور دستیابی به آن هدف باید انتخاب شود. شرط لازم برای توسعه صنایع فارغ از اندازه و ابعاد آن در هر کشوری پیش از هرگونه سیاست‌گذاری، باید ساختار اقتصاد یا محیط کسب‌وکار مساعد باشد. به‌عبارت‌دیگر باید شرایط اقتصادی، زیربناها و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های تولیدی فراهم باشد.

شرط کافی پس از اصلاح ساختارهای کلان اقتصادی، اتخاذ راهبردها و سیاست‌های خاص (استراتژی) توسط دولت‌ها برای صنایع کوچک و متوسط است. بر پایه نظریه‌های اقتصادی ضرورت وجود شرط کافی، وجود «شکست بازار» است. مصادیق شکست بازار در زمینه صنایع کوچک و متوسط می‌تواند شامل انحصار صنایع بزرگ، اطلاعات ناقص، ریسک و ناطمینانی و تبعیض در مسائل مالی و موانع قانونی باشد، به همین دلیل این اعتقاد وجود دارد که دخالت دولت و اتخاذ استراتژی‌های خاص می‌تواند شکست‌های موجود در بازار را مرتفع سازد.

تجربه نشان داده است که استراتژی دولت‌ها به دو بخش کلی ایجاد محیط مناسب برای فعالیت صنایع کوچک و متوسط (اصلاحات زیرساختی) و ظرفیت‌سازی و تقویت این صنایع تقسیم‌بندی می‌شود. ایجاد محیط مناسب کسب‌وکار اصولاً از طریق ایجاد مراکز سیاست‌گذاری، تأسیس مؤسسات و نهادهای پشتیبان، اصلاح بازار سرمایه، اصلاح قوانین و تصویب قوانین جدید و ایجاد سیستم آماری مناسب به منظور ارزیابی و برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. ظرفیت‌سازی و تقویت صنایع کوچک و متوسط نیز عموماً از طریق کمک به مکانیزاسیون تجهیزات، کمک به ارتقای بهره‌وری و سطح فناوری در این صنایع و گسترش پیمانکاری فرعی، کمک به بهبود کیفیت کالا از طریق حمایت‌های فنی و اطلاعاتی، ارائه شبکه‌های ایمنی برای جلوگیری از ورشکستگی‌های زنجیره‌ای و تأسیس نهادهای خدماتی در زمینه‌های فنی، مشاوره‌ای و بازاریابی انجام می‌پذیرد.

۸-۴-۱-۶ وجوه اشتراک جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی در کشورهای مورد مطالعه

در قبال صنایع کوچک و متوسط

با نگاهی به جهت‌گیری سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کشورهای کره جنوبی، تایوان، مالزی و اندونزی می‌توان وجوه اشتراک سیاست‌های حمایتی در این کشورها را به حمایت‌های مالی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری، تقویت بازاریابی و صادرات، بسترسازی برای توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط، ایجاد همکاری بین صنایع کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ و گسترش پیمانکاری فرعی و ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی به صنایع مذکور تقسیم‌بندی کرد:

الف) حمایت مالی و مالیاتی

حمایت‌های مالی و مالیاتی یکی از ابزارهای اصلی و جدایی‌ناپذیر در زمینه سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف و به‌خصوص کشورهای مورد مطالعه مانند کره جنوبی، تایوان، مالزی و اندونزی محسوب می‌شود؛ اما نحوه حمایت مالی در این کشورها متفاوت بوده و بیشتر به استراتژی و سیاست‌گذاری‌های کلان آنها وابسته است، به همین دلیل در این کشورها حمایت‌های مالی و مالیاتی از صنایع کوچک و متوسط به روش‌های گوناگون صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از:

۱. کمک مالی و تضمین وام و اعتبار برای ایجاد ثبات اقتصادی،
۲. حمایت مالی از تأسیس کسب‌وکارهای جدید،
۳. تأمین سرمایه و نقدینگی لازم برای راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی بنگاه‌های کوچک و متوسط،
۴. تأمین نیاز ارزی به‌صورت وام،
۵. تأمین اعتبارات برای صادرات، واردات و جذب سرمایه یا مشارکت‌های خارجی،
۶. اعطای معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی،
۷. اعطای وام ویژه به پیمانکاران صنعتی صنایع کوچک و متوسط،
۸. معافیت کامل عوارض گمرکی و سود بازرگانی برای واردات ماشین‌آلات مدرن، تکنولوژی جدید و تجهیزات تحقیق و توسعه،
۹. تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط برای برگزاری دوره‌های آموزشی،
۱۰. حمایت مالی به‌منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط،
۱۱. حمایت مالی مستقیم و اعطای وام‌های بدون بهره،
۱۲. تأمین نیازهای مالی از طریق اعطای وام‌ها با نرخ بهره متفاوت و ارائه تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای حمایت از صنایع کوچک خوداشتغالی.

ب) افزایش قدرت رقابت‌پذیری

تقویت قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط برای نفوذ در بازارهای جهانی به‌منظور صادرات محصولات تولیدی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به همین دلیل

کشورهای مورد مطالعه اهتمام جدی به این امر دارند و رویکرد عمده آنها در زمینه تقویت و افزایش قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط به شرح زیر است:

۱. اصلاح ساختار بنگاه‌ها و حمایت از کاربرد فناوری اطلاعات،
۲. تقویت همکاری بین بنگاه‌های کوچک و متوسط و نظارت بر روابط سالم بین این بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ،
۳. پشتیبانی مالی از بنگاه‌های کوچک و متوسط،
۴. جمع‌آوری نظرهای بنگاه‌های کوچک و متوسط با هدف اصلاح قوانین،
۵. تقویت توان رقابتی از طریق حمایت از نوآوری‌های تکنولوژیکی،
۶. ارائه خدمات مشاوره‌ای و تأمین کارشناسان و متخصصان مورد نیاز.

ج) تقویت بازاریابی و صادرات

بازاریابی مقوله‌ای است که برای بنگاه‌های کوچک و متوسط به تنهایی امکان‌پذیر نیست و این بنگاه‌ها اصولاً با تشکیل کنسرسیوم و یا ایجاد شبکه با صنایع بزرگ و برخورداری از مزایای برندهای معتبر (مارک یا علائم تجاری شرکت‌های بزرگ و معروف) سعی می‌کنند هزینه‌های بازاریابی را کاهش دهند و به این ترتیب به بازارهای جهانی نفوذ پیدا کنند. کشورهای مورد مطالعه برای دستیابی به هدف بازاریابی و صادرات، جهت‌گیری‌های حمایتی زیر را دنبال می‌کنند که عبارت‌اند از:

۱. حمایت از صادرکنندگان صنایع کوچک و متوسط،
۲. مساعدت در جلب سرمایه‌های خارجی،
۳. تقویت همکاری‌های بین‌المللی،
۴. ایجاد نظام شبکه خدمات‌رسانی (بازاریابی)،
۵. برنامه‌ریزی و ترغیب صنایع کوچک و متوسط در بازارهای تجاری بین‌المللی با تولید کالاهای با ارزش افزوده بالا،
۶. حفظ بازارهای خارجی کنونی و تشویق صنایع کوچک و متوسط به توسعه بازار و دستیابی به بازارهای جدید،
۷. تلاش برای حفظ و تثبیت صنایع کوچک و متوسط در بازارهای خارجی سنتی،

۸. تقویت و گسترش ارتباط و همکاری صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ و شرکت‌های چندملیتی،
۹. کمک و حمایت از صنایع کوچک و متوسط برای دستیابی به قراردادهای صادراتی،
۱۰. انجام پژوهش‌های علمی-کاربردی و به‌کارگیری نتایج آنها در راستای حفظ و تقویت موقعیت در بازارهای جهانی،
۱۱. تقویت پیمانکاری فرعی و برخورداری از مزایای بازاریابی،
۱۲. حمایت از شکل‌گیری بازارهای جدید و نقش فعال دولت در بازاریابی کالای نهایی از طریق تأسیس خانه‌های تجارت، شرکت‌های مادر تخصصی و بنگاه‌های فعال در زنجیره تولید و پیمانکاران فرعی.

د) بسترسازی برای توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط جدید

در کشورهای مورد مطالعه علاوه بر حفظ صنایع کوچک و متوسط موجود، تلاش می‌شود صنایع جدید توسعه و گسترش یابند و هدف این کشورها در امر توسعه صنایع جدید، تولید کالاهای جدید و با ارزش افزوده بالا و شکل‌گیری بازارهای جدید است. برای تأسیس صنایع جدید در این کشورها، رویکردهای مختلفی وجود دارد که به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

۱. کمک به تأسیس صنایع کوچک و متوسط جدید به طریق حمایت‌های قانونی، مالی و فیزیکی،
۲. ایجاد بستر مناسب برای تأسیس صنایع جدید به طریق حمایت از فعالیت کارآفرینان و تشویق خلاقیت و نوآوری،
۳. گسترش فرهنگ کارآفرینی،
۴. فراهم ساختن زیرساخت‌ها و ایجاد صنایع پیشرو مانند خودروسازی، الکترونیک، لوازم خانگی و غیره به‌منظور توسعه پیمانکاری فرعی،
۵. ایجاد ارتباط و همکاری عملی گسترده بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با صنایع و بنگاه‌های تولیدی،
۶. آموزش و تأمین نیازهای اطلاعاتی صنایع کوچک و متوسط.

ه) ایجاد همکاری بین صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ و گسترش پیمانکاری فرعی موضوع ایجاد همکاری بین صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ از ابعاد مختلف حائز اهمیت است و از وظایف اصلی دولت‌ها به شمار می‌رود. مهم‌ترین فایده این نوع همکاری‌ها فائق آمدن بر مشکلات ناشی از کوچک بودن مقیاس این نوع بنگاه‌ها و برخوردار شدن از صرفه‌های ناشی از مقیاس و مزیت‌های هم‌افزایی است. علاوه بر این صنایع کوچک و متوسط با بهره‌مندی از مزایای بازاریابی تحت نام «برند» شرکت‌های بزرگ به آسانی می‌توانند به بازارهای جهانی نفوذ پیدا کنند.

برخورداری از امکانات تحقیق و توسعه، دانش فنی، تجارب مدیریتی، سهولت در خرید مواد اولیه، دستیابی آسان به منابع مالی و ... از دیگر مزایا برای صنایع کوچک و متوسط در همکاری با صنایع بزرگ به شمار می‌رود. شیوه‌های ایجاد و تقویت همکاری بین این صنایع و اهداف کشورهای مورد مطالعه به شرح زیر است:

۱. نظارت بر روابط سالم بین شرکت‌های بزرگ و صنایع کوچک و متوسط به منظور بهبود قدرت رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط،
۲. همکاری فنی داخلی و بین‌المللی بین صنایع با هدف دستیابی به نوآوری‌های تکنولوژیکی،
۳. تدوین برنامه‌های جامع برای ایجاد نظام منسجم و مطلوب بین صنایع بزرگ با صنایع کوچک و متوسط توسط دولت،
۴. تشکیل سازمان یا نهاد متولی گسترش همکاری بین این صنایع،
۵. توسعه پیمانکاری جزء یا فرعی توسط دولت با فراهم ساختن زیرساخت‌ها و گسترش صنایع پیشرو،
۶. گسترش مدل‌های همکاری صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ به روش پیمانکاری مستقیم، شبکه‌ای، تولیدی صنعتی مشترک و تشکیل شرکت‌های سهامی.

و) ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی به صنایع کوچک و متوسط
 ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های آموزشی ویژه صنایع کوچک و متوسط در زمینه‌های مختلف از قبیل نحوه تأمین مالی، شکل‌گیری پیمانکاری فرعی، روش‌های

بازاریابی و صادرات، فنون مدیریتی و غیره از جایگاه مهمی در کشورهای مورد مطالعه برخوردار است. روش‌های دستیابی به این اهداف عبارت‌اند از:

۱. ارائه خدمات مشاوره‌ای از طریق سازمان‌های عمده و تخصصی دولتی،
۲. تأمین نقدینگی برای برگزاری دوره‌های آموزشی،
۳. حمایت آموزشی فراگیر به صورت آموزش از راه دور، آموزش حین انجام کار و غیره،
۴. حمایت آموزشی و تربیتی کارآفرینان،
۵. ایجاد نظام شبکه خدمات‌رسانی،
۶. آموزش و تأمین نیازهای اطلاعاتی صنایع کوچک و متوسط،
۷. ارائه خدمات مشاوره‌ای و تأمین کارشناسان و متخصصان مورد نیاز،
۸. آموزش نیروی انسانی در مراکز آموزش فنی - حرفه‌ای،
۹. آموزش مدیریتی برای کارآفرینان،
۱۰. ارائه مشاوره‌های فنی و بازاریابی،
۱۱. ایجاد بانک‌های گسترده اطلاعاتی شامل بازاریابی، بازاریابی و پیمانکاری.

گفتنی است در کشورهای پیشرفته صنعتی مانند آلمان و کانادا برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط بیشتر بر نقش نهادهای حمایتی تأکید شده است. این نهادهای حمایتی ممکن است دولتی یا خصوصی باشند. نهادهای دولتی بیشتر به عنوان محرک و مشوق بخش خصوصی عمل می‌کنند و پس از تثبیت این نهادها در اقتصاد ملی، حضور دولت کم‌رنگ خواهد شد.

در کشور کانادا علاوه بر فعالیت نهادهای حمایتی مانند وزارت صنایع کانادا، مراکز ارائه‌دهنده خدمات متمرکز، شرکت‌های مسئول توسعه محلی، تشکل‌های مستقل کسب‌وکار و اتاق بازرگانی کانادا، برنامه‌های عمده حمایتی دولت با توجه خاص به بنگاه‌های کوچک و متوسط در راستای بسترسازی برای توسعه و گسترش این صنایع و رفع موانع محیطی و مقرراتی دنبال می‌شود.

با توجه به نقش بسیار مهم و حساس بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد آلمان از ابعاد نقش در تولید ناخالص داخلی، اشتغال و غیره، در این کشور حداقل ده نهاد مختلف به صورت مستقیم و غیرمستقیم به حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌پردازند. نکته

قابل تأمل در عملکرد این نهادها این است که اقدامات هریک از این نهادها، تکمیل‌کننده اقداماتی است که توسط سایر نهادها صورت می‌گیرد. در کشور آلمان، اتاق صنایع و بازرگانی، بانک تسویه، مؤسسه تحقیقات بنگاه‌های کوچک و متوسط و خانه اقتصاد B.B.W از مهم‌ترین نهادهای حمایتی برای صنایع کوچک و متوسط محسوب می‌شوند.

۶-۱-۵ برآورد مدل صادرات و تحلیل عوامل مؤثر بر صادرات صنایع کوچک در ایران

۶-۱-۵-۱ اهمیت مقوله صادرات

یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، تک‌محصولی بودن اقتصاد آنها و به‌ویژه وابستگی آنها به مواد خام و اولیه است. این امر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی این کشورها را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد. صادرات از مهم‌ترین منابع درآمد ارزی کشورها محسوب می‌شود و اجرای بسیاری از پروژه‌های صنعتی و عمرانی را امکان‌پذیر می‌کند. صادرات به‌خصوص صدور کالاهای صنعتی پس از سرمایه‌گذاری دارای بیشترین اثر تولیدی در اقتصاد بوده و پس از سرمایه‌گذاری‌های دولت در زمینه ایجاد اشتغال از بیشترین اثر اشتغال‌زایی برخوردار است. صادرات سبب می‌شود عرضه ارز از انحصار دولت خارج شده و به‌وسیله طیف وسیع‌تری از عاملان اقتصادی به کشور انتقال یابد. این امر سبب افزایش کارایی در زمینه ایجاد تعادل در بازار ارز خواهد شد و توانمندی اقتصاد کشور را از طریق پیوند با اقتصاد جهانی افزایش می‌دهد.

۶-۱-۵-۲ تصریح مدل تقاضای صادرات صنایع کوچک

همانند بسیاری از مطالعات تجربی، در این مطالعه تابع تقاضای صادرات به‌صورت تک‌معادله و مستقل از عرضه صادرات تخمین زده می‌شود. با این فرض که در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، از آنجا که عرضه‌کننده کوچک و قیمت‌پذیر است و محصولات خود را در بازار رقابت کامل به فروش می‌رساند، کشش تقاضای صادرات برای کالاهای تولید داخل نامحدود خواهد شد. علاوه بر این به‌دلیل استراتژی جایگزینی واردات که یک استراتژی درون‌گراست و به‌عنوان سیاست توسعه اقتصادی در ایران مدنظر بوده است، صادرات به‌صورت پسماند از تقاضای داخلی به حساب می‌آید.

در بسیاری از مطالعات انجام شده در خصوص تابع تقاضای صادرات غیرنفتی در ایران، فقط عوامل تعیین‌کننده تقاضای خارجی مانند قیمت‌های نسبی و درآمد جهانی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تقاضای صادرات معرفی شده‌اند، درحالی‌که تقاضای صادرات علاوه بر عوامل خارجی از عوامل داخلی نیز تأثیر می‌پذیرد. شواهد تجربی و نظری نیز دلالت بر این موضوع دارند که تقاضای داخلی باید در معادله صادرات منظور گردد و مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که اثر تقاضای داخلی بر صادرات معنادار بوده است.

در ایران مداخله شدید دولت و کنترل‌های دولتی بر تخصیص منابع سبب می‌شود که شرایط رقابت کامل وجود نداشته باشد و عرضه و تقاضای داخلی نتوانند آثار خود را به‌طور کامل در قیمت‌های نسبی منعکس کنند. به همین دلیل تقاضای داخلی را باید به‌عنوان یک متغیر مستقل در تابع صادرات منظور کرد و از آنجاکه صادرات غیرنفتی به‌عنوان یک مقوله حاشیه‌ای و پسماند تقاضای داخل کشور محسوب می‌شود، باید انتظار داشت که تقاضای داخلی دارای اثر منفی بر صادرات غیرنفتی باشد.

متغیر قیمت‌های نسبی براساس این تئوری وارد مدل شده که معتقد است صادرات با افزایش فروش و سودآوری محصولات صادراتی افزایش می‌یابد. در مدل مورد استفاده در این تحقیق از نسبت شاخص قیمت کالاهای صادراتی جهان به شاخص قیمت کالاهای صادراتی ایران استفاده شده و انتظار می‌رود که با فرض ثابت ماندن سایر شرایط، در صورت افزایش قیمت کالاهای صادراتی، تقاضا برای صادرات کاهش پیدا کند. در این مطالعه ۶۱ رابطه تعادلی بلندمدت (به تعداد زیربخش‌های صنعتی براساس ۶۱ کد آیسیک سه‌رقمی) برای صادرات صنایع کوچک منظور گردید. تمامی متغیرها به‌صورت مقادیر واقعی بوده و به شکل لگاریتمی در مدل صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرند. گفتنی است که تمامی محاسبات برمبنای سال پایه ۱۰۰=۱۳۷۶ و برای سال‌های برنامه پنج‌ساله سوم توسعه کشور یا دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ صورت می‌گیرد.

۳-۵-۱-۶ برآورد مدل صادرات صنایع کوچک در ایران و بررسی نتایج به‌دست آمده در این مطالعه داده‌ها به‌صورت یک پانل آماری برای ۶۱ زیربخش سازمان‌دهی و به

روش تلفیق داده‌ها، پارامترها مورد برآورد قرار می‌گیرد. ادغام آمارهای سری زمانی با آمارهای مقطعی نه تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی برای تخمین مدل‌های اقتصادسنجی فراهم سازد بلکه از نتایج به دست آمده می‌توان در امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استفاده‌های شایانی به عمل آورد. مدل صادرات در این مطالعه براساس رابطه گلدشتاین و خان (۱۹۷۸ و ۱۹۸۶)، جیورجیانی و میلی فراتی (۱۹۹۷) و آلبرتو بهار و لارنس ادواردز (۲۰۰۴) به صورت زیر تصریح شده است:

معادله (۱-۶):

$$x_{it} = \beta_0 + \beta_1 wgdpt + \beta_2 \left(\frac{pxw}{px} \right)_t + \beta_3 rem_t + \beta_4 qsit + \varepsilon_{it}$$

برآورد مدل فوق‌الذکر به دو روش صورت گرفته است: در روش اول صنایع برحسب کدهای آیسیک سه‌رقمی که حداقل در یکی از سال‌های دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ دارای صادرات بوده، مورد محاسبه قرار گرفته‌اند و فقط فعالیت‌هایی از مبنای محاسبات حذف شدند که در هیچ‌یک از سال‌های این دوره پنج‌ساله صادرات نداشته‌اند. در روش دوم برای برآورد دقیق‌تر مدل صادرات از صنایعی استفاده شد که در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۳ و در دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۳ و یا فقط در سال ۱۳۸۳ صادرات داشته‌اند. در این قسمت با توجه به مشابهت علائم و مقادیر کمی ضرایب برآورد شده، فقط به ارائه برآورد مدل به روش دوم و تفسیر ضرایب آن بسنده می‌شود.

$$x_{it} = -4.81 Lwgdpt - 1.44 Lp_t + 1.67 Lerm_t + 0.95 qs_{it}$$

(3.19) (-3.98) (2.26) (14.47)

$\bar{R}^2 = 78$ $D.W = 2.53$ $N = 172$

براساس مقدار آماره F می‌توان دریافت که مدل فوق‌الذکر قابلیت برآورد به صورت پانل دیتا را دارد. ضریب \bar{R}^2 نشان می‌دهد که حدود ۷۸ درصد از تغییرات در صادرات مستقیم توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. با توجه به اینکه مدل مذکور به صورت (Log- Log) برآورد شده است؛ بنابراین تمامی ضرایب به منزله کشش محسوب می‌شوند. تفسیر و تحلیل ضرایب به دست آمده به شرح زیر است:

کشش صادرات صنایع کوچک نسبت به درآمد جهانی ۴/۸۱- است، بدین معنا که

با یک درصد افزایش در درآمد جهانی، تقاضای صادرات برای کالاهای بخش صنایع کوچک ایران معادل ۴/۸۱ درصد کاهش می‌یابد. کشش صادرات نسبت به قیمت‌های نسبی مساوی ۱/۴۴- است بدین معنا که با یک درصد افزایش در قیمت کالاهای صادراتی ایران نسبت به قیمت کالاهای صادراتی جهان (سایر کشورها)، تقاضا برای صادرات صنایع کوچک ایران با کاهش ۱/۴۴ درصدی روبه‌رو می‌شود. کشش صادرات صنایع کوچک نسبت به نرخ ارز بازار آزاد مثبت و معادل ۱/۶۷ است بدین معنا که با افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش ریال، صادرات صنایع کوچک افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به ازای یک درصد افزایش در نرخ ارز و یا یک درصد کاهش در ارزش ریال، میزان صادرات صنایع کوچک ایران معادل ۱/۶۷ درصد افزایش می‌یابد.

کشش صادرات نسبت به میزان تولید صنایع کوچک مثبت و معادل ۰/۹۵ است، بدین معنا که با افزایش میزان تولید در صنایع کوچک، صادرات این صنایع نیز افزایش خواهد یافت و با توجه به نزدیکی مقدار کمی این کشش به عدد یک می‌توان گفت که هر اندازه صنایع کوچک ایران بیشتر تولید کنند تقریباً به همان نسبت می‌توانند صادرات داشته باشند و تفسیر دیگر آن این است که در شرایط فعلی فقط مازاد تقاضای داخلی است که صادر می‌گردد.

نتایج رتبه‌بندی صنایع کوچک ایران بر حسب ۴۱ صنعت با کد آیسیک سه‌رقمی نشان می‌دهد که در طول برنامه سوم توسعه کشور، صنایع دباغی و پرداخت چرم، ساخت چمدان، کیف دستی و زین و یراق (کد ۱۹۱)، تولید، عمل‌آوری و حفاظت گوشت، ماهی، میوه و ... (کد ۱۵۱) و ساخت فراورده‌های نفتی تصفیه شده (کد ۲۳۲) از بالاترین رتبه در زمینه قدرت رقابت‌پذیری یا قدرت نفوذ در بازارهای خارجی (صادرات) برخوردار بوده‌اند و در مقابل صنایع ساخت مبلمان (کد ۳۶۱)، ساخت محصولات لینی (کد ۱۵۲) و ساخت محصولات فلزی ساختمانی، تانک، مخازن و مولدهای بخار (کد ۲۸۱) کمترین رتبه را در زمینه قدرت رقابت‌پذیری یا صادرات به خود اختصاص داده‌اند.

آزمون فرضیات

فرضیه اول - «در سال‌های اخیر حمایت از صنایع کوچک در ایران هدفمند بوده است».

آزمون فرضیه اول - بررسی‌های انجام شده در این مطالعه نشان می‌دهد که از شروع برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹ تاکنون وجه بارز حمایت از صنایع کوچک در قالب حمایت مالی با هدف اشتغال‌زایی صورت گرفته است. به همین دلیل به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، حمایت از صنایع کوچک به صورت عام هدفمند بوده است. اما در حالت خاص یعنی حمایت صادراتی از صنایع کوچک، هدفمندی مشخصی دیده نمی‌شود. بنابراین فرضیه اول در حالت عام پذیرفته شده؛ اما در حالت خاص یعنی حمایت صادراتی رد می‌شود.

فرضیه دوم - «حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش عملکرد سرمایه‌گذاری آنها شده است».

آزمون فرضیه دوم - نتایج رشد سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک در سال‌های برنامه سوم توسعه در مقایسه با برنامه دوم توسعه کشور بیانگر این است که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک به طور متوسط سالانه معادل ۲۱ درصد رشد یافته است. بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک در سال‌های برنامه سوم توسعه به طور متوسط سالانه ۰/۸۶ درصد نسبت به سال‌های برنامه دوم توسعه افزایش یافته است. مقدار محاسبه شده برای شاخص نسبت اضافی سرمایه به تولید نیز بهبود بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک کشور را در سال‌های اخیر تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

فرضیه سوم - «حمایت دولت از صنایع کوچک در قالب سیاست‌های مدون و هدفمند، سبب افزایش توان رقابتی و قدرت صادراتی آنها شده است».

آزمون فرضیه سوم - محاسبه شاخص رقابت‌پذیری نیروی کار برای صنایع کوچک در دوره مورد مطالعه بر این امر دلالت دارد که در سال‌های اخیر به خصوص سال‌های برنامه سوم توسعه از میزان رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک کاسته شده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی در سال‌های اخیر چندان به افزایش توان رقابتی و صادراتی این صنایع کمک نکرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه سوم مورد پذیرش قرار نگرفته و رد می‌شود.

۲-۶ نتیجه‌گیری

براساس گزارش یونیدو ساختار ارزش افزوده صنعتی ایران طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۵ (۱۳۸۱-۱۳۸۴) بهبود یافته و از رشدی شتابان برخوردار شد که این امر می‌تواند بر تغییرات ساختاری در بخش صنعت کشور در سال‌های اخیر دلالت داشته باشد. به طوری که سهم ایران از ساختار ارزش افزوده صنعتی (کارخانه‌ای) جهان از ۰/۳ درصد در سال ۱۹۹۰ به رقم ۰/۷۶ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.

مطالعه روند اقتصاد جهانی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده این است که تجارت جهانی به سمت محصولات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته با ارزش افزوده بالا حرکت کرده است و در این بین بر سهم و نقش اقتصادی‌های در حال توسعه و اقتصادی‌های تازه صنعتی شده افزوده شده و تمرکز منطقه‌ای آن نیز بیشتر به سمت مناطق آسیای شرقی و پاسیفیک (به‌ویژه چین و کره جنوبی) و کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب (به‌خصوص برزیل و مکزیک) گرایش داشته است.

عملکرد صنعتی ایران در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ (۱۳۶۹-۱۳۸۱) نشان می‌دهد که سهم فناوری متوسط و بالا در ایجاد ارزش افزوده و صادرات صنعتی دارای روند نزولی بوده و این سهم از ۲۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش یافت.

مطالعه روند جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیانگر این است که در سال‌های اخیر، سهم ایران در مقایسه با دیگر کشورهای آسیایی و منطقه خاورمیانه بسیار ناچیز بوده و میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ (۱۳۸۲-۱۳۸۴) به حداقل خود رسیده است. به طوری که ایران در سال ۲۰۰۵ به جای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با خروج سرمایه مواجه بوده است و در همین سال سهم ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین کشورهای آسیایی معادل ۰/۱۵ درصد و در مقایسه با کشورهای اصلی صادرکننده نفت خام نیز ۰/۰۸ درصد بوده است. گفتنی است که براساس آخرین گزارش سالانه مؤسسه فریزر (۲۰۰۶)، ایران در سال ۲۰۰۴ در بین ۱۳۰ کشور مورد بررسی با کسب امتیاز ۶/۱ آزادی اقتصادی جهان رتبه ۸۲ را به لحاظ درجه آزادی اقتصادی به خود اختصاص داده که این امر بر بسته بودن

اقتصاد ایران و عدم جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دلالت دارد.

بررسی عملکرد صنایع کوچک، متوسط و بزرگ در اقتصاد ایران طی برنامه سوم توسعه در مقایسه با سال‌های برنامه دوم توسعه نشان‌دهنده این است که با افزایش نسبی تعداد صنایع متوسط، نقش این صنایع در خروجی صنعت، بیشتر شده است که این امر می‌تواند بیانگر ترمیم ساختار صنعتی از نظر الگوی توزیع بنگاه‌ها باشد. در برنامه سوم توسعه سهم ارزش افزوده صنایع کوچک و متوسط تنزل یافت و این کاهش در صنایع کوچک به مراتب بیشتر بوده است. در همین دوره بهره‌وری سرمایه در صنایع کوچک و متوسط با افزایش و در صنایع بزرگ با کاهش روبه‌رو بود و بهره‌وری نیروی کار در هر سه گروه از صنایع کوچک، متوسط و بزرگ نیز دارای رشدی مثبت بوده است. به طوری که در سال‌های برنامه سوم توسعه، متوسط نرخ رشد سالانه در صنایع کوچک و متوسط ۴/۸ درصد و در صنایع بزرگ نزدیک به ۱۳/۴ درصد بوده است.

برآورد شاخص سودآوری نشان می‌دهد که میزان سودآوری صنایع کوچک و متوسط در سال‌های برنامه سوم توسعه تقریباً ثابت مانده، در حالی که میزان سودآوری در صنایع بزرگ دچار افول شد و در این دوره همچنین رقابت‌پذیری نیروی کار در صنایع کوچک و متوسط کاهش یافت و بر میزان این شاخص در صنایع بزرگ افزوده شد. طی سال‌های برنامه سوم توسعه به‌رغم رشد قابل ملاحظه سرمایه‌گذاری در هر سه گروه از صنایع کوچک، متوسط و بزرگ، گرایش به سمت صنایع بزرگ بیشتر بوده است.

براساس اطلاعات مرکز آمار ایران در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ (برنامه سوم توسعه) متوسط سالانه ارزش صادرات مستقیم در صنایع کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب معادل ۱۳۸/۴ میلیون دلار (۵/۱ درصد)، ۱۵۳/۶ میلیون دلار (۵/۷ درصد) و ۲۴۳۳ میلیون دلار (۸۹/۱ درصد) بوده است که در مقایسه با شاخص‌های ارزش تولید و فروش در این صنایع می‌توان دریافت که سهم صادرات مستقیم در صنایع کوچک و متوسط تقریباً معادل نصف مقادیر سهم ارزش تولید و فروش در این صنایع بود، در حالی که این نسبت در صنایع بزرگ حدود ده درصد بیشتر بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کالاهای تولیدی صنایع بزرگ آسان‌تر به بازارهای جهانی راه یافته و صادر شده‌اند و ازسوی دیگر درصد زیادی از محصولات تولیدی صنایع کوچک و

متوسط به صورت غیرمستقیم و در قالب کالاهای واسطه‌ای و یا حتی کالاهای نهایی توسط صنایع بزرگ و تحت نام و برند این صنایع صادر شده‌اند.

از بررسی سیاست‌های حمایتی و نقش عوامل مؤثر بر حمایت از صنایع کوچک در ایران می‌توان نتیجه گرفت که نقطه عطف رویکرد تدوین بسته‌های سیاستی و حمایتی برای صنایع کوچک به سال‌های برنامه سوم توسعه کشور (۱۳۷۹-۱۳۸۳) برمی‌گردد و در سال‌های اخیر نهادهای حمایتی اصلی بیشتر در حال شکل‌گیری و دستخوش تحولات قانونی بوده‌اند و جهت‌گیری عمده سیاست‌های حمایتی بیشتر به سمت تأمین منابع مالی صنایع کوچک گرایش داشته است. نمونه بارز این رویکرد در فعال کردن بانک تخصصی صنعت و معدن و ایجاد خط اعتباری برای حمایت مالی از صنایع کوچک، افزایش مانده تسهیلات بانکی و مؤسسات اعتباری برای بخش صنعت و معدن و ایجاد صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک تجلی پیدا کرد.

برآورد عملکرد بانک صنعت و معدن در زمینه پرداخت تسهیلات به صنایع کوچک نشان‌دهنده این است که سهم صنایع کوچک از تسهیلات پرداختی بانک در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) سالانه به طور متوسط ۵/۸۴ درصد بود که این سهم در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) به رقم ۳۵/۶ درصد و در سال ۱۳۸۴ به رقم ۴۹/۷۴ درصد افزایش یافت. همچنین سهم بخش غیردولتی (عمومی و خصوصی) در بخش صنعت و معدن از مانده تسهیلات بانکی و مؤسسات اعتباری از متوسط سالانه ۴۸/۶۸ درصد برنامه دوم به رقم ۶۷/۶ درصد افزایش یافته است. با تغییر رویکرد دولت به منظور کاهش حجم تصدی‌گری و سرمایه‌گذاری دولتی، سهم بخش دولتی از مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به بخش صنعت و معدن از رقم ۳۴/۰۹ درصد در سال ۱۳۷۹ به رقم ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ کاهش و در سال ۱۳۸۴ نیز این سهم به رقم ۹/۵۷ درصد تنزل پیدا کرد.

دیگر نهادهای حمایتی مرتبط در امر صادرات صنایع کوچک مانند مرکز توسعه صادرات ایران و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن به دلیل ارائه تدابیر حمایتی به صورت برابر برای تمامی بنگاه‌ها صرف‌نظر از اندازه آنها، می‌توان نتیجه گرفت که این نهادها در سال‌های اخیر در امر تقویت و حمایت از صنایع کوچک چندان ثمربخش نبوده‌اند.

علاوه بر تجهیز منابع و کمک به تسهیل در دسترسی صنایع کوچک به منابع مالی، بسته‌های سیاستی-حمایتی از صنایع کوچک بیشتر در راستای تقویت و گسترش پیمانکاری فرعی، گسترش فعالیت شهرک‌های صنعتی و کمک به شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی، ترویج کارآفرینی و ایجاد اشتغال با تأکید بر نقش صنایع کوچک بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در سال‌های اخیر به‌خصوص سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ تمامی اقدامات حمایتی دولت در زمینه صنایع کوچک اعم از تجهیز منابع مالی و مهیا ساختن بستر قانونی، بیشتر در راستای ابعاد اشتغال‌زایی این صنایع بوده و چندان به بُعد صادراتی صنایع کوچک توجهی نشده است که این امر در بلندمدت می‌تواند از تداوم و پایداری اشتغال به‌وجود آمده کاسته و تلاش‌های صورت گرفته در زمینه صنایع کوچک را خنثی سازد.

نتایج برآورد صادرات صنایع کوچک ایران در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۳ نشان‌دهنده این است که کشش صادرات صنایع کوچک نسبت به شاخص‌های درآمد جهانی، قیمت‌های نسبی، نرخ ارز بازار آزاد و میزان تولید صنایع کوچک ایران به ترتیب مساوی با ارقام ۴/۸۱-، ۱/۴۴-، ۱/۶۷ و ۰/۹۵ درصد بوده است. بدین معنا که با یک درصد افزایش در مقادیر شاخص‌های درآمد جهانی، قیمت‌های نسبی، نرخ ارز بازار آزاد و میزان تولید صنایع کوچک، صادرات صنایع کوچک ایران به ترتیب اثرگذاری هریک از این شاخص‌ها با ۴/۸۱ و ۱/۴۴ درصد کاهش و ۱/۶۷ و ۰/۹۵ درصد افزایش روبه‌رو خواهد شد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً کالاهای صادراتی صنایع کوچک ایران در بازارهای خارجی (هدف) از کشش‌پذیری بالایی برخوردار بوده و با کمترین تغییرات در درآمد کشورهای هدف و یا قیمت‌های صادراتی به سهولت توسط کالاهای رقیب و مشابه خارجی جایگزین می‌شوند و بهترین راه برای حفظ قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای خارجی افزایش کیفیت و به‌خصوص کاهش قیمت یا هزینه تمام شده آنهاست. در صورتی که سیاست‌های دولت مبنی بر افزایش حداقل دستمزد کارگران، اتخاذ سیاست‌های پولی انبساطی و عدم کنترل تورم و ... باشد، باید یارانه صادراتی بدهد و از صادرکنندگان حمایت کند؛ ثانیاً عملکرد صادرات صنایع کوچک کشور نسبت به سیاست‌های حمایتی در قالب افزایش قیمت نرخ ارز یا کاهش ارزش ریال واکنش مثبت می‌دهد. به طوری که به ازای هریک درصد افزایش در قیمت نرخ ارز، میزان صادرات در

صنایع کوچک معادل ۱/۶۷ درصد یعنی بیش از یک و نیم برابر افزایش می‌یابد؛ ثالثاً با توجه به نزدیکی مقدار کشش صادرات به تولید صنایع کوچک به عدد یک درصد (۰/۹۵ درصد)، می‌توان انتظار داشت که به ازای هر درصد افزایش در تولید صنایع کوچک ایران، به همان نسبت میزان صادرات نیز افزایش پیدا کند.

نتیجه‌گیری نهایی از مبحث بالا این است که دلیل اصلی پایین بودن سهم صنایع کوچک در امر صادرات صنعتی کشور، تمایل ذاتی این صنایع به درون‌گرایی و توجه صرف به بازارهای مصرف داخلی و فقدان تولید مازاد بر تقاضای داخلی است.

۳-۶ ارائه توصیه‌ها و راهکارهای حمایتی

به نظر می‌رسد اساسی‌ترین مشکل در صنایع کوچک ایران وجود حلقه‌های مفقوده بین این صنایع و صنایع بزرگ و به عبارت دیگر نقش ضعیف و کم‌رنگ صنایع متوسط در اقتصاد کشور است. به رغم بهبود نسبی عملکرد صنایع متوسط طی سال‌های اخیر، هنوز نقش این صنایع در خروجی صنعت در مقایسه با دیگر کشورهای موفق جهان درزمینه صنایع کوچک و متوسط بسیار ضعیف است. به همین دلیل به نظر می‌رسد که تدوین بسته‌های سیاستی-حمایتی برای صنایع کوچک کشور به تنهایی ره به جایی نخواهد برد. بنابراین توصیه می‌شود دولت و نهادهای حمایتی در اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای حمایتی برای صنایع کوچک به این نکته کلیدی توجه کنند که بهترین حمایت از صنایع کوچک ایران، حمایت از صنایع متوسط و تقویت پیوند و همکاری بین صنایع کوچک، متوسط و بزرگ کشور از طریق گسترش پیمانکاری فرعی است. بدیهی است که نگاه ایستا و غیرپویا به صنایع کوچک کشور و ارائه حمایت‌های مقطعی و نامنسجم محکوم به شکست است. به عبارت دیگر پس از ایجاد ظرفیت جدید در صنایع کوچک می‌بایست با تداوم سیاست‌های حمایتی در بلندمدت و با ایجاد شبکه و گسترش خوشه‌های صنعتی به منظور بهره‌مندی از مزایای هم‌افزایی، این ظرفیت‌های جدید با روندی پویا و دینامیک به ظرفیتی جدید در صنایع متوسط و بزرگ تبدیل شوند.

مهم‌ترین راهکار حمایتی برای افزایش توان صادراتی و رقابتی صنایع کوچک کشور، ابتدا گسترش ظرفیت در صنایع کوچک به منظور افزایش تولید و سپس تشکیل شبکه یا

کنسرسیوم‌های صادراتی برای برخوردار شدن از مزایای هم‌افزایی مانند افزایش کارایی، افزایش قدرت رقابت‌پذیری، سهولت دسترسی به منابع مالی، تقویت توان بازاریابی و غیره است. بنابراین سیاست‌های حمایت از صنایع کوچک ایران با رویکرد افزایش توان صادراتی را می‌توان در چارچوب زیر تدوین کرد:

۱. تداوم و تقویت حمایت مالی از صنایع کوچک با افزایش نقش بانک صنعت و معدن و صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک ایران.
 ۲. به‌کارگیری سیاست‌های افزایش در ظرفیت و توان تولیدی صنایع کوچک به‌منظور فزونی تولید، مازاد بر تقاضای داخلی.
- سناریوهای احتمالی برای افزایش صادرات صنایع کوچک کشور از طریق افزایش تولید به شرح زیر است:

جدول ۱-۶ سناریوهای احتمالی برای افزایش صادرات صنایع کوچک از طریق افزایش تولید

سناریو	هدف: افزایش صادرات صنایع کوچک (درصد)	راهکار اجرایی: افزایش تولید صنایع کوچک (درصد)
اول	۵	۵/۲۶
دوم	۱۰	۱۰/۵۲
سوم	۱۵	۱۵/۷۸
چهارم	۲۰	۲۱/۰۵

۳. اعطای تسهیلات ترجیحی با بهره پایین، ارائه تخفیف‌های مالیاتی و تعرفه‌ای و کمک به صنایع کوچک در دسترسی ارزان و آسان به مواد اولیه مورد نیاز با هدف کاهش قیمت تمام شده محصولات تولیدی در صنایع کوچک به‌دلیل کاهش‌پذیری بالای این محصولات در بازارهای خارجی و حفظ قدرت رقابت‌پذیری (کاهش درآمدی معادل ۴/۸۱- و کاهش قیمتی معادل ۱/۴۴-).

۴. به‌کارگیری سیاست‌های ارزی (افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش ریال) و در صورت مقدور نبودن کاهش نرخ ارز به‌صورت عام در اقتصاد کشور، به‌کارگیری سیاست‌های

انگیزشی مانند اعطای جوایز صادراتی ترجیحی به صنایع کوچک و متوسط معادل درصد افزایش نرخ ارز در راهکار اجرایی زیر.

سناریوهای احتمالی برای افزایش صادرات صنایع کوچک از طریق به‌کارگیری سیاست‌های ارزی به شرح ذیل است:

جدول ۲-۶ سناریوهای احتمالی برای افزایش صادرات صنایع کوچک از طریق به‌کارگیری سیاست‌های ارزی

سناریو	هدف: افزایش صادرات صنایع کوچک (درصد)	راهکار اجرایی: افزایش نرخ ارز (درصد)
اول	۵	۲/۹۹
دوم	۱۰	۵/۹۸
سوم	۱۵	۸/۹۸
چهارم	۲۰	۱۱/۹۷

۵. کمک به تشکیل شبکه یا کنسرسیوم‌های صادراتی به‌منظور کاهش در هزینه‌های بازاریابی و سهولت نفوذ در بازارهای خارجی.
۶. تقویت پیوند و همکاری بین صنایع کوچک، متوسط و بزرگ با گسترش پیمانکاری فرعی و به‌خصوص عملیاتی ساختن قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی داخل کشور.
۷. افزایش توان رقابتی از طریق گسترش و حمایت از شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی و بهره‌مندی از مزایای هم‌افزایی.
۸. ارائه خدمات مشاوره‌ای و کمک به بهبود کیفیت کالاهای تولیدی در صنایع کوچک.
۹. به‌کارگیری سیاست‌های انگیزشی و تشویق و تحریک صنایع کوچک برای تبدیل شدن به صنایع متوسط (سیاست عام).
۱۰. شناسایی آن گروه از صنایع کوچک که به سهولت توان تبدیل شدن به صنایع متوسط را دارند و ارائه تسهیلات ارزان قیمت و ویژه و به‌خصوص تشویق و تحریک آنها با تمرکز سیاست‌های حمایتی و انگیزشی مختلف برای تبدیل به صنایع متوسط (سیاست خاص).

پیوست

Dependent Variable: LOG(X/PX)*100
Method: GLS (Cross Section Weights)
Date: 12/24/07 Time: 13:15
Sample: 1379 1383
Included observations: 5
Total panel (unbalanced) observations 182
White Heteroskedasticity-Consistent Standard Errors & Covariance
Cross sections without valid observations dropped

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
LOG(WGDP)	-۷/۱۲۵۳۵۷	۱/۷۵۶۴۳۴	-۴/۰۵۶۷۱۷	۰/۰۰۰۱
LOG(100*PS_?/WPI)	۱/۰۶۶۵۷۳	۰/۰۷۳۱۵۵	۱۴/۵۷۹۶۶	۰/۰۰۰۰
LOG(PXW/PX)	-۱/۶۹۱۸۷۴	۰/۴۲۸۸۹۴	-۳/۹۴۴۷۳۳	۰/۰۰۰۱
LOG(EXM)	۳/۰۹۶۷۲۱	۰/۸۷۸۰۵۸	۳/۵۲۶۷۸۴	۰/۰۰۰۶
Fixed Effects				
۱۵۱--C	۰/۲۸۳۴۲۸			
۱۵۲--C	-۵/۵۲۴۴۱۷			
۱۵۳--C	-۶/۳۵۵۸۵۴			
۱۵۴--C	-۲/۳۷۳۲۲۶			
۱۵۵--C	-۲/۲۸۶۹۱۸			
۱۷۱--C	-۱/۷۶۶۷۳۲			

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
۱۷۲--C	-۱/۸۸۳۴۸۲			
۱۷۳--C	-۱/۰۲۲۱۵۲			
۱۸۱--C	-۱/۳۸۰۳۰۲			
۱۸۲--C	۲/۲۳۵۹۵۰			
۱۹۱--C	۰/۷۶۲۶۵۶			
۱۹۲--C	-۰/۶۵۰۱۰۸			
۲۰۲--C	-۴/۰۳۳۹۸۳			
۲۱۰--C	-۴/۹۲۲۸۱۳			
۲۲۱--C	-۴/۸۸۴۲۳۱			
۲۲۲--C	-۳/۹۲۰۰۲۸			
۲۳۲--C	۰/۴۰۲۲۰۴			
۲۴۱--C	-۱/۷۶۱۲۴۷			
۲۴۲--C	-۱/۲۴۳۳۰۷			
۲۴۳--C	-۱/۵۹۳۹۱۹			
۲۵۱--C	-۳/۰۱۰۷۴۲			
۲۵۲--C	-۲/۱۷۶۱۸۷			
۲۶۱--C	-۲/۹۰۹۱۱۶			
۲۶۹--C	-۲/۸۳۴۳۳۴			
۲۷۱--C	-۳/۵۵۷۳۱۴			
۲۷۲--C	-۲/۵۸۳۷۲۰			
۲۷۳--C	-۴/۲۷۱۴۸۴			
۲۸۱--C	-۵/۲۰۱۴۳۲			
۲۸۹--C	-۴/۴۲۸۰۱۶			

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
۲۹۱--C	-۳/۳۶۵۰۳۸			
۲۹۲--C	-۲/۵۱۶۶۶۲			
۲۹۳--C	-۳/۰۹۳۰۱۳			
۳۰۰--C	-۴/۱۸۰۷۸۰			
۳۱۱--C	-۴/۴۰۳۰۶۴			
۳۱۲--C	-۴/۷۹۱۸۹۲			
۳۱۳--C	-۴/۰۳۴۰۸۴			
۳۱۵--C	-۴/۰۵۵۹۳۰			
۳۱۹--C	-۳/۰۱۰۱۱۵			
۳۲۱--C	-۳/۶۹۱۶۱۸			
۳۲۱--C	-۳/۲۷۷۵۴۱			
۳۴۲--C	-۲/۶۷۹۰۴۹			
۳۴۳--C	-۴/۵۲۵۸۵۰			
۳۵۱--C	-۳/۲۵۵۷۵۴			
۳۵۹--C	-۳/۳۹۶۹۴۹			
۳۶۱--C	-۵/۴۷۰۳۹۶			
۳۶۹--C	-۲/۷۰۵۲۳۶			
R-squared	۰/۷۷۸۱۴۱	Mean dependent var	۵/۰۵۳۵۴۳	
Adjusted R-squared	۰/۷۷۸۰۵۸	S.D. dependent var	۲/۳۳۰۵۱۲	
S.E. of regression	۱/۰۹۷۹۲۲	Sum squared resid	۱۵۹/۱۱۷۱	
Durbin-Watson stat	۲/۵۴۷۵۳۶			

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۱۸۸	۰/۴۰	۸۱۳۱۳۵/۳۳	۱۲۹/۰۰	۱۶۰۴۱/۳۴	۱۵۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۸۲۲۱۴۹/۳۶	۱۳۰/۰۰	۱۵۸۴۴/۹۳	۱۵۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۵۰۹۶۹۳/۹۹	۱۳۳/۰۰	۲۳۲۹۰/۶۵	۱۵۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۲۷۵۴۰۹/۶۷	۱۳۷/۱۲	۲۱۲۷۰/۸۴	۱۵۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۲۸۲۴۴۵/۶۰	۱۴۳/۳۹	۲۴۶۷۲/۵۳	۱۵۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۸۵۸۲۲/۱۶	۱۲۹/۰۰	۱۲/۱۸	۱۵۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۰۶۲۰۲/۰۰	۱۳۰/۰۰		۱۵۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۳۰۰۰۶/۲۷	۱۳۳/۰۰		۱۵۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۷۲۹۸۰۱/۸۰	۱۳۷/۱۲	۲۵/۱۲	۱۵۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۶۷۳۶۲۵/۵۸	۱۴۳/۳۹	۶۴/۰۸	۱۵۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۳۷۹۹۵۷/۹۱	۱۲۹/۰۰		۱۵۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۴۳۸۱۹/۱۷	۱۳۰/۰۰		۱۵۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۵۷۴۶۷/۸۹	۱۳۳/۰۰		۱۵۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۵۹۲۰۹۷/۶۸	۱۳۷/۱۲	۱۲/۰۱	۱۵۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۶۰۷۴۶۶/۶۹	۱۴۳/۳۹		۱۵۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۹۳۸۵۱۰/۷۹	۱۲۹/۰۰	۱۰۴۲/۲۱	۱۵۴-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۹۷۳۶۷۶/۶۸	۱۳۰/۰۰	۶۷۵/۲۶	۱۵۴-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۳۵۵۹۸۹/۵۶	۱۳۳/۰۰	۱۲۵۵/۲۸	۱۵۴-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۲۳۸۹۹۴/۳۱	۱۳۷/۱۲	۲۱۰۸/۱۲	۱۵۴-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۱۶۰۱۱۶/۹۵	۱۴۳/۳۹	۳۰۸۰/۲۴	۱۵۴-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۴۲۰۹۶/۴۳	۱۲۹/۰۰	۱۶۸/۴۱	۱۵۵-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۷۷۰۷۵/۲۵	۱۳۰/۰۰	۳۱۳/۵۷	۱۵۵-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۲۶۰۳۸/۶۴	۱۳۳/۰۰	۳۷/۸۰	۱۵۵-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۳۳۵۹۹/۸۱	۱۳۷/۱۲	۴۵/۱۴	۱۵۵-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۲۰۳۷۰/۰۸	۱۴۳/۳۹	۱۵۷/۳۶	۱۵۵-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰		۱۲۹/۰۰		۱۶۰-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷		۱۳۰/۰۰		۱۶۰-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶		۱۳۳/۰۰		۱۶۰-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵		۱۳۷/۱۲		۱۶۰-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹		۱۴۳/۳۹		۱۶۰-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۵۹۵۸۹۸/۵۲	۱۲۹/۰۰	۹۳۹/۵۱	۱۷۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۵۱۶۰۳۶/۰۵	۱۳۰/۰۰	۱۹۲۷/۸۴	۱۷۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۷۱۲۷۳۸/۳۸	۱۳۳/۰۰	۱۶۶۳/۰۱	۱۷۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۷۶۳۱۶۳/۵۸	۱۳۷/۱۲	۲۰۵۱/۳۳	۱۷۱-۱۳۸۲

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۷۴۷	۰/۲۹	۸۲۵۲۱۹/۹۲	۱۴۳/۳۹	۱۲۵۹/۱۴	۱۷۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۶۵۰۸۸۹/۲۰	۱۲۹/۰۰	۳۵۹/۴۴	۱۷۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۶۴۴۵۴۳/۰۶	۱۳۰/۰۰	۸۰۶/۲۷	۱۷۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۸۵۲۵۳۸/۹۰	۱۳۳/۰۰	۲۵۴۲/۶۸	۱۷۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۹۲۸۲۲۳/۸۰	۱۳۷/۱۲	۴۵۹۳/۷۴	۱۷۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۸۱۲۷۹۵/۲۰	۱۴۳/۳۹	۲۶۲۰/۶۴	۱۷۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۵۸۷۸۰/۷۴	۱۲۹/۰۰	۲۱/۷۶	۱۷۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۳۷۸۴۸/۳۵	۱۳۰/۰۰		۱۷۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۸۵۵۶۷/۶۲	۱۳۳/۰۰	۶۹۱/۰۶	۱۷۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۱۸۷۶۸/۶۱	۱۳۷/۱۲	۳۱۱۴/۳۱	۱۷۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۲۷۴۰۲/۷۸	۱۴۳/۳۹	۴۵۵/۳۴	۱۷۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۸۵۲۹۲/۴۹	۱۲۹/۰۰	۵۶۵/۷۱	۱۸۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۸۶۴۳۳/۷۶	۱۳۰/۰۰	۱۸۹/۸۶	۱۸۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۵۲۵۸۹/۰۳	۱۳۳/۰۰	۱۲۵۰/۰۰	۱۸۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۹۴۸۰۰/۳۸	۱۳۷/۱۲	۱۷۴/۰۱	۱۸۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۵۹۹۰۸/۹۴	۱۴۳/۳۹	۵۷۵/۸۴	۱۸۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۳۹۹/۸۱	۱۲۹/۰۰		۱۸۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۴۱۹/۴۶	۱۳۰/۰۰		۱۸۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۹۳۷/۳۴	۱۳۳/۰۰	۴۰۶/۵۰	۱۸۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۵۴۱/۹۶	۱۳۷/۱۲		۱۸۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۶۹۳/۳۷	۱۴۳/۳۹		۱۸۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۸۱۶۶۲/۳۶	۱۲۹/۰۰	۴۲۱۱/۹۲	۱۹۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۵۴۴۹۲/۷۰	۱۳۰/۰۰	۴۲۷۳/۲۰	۱۹۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۵۴۹۴۷/۲۶	۱۳۳/۰۰	۷۷۲۱/۵۴	۱۹۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۵۸۵۶۳/۳۰	۱۳۷/۱۲	۸۷۹۴/۳۲	۱۹۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۱۳۶۱۳/۸۸	۱۴۳/۳۹	۵۴۳۶/۶۳	۱۹۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۷۴۰۲۳/۳۳	۱۲۹/۰۰	۸۶۴/۲۳	۱۹۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۰۳۴۸۶/۷۰	۱۳۰/۰۰	۵۵۰/۲۶	۱۹۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۱۷۹۸۶/۹۵	۱۳۳/۰۰	۱۳۶۶/۶۷	۱۹۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۹۱۹۶۸/۷۱	۱۳۷/۱۲	۷۲۴/۷۹	۱۹۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۶۴۱۳۴/۷۵	۱۴۳/۳۹	۹۹۱/۲۱	۱۹۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۷۳۸۳/۵۱	۱۲۹/۰۰		۲۰۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۶۸۵۱/۵۰	۱۳۰/۰۰		۲۰۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۷۰۷۸/۸۵	۱۳۳/۰۰		۲۰۱-۱۳۸۱

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۹۷۹۲/۳۲	۱۳۷/۱۲		۲۰۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۴۶۲۸/۸۸	۱۴۳/۳۹		۲۰۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۵۱۲۱۶/۸۶	۱۲۹/۰۰	۱۰/۸۸	۲۰۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۶۲۰۵۴/۳۶	۱۳۰/۰۰	۶۰/۵۷	۲۰۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۳۸۱۷۱/۲۸	۱۳۳/۰۰	۰/۰۰	۲۰۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۱۰۵۹۵/۵۴	۱۳۷/۱۲	۱۷/۱۱	۲۰۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۱۸۳۷۱/۴۱	۱۴۳/۳۹	۶/۵۲	۲۰۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۳۵۳۰۸۶/۰۳	۱۲۹/۰۰	۱۱۸/۸۰	۲۱۰-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۵۵۱۷۹/۴۰	۱۳۰/۰۰	۸/۵۹	۲۱۰-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۰۰۳۰۴/۴۴	۱۳۳/۰۰	۳۰/۸۹	۲۱۰-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۶۰۲۵۷/۹۴	۱۳۷/۱۲		۲۱۰-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۴۵۰۱۷۱/۶۷	۱۴۳/۳۹	۲۹/۴۹	۲۱۰-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۷۷۷۱/۹۰	۱۲۹/۰۰		۲۲۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۰۶۰۶/۰۱	۱۳۰/۰۰		۲۲۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۲۴۹۹۱/۱۲	۱۳۳/۰۰	۵۰/۸۱	۲۲۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۷۰۱۳۱/۳۴	۱۳۷/۱۲	۱/۰۹	۲۲۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۴۳۷۶۲/۵۸	۱۴۳/۳۹		۲۲۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۴۰۰۸۵/۳۷	۱۲۹/۰۰	۲/۱۸	۲۲۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۶۷۶۵۷/۲۲	۱۳۰/۰۰		۲۲۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۴۴۰۶۰/۵۷	۱۳۳/۰۰		۲۲۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۵۹۰۶۷/۸۰	۱۳۷/۱۲		۲۲۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۱۲۶۹۷/۰۵	۱۴۳/۳۹	۱۱۸/۲۳	۲۲۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰		۱۲۹/۰۰		۲۲۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷		۱۳۰/۰۰		۲۲۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶		۱۳۳/۰۰		۲۲۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵		۱۳۷/۱۲		۲۲۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹		۱۴۳/۳۹		۲۲۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۰۵۹/۱۶	۱۲۹/۰۰		۲۳۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۰۵۳/۲۲	۱۳۰/۰۰		۲۳۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶		۱۳۳/۰۰		۲۳۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵		۱۳۷/۱۲		۲۳۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۴۳۰/۶۰	۱۴۳/۳۹		۲۳۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۷۹۵۰۱/۵۹	۱۲۹/۰۰	۱۷۸۶/۳۴	۲۳۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۴۹۶۴۸/۰۷	۱۳۰/۰۰	۱۳۴۵/۷۹	۲۳۲-۱۳۸۰

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۷۲۹۰۰/۷۸	۱۳۳/۰۰	۴۳۸۸/۲۱	۲۳۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۴۰۲۲۸۴/۰۲	۱۳۷/۱۲	۱۲۷۱۹/۳۳	۲۳۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۷۹۸۴۰/۴۴	۱۴۳/۳۹	۳۲۵۸/۵۸	۲۳۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰		۱۲۹/۰۰		۲۳۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷		۱۳۰/۰۰		۲۳۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶		۱۳۳/۰۰		۲۳۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵		۱۳۷/۱۲		۲۳۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹		۱۴۳/۳۹		۲۳۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۸۶۴۲۸/۱۸	۱۲۹/۰۰	۹۶۵/۱۹	۲۴۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۰۴۹۳۴/۴۸	۱۳۰/۰۰	۳۴۸/۳۷	۲۴۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۸۱۵۵۵/۰۹	۱۳۳/۰۰	۱۵۷/۳۲	۲۴۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۹۴۰۱۸/۴۹	۱۳۷/۱۲	۷۵۹/۰۱	۲۴۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۷۸۵۳۱۷/۲۴	۱۴۳/۳۹	۵۹۲۵/۴۳	۲۴۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۶۴۹۱۷۲/۱۳	۱۲۹/۰۰	۱۸۲۱/۱۵	۲۴۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۶۷۴۵۷۱/۶۷	۱۳۰/۰۰	۳۴۵۸/۳۳	۲۴۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۷۷۶۶۵۳/۷۹	۱۳۳/۰۰	۳۵۴۳/۰۹	۲۴۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۹۷۷۵۶۵/۶۷	۱۳۷/۱۲	۳۱۵۰/۳۵	۲۴۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۸۸۷۱۸۸/۵۱	۱۴۳/۳۹	۳۴۰۷/۱۴	۲۴۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۵۴۴۴۷/۱۸	۱۲۹/۰۰		۲۴۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۶۶۳۲/۳۳	۱۳۰/۰۰		۲۴۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۸۷۶۱/۳۶	۱۳۳/۰۰		۲۴۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۶۲۱۶۷/۸۵	۱۳۷/۱۲		۲۴۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۶۹۶۹۰/۹۱	۱۴۳/۳۹	۱۶۹/۸۳	۲۴۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۷۵۹۷۸/۴۸	۱۲۹/۰۰	۶۴/۸۴	۲۵۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۶۰۴۳۱/۴۷	۱۳۰/۰۰	۳۳/۹۳	۲۵۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۷۲۱۴۶/۲۱	۱۳۳/۰۰	۴۳/۹۰	۲۵۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۲۳۵۴۳/۳۹	۱۳۷/۱۲	۸۱/۹۱	۲۵۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۱۵۳۶۷/۳۶	۱۴۳/۳۹	۳۳/۷۴	۲۵۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۶۱۹۰۸۲/۵۵	۱۲۹/۰۰	۱۸۹۲/۵۲	۲۵۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۵۹۵۵۸۰/۵۴	۱۳۰/۰۰	۱۳۳۸/۹۲	۲۵۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۹۷۴۱۸۴/۳۳	۱۳۳/۰۰	۲۰۸۶/۵۹	۲۵۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۱۷۷۴۱۴/۸۹	۱۳۷/۱۲	۵۷۳/۷۲	۲۵۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۲۶۷۵۸۴/۹۰	۱۴۳/۳۹	۱۴۰۷/۴۳	۲۵۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۶۶۴۲۵/۷۸	۱۲۹/۰۰	۱۷۲/۷۶	۲۶۱-۱۳۷۹

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۰۰۸	۰/۳۷	۵۲۹۷۷/۴۰	۱۳۰/۰۰	۰/۰۰	۲۶۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۰۷۱۸۰/۱۶	۱۳۳/۰۰	۲۹/۲۷	۲۶۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۲۲۰۵۸/۸۰	۱۳۷/۱۲	۳۸/۲۲	۲۶۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۱۰۷۷۲/۷۳	۱۴۳/۳۹		۲۶۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۲۸۵۸۵۵/۸۳	۱۲۹/۰۰	۸۱۷/۶۷	۲۶۹-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۷۱۲۰۰۹/۷۳	۱۳۰/۰۰	۱۵۴۷/۲۵	۲۶۹-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۰۹۹۹۹۶/۳۴	۱۳۳/۰۰	۵۳۱۹/۹۲	۲۶۹-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۲۰۱۵۳۹/۵۹	۱۳۷/۱۲	۱۷۱۶/۷۸	۲۶۹-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۳۲۴۸۳۱۰/۴۳	۱۴۳/۳۹	۲۵۲۰/۸۴	۲۶۹-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۳۴۰۷۹/۲۴	۱۲۹/۰۰	۷۹/۲۰	۲۷۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۱۵۸۶۰/۳۷	۱۳۰/۰۰	۲۶/۲۰	۲۷۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۷۶۷۷۱/۲۸	۱۳۳/۰۰	۱۵۴/۸۸	۲۷۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۴۱۳۳۸۳/۱۲	۱۳۷/۱۲	۸۲/۲۷	۲۷۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۶۶۹۵۹۲/۷۵	۱۴۳/۳۹	۳۳۲/۲۹	۲۷۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۴۹۸۵۲/۷۰	۱۲۹/۰۰	۱۳۱۰/۷۰	۲۷۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۳۶۱۵۸/۵۱	۱۳۰/۰۰	۶۱/۴۳	۲۷۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۱۸۰۳۲/۹۰	۱۳۳/۰۰	۳۰۳/۶۶	۲۷۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۶۷۴۰۳/۰۳	۱۳۷/۱۲	۷۰/۲۶	۲۷۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۵۷۱۷۷۷/۲۹	۱۴۳/۳۹	۱۷۱۷/۶۱	۲۷۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۸۵۴۸۴/۸۸	۱۲۹/۰۰	۱۲/۱۸	۲۷۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۹۰۸۷۳/۲۵	۱۳۰/۰۰		۲۷۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۰۶۲۲۷/۱۵	۱۳۳/۰۰		۲۷۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۲۳۴۰۴۸/۸۴	۱۳۷/۱۲	۱۶/۷۵	۲۷۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۹۸۰۰۶/۷۷	۱۴۳/۳۹	۱۴۱/۷۶	۲۷۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۱۹۱۴۳/۲۷	۱۲۹/۰۰		۲۸۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۴۲۵۴۴/۲۱	۱۳۰/۰۰	۱۲/۰۳	۲۸۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۱۰۱۸۰/۱۶	۱۳۳/۰۰	۲۸/۴۶	۲۸۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۴۹۷۱۸۸/۷۲	۱۳۷/۱۲	۳۸/۵۹	۲۸۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۵۶۴۳۶۵/۳۱	۱۴۳/۳۹	۴۶/۷۸	۲۸۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۴۵۰۱۶۸/۳۴	۱۲۹/۰۰	۳۳۱/۵۹	۲۸۹-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۴۲۹۵۲۱/۰۳	۱۳۰/۰۰	۱۲۱/۱۳	۲۸۹-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۹۴۶۲۶۰/۰۵	۱۳۳/۰۰	۲۲۸/۴۶	۲۸۹-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۹۹۱۶۴۰/۵۹	۱۳۷/۱۲	۴/۳۷	۲۸۹-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۰۲۷۳۰۸/۳۸	۱۴۳/۳۹	۴۴۴/۸۵	۲۸۹-۱۳۸۳

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۵۶۳۶۲/۰۵	۱۲۹/۰۰	۳۶/۹۹	۲۹۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۳۱۳۴۳/۶۳	۱۳۰/۰۰	۷۹/۹۰	۲۹۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۲۵۳۹۸/۹۶	۱۳۳/۰۰	۴۵/۱۲	۲۹۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۷۸۶۱۹/۲۵	۱۳۷/۱۲	۷۹۹/۴۲	۲۹۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۴۴۶۹۷۶/۷۳	۱۴۳/۳۹	۴۵۵/۳۴	۲۹۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۶۷۴۴۳/۰۳	۱۲۹/۰۰	۱۵۷/۹۶	۲۹۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۲۶۶۸۸/۹۸	۱۳۰/۰۰	۵۷۳/۰۲	۲۹۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۲۰۸۰۷/۸۳	۱۳۳/۰۰	۸۰/۴۹	۲۹۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۴۰۷۳۱۶/۷۴	۱۳۷/۱۲	۸۰۹/۶۱	۲۹۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۴۱۴۵۹۵/۰۵	۱۴۳/۳۹	۷۶۸/۹۳	۲۹۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۴۰۹۵۵/۹۳	۱۲۹/۰۰	۷۴/۴۱	۲۹۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۵۹۲۲۲/۸۹	۱۳۰/۰۰	۱۹۴/۱۶	۲۹۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۲۱۵۱۵/۴۰	۱۳۳/۰۰	۴۰/۲۴	۲۹۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۲۶۰۷۲۴/۵۱	۱۳۷/۱۲	۲۱۲/۶۰	۲۹۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۴۷۸۸۶/۴۷	۱۴۳/۳۹	۱۲۹/۰۰	۲۹۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۶۴۴۱۵/۳۲	۱۲۹/۰۰	۹/۱۴	۳۰۰-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۹۵۱۱۹/۸۹	۱۳۰/۰۰		۳۰۰-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۶۴۶۲۰/۳۷	۱۳۳/۰۰		۳۰۰-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۷۴۷۲۹/۲۶	۱۳۷/۱۲		۳۰۰-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۵۱۰۴۳/۸۲	۱۴۳/۳۹	۱۱/۹۱	۳۰۰-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۸۹۳۸۹/۱۷	۱۲۹/۰۰	۴۵/۶۹	۳۱۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۰۳۳۷۱/۱۰	۱۳۰/۰۰		۳۱۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۴۱۴۴۱/۷۸	۱۳۳/۰۰		۳۱۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۹۴۴۱۰/۱۵	۱۳۷/۱۲	۱۷/۱۱	۳۱۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۸۳۳۶۴/۹۴	۱۴۳/۳۹	۲/۵۵	۳۱۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۵۹۷۶/۶۷	۱۲۹/۰۰	۲/۱۸	۳۱۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۳۲۷۸/۹۷	۱۳۰/۰۰		۳۱۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۹۲۴۳۵/۵۱	۱۳۳/۰۰	۱۱/۷۹	۳۱۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۴۲۲۱۶/۲۲	۱۳۷/۱۲	۳/۲۸	۳۱۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۶۴۵۱۹/۴۴	۱۴۳/۳۹	۵۱/۸۹	۳۱۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۳۰۹۳۹/۷۰	۱۲۹/۰۰	۵۵/۲۷	۳۱۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۳۷۸۴۸/۳۵	۱۳۰/۰۰		۳۱۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۶۴۹۰۷/۰۵	۱۳۳/۰۰	۱۳۲/۱۱	۳۱۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۹۹۴۲۶/۲۷	۱۳۷/۱۲	۱۶/۰۲	۳۱۳-۱۳۸۲

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۴۰۵۴۴/۲۵	۱۴۳/۳۹	۱۷/۳۰	۳۱۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۳۳۳۷/۹۴	۱۲۹/۰۰		۳۱۴-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۴۳۳/۴۸	۱۳۰/۰۰		۳۱۴-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۸۴۸۴/۶۰	۱۳۳/۰۰		۳۱۴-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۶۶۲۰/۰۱	۱۳۷/۱۲		۳۱۴-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۵۰۳۱/۱۲	۱۴۳/۳۹		۳۱۴-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۴۹۵۵/۸۱	۱۲۹/۰۰	-/۰۰	۳۱۵-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۶۱۵۰/۵۰	۱۳۰/۰۰	۲۹/۲۱	۳۱۵-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۵۳۴۴۸/۰۴	۱۳۳/۰۰	۲۵/۶۱	۳۱۵-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۵۳۳۷۹/۳۳	۱۳۷/۱۲	۱/۰۹	۳۱۵-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۴۷۹۸۶/۷۲	۱۴۳/۳۹	۷/۳۷	۳۱۵-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۳۰۲۸۸/۵۸	۱۲۹/۰۰		۳۱۹-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۹۵۵۳/۶۵	۱۳۰/۰۰		۳۱۹-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۱۸۲۰/۳۷	۱۳۳/۰۰		۳۱۹-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۸۰۷۲/۰۷	۱۳۷/۱۲	۶۲/۲۵	۳۱۹-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۵۳۲۴۷/۵۷	۱۴۳/۳۹	۹/۰۷	۳۱۹-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۷۶۷۳/۳۰	۱۲۹/۰۰	۲۴/۳۷	۳۲۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۹۱۳۴/۷۶	۱۳۰/۰۰	-/۴۳	۳۲۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۸۸۹۳/۹۹	۱۳۳/۰۰	۲۰/۷۳	۳۲۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۳۸۱۵۱/۲۶	۱۳۷/۱۲	۱۱/۲۹	۳۲۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۳۵۲۰۷/۸۰	۱۴۳/۳۹	۶/۸۰	۳۲۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۱۸۲۸/۲۹	۱۲۹/۰۰		۳۲۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۴۲۱۰/۰۱	۱۳۰/۰۰		۳۲۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۱۱۳۰/۵۵	۱۳۳/۰۰		۳۲۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۱۴۲۲/۹۵	۱۳۷/۱۲		۳۲۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۳۶۲۷/۶۷	۱۴۳/۳۹		۳۲۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۳۳۰۹۰/۲۴	۱۲۹/۰۰		۳۲۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۶۵۳۱/۰۴	۱۳۰/۰۰		۳۲۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۲۲۰۲/۰۹	۱۳۳/۰۰		۳۲۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۱۲۳۶/۶۱	۱۳۷/۱۲		۳۲۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۵۷۶۶۲/۱۷	۱۴۳/۳۹		۳۲۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۷۶۰۷۱/۶۶	۱۲۹/۰۰	۲۸/۷۲	۳۳۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۷۵۰۳۴/۶۲	۱۳۰/۰۰	۵/۵۸	۳۳۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۲۱۲۵۵/۳۵	۱۳۳/۰۰	۱۱۱/۷۹	۳۳۱-۱۳۸۱

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۶۰۳۸۶/۴۴	۱۳۷/۱۲	۲۴۷/۱۸	۳۳۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۱۷۸۷۴/۷۸	۱۴۳/۳۹	۴۷/۰۷	۳۳۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۴۰۸/۴۷	۱۲۹/۰۰		۳۳۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۸۱۶/۳۱	۱۳۰/۰۰		۳۳۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۰۹۰/۸۶	۱۳۳/۰۰		۳۳۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۹۷۷۱/۴۶	۱۳۷/۱۲		۳۳۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۰۷۵۴/۳۵	۱۴۳/۳۹		۳۳۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۶۰۸/۲۵	۱۲۹/۰۰		۳۳۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۱۷/۰۲	۱۳۰/۰۰		۳۳۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۰۷۸۷/۴۷	۱۳۳/۰۰		۳۳۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۶۵۹۹/۸۱	۱۳۷/۱۲		۳۳۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۲۶۴/۷۳	۱۴۳/۳۹		۳۳۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۴۹۱/۶۱	۱۲۹/۰۰		۳۴۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷		۱۳۰/۰۰		۳۴۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۲۸۹/۸۲	۱۳۳/۰۰		۳۴۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۵۷۸۴/۷۳	۱۳۷/۱۲		۳۴۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۳۰۷۴/۲۲	۱۴۳/۳۹		۳۴۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۳۵۳۴/۱۹	۱۲۹/۰۰		۳۴۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۶۹۹۸/۵۷	۱۳۰/۰۰		۳۴۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۶۷۰۲/۳۵	۱۳۳/۰۰		۳۴۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۵۴۹۸۳/۴۰	۱۳۷/۱۲		۳۴۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۶۲۴۴۰/۱۷	۱۴۳/۳۹	۵۱/۰۳	۳۴۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۴۱۷۹۰/۴۲	۱۲۹/۰۰	۵۳/۰۹	۳۴۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۳۸۴۴۳/۴۹	۱۳۰/۰۰	۱۰/۷۴	۳۴۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۷۷۲۳۴/۴۶	۱۳۳/۰۰	۶/۹۱	۳۴۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۴۱۴۴۳۶/۲۳	۱۳۷/۱۲	۱۲۳/۰۴	۳۴۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۴۶۸۶۲۶/۶۲	۱۴۳/۳۹	۱۲۵/۸۹	۳۴۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۲۷۳۱/۹۲	۱۲۹/۰۰		۳۵۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۲۰۳۷۸/۲۵	۱۳۰/۰۰	۳/۴۴	۳۵۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۵۲۰۷/۸۳	۱۳۳/۰۰	۳/۲۵	۳۵۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۴۰۳۲۸/۵۹	۱۳۷/۱۲	۱۱۰/۳۰	۳۵۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۶۲۱۹/۴۶	۱۴۳/۳۹	-/۰۰	۳۵۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۲۳۸۰/۸۱	۱۲۹/۰۰		۳۵۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۱۳۹۱۹/۸۹	۱۳۰/۰۰		۳۵۲-۱۳۸۰

(EXM)	(PXW/PX)	(PS/WPI)*100	(WGDP)	(X/PX)*100	
نرخ ارز بازار آزاد	نسبت قیمت عمده‌فروشی به قیمت صادراتی	تولید واقعی	شاخص درآمد جهانی	صادرات واقعی	سال - کد
۸۰۱۹	۰/۳۶	۴۶۰۷/۸۳	۱۳۳/۰۰		۳۵۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۲۸۱۵۷/۸۹	۱۳۷/۱۲		۳۵۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۶۱۹۳/۵۶	۱۴۳/۳۹		۳۵۲-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰		۱۲۹/۰۰		۳۵۳-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷		۱۳۰/۰۰		۳۵۳-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۹۴۲/۵۶	۱۳۳/۰۰		۳۵۳-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۵۳۷۸/۳۸	۱۳۷/۱۲		۳۵۳-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۹۴۴/۷۴	۱۴۳/۳۹		۳۵۳-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۳۹۳۲۴/۲۳	۱۲۹/۰۰		۳۵۹-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۷۳۴۶۱/۵۲	۱۳۰/۰۰	۴۴/۲۴	۳۵۹-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۶۷۵۷۵/۴۶	۱۳۳/۰۰	۴۸/۷۸	۳۵۹-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۶۷۵۰۲/۶۱	۱۳۷/۱۲	۱۳۴/۳۳	۳۵۹-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۵۰۰۱۲۹/۹۰	۱۴۳/۳۹	۸۶/۱۹	۳۵۹-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۷۳۹۵۰/۵۸	۱۲۹/۰۰	۲/۱۸	۳۶۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۹۲۲۳۷/۴۸	۱۳۰/۰۰		۳۶۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۲۱۱۸۴۳/۳۴	۱۳۳/۰۰		۳۶۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۲۰۴۳۰۰/۶۲	۱۳۷/۱۲	۶/۱۹	۳۶۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۲۱۵۶۲۰/۰۷	۱۴۳/۳۹	۳۰/۹۰	۳۶۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۷۳۹۵۰/۵۸	۱۲۹/۰۰	۲/۱۸	۳۶۹-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۵۶۴۷۸/۹۷	۱۳۰/۰۰	۹۱/۴۹	۳۶۹-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۱۳۴۸۱۸/۸۰	۱۳۳/۰۰	۳۰۲/۰۳	۳۶۹-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۱۴۰۲۸۰/۷۰	۱۳۷/۱۲	۲۹۳/۷۸	۳۶۹-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۲۳۶۱۱/۳۸	۱۴۳/۳۹	۱۵۱/۱۲	۳۶۹-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰		۱۲۹/۰۰		۳۷۱-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷		۱۳۰/۰۰		۳۷۱-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶		۱۳۳/۰۰		۳۷۱-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۲۱۰۰/۵۲	۱۳۷/۱۲		۳۷۱-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۴۰۱/۳۶	۱۴۳/۳۹		۳۷۱-۱۳۸۳
۸۱۸۸	۰/۴۰	۱۶۲۰/۸۷	۱۲۹/۰۰		۳۷۲-۱۳۷۹
۸۰۰۸	۰/۳۷	۳۲۱۲/۰۲	۱۳۰/۰۰		۳۷۲-۱۳۸۰
۸۰۱۹	۰/۳۶	۳۳۴۳/۰۸	۱۳۳/۰۰		۳۷۲-۱۳۸۱
۸۳۲۳	۰/۳۵	۸۲۲۸/۰۷	۱۳۷/۱۲		۳۷۲-۱۳۸۲
۸۷۴۷	۰/۲۹	۱۲۱۸۶/۲۱	۱۴۳/۳۹		۳۷۲-۱۳۸۳

منابع و مأخذ

- ارشدی، وحید. «طرح بررسی و شناسایی موانع سرمایه‌گذاری در تولید (با رویکرد اصلاح قوانین در بخش صنایع کوچک و متوسط)»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.
- اژدری، علی‌اصغر. «بررسی ظرفیت‌ها و شناسایی اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در استان مازندران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰.
- اشرفی، یکتا. «برآورد تأثیرات سیاست‌های تجاری بر صادرات بخش صنعت»، فصلنامه پژوهش و سیاست‌های اقتصادی، سال دهم، شماره ۲۱، ۱۳۸۱.
- ایمانی‌راد، مرتضی. «نقش صنایع کوچک و متوسط در صادرات ایران»، تهران، وزارت صنایع و معادن (بخش صنایع کوچک و متوسط)، ۱۳۷۶.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). حساب‌های ملی ایران، حساب‌های فصلی ۱۳۶۷-۱۳۸۴.
- _____. خلاصه تحولات اقتصادی کشور، سال‌های ۱۳۸۲ - ۱۳۸۵، گروه صنایع و معادن، مرداد ماه ۱۳۸۶.
- _____. «نماگرهای اقتصادی»، شماره‌های ۳۶ و ۴۶.
- _____. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۸۴.
- پسران، هاشم. «جایگاه اقتصاد ایران در جهان، توسعه صادرات و رشد»، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۱، ۱۳۸۴.
- پیراسته، حسین و فرزاد کریمی. «ارزیابی ظرفیت‌های ایجاد اشتغال در برنامه سوم توسعه»، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۲۲، ۱۳۸۱.

پیراسته، حسین و مرتضی سامتی. «تحلیلی پیرامون عوامل مؤثر بر صادرات کالاهای صنعتی در ایران»، فصلنامه پژوهش و سیاست‌های اقتصادی، سال نهم، شماره ۲۰، ۱۳۸۰.

«بنگاه‌های کوچک و متوسط در آلمان»، تدبیر، سازمان مدیریت صنعتی، شماره ۱۴۵، ۱۳۸۳.

«جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در کانادا»، تدبیر، سازمان مدیریت صنعتی، شماره ۱۳۰، ۱۳۸۱.

«نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در اندونزی، مالزی، تایوان و کره جنوبی»، تدبیر، سازمان مدیریت صنعتی، شماره‌های ۱۳۷-۱۳۹ و ۱۴۱، ۱۳۸۲.

خاکی، غلامرضا. «مقایسه سیستم‌های اطلاعاتی در صنایع کوچک و متوسط»، مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، ۱۳۷۲. خسروی، حسن. «توسعه صنایع کوچک»، مجموعه مقالات سمینار نقش و جایگاه واحدهای کوچک صنعتی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، ۱۳۷۲.

زولتان، جی اکس و دیگران. نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن، ترجمه جهانگیر مجیدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۸۳.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، گزارش شماره ۱۶، ۱۳۸۲.

_____. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴ - ۱۳۸۸)، چاپ ششم، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۴.

_____. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳)، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰.

_____. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج‌ساله برنامه سوم توسعه، جلد اول: حوزه‌های فرابخشی، فصل تجارت خارجی، ۱۳۸۴.

_____. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج‌ساله برنامه سوم توسعه، جلد سوم: حوزه‌های بخشی (قسمت دوم)، فصل صنعت و معدن، ۱۳۸۴.

شاکری، عباس. «ارائه یک مدل صادرات غیرنفتی برای ایران»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی ایران، شماره ۲۱، ۱۳۸۳.

شرکت شهرک‌های صنعتی ایران، اسناد راهبردی جهت ارتقای کمک‌های مؤثر و رقابتی در بخش

- صنایع کوچک و متوسط، سمینار مشترک شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و دفتر نمایندگی یونیدو در ایران، ۱۳۸۲.
- عسگری، منصور. «تأثیر سیاست‌های تجاری و ارزی بر بخش صنعت ایران»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.
- کی‌مرام، فرید و همکاران. نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی، جلد اول، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۳.
- لوح‌حق، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
- «به‌سوی رشد بهره‌وری»، ماهنامه اقتصاد ایران، سال هشتم، شماره ۸۰، ۱۳۸۴.
- «شاخص درجه آزادی اقتصادی»، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ترجمه حسین شیخانی، شماره ۱۱، ۱۳۸۴.
- مرکز آمار ایران. خلاصه آمار کارگاه‌های صنعتی کمتر از ده نفر کارکن، سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۱.
- _____. «سالنامه آماری کشور (۱۳۸۴)»، تهران، مرکز آمار ایران (دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی)، ۱۳۸۵.
- _____. «نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور برای سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۸۳»، اطلاعات ارسالی به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌موجب درخواست شماره ۳۵۱۱ مورخ ۱۳۸۶/۵/۹.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، نقش خوشه‌سازی در افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط با محوریت توسعه بازاریابی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- مولایی، محمد. «بررسی عوامل مؤثر بر سود صنایع کوچک در ایران»، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۱، ۱۳۸۳.
- «بررسی بهره‌وری در اقتصاد ایران»، نشریه روند، سال شانزدهم، شماره ۴۹، ۱۳۸۵.
- «SME‌های ژاپن» (قسمت ششم)، ترجمه تهمینه مولانا، نشریه کارآفرینان/امیرکبیر، شماره ۲۱، ۱۳۸۶.
- نیلی، مسعود و همکاران. خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۲.
- وزارت صنایع و معادن. «عملکرد تفصیلی سال‌های ۱۳۸۰ - ۱۳۸۲ وزارت صنایع و معادن»، تهران، وزارت صنایع و معادن (معاونت برنامه‌ریزی، توسعه و فناوری).
- _____. «سند راهبرد توسعه صنعتی کشور (۱۳۸۵-۱۴۰۴)»، تهران، وزارت صنایع و معادن.

برنامه‌ریزی)، توسعه و فناوری، ۱۳۸۶.

وزارت کار و امور اجتماعی. «گزارش عملکرد استان‌های کشور در خصوص آیین‌نامه بنگاه‌های زودبازده»، ۱۳۸۵.

هادی‌زنوز، بهروز. *تجربه سیاست‌های صنعتی در ایران (۱۳۷۴-۱۳۸۰)*، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.

یونیدو، *استراتژی افزایش مشارکت مؤثر و رقابتی بخش صنایع کوچک و متوسط*، ترجمه عبدالرضا شقاقی و مسعود شفیعی، چاپ اول، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۸۴.

Bahmani-Oskooeei, Taggart J.B. *A Cointegration Approach to Estimating Bilateral Trade Elasticities Between the U.S. and Her Trading Partners*, 2002.

Behar, Alberto and Lawrence Edwards, *Estimating Elasticities of Demand and Supply for South African Manufacturing Exports Using a Vector Error Correction Model*, the Center for the Study of African Economics, Working Paper Series, P. 204, 2004.

Bonccorsi, A. "On the Relationship Between Firm of and Export Intensity", *Journal of International Studies*, 23, 1992.

Calof, J.L. *The Impact of Size Internationalization*, *Journal of Small Business Management*, 31, 1994.

Dhanani, Shafiq, *Indonesia: Strategy for Manufacturing Competitive Ness*, Vol 2, UNDPUNIDO Project. No.Nc/Ins/99/004, 2000.

Edwards, S. Real and Monetary Determinants of Real Exchange Rate Heavier, *Journal of Development Economics*, 29, 1998.

Fraser Institute, *Economic Freedom of the World; 2006 Annual Report*, site: www.fraserinstitute.ca, 2007.

Giorgianni, L. and G.M.Milesi Ferratti. *Determinants of Korean Trade Flows and Their Geographical Destination*, IMF working paper, wp/9/54, 1997.

Goldestein, Morris and Mohsin S. khan. *Income and Price Effects in Foreign Trade*, Hand Book of International Economics, Edition 1, vol 2, Chapter 20, pp. 1041-1105, 1985.

Goldestein, Morris and Mohsin S. khan, *Large Versus Small Price Changes and Demand for Imports*, IMF staff paper, No, 30, 1976.

Goldestein, Morris and Mohsin S. khan, *The Supply and Demand for Exports: A Simultaneous Approach*, "Review of Economics and Statistics", 60 (2), 1978.

Gregory, G. *Korean SMEs in The Wake of the Financial Crisis: Strategies*,

- Constraints, and Performance in A Global Economy*, International Council for Small Business 74th World Conference, ICSB050.(site: www.sbaer.uca.edu), 2002.
- Hemphill. W, *The Effects of Foreign Exchange Receipts on Imports of Less Developed Countries*, IMF staff paper, No 21, pp. 632-677, 1979.
- Jayantakumaran, Kankesu. *The Impact of Trade Liberalization on Manufacturing Sector Performance in Developing Countries: A Survey of the Literature*, University of Wollongong, Working Paper Series, Wp 02-07, 2002.
- Arus J. R. *The Short – Run Effects of Domestic Demand Pressure on British Export Performance*, IMF Staff Paper, Vol.Xvii, PP. 247-275, 1970.
- Khan S. Mohsin, *Import and Export Demand in Developing Countries*, IMF Staff Paper, PP. 125-147, 1974.
- Korean Federation of Small Business, *The Status of Korean SMEs*, at: www.kfsb.or.kr, 1998.
- Ministry of International Trade and Industry (MITI) and Small and Medium Enterprise Agency, *Census of Japanese Establishments*, 2001.
- Moen,O. "The Relationship Between Firm Size, Competitive Advantages and Export Performance", *International Small Business Journal*, 18, 1999.
- Schumacher.E.F, *Small Is Beautiful*, New york, 1973.
- Small and Medium Enterprise Administration, *Taiwan SME Policy Formulation and SME Development*, 2006.
- OECD Promoting Entrepreneurship and Innovative SMEs in a Global Economy, Second OECD Conference for SMEs, Turkey, at: www.oecd.org, 2004.
- The Heritage Foundation 2007 Index of Economic Freedom. at: www.Heritage.org, 2007.
- UNCTAD World Investment Report 2006:FDI from Developing and Transition Economies, Chapter 1-3 & Annex A,B, PP: 6-317. at: www.unctad.org, 2007.
- UNIDO: *Monitoring Global Industrial Activity: Industrial Development Report 2005*, PP. 130-173.
- UNIDO: *Global Industrial Activity: Industrial Development Report 2004*, PP. 139-155
- UNIDO: *Global Industrial Activity: Industrial Development Report 2002/2003*, PP. 28-33.
- Wen Hu.M. SMEs and Economic Growth: Evidence From Taiwan, International Council for Small Business 48th World Conference, ICSB 193. at: www.sbaer.uca.edu, 2003.

World Bank (2007): *World Development Indicators 2005*.

World Bank (2006): *World Development Indicators 2004*.

W.T.O (2007), *World Report 2006*.